بسم الله الرحمن الرحیم

عربی، زبان قرآن (۱)

علوم و معارف اسلامی

راهنمای معلّم

پایهٔ دهم

دورهٔ دوم متوسطه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: راهنمای معلّم عربی، زبان قرآن (۱) پایهٔ دهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۰۳۹۰
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: فرزانه لبّافی (مؤلف)ـ گروه حکمت و معارف اسلامی
آماده سازی و نظارت برچاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ جواد صفری (مدیر هنری) ـ رضوان جهانی فریمانی (صفحه‌آرا) ـ فاطمه سادات مهدوی مقدم، نیلوفر حکیم جوادی، فاطمه صغری ذوالفقاری، مرضیه اخلاقی و سیما لطفی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۵

کلیهٔ حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلّق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیهٔ فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوّز، ممنوع است و متخلّفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۴ـ۵ـ۹۸۰۵ـ۰۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸
ISBN: 978_964_05_9805 _ 4

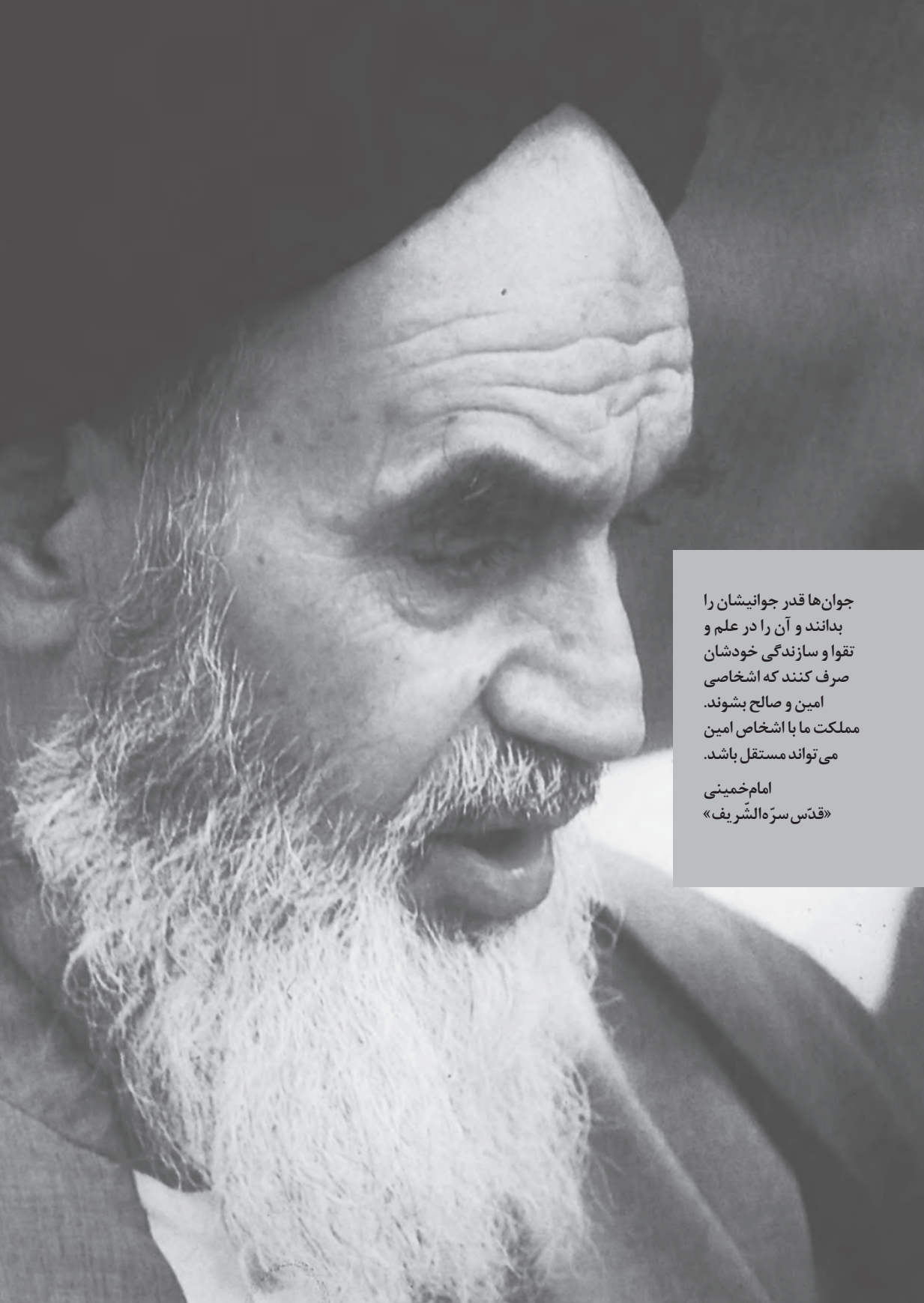

جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تقوا و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
مملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.

امام‌خمینی
«قدّس سرّه‌الشّریف»

فهرست

مقدمه ۲
اهداف برنامه درسی عربی ۳
روش‌ها و منابع یاددهی ــ یادگیری ۴
طرح درس ۵
بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی ۱۲
توضیحات مشترک در تدریس عربی پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها ۲۱
بودجه پیشنهادی ترم اول ۲۲
درس اول ۲۸
او همان خداست! ۳۰
موضوعات درس اول ۳۲
دانستنی‌های دبیر ۳۷
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۳۹
تمارین ۳۹
گفت‌وگو(آشنایی با یکدیگر) ۴۱
درس دوم ۴۲
هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ۴۴
موضوعات درس دوم ۴۶
دانستنی‌های دبیردر ابواب ثلاثی مزید ۵۲
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۵۳
تمارین ۵۴
گفت‌وگو «در فرودگاه» ۵۶
درس سوم ۵۷
باران ماهی ۵۸
موضوعات درس سوم ۶۰
اشتباهات رایج در تشخیص باب‌ها و راهکار ۶۲
دانستنی‌های دبیر درباره ابواب ثلاثی مزید ۶۴
دانستنی‌های دبیر درباره معانی ابواب ۶۹
تمارین ۷۱
گفت‌وگو (در بخش گذرنامه‌ها) ۷۳
درس چهارم ۷۴
آثار جذّاب ۷۵
موضوعات درس چهارم ۷۷
دانستنی‌های دبیر دربارهٔ مونث ۸۲

اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار ۸۳
دانستنی‌های دبیر دربارهٔ تعداد اسم ۸۶
اشتباهات رایج دانش آموزان و راهکار ۸۷
تمارین ۸۷
گفت‌وگو (در سالن بازرسی در گمرک) ۹۱
درس پنجم ۹۲
«این، آفرینش خداوند است» ۹۴
موضوعات درس پنجم ۹۷
دانستنی‌های دبیر ۱۰۱
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۰۲
تمارین ۱۰۳
گفت‌وگو (همراه با راننده تاکسی) ۱۰۵
درس ششم ۱۰۶
شگفتی‌های مخلوقات ۱۰۸
موضوعات درس ششم ۱۱۰
دانستنی‌های دبیر در باب ضمایر ۱۱۴
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۱۶
تمارین ۱۱۸
گفت‌وگو (همراه با مسئول پذیرش) ۱۲۱
بودجه‌بندی پیشنهادی ترم دوم ۱۲۲
نمونه سؤال امتحانی نوبت دوم ۱۲۶
درس هفتم ۱۳۱
به سه کس رحم کنید! ۱۳۳
موضوعات درس هفتم ۱۳۴
دانستنی‌های دبیر ۱۳۹
اشتباه رایج دانش‌آموزان در باب ظروف مبنی و راهکار ۱۴۰
تمارین ۱۴۰
گفت‌وگو (همراه با مدیر خدمات داخلی هتل) ۱۴۳
درس هشتم ۱۴۴
ای کسی که شگفتی‌هایش در دریاست ۱۴۵
موضوعات درس هشتم ۱۴۸
دانستنی‌های دبیر در باب فاعل ۱۵۲
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۵۳

تمارین ۱۵۳
گفت‌وگو (خریدن سیمکارت تلفن همراه) ۱۵۵
درس نهم ۱۵۶
صنعت تلمیع در ادبیات فارسی ۱۵۸
موضوعات درس نهم ۱۶۰
دانستنی‌های دبیر در باب تقدّم مفعول به ۱۶۱
دانستنی‌های دبیر در باب فعل لازم و متعدی ۱۶۴
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۶۴
تمارین ۱۶۵
گفت‌وگو (همراه پزشک) ۱۶۸
درس دهم ۱۶۹
لیلة‌المبیت (شب بیتوته) ۱۷۱
موضوعات درس دهم ۱۷۲
دانستنی‌های دبیر ۱۷۵
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۷۶
تمارین ۱۷۶
گفت‌وگو (در داروخانه) ۱۷۹
درس یازدهم ۱۸۰
و از آب، هر چیز زنده ای را قرار دادیم ۱۸۲
موضوعات درس یازدهم ۱۸۳
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۸۶
دانستنی‌های دبیر ۱۸۷
تمارین ۱۸۸
گفت‌وگو «در بازار» ۱۹۱
درس دوازدهم ۱۹۲
مناجات و دعا ۱۹۴
موضوعات درس دوازدهم ۱۹۵
دانستنی‌های دبیر ۱۹۶
اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار ۱۹۷
تمارین ۱۹۷
گفت‌وگو (در ورزشگاه) ۲۰۰
منابع و مآخذ دانش‌افزایی ۲۰۱

بخش اول

کلیات برنامه درسی عربی زبان قرآن (۱)

کلیات

مقدمه

سیستم آموزشی کشور در راستای پرورش استعدادهای فرزندان این سرزمین با تشکیل گروه‌های متخصص، کتاب‌های درسی را طراحی کرده است. دبیران عزیز لازم است در هر درسی اوّلاً از اهداف آن ماده درسی آگاه باشند ثانیاً با افزایش اطلاعات علمی و مهارت افزایی در زمینه فنون دبیری و تکنولوژی آموزشی، سطح خود را ارتقا دهند تا در انجام هرچه بهتر رسالت دبیری توفیق یابند و بتوانند در رشد و پیشرفت فراگیران، نقش خود را به خوبی ایفا کنند.

خداوند در همه افراد بشر استعدادها و توانمندی‌هایی قرار داده است امّا این، لزوماً بدان معنا نیست که همه افراد دارای استعدادهای یکسان هستند، به عبارتی هر دانش‌آموز ممکن است در بعدی از ابعادِ هوش، توانمند باشد؛ یکی دارای هوش بصری است یکی سمعی یکی جنبشی ــ حرکتی و... خوب است دبیر در فرایند آموزش، تلاش کند دانش‌آموزان را با هوش‌های مختلف درنظر بگیرد و روش تدریس خود را به‌صورت یکنواخت قرار ندهد چراکه باعث می‌شود یک عده خوب یاد بگیرند و عده‌ای دیگر دچار ضعف باشند.

درس عربی یکی از دروس بسیار مهم است که اگر روش‌های مفید و جذاب در آموزش آن به‌کار نرود، باعث دلزدگی و عدم اشتیاق دانش‌آموزان می‌شود. از سویی این درس در رشته معارف یکی از دروس تخصصی است لذا نیازمند اطلاعات دقیق‌تر شما دبیران عزیز می‌باشد.

در این کتاب، سعی بر این است که یک الگوی پیشنهادی و کلی ارائه شود تا از سویی با در دست داشتن ترجمه‌ها و تمارین، اختلافات میان دیدگاه دبیران به حداقل برسد و یک وحدت رویه ایجاد شود. از سوی دیگر بتوانید با بهره بردن از نکات کتاب، طرح درس و برنامه‌ریزی مناسبی برای کلاس‌هایتان داشته باشید تا بتوانید به رشد علم در دانش‌آموزان کمک کنید.

پیشنهاد می‌کنیم حتماً پیش از برنامه‌ریزی‌هایتان «سخنی با دبیر» که ابتدای کتاب درسی آمده است را مطالعه فرمایید و از نکاتش استفاده نمایید.

در این کتاب سعی کردیم معلم را در کلاس تنها نگذاریم و برای افزایش اعتماد به نفس

ایشان، در هر درس علاوه بر بیان هدف کلی، اهداف جزئی و انتظارات عملکردی، به معلم به‌عنوان یک تسهیل‌گر یادگیری، می‌گوییم که دانش‌آموز چطور یاد می‌گیرد، کجا ممکن است گیر کند و معلم چطور می‌تواند یادگیری را فعال، معنادار و پایدار کند؛ لذا در هر درسی با عناوین «پیشنهادات آموزشی در ترجمه دروس»، «مرور مفاهیم اصلی درس»، «اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار» و «دانستنی‌های دبیر» روبه‌رو می‌شویم. در نهایت به تمارین نیز پاسخ داده می‌شود.

اهداف برنامه درسی عربی

هر انسانی برای رشد و تعالی معنوی لازم است هرچه بیشتر، ارتباطش را با حضرت حق مستحکم گرداند. تعالی انسان در گرو ارتباط با خداوند است. از آنجا که زبان دین ما عربی است و خداوند با این زبان با بشر به گفت‌وگو پرداخته است، آشنایی با آن می‌تواند راه رشد را برای ما هموار کند.

مهم‌ترین هدف در هر کسب علمی، نزدیکی انسان به پروردگار جهانیان است. در درس عربی نیز مهم‌ترین هدف ما این است که دانش‌آموز با یادگیری‌اش، به طور ویژه زبان قرآن، نماز، ادعیه، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را بفهمد و در راستای اعتلای روحی خود و رسیدن به حیات طیبه از آن بهره گیرد.

معمولاً در آموزش زبان عربی، اهداف کلّی (هدف‌های آموزشی کلان)، توسعه قابلیت‌های زبان عربی در چهار مهارت اصلی : شنیداری، گفتاری، خوانداری و نوشتاری است ولی با توجه به محدودیت در زمان ارائه این درس، قطعاً چنین هدفی به‌طور کامل و دقیق محقق نخواهد شد اما می‌توانیم با روش‌های صحیح در این راستا گام برداریم و تا حدّی به آن نزدیک شویم.

دیگر اهداف آموزشی کلان در آموزش عربی :

۱ توانایی فهم متن‌های عربی مرتبط با علوم اسلامی، ادبیات عربی، فرهنگ عربی و متون دینی و اسلامی‌با برداشت مفاهیم اصلی و جزئی.

۲ گسترش واژگان تخصصی و عمومی‌عربی به‌ویژه واژگان مرتبط با علوم و معارف اسلامی.

۳ تقویت درک قواعد صرفی و نحوی به‌گونه‌ای که خوانش متن‌ها را ساده‌تر کند و به ترجمه و بازتولید صحیح کمک کند.

۴ تقویت مهارت ترجمه متن‌های عربی به فارسی با حفظ نکات دستوری.

۵ توسعه آگاهی فرهنگی و دینی از فرهنگ عربی و جهان اسلام، با محوریت متون درسی و ارتباط آن با اصول اسلامی.

۶ ترویج ارزش‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری علمی‌و اخلاق پژوهشی در فرایند یادگیری زبان عربی.

قطعاً در سطح متوسطه نمی‌توانیم تمام این اهداف و ظرافت‌های زبان عربی را آموزش دهیم ولی می‌توانیم تا حدودی کمک کنیم که دانش‌آموز، عبارات کوتاه و ساده را درک کند. او می‌تواند در صورت علاقه‌مندی، در دورهٔ دانشگاه با انتخاب رشتهٔ ادبیات عرب به کسب مهارت‌های زبانی بیشتر در این رشته بپردازد امّا لازم است ما زمینه‌ها و پیش‌نیازها را فراهم کنیم؛ البته در بسیاری از دروس دانشگاهی که مورد علاقه دانش‌آموزان رشته معارف است[1]، زبان عربی در حکم پایه و درس اختصاصی می‌باشد؛ پس لازم است با آموزشی شایسته، زمینه‌های موفقیت این عزیزان در دیگر سطوح علمی‌را هموار گردانیم.

در پایان آموزش کتاب دهم انتظار می‌رود دانش‌آموز علاوه بر فهم عبارات کوتاه و متوسط، بتواند درست بخواند و ترجمه مطلوبی ارائه دهد و از حفظ خشک قواعد صرفی و نحوی عبور کرده، به معنا و مفهوم عبارات برسد و قواعد را در خدمت فهم متن ببیند.

لازم است دانش‌آموز در پایان این کتاب، مطالب صرفی و نحوی مدنظر را خوب یاد گرفته باشد؛ به‌طور مثال در بخش صرف، اسم را از جهت جنس، تعداد، تعریف و تنکیر، معرب و مبنی بشناسد. فعل را نیز از جهت زمان، صیغه، ثلاثی مجرّد و مزید، باب (درصورت مزید بودن)، لازم و متعدّی، معلوم و مجهول، معرب و مبنی بشناسد.

در بخش نحو شناخت جمله از نظر اسمیه و فعلیه بودن بسیار حائز اهمیت است و در ذیل آن باید این نقش‌ها را در جمله پیدا کند :

«مبتدا، خبر، فعل، فاعل، نایب فاعل، مفعول‌به، جار و مجرور، مضاف‌الیه و صفت»

روش‌ها و منابع یاددهی ــ یادگیری

آموزش زبان عربی نیازمند ظرافت‌های خاص دبیری است. یک دبیر با استفاده از ابزارهای

۱ــ نظیر رشته‌های فلسفه اسلامی، فقه و حقوق اسلامی، علوم قرآن و حدیث و....

مختلف آموزشی می‌تواند همه دانش‌آموزان را با هوش‌های چندگانه جذب کند و آموزش مطلوبی به آنها دهد. از سویی لازم است سطح علمی‌و فنی خود را نیز ارتقا دهد.

در پیش گرفتن روش مناسب مستلزم شناخت پیدا کردن از جمع دانش‌آموزانِ کلاس است. سعی کنید از همان جلسه اوّل از دانش‌آموزان بخواهید خودشان را به زبان عربی معرفی کنند و هرچقدر که می‌توانند از علاقمندی‌های خود سخن بگویند. لازم نیست تمام جمله بندی آنها بدون خطا و کامل باشد بلکه همین تلاش، ارزشمند است ضمن اینکه میزان استعداد و توانمندی دانش‌آموزان را به شما نشان می‌دهد.

از سویی با در دست داشتن طرح درس مناسب و بودجه‌بندی خوب، روش‌های شایسته‌ای را اتخاذ کنید. قرار نیست که روش‌های ما صرفاً در خدمت انتقال دانش باشد بلکه باید به تولید علم از سوی دانش‌آموز و خلاّق شدنِ او یاری رساند. بهترین روش‌ها، آنهایی هستند که از راه تعامل دبیر و دانش‌آموز و به‌صورت دو طرفه انجام می‌شوند و باید به نحوی چینش شوند که آموزش فعال، پرورش مهارت‌های زبانی و افزایش مهارت درک مطلب محقق گردد.

دبیران گرامی! لازم است خود را از نظر تکنولوژی‌های آموزشی به روز کنیم و بدانیم از چه روش‌ها و کارهایی می‌توان برای هرچه بهتر ارائه کردن کلاس استفاده کرد؛ چراکه شغل شریف دبیری، آمیخته با دلسوزی‌های بجا برای آموزش خوب و مفید می‌باشد.

طرح درس

ضرورت و اهمیت طرح درس برای دبیر

طرح درس عبارت است از اینکه دبیر برای هر درس، اهداف کلی و جزئی تعیین نموده، برای آموزش هرکدام از آنها، برنامه‌ریزی و زمان‌بندی مشخصی در نظر بگیر و ترتیب و چینش مباحث را ترسیم نماید تا به اهداف مطلوب برسد. اهمیت و ضرورت طرح درس‌نویسی را در موارد زیر می‌توان برشمرد :

۱ طرح درس کمکی به دبیر برای همسو کردن محتوای آموزش، روش‌ها و ارزیابی با اهداف آموزشی است.

۲ سازمان‌دهی و صرفه‌جویی در زمان کلاس از مزایای دیگر طرح درس نویسی است؛ زیرا

با طرح درس مشخص، می‌توانیم هر جلسه را با فعالیت‌های مشخص و زمان‌بندی معین اجرا کنیم و از سردرگمی جلوگیری نماییم.

۳ یکپارچگی فرایند یادگیری حاصل طرح درس‌نویسی است. طرح درس ارتباط بین محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزیابی را روشن می‌کند و کلاس را با رویکردی منسجم هدایت می‌کند.

۴ پشتیبانی از تفاوت‌های فردی؛ در طرح درس می‌توان شیوه‌های تفاوت‌گذاری، منابع افزودنی و روش‌های ارزشیابی متنوع را گنجانید تا به نیازهای دانش‌آموزان با توانایی‌های مختلف پاسخ داده شود.

۵ بازخورد و بهبود مستمر؛ از طریق ارزیابی‌های فرایندی و بازخوردهای دبیری، می‌توان نقاط ضعف را شناسایی و طرح درس‌های آینده را بهبود داد.

۶ شفافیت و پاسخ‌گویی حرفه‌ای؛ طرح درس ماندگار به‌عنوان سند آموزشی، کادر آموزشی، مدیران و والدین را از نحوه آموزش و معیاری که برای اندازه‌گیری یادگیری در نظر گرفته می‌شود مطلع می‌کند.

۷ صرفه‌جویی در منابع و هم‌افزایی با همکاران؛ قالب‌های مشترک طرح درس کار گروهی دبیران را ساده‌تر می‌کند و امکان تقسیم وظایف و اشتراک منابع را فراهم می‌کند.

ساختار معمول و شیوه نگارش طرح درس

یک طرح درس استاندارد معمولاً به صورت یک سند آموزشی با بخش‌بندی مشخص نوشته می‌شود. قالب رایج طرح درس شامل موارد زیر است : ۱ــ مشخصات و پیش‌نیازها ۲ــ عنوان درس ۳ــ پایه و مقطع تحصیلی ۴ــ واحد درسی ۵ــ موضوع و زیرعنوان ۶ــ مدت زمان تقریبی جلسه یا واحد ۷ــ تاریخ ۸ــ فصل‌های مرتبط ۹ــ پیش‌نیازهای دانش و مهارت لازم ۱۰ــ منابع و مواد آموزشی (کتاب درسی، منابع مکمل، فناوری‌های آموزشی) ۱۱ــ اهداف آموزشی کلان و جزئی (هدف کلان : دستاورد کلی یادگیری که در انتهای واحد باید حاصل شود. اهداف جزئی : سه تا شش هدف کوتاه‌مدت که شامل جنبه‌های شناختی، مهارتی و روانی ــ اجتماعی می‌شود.) ۱۲ــ فرایند تدریس و ارزشیابی شامل : محتوا و مفاهیم کلیدی : نکات اصلی که دانش‌آموز باید یاد

بگیرد، روش‌های تدریس و رویکردهای آموزشی : توضیحی، پرسش‌محور، کار گروهی، یادگیری مبتنی بر پروژه، تفکر نقاد و غیره، فعالیت‌های یادگیری : گام‌های عملی کلاس (ورودی، میانه درس، بخش چرخش‌های فعالیتی)، منابع و ابزار : کتاب درسی، پاورپوینت، ویدیو، کارگاه‌های عملی، مواد چاپی و دیجیتال، ارزشیابی یادگیری : انواع آزمون‌ها و شواهد یادگیری یا معیارهای ارزیابی برای هر هدف، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها (کوئیزها، پروژه‌ها، پاسخ‌های شفاهی، تکالیف نوشتاری).

نکات کلیدی در نگارش طرح درس

۱ــ روشن و قابل فهم بودن زبان : از افعال عملی و عبارات مشخص استفاده کنید تا همکاران و دانش‌آموزان دقیقاً بدانند چه اتفاقی می‌افتد.

۲ــ همسویی با استانداردها : طرح درس باید با استانداردهای آموزشی، واحدهای کتاب و اهداف آموزشی مدرسه هماهنگ باشد.

۳ــ جامعیت ولی با فضای مدیریت‌پذیری : طرح باید همه جنبه‌های کلان یادگیری را پوشش دهد، اما به اندازه کافی مختصر باشد تا قابل اجرا باشد.

۴ــ تفکر نقاد و تفاوت‌گذاری : به جنبه‌های تفکر نقاد، پژوهش واقعی و تعامل با منابع اسلامی‌و فرهنگی توجه کنید و برای تفاوت‌های فردی راهکار داشته باشید.

۵ــ ارزیابی همسان و عادلانه : روش‌های ارزیابی باید به اندازه کافی متنوع و عادلانه باشد و برای هر هدف شاخص معیاری داشته باشد.

۶ــ تداوم و بازخورد : طرح درس باید قابلیت تکرار در واحدهای بعدی را داشته باشد و با بازخورد از همکاران یا دانش‌آموزان بهبود یابد.

یک نمونه طرح درس پیشنهادی

عنوان واحد	**عربی زبان قرآن (۱)**	
پایه و رشته	**پایه دهم/ رشته علوم و معارف اسلامی**	
تاریخ اجرا	...../...../.....	مدت زمان برگزاری : ۴ جلسه ۷۵ دقیقه‌ای
شماره درس	درس دوم	موضوع : ابواب ثلاثی مزید

پیش‌نیازها	ـ آشنایی با فعل‌های ثلاثی مجرد ـ تسلط بر صرف فعل ماضی، مضارع و امر ـ شناخت صیغه‌ها ـ شناخت حروف اصلی و ریشه افعال
منابع و مواد آموزشی	کتاب درسی/استفاده از کدهای رمزینه در کتاب درسی و فیلم‌های موجود در آن/ پاورپوینت
اهداف آموزشی	
هدف آموزشی کلان	انتظار می‌رود دانش‌آموزان بتوانند ساختارهای مختلف ثلاثی مزید را در قالب روشمند شناسایی کنند، تفاوت‌های آن‌ها را در متن‌های واقعی و به‌طور خاص قرآن و ادعیه، تحلیل و ترجمه نمایند.
اهداف جزئی	**❊ اهداف مرتبط با ترجمه متن درس** **۱ــ واژگان** : دانش‌آموزان حدود ۴۵ واژه کلیدی و ترجمه صحیح آنها در جمله را یاد گرفته، معنی کنند. **۲ــ ترجمه متن** : دانش‌آموزان بتوانند ترجمه روان و دقیق از متن درس ارائه دهند با توجه به همه ظرافت‌های ترجمه که تاکنون خوانده‌اند به ویژه توجه به افعال ثلاثی مزید. **۳ــ فهم متن** : دانش‌آموزان بتوانند به ۵ سؤال تفهیمی‌درباره متن به‌صورت پاسخ کوتاه، جواب دهند. **❊ اهداف نحوی و ساختاری** **۱ــ آشنایی و شناخت** : دانش‌آموزان بتوانند انواع مختلف فعل‌های ثلاثی مزید را شناسایی کنند. **۲ــ شکل‌گیری مهارت تشخیصی** : دانش‌آموزان با تمرین‌های تحلیلی، بتوانند الگوهای صرفی و ساختاری هر نوع ثلاثی مزید را در متن‌های عربی استخراج کرده و مشخص کنند. **۳ــ ترجمه متن** : دانش‌آموزان بتوانند جملات و متن‌های کوتاه را با استفاده از افعال ثلاثی مزید ترجمه نمایند، و تفاوت‌های معنایی و دستوری آنها را در صیغه‌های مختلف بشناسند. **۴ــ کاربرد در متن‌های تخصصی** : دانش‌آموزان بتوانند در متون قرآنی، نهج‌البلاغه، ادعیه و صحیفه سجادیه کاربردهای صحیح ثلاثی مزید را در نمونه‌های واقعی نشان دهند. **❊ اهداف مرتبط با حوار و گفت‌وگو** **۱ــ توسعه واژگان کاربردی در حوار** : دانش‌آموزان لغات پرکاربرد موجود در متن حوار را به‌خوبی یاد بگیرند و به‌خاطر بسپارند. **۲ــ ایجاد مکالمات ساده در شرایط واقعی** : توانایی برقراری گفت وگوهای کوتاه و مؤثر، مثل معرفی خود، سلام و خداحافظی و ابراز احساسات بدون نیاز به ترجمه ذهنی. **۳ــ افزایش اعتماد به نفس در گفت‌وگو** : رفع ترس و اضطراب در شرکت در گفت‌وگوهای روزمره از طریق تمرین‌های گروهی، سناریوهای نقش‌آفرینی و بازی‌های تعاملی. **۴ــ یادگیری نحوه شروع، ادامه و پایان گفت‌وگو** : ساختن جملات و سؤالات برای شروع گفت‌وگو، حفظ جریان گفت‌وگو، و خاتمه صحیح آن با اصطلاحات مرسوم. **۵ــ تمرین واکنش در پاسخ‌های سریع** : توسعه مهارت پاسخ‌دهی سریع و طبیعی به سؤالات و اظهارنظرهای طرف مقابل در حالت‌های مختلف.

روش‌ها و فعالیت‌های تدریس	**جلسه اول :** **شروع (ورودی) (حدود ۱۰ دقیقه) :** ایجاد انگیزه و سؤال : به فعل‌هایی که تاکنون خوانده‌ایم و صرف کرده‌ایم و مصادرشان، دقت کنید : خَرَجَ یَخرُجُ خُروج/کَتَبَ یَکتُبُ کِتابَة/ شَکَرَ یَشکُرُ شُکر و... حالا به این فعل‌ها نگاه کنید : أجلَسَ یُجلِسُ إجلاس/ أخرَجَ یُخرِجُ إخراج/ أحسَنَ یُحسِنُ إحسان و... چه تفاوتی میان این افعال می‌بینید؟ افعالی که در ابتدا مطرح کردیم همگی بر وزن فَعَلَ یَفعُلُ بودند ولی مصادرشان اوزان متفاوتی داشت یکی بر وزن فُعُول، یکی فِعالَة و یکی فُعل. اما سری دوم افعال، همگی دارای وزن و مصدر یکسان بودند یعنی همگی بر وزن أفعَلَ یُفعِلُ إفعال بودند. (پرسش‌های پیش برنده ۱) علت این تفاوت چیست؟ به صیغه للغائب ماضی هر دو دسته از افعال نگاه کنیم! دسته اول همگی شامل سه حرف اصلی هستند و هیچ حرف زائدی مشاهده نمی‌کنیم : خَرَجَ، کَتَبَ و شَکَرَ اما در دسته دوم، شاهد یک حرف زائد هستیم : أجلَسَ، أخرَجَ و أحسَنَ. (پرسش‌های پیش برنده ۲) آیا این تفاوت، ساختاری است؟ یعنی آیا به ما ساختار خاصی را نشان می‌دهد؟ بله! افعالی که در صیغه للغائب ماضی تنها سه حرف اصلی دارند، ثلاثی مجرد هستند؛ ثلاثی یعنی سه حرفی و مجرد یعنی خالی و تنها (به‌عبارتی خالی از حرف زائد) اما افعالی که در صیغه للغائب ماضی علاوه بر سه حرف اصلی، دارای حرف یا حروفی زائد هستند، ثلاثی مزید هستند؛ مزید یعنی زائد شده؛ به‌عبارتی حرف یا حروفی به آن سه حرف اصلی افزوده شده است. افعال ثلاثی مزید دارای اوزان ثابت و خاصی در ماضی، مضارع و مصدر خود هستند برخلاف ثلاثی مجرد که چنین نیست. **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** اکنون باب‌های افعال و تفعیل و مفاعلة و استفعال را تدریس می‌نماییم و چهار باب بعدی را به جلسه بعدی موکول می‌نماییم. (توضیحات کامل برای تدریس، ذیل درس دوم ارائه شده است) (حدود ۳۰ دقیقه) پس از تدریس این چهار باب، افعال مختلفی از این ابواب ارائه می‌دهیم و از دانش‌آموزان می‌خواهیم به‌صورت فردی یا گروهی، باب آنها را تشخیص دهند. در این بخش می‌توانیم پاورپوینت‌های جذابی آماده کنیم و فعل‌ها را روی تابلو نشان دهیم و پس از پاسخ دانش‌آموزان، جواب را ارائه نماییم و با امتیاز دادن به کسانی که تشخیص درست داده‌اند، ایجاد انگیزه و نشاط نماییم. از این طریق تمامی دانش‌آموزان را با هوش‌های چندگانه (هوش زبانی ــ لغوی، هوش فضایی، هوش جنبشی ــ بدنی، هوش موسیقایی، هوش میان فردی و...) به‌کار گرفته‌ایم. (حدود ۲۰ دقیقه) **پایان :** مطالب را جمع‌بندی نموده، از دانش‌آموزان می‌خواهیم برای جلسه بعد، بخشی از تمارین را که مرتبط با مبحث امروز است، انجام دهند. (حدود ۵ دقیقه) در هر جلسه حدود ۱۰ دقیقه هم برای حضور و غیاب و احتمالاتی که زمان‌بندی را تغییر می‌دهد، درنظر می‌گیریم.

جلسه دوم : **شروع (ورودی) :** ابتدا تمارینی که تکلیف جلسه گذشته بود را در قالب پرسش، رفع اشکال می‌کنیم و بعد وارد تدریس بخش باقی‌مانده از درس می‌شویم (حدود ۱۵ دقیقه) : **ایجاد انگیزه و سؤال :** تاکنون آموختیم که برخی افعال در صیغه للغائب ماضی‌شان دارای یک یا سه حرف زائد هستند. آیا دارای دو حرف زائد هم داریم؟ بله افعالی که به باب‌های افتِعال، انفِعال، تَفَعُّل و تَفاعُل رفته‌اند، دارای دو حرف زائد هستند. (توضیحات کامل برای تدریس، ذیل درس دوم ارائه شده است) (حدود ۳۰ دقیقه) **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** پس از تدریس این چهار باب نیز، هم‌چون جلسه گذشته افعال مختلفی ارائه می‌دهیم و از دانش‌آموزان می‌خواهیم به صورت فردی یا گروهی، باب آنها را تشخیص دهند سپس از پاورپوینت استفاده کرده و سؤالات مختلفی ارائه می‌نماییم. (حدود ۱۵ دقیقه) **پایان :** مطالب را جمع‌بندی نموده، از دانش‌آموزان می‌خواهیم برای جلسه بعد، بقیه تمارین را انجام دهند و حوار را نیز حفظ نمایند و چنان‌چه تمایل دارند، به‌صورت دوطرفه و نمایشی آماده اجرا باشند. (حدود ۵ دقیقه) در این جلسه نیز حدود ۱۰ دقیقه هم برای حضور و غیاب و احتمالاتی که زمان‌بندی را تغییر می‌دهد، درنظر می‌گیریم.	
جلسه سوم : **شروع (ورودی) :** ابتدا تمارینی که تکلیف جلسه گذشته بود را در قالب پرسش، رفع اشکال می‌کنیم. (حدود ۳۰ دقیقه) **بخش میانی (فعّال‌سازی) :** اکنون از دانش‌آموزان می‌خواهیم به‌صورت دو نفره برای اجرای نمایشی حوار جلو آمده و آن را ارائه دهند. بدین‌ترتیب ایجاد نشاط نموده و هوش‌های چندگانه را به‌کار می‌گیریم تا بهترین نتیجه را در روند آموزشی بگیریم. می‌توانیم سؤالاتی مرتبط با حوار هم از دانش‌آموزان بپرسیم تا سعی کنند در حدّ توانشان جمله‌سازی نموده و پاسخ دهند. (حدود ۳۰ دقیقه) **پایان :** در نهایت از دانش‌آموزان می‌خواهیم برای جلسه بعدی ضمن حفظ واژگان و توجه به افعال ابواب مزید، متن درس را ترجمه نمایند. (حدود ۵ دقیقه) ۱۰ دقیقه ویژه احتمالات و تأخیر در اجرا و حضور غیاب	

	جلسه چهارم : **شروع (ورودی) :** ضمن خوش‌آمدگویی، کلاس را برای پرسش ترجمه درس آماده می‌کنیم. پیشنهاد می‌کنم برای شروع، آزمونکی در حدّ نوشتن هشت لغت از بخش واژگان بر روی تخته، گرفته شود. (حدود ۵ دقیقه) **بخش میانی (فعّال‌سازی)** : برای ترجمه، در قالب پرسش کلاسی، متن درس را ترجمه می‌نماییم (حدود ۳۰ دقیقه) و سپس در قالب فعالیت جمعی افعال مزید را از متن درس بیرون کشیده و شناسایی می‌نماییم. (حدود ۲۵ دقیقه) **پایان :** مطالب را جمع‌بندی نموده به دانش‌آموزانی که دقیق‌ترین تشخیص‌ها را در بخش ابواب داده‌اند، امتیاز مثبت می‌دهیم. (حدود ۵ دقیقه) ۱۰ دقیقه ویژه احتمالات و تأخیر در اجرا و حضور غیاب		
منابع و ابزارهای آموزشی	کتاب درسی، تابلو و ماژیک، متن و فایل‌های کمکی، پاورپوینت، ویدئو، کاربرگ	
ارزشیابی و شاخص‌های آن	نوع ارزشیابی	ارزشیابی شکل‌دهنده (تکوینی) : (در جریان تدریس) ۱ــ ارزشیابی پایانی به‌صورت شفاهی و طرح مسئله در پای تابلو یا انجام کار فردی یا گروهی عملی ــ بتواند رئوس مطالب درس را شرح دهند. ــ مفهوم و مضمون اصلی درس چیست؟ ــ قادر به قرائت صحیح متن درس باشند. ــ قادر به ترجمه صحیح متن درس باشند. ــ واژگان و لغات جدید درس را بیاموزند. ــ قادر به حل تمرینات درس باشند. ــ دانش‌آموزان قادر به شناخت انواع فعل‌های ثلاثی مزید باشند.
		ارزشیابی تراکمی : در بین درس با سؤالاتی که مربوط به موضوع درس است میزان یادگیری دانش‌آموزان محک زده می‌شود و درس با این سؤالات ادامه و پایان می‌یابد. در پایان با چند سؤال کوتاه از چند دانش‌آموز ارزشیابی صورت می‌گیرد، مثلاً معنی این لغات را بگویید؟ ثلاثی مزید را توضیح دهید و باب‌ها را نام ببرید و...
	ابزارهای ارزیابی :	آزمونک، پروژه، تکلیف کتبی، گفت‌وگو، فعالیت عملی

بازخورد و بهبود	نقاط قوت	پس از پایان کار، حتماً نقاط قوت یادداشت شود تا در سال‌های آتی، توجه بیشتری شود. از سویی چنان‌چه دیگر همکاران بخواهند از طرح درسی که نوشته‌ایم، کمک بگیرند، به نتیجه مطلوب دست یابند و از این طریق به بهبود سطح دانش در کشور کمک نماییم.
	نقاط ضعف	پس از پایان کار، حتماً نقاط ضعف یادداشت شود تا در سال‌های آتی اصلاحات لازم، انجام شود و به بهبود روند کار بینجامد.
	پیشنهادهای اصلاحی	به‌دنبال ثبت نقاط قوت و ضعف می‌توانیم پیشنهادات اصلاحی خود را در این ردیف ثبت نماییم.
فایل خام این طرح درس را می‌توانید در کد QR ذیل همین جدول بیابید.		

فایل پی دی اف این طرح درس را می‌توانید با اسکن کد زیر دریافت کنید :

بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی دهم علوم و معارف اسلامی نوبت اوّل (از درس اوّل تا پایان درس ششم)

این بارم‌بندی با توجه به سال تحصیلی ۱۴۰۴ ــ ۱۴۰۳ درج شده است. لطفاً در هر سال بررسی فرمایید که تغییری ایجاد شده است یا خیر!

مهارت‌های زبانی	موضوع	نمره
الف) مهارت واژه‌شناسی	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۲
	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	
	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	
	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حدّ اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	
ب) مهارت ترجمه به فارسی	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۵/۵
	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	
	تکمیل ترجمه ناقص	

ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، مستقبل و مصدر در جمله	۱۰
	تشخیص نوع کلمه (اسم، فعل، حرف)	
	تشخیص جنس اسم (مذکر و مؤنث)	
	تشخیص اسم و علامت‌های آن	
	تشخیص انواع جمع در اسم	
	تشخیص معرفه نکره و نوع معرفه	
	تشخیص نوع اسم موصول و جمله صله	
	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جمله یا تشخیص نوع فعل به استثنای افعال معتلّ، مضاعف و مهموز، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه و ذکر صیغه فعل در حدّ (۰/۲۵)	
	تشخیص نوع افعال ثلاثی مزید، صیغه و باب آنها	
	ترجمه افعال ثلاثی مزید	
	تشخیص ضمیر و نوع آن و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن و در قالب سؤال چند گزینه ای یا شناخت آنها	
د) مهارت درک و فهم	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (دو مورد) یا ارائه سه کلمه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب پر شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱/۵
	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی	
هـ) مهارت مکالمه	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی طرح سؤال از الحوارات مانند جمله‌سازی با کلمه‌های پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای، پاسخ دادن با توجه به تصویر و....	۱
جمع		۲۰

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی دهم علوم و معارف اسلامی ــ نوبت دوم

این بارم‌بندی با توجه به سال تحصیلی ۱۴۰۴ــ ۱۴۰۳ درج شده است. لطفا در هر سال بررسی فرمایید که تغییری ایجاد شده است یا خیر!

مهارت‌های زبانی	موضوع	نمره
الف) مهارت واژه شناسی	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود.)	۲
	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	
	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	
	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حدّ اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	
ب) مهارت ترجمه به فارسی	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۵/۵
	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	
	تکمیل ترجمه ناقص	
ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی مثبت یا منفی، مضارع مثبت یا منفی، ماضی یا مضارع مجهول، امر، نهی، مستقبل و مصدر در جمله	۱۰
	تشخیص نوع کلمه (اسم، فعل، حرف)	
	تشخیص جنس اسم (مذکر و مؤنث)	
	تشخیص اسم و علامت‌های آن	
	تشخیص انواع جمع در اسم	
	تشخیص فعل لازم و متعدی	
	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جمله یا تشخیص نوع فعل به استثنای افعال معتلّ، مضاعف و مهموز، یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه و ذکر صیغه فعل در حدّ (۰/۲۵) (یک مورد از فعل‌های ماضی یا مضارع حتماً مجهول باشند.)	
	ترجمه افعال ثلاثی مزید، نوع، صیغه و باب آنها	
	تشخیص نوع اسم موصول و جمله صله	

ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد	المحلّ الإعربی و علامة الإعراب : تشخیص مبتدا، خبر، فاعل، مفعولبه، مضاف الیه، صفت، نایب فاعل و ذکر اعراب آنها	۱۰
	تشخیص معرب و مبنی و نوع بناء	
	تشخیص نوع خبر	
	تشخیص نوع اسم معرفه، تشخیص ضمیر و نوع آن و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن و در قالب سؤال چند گزینه‌ای یا شناخت آنها	
د) مهارت درک و فهم	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (دو مورد) یا ارائه سه کلمه که یکی اضافه است و دو جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب پر شود. یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی	۱/۵
	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم هر جمله یا براساس متن ارائه شده در برگه امتحانی	
هـ) مهارت مکالمه	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی طرح سؤال از الحوارات مانند جمله‌سازی با کلمه‌های پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای، پاسخ دادن با توجه به تصویر و....	۱
جمع		۲۰

بارم‌بندی امتحان شفاهی عربی دهم علوم و معارف اسلامی ــ نوبت مستمر اول و دوم

این بارم‌بندی با توجه به سال تحصیلی ۱۴۰۴ــ۱۴۰۳ درج شده است. لطفاً در هر سال بررسی فرمایید که تغییری ایجاد شده است یا خیر!

مهارت	موضوع	نمره
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن گفتن	روان‌خوانی (بدون درنگ و خطا و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) و فعالیت‌هایی مانند حفظ سرود درس اول و اجرای گروهی آن اجرای نمایش از متن برخی درس‌ها	۷
	مهارت شنیدن و سخن گفتن مکالمه ساده در حدّ کتاب درسی به‌صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ما هی، بمَ، مَن، لِمَن، أین، مِن أینَ، ممَّن، کَم، هل، أ، متی، کیف، لماذا، لِمَ، عَمَّ، أیّ) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره، یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۳
جمع		۱۰

نمونه سؤال امتحانی نوبت اول

به نام خداوند بخشنده مهربان		
امتحانات هماهنگ نوبت اول		
دبیرستان :	سال تحصیلی : ۱۴۰۴ـ۱۴۰۳	نام درس : عربی
پایه : دهم	تاریخ امتحان : ۱۴۰۳/۱۰/۰۸	مدت امتحان : ۹۰ دقیقه
نام و نام خانوادگی :	شماره دانش‌آموزی :	نمره :

ردیف	تعداد سؤالات : ۲۰ تا — صفحه : ۱ از ۳	بارم
۱	**تَرجِم الکلماتِ الّتی تَحتَها خَطٌّ :** الف) اُنظُر اِلی الشمس التی جذوَتُها مُستَعِرَة. ب) سَوفَ نَتَخَرَّجُ کُلُّنا مِنَ المَدرِسَةِ بَعدَ ثَلاثِ سَنَواتٍ. ج) اِنَّها تَجذِبُ کَثیراً مِنَ السائِحینَ الیها. د) لِسانُ القِطِّ تُفرِزُ سائِلاً مُطَهِّراً.	۱
۲	عَیِّنِ المُتضادَ وَالمُترادِفَ (کَلِمَتانِ زائِدَتانِ) : شمال ــ من فَضلِک ــ غُصَّه ــ رجاءً ــ یسار ــ ثَلج الف).....=..... ب).....≠.....	۰/۵
۳	**اُکتب الجمع أو المفرد :** الف) فَم : ..... ب) زُیوت :	۰/۵

ردیف	تعداد سؤالات : ۲۰ تا	صفحه : ۱ از ۳	بارم
۴	**عین الکلمة الغریبة فی‌المعنی :** ۱ــ الف) بُحیرَة ب) یَدَویّة ج) مَیناء د) شاطِئ ۲ــ الف) قُطن ب) مِحرار ج) لَفّافَة د) مَعالِم		۰/۵
۵	**تَرجِم الآیاتِ وَ العباراتِ إلی الفارسیّة :** الف) لابُدَّ من تالیفِ کِتابٍ عظیمٍ لِإحصاءِ مَناطِقِ الجَذب السّیاحی فی ایران. ب) الناسُ نیامٌ فاذا ماتوا إنتَبَهوا. ج) انتَ تُشاهِدُ سُقوطَ الأسماکِ من السماء. د) ربَّنا لاتَجعَلْنا مَعَ القومِ الظّالِمینَ. ه) من رأیَ منکُم احداً یَدعو إلی التَفرِقَة فَهُو عَمیلُ العَدُوِّ. و) انظر إلی المرء وَ قُل مَن شَقَّ فیه بَصَره. ز) لِلسنجاب الطائِرِ غِشاءٌ خاصٌّ یَفتَحُهُ حینَ القَفز.		۳/۵
۶	**اِنتَخِبِ التَّرجمةَ الصَّحیحةَ :** ۱ــ نوعٌ من الاسماک یَقفِزُ من الماءِ بِحَرکَةٍ مِن ذَیلِهِ القَوی الف) نوعی از ماهی‌ها است که با حرکتی از دم قوی اش از آب می‌پرد. ب) نوعی از ماهی‌ها با حرکتی از دم اش که قوی است از میان آب می‌پرد. ۲ــ فاستَغفَروا لِذُنوبِهم ومن یَغفِرُ الذُنوبَ إلّا الله. الف) برای گناهانشان استغفار کنید و کسی جز خدا گناهان را نمی‌بخشد. ب) برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌بخشد.		۰/۵
۷	**کَمِّل الفِراغَ بالترجمة الصَّحیحَة :** الف) وَلاطائِرٍ یَطیرُ بِجَناحَیهِ إلّا أُمَمٌ أَمثالُکُم. و نه هیچ ..... که با ..... پرواز می‌کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند. ب) کانَ لِصَدیقی مَرَضٌ جِلدیٌ فَذَهَبَ إلی المُستَشفی دوستم بیماری ..... داشت پس به ..... رفت.		۱
۸	**عیّن الصحیح و الخطأ حَسَبَ الواقِع :** الف) الزَرقاءُ یُساعِدُ التِمساحَ فی تَنظیفِ أسنانِه ب) ألمَطعَمُ مَکانٌ لبَیعِ الأدویَة ج) الذَنَبُ عُضوٌ خَلفَ جسم الحَیوان یُحَرِّکُهُ غالِباً لِطَردِ الحَشَرات د) إنَّ کُلَّ الطُیورِ وَ الحَیَوانات تَعرِفُ بِغَریزَتِها الأعشابَ الطِبیَّة	صحیح خطأ ○ ○ ○ ○ ○ ○ ○ ○	۱
۹	**عَیِّن الاسم و الفِعل و الحَرف و بَیِّن علامَةَ الاسم :** یُؤَکِّدُ القُرآنُ علی حُرِیَّةِ العَقیدَة		۱

ردیف	تعداد سؤالات : ۲۰ تا — صفحه : ۱ از ۳	بارم
۱۰	**عَیِّن نَوعَ المُوَنّث (مجازی، حقیقی، لفظی، معنوی سماعی، معنوی قیاسی، لفظی معنوی) برای هر کلمه دو مورد بنویسید :** **الف) زهراء ب) بِئر**	۱
۱۱	**عَیِّن نوعَ الضَّمیر :** (ضمایرمنفصل مرفوعی و منصوبی/ضمایرمتصل مرفوعی و منصوبی یا مجروری) هُوَ قالَ : « اَدخَلْناهُم فی رَحمَتِنا»	۱
۱۲	**عَیِّن نوع الاسم الموصول و الجُملَةَ الصِلَة :** اِنَّ الّذینَ یَنفَعونَ الآخرین اَحسَنُ الناسِ	۰/۵
۱۳	**اَکمِل الجَدوَل :** ماضی | مضارع | امر | مصدر | ترجمه مصدر | | تُکاتِبونَ | | | | اَجلَسْتُ | | | | |	۲
۱۴	**عَیِّن النَکرَة وَ نَوعَ المَعرَفَة : لا تَتَحرَّکُ عَینُ البومَة فَاِنَّها ثابِتَةٌ**	۱
۱۵	**اِنتَخِب الکَلِمَة المُناسِبَة :** الف) (تَحدُثُ،یُحدِثُ) هذه الظاهِرَةُ مَرَّتَینِ فی السنَةِ اَحیاناً. ب) الغیمُ بُخارٌ مُتَراکِمٌ فی السماء (اِستَنزَلَ،یَنزِلُ) مِنهُ المَطَرُ. ج) هُنَّ (لاتَکتُبینَ،لایَکتُبنَ) بِسُرعَة. د) العُلماءُ (اَرسَلوُا،اَرسَلا) فَریقاً لِزیارَةِ المَکان.	۱
۱۶	**عَیِّن نوع الجمع :** الف) اَنفُس :..... ب) عالِمات :.....	۰/۵
۱۷	**أجِب :** الف) بِمَ یَطیرُ السنجابُ الطائِرُ حینَ یَقفِزُ مِن شَجَرَةٍ الی شجرةٍ؟ ب) ماهُوَ اَصغَرُ طائِرٍ علی الارضِ؟ ج) ماهُوَ طَعامُ الغَداء؟	۱
۱۸	**رَتِّب الکلمات و اکتب جملة صحیحة :** إیرانَ ــ جدّاً ــ جمیلةٌ ــ إنَّ ــ بلادٌ	۰/۵

ردیف	تعداد سؤالات : ۲۰ تا	صفحه : ۱ از ۳	بارم
۱۹	**عَیِّن صیغَةَ الفعلِ و بابَه :** الف) یا اَیُّها التلامیذُ تَفَکَّروا ب) إستَلَمْنا رسائلَ عبرَ الإنترنت		۱
۲۰	**تَرجِمِ الافعال :** الف) إنکَسَرَتْ : ب) اِستَکبَرَ : ج) یَتَعَلَّمانِ : ج)کُنّا نُفَرِّحُ :		۱

راهنمای تصحیح آزمون

ردیف	تعداد سؤالات : ۲۰ تا	بارم
۱	الف) مُستَعِرَة : فروزان ب) سَوفَ نَتَخَرَّجُ : به زودی فارغ التحصیل خواهیم شد ج) السائِحینَ : گردشگران د) نُفرِزُ : ترشّح می کند	۱
۲	الف) من فضلک = رجاءً ب) شمال ≠ یسار	۰/۵
۳	الف) فَم :أفواه ب) زُیوت : زیت	۰/۵
۴	۱ــ ب) یَدَویّة ۲ــ د) مَعالِم	۰/۵
۵	الف) گریزی نیست از نگارش کتابی بزرگ برای شمارش (۰/۲۵) مناطق جذب گردشگری (۰/۲۵) در ایران. ب) مردم خوابند (۰/۲۵) پس هنگامی که بمیرند، هشیار می‌شوند (۰/۲۵). ج) تو سقوط ماهی‌ها از آسمان را مشاهده می کنی (۰/۲۵). د) پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار مده (۰/۲۵). هـ) هرکس از میان شما کسی را ببیند (۰/۲۵) که به تفرقه دعوت می‌کند (۰/۲۵)، پس او مزدور دشمن (۰/۲۵) است. و) به انسان بنگر (۰/۲۵) و بگو چه کسی در او چشمش را گشود (۰/۲۵)؟ ز) سنجاب پرنده پوشش خاصی دارد (۰/۲۵) که هنگام پرش (۰/۲۵) آن را باز می‌کند (۰/۲۵).	۳/۵
۶	۱ــ الف ۲ــ ب	۰/۵
۷	الف) و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بالش پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند. ب) دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.	۱
۸	الف) ص ب) خ ج) ص د) خ	۱

<table>
<tr><th>ردیف</th><th>تعداد سؤالات : ۲۰ تا</th><th>بارم</th></tr>
<tr><td>۹</td><td>یُؤَکِّدُ (فعل) (۰/۲۵) القُرآنُ (اسم، علامتش : ال داشتن) (۰/۵) علی (حرف) (۰/۲۵) حُرِیَّةِ (اسم، علامتش مضاف واقع شدن) العَقیدَة (اسم، علامتش ال داشتن و مجرور شدن)
از میان اسامی فقط یکی را معرفی کند کافی است.</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۰</td><td>الف) زهراء : مؤنث حقیقی / لفظی معنوی (۰/۵) ب) بِئر : مؤنث مجازی / معنوی سماعی (۰/۵)</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۱</td><td>هُوَ :(ضمیر منفصل مرفوعی) اَدخَلْنا : (ضمیر متصل مرفوعی) هُم : (ضمیر متصل منصوبی) رَحمَتِنا : (ضمیر متصل مجروری)</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۲</td><td>الّذینَ : موصول خاص جمع مذکر جمله صله : یَتفَعونَ الآخرین</td><td>۰/۵</td></tr>
<tr><td>۱۳</td><td>اَکمِل الجَدوَل :
<table>
<tr><th>ماضی</th><th>مضارع</th><th>امر</th><th>مصدر</th><th>ترجمه مصدر</th></tr>
<tr><td>کاتَبتُم (۰/۲۵)</td><td>تُکاتِبونَ</td><td>کاتِبوا (۰/۲۵)</td><td>مُکاتَبَة (۰/۲۵)</td><td>نامه‌نگاری کردن (۰/۲۵)</td></tr>
<tr><td>اَجلَستُنَّ</td><td>تُجلِسنَ (۰/۲۵)</td><td>أجلِسنَ (۰/۲۵)</td><td>إجلاس (۰/۲۵)</td><td>نشاندن (۰/۲۵)</td></tr>
</table></td><td>۲</td></tr>
<tr><td>۱۴</td><td>عَینُ (معرفه به اضافه) (۰/۲۵)/البومَة (معرفه به ال) (۰/۲۵)/ها(معرفه به ضمیر) (۰/۲۵)/ ثابِتَةٌ (نکره) (۰/۲۵)</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۵</td><td>الف) تَحدُثُ ب) یَنزِلُ ج) لایَکتُبنَ د) اَرسَلوُا</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۶</td><td>الف) جمع مکسّر ب) جمع مؤنث سالم</td><td>۰/۵</td></tr>
<tr><td>۱۷</td><td>الف) یَطیرُ السنجابُ الطائِرُ حینَ یَقفِزُ مِن شَجَرَةٍ الی شجرةٍ بواسطة غشائه الخاصّ. (۰/۵)
ب) الطّائر الطّنّان هُوَ اَصغَرُ طائرٍ علی الارضِ.(۰/۲۵)
ج) الرّزّ و الدّجاج هُوَ طَعامُ الغَداء. (هر پاسخی که صحیح باشد، نمره را می‌گیرد). (۰/۲۵)</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۱۸</td><td>إنّ إیران بلادٌ جمیلةٌ جدّاً.</td><td>۰/۵</td></tr>
<tr><td>۱۹</td><td>الف) تَفَکَّروا : صیغه للمخاطبین. (۰/۲۵) باب تفعُّل (۰/۲۵)/ ب) إستَلَمْنا : صیغه متکلم مع‌الغیر.(۰/۲۵) باب افتعال (۰/۲۵)</td><td>۱</td></tr>
<tr><td>۲۰</td><td>الف) شکسته شد ب) خود را بزرگ شمرد ج) آن دو یاد می‌گیرند ج) شاد می‌کردیم</td><td>۱</td></tr>
</table>

فایل پی دی اف این آزمون را می‌توانید با اسکن کد زیر دریافت کنید :

توضیحات مشترک در تدریس عربی پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها

نکاتی در آموزش ترجمه

زبان عربی به دانش‌آموز کمک می‌کند تا به فهم بهتر قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه دست یابد؛ لذا مهارت خواندن متن و درک مطلب برای ما مهم است پس توصیه می‌کنیم در زمینه ترجمه، از دانش‌آموز بخواهید خودش تلاش کند و متن را ترجمه کند و بفهمد. سپس از آنها ترجمه را بخواهید و اشکالاتشان را اصلاح کنید.

خوب است دانش‌آموز هنگام اشکال‌یابی دبیر در ترجمه، غلط‌های خود را پاک نکند بلکه با رنگی دیگر، درستش را ذیل آن بنویسد؛ زیرا هنگام دوره کردن، با بررسی خطاهای خود ــ که احتمالاً تکرار می‌شوند ــ کم‌کم متوجه نکاتی که در آنها ضعف دارد، می‌شود و می‌تواند با تمرین و تکرار بیشتر روی همان مطالب، تمرکز، تسلط و دانش خود را بهبود بخشد. ضمناً با توجه به اینکه کتاب برای ترجمه متون، جای کافی ندارد، پیشنهاد می‌شود از دانش‌آموزان بخواهید در کتاب برگه بچسبانند و ترجمه‌ها را در آنجا یادداشت کنند و نیز برای اصلاح غلط‌ها حتماً جای کافی بگذارند. در آخر می‌توانید در جلسه بعد، از دانش‌آموزان بخواهید که متن را بدون نگاه به نوشته‌های خود، با تسلط ترجمه کنند.

یکی از نکاتی که در ترجمه باعث مهارت‌افزایی دانش‌آموز می‌شود، این است که از دانش‌آموز بخواهید زمان فعل جمله را تغییر دهد؛ مثلاً اگر در متن، ماضی استمراری داریم، بتواند آن را تبدیل به ماضی بعید کند. البته از آنجا که این مسئله، از اهداف آموزشی کلاس نیست، یقیناً نباید برای این امر، نمره اصلی امتحانی و ارزشیابی رسمی قرار داده شود بلکه می‌توان برای خلاق کردن دانش‌آموز و بالابردن سطح علمی‌او، این کار را به شکل بازی با افعال و فعالیت‌های دلخواه و امتیازی لحاظ کرد.

نکته لغت و واژه‌شناسی

لغات جدید مربوط به هر درس‌ها پس از متن درس آمده است امّا همه لغات تمارین یا برخی لغات متن درس ممکن است در حافظه دانش‌آموز نباشد. پیشنهاد می‌کنیم از دانش‌آموزان بخواهید

لغاتی که برایشان ناآشناست، در هر صفحه شماره‌گذاری کنند و در حاشیه همان صفحه، معنای واژه را بنویسند. از آنها بخواهید که هرگز داخل متن، معنای لغت را ننویسند. این کار، کمک می‌کند دانش‌آموز لغت را در متن یاد بگیرد و با تکرار و تمرین به آنها مسلط شود.

نکات تجزیه و ترکیب

با توجه به اینکه هر دانش‌آموزی که قدرت تجزیه و ترکیب داشته باشد، یقیناً سطح عربی او در حد مطلوبی است و از سویی انجام تجزیه و ترکیب از اهداف آموزشی پایه دهم نیست، خوب است هر مطلبی که دانش‌آموز یاد می‌گیرد، از او بخواهید در متن درس آن را بیابد و بررسی کند؛ یعنی گام به گام به تجزیه و ترکیب نزدیک شود تا اینکه نهایتاً در کتاب یازدهم با عناوین، آشنا شود و به‌دلیل تمرین مستمر، مهارت یابد؛ مثلاً وقتی با ابواب ثلاثی مزید آشنا می‌شود، از او بخواهید در متن درس، چند مورد فعل ثلاثی مزید بیابد. دانش‌آموزان تا پایان این کتاب قادرند این موارد را برای هر کلمه بیان کنند :

اسم، تعداد، جنس و نوع آن، معرفه نکره و نوع معرفه، معرب و مبنی

فعل، زمان فعل، صیغه، ثلاثی مجرد و مزید و باب آن، معرب و مبنی، لازم و متعدی، معلوم و مجهول

بودجه پیشنهادی ترم اول

کتاب عربی دهم رشته معارف دارای دوازده درس می‌باشد. هر درس لازم است طی سه جلسه تدریس شود البته با توجه به حجم دروس ممکن است برخی دروس با زمان کمتر یا بیشتر، پیش بروند اما به‌طور متوسط برای هر درسی سه جلسه درنظر گرفته می‌شود؛ اگر در هر هفته دو جلسه کلاس برگزار شود به‌طور متوسط در هر ماه بین هشت تا ده جلسه کلاس خواهیم داشت. براین اساس یک بودجه‌بندی و طرح پیشنهادی ارائه می‌کنیم :

ماه	هفته	جلسه	کلاس
مهر	اول	یک	**برنامه کلاس :** تدریس کامل قواعد درس یک **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس یک کلماتی که در تمارین، به لحاظ معنا ناآشنا هستند پیدا شوند و با شماره‌گذاری در کنار صفحه حاشیه‌نویسی شود.
		دو	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس یک در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** برای جلسه بعد از دانش‌آموزان بخواهید کلماتی که معنای آنها را در متن درس یک نمی‌دانند، پیدا کنند و با شماره‌گذاری، در حاشیه متن درس بنویسند و سعی کنند آنها را به خاطر بسپارند و متن را با تلاش خودشان ترجمه کرده، به سؤالاتش پاسخ دهند و آماده ارائه باشند. همچنین برای اجرای نمایشی حوار آماده باشند.
	دوم	سه	**برنامه کلاس :** در این جلسه ترجمه متن درس یک به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. سپس حوار به‌صورت نمایشی و دو نفره اجرا و پرسش می‌شود. **تکلیف :** مطالعه کامل درس یک برای امتحان کتبی
		چهار	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس یک سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس شامل همه نوع سؤال اعم از تستی و تشریحی، درک مطلب، ترجمه و قواعد **تکلیف :** پیش مطالعه قواعد درس دو
	سوم	پنج	**برنامه کلاس :** تدریس و معرفی عناوین مجرد و مزید، ثلاثی و رباعی و آموزش چهار باب افعال و تفعیل و مفاعله و استفعال از درس دو **تکلیف :** حل تمارین ناظر به چهار باب فوق از درس دو و تمرین اضافه و پیش مطالعه بقیه ابواب

ماه	هفته	جلسه	کلاس
مهر		شش	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمارین داده شده در قالب پرسش کلاسی، سپس تدریس بقیه درس دو **تکلیف :** حل بقیه تمارین درس دو و نیز حفظ حوار و آمادگی برای اجرای نمایشی
	چهارم	هفت	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال بقیه تمارین درس دو در قالب پرسش کلاسی، سپس حوار به صورت نمایشی و دو نفره اجرا و پرسش می‌شود. **تکلیف :** ترجمه متن درس دو به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		هشت	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس دو به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. سپس درس دو جمع بندی و مرور می‌گردد. **تکلیف :** پیش مطالعه قواعد درس سه
آبان	اول	نه	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس سه به همراه مرور درس دو **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس سه و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای آن
		ده	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس سه در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس سه به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
	دوم	یازده	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس سه به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. **تکلیف :** مطالعه کامل درس دو و سه برای امتحان کتبی

ماه	هفته	جلسه	کلاس
آبان		دوازده	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس دو و سه سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این دروس شامل همه نوع سؤال اعم از تستی و تشریحی، درک مطلب، ترجمه و قواعد **تکلیف :** پیش مطالعه درس چهار
	سوم	سیزده	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس چهار **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس چهار و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای آن
		چهارده	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس چهار در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس چهار به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
	چهارم	پانزده	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس چهار به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مطالعه کامل درس چهار برای امتحان کتبی
		شانزده	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس چهار سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس **تکلیف :** پیش مطالعه قواعد درس پنج
آذر	اول	هفده	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس پنج **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس پنج و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای آن
		هجده	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس پنج در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس پنج به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره‌گذاری و حاشیه‌نویسی معنای واژه

ماه	هفته	جلسه	کلاس
آذر	دوم	نوزده	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس پنج به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** پیش مطالعه درس شش
		بیست	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس شش **تکلیف :** حل تمامی تمارین درس شش و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای آن
هر ماه چهار هفته و دو روز است یعنی برخی ماه‌ها بیش از هشت جلسه کلاس خواهیم داشت. در واقع سه ماه مهر و آبان و آذر رمعمولاً دارای سیزده هفته آموزشی است که با احتساب دو جلسه در هفته، معادل ۲۶ جلسه می‌شود.		بیست‌ویک	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس شش در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس شش به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		بیست‌ودو	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس شش به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مطالعه کامل درس پنج و شش برای امتحان کتبی
		بیست‌وسه	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس پنج و شش سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس **تکلیف :**
از اینجا به بعد، جلسات را هم برای تعطیلات احتمالی درنظر می‌گیریم هم می‌توانیم دوره ترم اول را شروع نماییم. در صورت صلاح‌دید و اقتضای زمان، می‌توانیم به بودجه‌بندی ترم دوم هم ورود نماییم.			

بخش دوم

راهنمای تدریس عربی زبان قرآن (۱)

اَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿اَلْحَمدُ لِلّهِ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النّورَ﴾ اَلْأَنعام : ۱

ستایش از آنِ خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

درس اول

هدف کلی : دانش‌آموز با علم صرف و نحو، انواع کلمه و تقسیمات اسم و فعل آشنا شود.

اهداف جزئی

۱ دانش‌آموز با ساختار کلمه و جمله آشنا شود.

۲ دانش‌آموز در کلمات داده شده، اسم، فعل و حرف را ببیند و بیاموزد.

۳ علامت‌های اسم به دانش‌آموز معرفی شود.

انتظارات عملکردی

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این درس :

۱ـ تشخیص زبانی

ـ کلمات عربی را به اسم، فعل و حرف تقسیم کند.

ـ تفاوت کلمات دارای «معنای مستقل» یا «غیرمستقل» را تشخیص دهد.

۲ـ تشخیص نوع کلمه در متن

ـ در یک عبارت یا متن کوتاه : اسم‌ها، فعل‌ها و حروف را شناسایی کند (نه اعراب‌گذاری، نه تحلیل صرفی پیچیده)

شروع آموزش

کلاس را با عرض سلام و خوش‌آمدگویی برای ورود به مقطع دوم متوسطه و خیر مقدم برای ورود به رشته معارف شروع نمایید. خود را معرفی نمایید سپس از اهمیت زبان عربی و مهم‌ترین هدف آن؛ یعنی فهم معانی آیات قرآن‌کریم، ادعیه و نهج البلاغه در راستای رسیدن به حیات طیبه و برقراری ارتباطی تعالی‌بخش با پروردگار جهانیان سخن بگویید. حتماً به اهمیت دو چندان زبان عربی در رشته معارف هم اشاره نمایید.

شایسته است برای برقراری ارتباط بهتر و از سویی شناسایی توانمندی دانش‌آموزان در زبان عربی، از آنها بخواهید خود را حدّالامکان به زبان عربی معرفی کنند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس اول

نکته مهم در آموزش ترجمه این است که دانش‌آموز نباید واژگان را صرفاً تک به تک حفظ کند بلکه باید آنها را در خدمت ترجمه متن به‌کار گیرد. در ترجمه باید زمان افعال و صیغه آنها را به دانش‌آموزان یادآوری کنیم تا از خطا پیشگیری نماییم. در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

نجم جمعش أنجُم / نِعمَة جمعش أنعُم / دُرّ جمعش دُرَر / غُصن جمعش غُصون است.

ترجمه اشعار در زبان عربی برای دانش‌آموزان، کار دشواری است لذا همراهی دبیر را می طلبد.

او همان خداست!

نگاه کن به آن درخت	دارای شاخه‌های تر و تازه[1]
چگونه از دانه‌ای رشد کرد	و چگونه درخت شد
پس بررسی کن و بگو چه‌کسی	میوه را از آن بیرون می‌آورد
و به خورشیدی نگاه کن که	پاره آتشش فروزان است
در آن (خورشید/پاره آتش) روشنایی است و به وسیله آن	حرارتی منتشر می‌شود
کیست که آن (خورشید) را پدید آورد	در آسمان همچون پاره آتش
(کیست که آن را در آسمان همچون پاره آتش پدید آورد)	
آن، همان خدایی است که	نعمت‌هایش ریزان است
دارای حکمتی کامل	و توانی (نیرویی) مقتدرانه است
به شب نگاه کن پس چه کسی	در آن، ماهش را پدید آورد
و آن (آسمان) را با ستارگانی زینت داد	که همچون مرواریدهای پراکنده هستند

۱ــ شاعر : معروف رصّافی شاعری عراقی از پدری کرد نسب و مادری ترکمانی که دارای آثاری بسیار در نثر و شعر است.

و به ابر نگاه کن پس چه‌کسی — بارانش را از آن (ابر) فرو فرستاد
پس زمین را به وسیله آن (باران) — بعد از غبارآلودگی، سرسبز گردانید
و نگاه کن به انسان و بگو — چه‌کسی در او چشمش را گشود (شکافت)
کیست که او را مجهز کرد — به‌نیرویی اندیشمند
او همان خدایی است که — نعمت‌هایش ریزان است

حل تمارین ناظر به متن

در دایره عدد مناسب بگذار (یک کلمه اضافی).

۱ــ الشررة : قطعة من النار = پاره آتش : قطعه ای از آتش

۲ــ الشمس : جذوتها مستعرة، فیها ضیاء و بها حرارة منتشرة = خورشید : پاره آتشش فروزان است، در آن روشنایی است و به وسیله آن، حرارتی منتشر می‌شود.

۳ــ القمر : کوکب یدور حول الارض، ضیاؤه من الشمس = ماه : ستاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد، روشنایی‌اش از خورشید است.

۴ــ الأنعم : جمع نعمة ــ کلمه اضافی

۵ــ الغیم : بخار متراکم فی السماء ینزل منه المطر = ابر (سحاب) : بخاری متراکم در آسمان که باران از آن فرو می‌آید.

۶ــ الفستان : من الملابس النسائیة ذات الالوان المختلفة = پیراهن زنانه : از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف

الدرر : من الاحجار الجمیلة الغالیة ذات اللون الابیض = مرواریدها (مفرده الدُّر) : از سنگ‌های زیبای گرانبها دارای رنگ سفید

مترادف‌ها و متضادها را در جای خالی مناسب بگذار.

رخیصة (ارزان) ≠ غالیة (گران) راسب (مردود) ≠ ناجح (پیروز) یسار(چپ) ≠ یمین (راست)
بیع (فروش) ≠ شراء (خرید) بدایة (شروع) ≠ نهایة (پایان) بعید (دور) ≠ قریب (نزدیک)
رقد (خوابید) = نام قبیح (زشت) ≠ جمیل (زیبا) نور (روشنایی) = ضیاء
حزین (ناراحت) ≠ مسرور (خوشحال) مجتهد (کوشا) = مُجِدّ ممنوع(غیرجایز) ≠ مسموح(جایز)

موضوعات درس اول

معرفی ادبیات عربی ــ تعریف علم صرف ــ مسائل علم صرف ــ تعریف علم نحو ــ کلمه و اقسام آن ــ فعل ــ علائم اسم

مقدمه

این درس که در آغاز کتاب قرار دارد، نقش زیربنای صرفی ــ زبانی را ایفا می‌کند و مقدمه‌ی ورود دانش‌آموز به «فهم متن عربی» است، نه تحلیل‌های پیچیده و مطابق تصریح مؤلفان «هدف این کتاب، فهم متن است» بنابراین، انتظارات عملکردی باید حداقلی، کاربردی و فهم‌محور باشد، نه تخصصی و دانشگاهی.

مرور مفاهیم اصلی درس

معرفی ادبیات عربی

ادبیات عربی مجموعه ای از دانش‌هایی در مورد زبان عربی است که به دو دسته معانی اولیه و معانی ثانویه تقسیم می‌شوند. معانی اولیه راجع به **ساختارهای ابتدایی جمله** صحبت می‌کند و شامل علم صرف و علم نحو می‌شود. علم صرف به شناسایی **ساختار کلمه** می‌پردازد ولی علم نحو **ساختار جمله** را بررسی می‌نماید.

معانی ثانویه راجع به **پیچیدگی‌های جمله** و **لایه‌های زیرساختی آن** صحبت نموده، شامل علوم معانی، بیان، بدیع، علم لغت، علم املا و... می‌شود. چنانچه دانش‌آموزان، علاقمند باشند می‌توانند در دوران دانشگاه و تحصیل در رشته‌های مرتبط، با این علوم آشنا شوند. کتب مقطع دبیرستان فقط به موضوعات صرف و نحوی معطوف است.

در این درس با علم صرف بیشتر آشنا شده و نحو را به دروس بعدی می‌سپاریم. علم صرف در واقع تک تک کلمات یک جمله را بررسی می‌کند تا بفهمیم از یک کلمه چه معانی بر می‌آید. این امر، بیش از معنی واژه است؛ چراکه یک واژه در عین حال که یک معنای ساده را افاده می‌کند، ممکن است معانی متعددی نیز داشته باشد که با توجه به جمله، یکی از آنها مقصود است. یا این‌که بر چه ساختاری درست شده باشد، معنای خاصی می‌دهد. اکنون می‌توانیم یک سؤال انگیزشی از دانش‌آموزان بپرسیم :

سؤال انگیزشی و پاسخ آن

«خاتَم الأنبیاء» که به نبی مکرّم اسلام، نسبت داده شده است، چه معنایی دارد؟

اکثر مردم که آشنایی دقیقی با علم صرف ندارند، گمان می‌کنند که «خاتَم الأنبیاء» یعنی پایان دهنده پیامبران یا آخرینِ پیامبران! اما اگر کسی با موضوعات جامد و مشتق در علم صرف آشنا باشد[1]، می‌داند که ترجمه بالا ناشی از خلط کلمه «خاتَم» با «خاتِم» است. خاتَم اصلاً به معنای «پایان دهنده» نیست بلکه به معنای «نگین انگشتری» است پس «خاتَم الأنبیاء» یعنی «نگین انگشتر پیامبران»؛ پس هدف نهایی علم صرف دسترسی به معنای دقیق کلمه است. در این راستا دو گام اساسی وجود دارد :

۱ شناسایی کلمه از جهت اسم، فعل، حرف

۲ شناسایی ویژگی‌های آن کلمه

کلمه از نظر معنا

پیشنهاد می‌شود در تدریس از نمودار استفاده کنید تا مطلب به طور دسته‌بندی و مرتب در ذهن دانش‌آموز شکل بگیرد.

۱ــ در پایه یازدهم به موضوع جامد و مشتق خواهیم پرداخت.

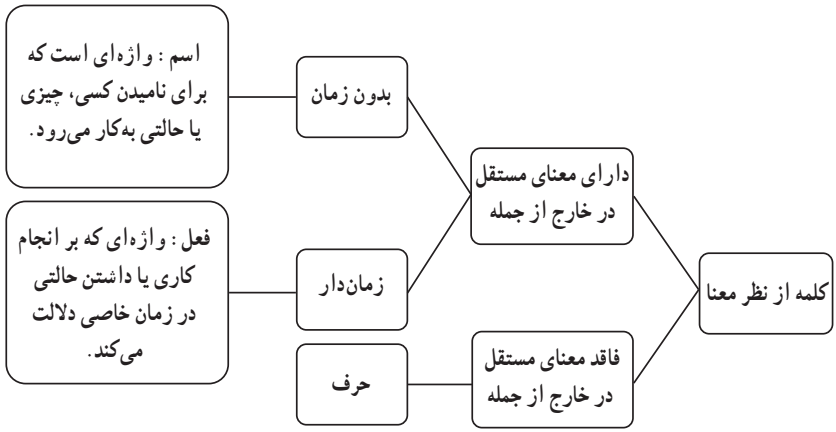

گرچه هدف اصلی علم صرف، شناسایی ساختار کلمه است اما ضمن این کار، به تکثیر کلمه نیز می‌پردازد تا به توسعه زبان کمک کند. تکثیر کلمه یعنی با تغییر حرکات یک کلمه یا اضافه کردن حرف یا حروفی به آن، کلمه را به صورت دیگری دربیاوریم تا معانی متفاوتی بدهد. به عبارتی علم صرف کمک می‌کند تا از یک اسم یا فعل، ساختارهای متعدد و معانی متعددی بسازیم (مثلاً : عِلم/ عالِم/ دبیر/ مَعلوم و...) و این به معنای تکثیر کلمه است اما حرف، قابل تکثیر نیست لذا بحث از حرف، از موضوعات علم صرف خارج می‌شود.

تقسیمات فعل در علم صرف

مبحث فعل در زبان عربی بسیار مبسوط و مفصل است که در دوره اول متوسطه با بخشی از آنها آشنا شده اید. اکنون این مباحث را صرفاً معرفی می‌نماییم و در دروس بعدی به تدریج با بقیه آنها آشنا می‌شویم. سعی کنید در ابتدا یک چهارچوب کلی را به دانش‌آموزان نشان دهید تا نسبت به موضوعات و جایگاه آنها در بحث، دید کلی پیدا کنند و در نتیجه آماده یادگیری شوند.

تقسیمات فعل			
۱	ماضی	مضارع	امر
۲	ثلاثی	رباعی	
۳	مجرد	مزید	
۴	لازم	متعدی	
۵	معلوم	مجهول	
۶	سالم	غیرسالم	
۷	صحیح	معتل	
۸	معرب	مبنی	

دانش‌آموزان در گذشته، از میان موضوعات فوق تا حدودی با ماضی، مضارع و امر آشنا شده اند و با بقیه مباحث در این سه سال آشنا می‌شویم. البته از موضوع رباعی نیز به رباعی مجرد اکتفا می‌شود.

تقسیمات اسم در علم صرف

اسم نیز در زبان عربی مباحث متعددی را شامل می‌شود که با بعضی از آنها آشنا هستیم.

تقسیمات اسم			
۱	مذکر	مؤنث	
۲	مفرد	تثنیه	جمع (سالم و مکسّر)
۳	جامد : مصدری و غیرمصدری		مشتق
۴	معرفه : معارف شش گانه		نکره
۵	معرب : منصرف، غیرمنصرف، معتلّ الآخر، صحیح الآخر		مبنی

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه تا حدودی با جنس و تعداد اسم یعنی ردیف اول و دوم آشنا شدند. در آینده با همه این موضوعات آشنا می‌شویم. اکنون لازم است ابتدا با ویژگی‌های اسم آشنا شویم تا اول بتوانیم تشخیص دهیم کدام کلمه اسم است یا فعل یا حرف؟

ویژگی‌های اسم

ابن مالک شاعر بزرگی که همه قواعد عربی را تبدیل به هزار بیت شعر کرده و نام کتابش را «ألفیه» گذاشته است، علائم اسم را در یک بیت جمع کرده است :

«بالجرّ و التنوین و النّداء و أل　　و مُسنَدٍ للإسم تمییزٌ حَصَل»

۱ــ داشتن «الـ» : هر کلمه‌ای که دارای «الـ» باشد، بی تردید اسم است زیرا فعل، هرگز «الـ» نمی‌گیرد.

۲ــ داشتن تنوین « ـًـٍـٌ » : هر کلمه‌ای که دارای تنوین باشد، قطعاً اسم است زیرا فعل، هرگز تنوین هم نمی‌گیرد.

۳ــ اضافه : در دوره اول متوسطه با ساختار مضاف و مضاف‌الیه آشنا شدیم. اکنون یک مرور اجمالی می‌نماییم. هرگاه دو اسم به یکدیگر مرتبط باشند مثل «کتابِ علی» یا «کتابِ خوب» یا رابطه مضاف و مضاف الیهی دارند یا رابطه صفت و موصوفی. اگر آن دو اسم، دو شیء و دو موجود جدا باشند، قطعاً رابطه اضافی داریم مثل «کتاب» و «علی» که در واقع کلمه «کتاب» به کلمه «علی» مضاف شده است. اما چنانچه یک چیز باشند و صرفاً ویژگی یکی توسط دیگری بیان شده باشد، رابطه وصفی داریم مثل «کتاب» و «خوب» که دو شیء و دو موجود جدا نیستند بلکه «خوب» صفت و ویژگی برای «کتاب» است. حال اگر کلمه‌ای «مضاف» واقع شده باشد، قطعاً اسم است.

۴ــ علامت جرّ (اعراب جرّ) : هر اسمی بنابراین‌که در جمله چه نقشی بگیرد[1]، حرکت و اعرابی دارد که در دوره دوم متوسطه با این مباحث آشنا خواهیم شد. برای روشن شدن این موضوع می‌توان مقدماتاً این نکته را به دانش‌آموزان گفت :

علم نحو ساختار جمله را بررسی می‌کند و یک کلمه را در جمله مورد توجه قرار می‌دهد و به این ۳ سؤال پاسخ می‌دهد :

۱ــ مثل فاعل و مفعول و... که در زبان فارسی هم این نقش‌ها وجود دارد با این تفاوت که در فارسی، اعراب و حرکت گذاری نداریم.

۱ این کلمه چه نقشی در جمله دارد؟
۲ به واسطه این نقش، چه اعرابی می‌گیرد؟
۳ آن اعراب را به چه شکل نشان می‌دهد؟

یکی از اعراب‌هایی که یک کلمه ممکن است بگیرد، جرّ است و برای ما روشن می‌کند که آن کلمه اسم است. معروف‌ترین نشانهٔ جرّ، کسره (ـِ) است به عبارتی مهم‌ترین علامت جرّ، کسره (ـِ) یا تنوین جر (ٍ) است البته نه این‌که هرچیزی که «ـِ» داشته باشد، دارای علامت جر باشد. برای دانش‌آموزان فعلاً کافی است در همین حد آگاهی داشته باشند تا در دروس آینده با این موضوع به‌طورکامل آشنا شوند.

۵ ــ منادا واقع شدن : در زبان فارسی نیز بحث منادا وجود دارد. وقتی کسی را صدا می‌کنیم در واقع آن شخص، منادا واقع شده است مثلاً وقتی می‌گوییم : «ای علی!» کلمه «علی» منادا واقع شده است. طبیعی است که هیچ گاه یک فعل یا حرف را فرانمی‌خوانیم پس هر کلمه‌ای که منادا واقع شود، بی‌گمان اسم است. اما مبحث منادا در زبان عربی مفصل است که در پایه دوازدهم با بخشی از آن آشنا خواهیم شد.

۶ ــ مسند الیه واقع شدن

هرگاه در ترجمه به فارسی شاهد افعال «است، بود، گشت، گردید و شد» بودیم چنانچه در زبان عربی به‌صورت جمله اسمیه آمده باشد، مبتدای آن جمله معادل مسندالیه است مثل «اللّهُ رئوفٌ بالعباد» که «خداوند بر بندگانش بسیار مهربان است» ترجمه می‌شود. در چنین جملاتی مبتدا که در اینجا «اللّه» است مسندالیه به‌شمار می‌رود. مسندالیه همواره اسم است و فعل در چنین جایگاهی نخواهد بود.

دانستنی‌های دبیر

اسامی : اسامی‌دو دسته هستند. یک دسته اسامی‌که علاوه بر این‌که معنای مستقل دارند و دلالت بر وقوع کاری در زمان خاصی نمی‌کنند، ویژگی‌های مشخصی هم دارند که با این ویژگی‌ها به راحتی تشخیص می‌دهیم که این کلمات، اسم هستند. دسته دوم، کلماتی هستند که در ظاهرشان این ویژگی‌ها را ندارند اما تعریف اسم بر آنها صدق می‌کند؛ یعنی دارای معنای مستقل در خارج از جمله

هستند و دلالت بر وقوع فعل در زمان خاص نمی‌کنند؛ پس این‌ها هم اسم هستند. این دو دسته از اسامی (معرب و مبنی) به تفصیل در دروس بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند اما فعلاً در درس اول، این میزان شناخت کلمه از جهت شناسایی اسم، فعل، حرف کافی است.

مسند الیه : جمله در زبان فارسی دارای نهاد و گزاره است؛ مثلاً در عبارت «مریم درس می‌خواند» کلمه «مریم» نهاد و «درس می‌خواند» گزاره است. یا در عبارت «مریم خوشحال است» کلمه «مریم» نهاد و «خوشحال است» گزاره است. هر نهادی یا فاعل است یا مسند الیه. اگر نهاد، انجام دهنده کاری باشد، فاعل است. مثل کلمه «مریم» در عبارت «مریم درس می‌خواند» که در واقع «مریم» فعل «درس خواندن» را انجام می‌دهد. اما اگر فقط حالت یک نهاد، بیان شده باشد و کاری انجام نشده باشد، نهاد، مسند الیه خواهد بود؛ مثل عبارت «مریم خوشحال است» که فقط حالت مریم یعنی «خوشحالی» را بیان کرده است؛ لذا «مریم» مسند الیه است. در زبان عربی هر کلمه‌ای که مسند الیه واقع شود، حتماً اسم است. مسند الیه و مسندِ زبان فارسی تقریباً معادل مبتدا و خبر در زبان عربی هستند که در دروس یازدهم و دوازدهم به آن می‌پردازیم.

ابهامات دبیران در موضوع اسم

آنچه دارای ابهام است، کلماتی است که در ظاهر هیچ یک از ویژگی‌هایی که در بالا برشمردیم، ندارد اما به لحاظ معنا، منطبق با اسم است؛ یعنی کلمه‌ای که دارای معنای مستقل است ولی فاقد زمان است. این کلمات نیز اسم هستند و لازم است دبیر گرامی‌آنها را بشناسد و درصورتی که مورد سؤال دانش‌آموز باشد، بتواند پاسخ دهد اما چنانچه سؤالی نبود، ضرورتی برای طرح آنها نیست. دانش‌آموزان در درس هفتم با این دسته از اسامی‌آشنا می‌شوند و می‌توانیم در آن جایگاه، این مطلب را تکمیل کنیم. اکنون این اسامی‌را می‌بینیم :

اسم‌های دسته دوم (فاقد ویژگی‌های ظاهری)

اسامی‌که به لحاظ معنا اسم‌اند اما معمولاً هیچ کدام از شش ویژگی فوق را ندارند، عبارتند از :

ـ ضمایر (هو هما هم . . . / ـه ـهما ـهم) دانش‌آموزان پیشتر در دوره اول متوسطه این ضمایر را دیده‌اند و کم و بیش با آنها آشنا هستند.

ـ اسامی‌اشاره (هذا هذه تلک ذلک و...)
ـ اسامی‌استفهام یا همان پرسشی (کیف أین متی و...)
ـ اسامی‌شرط (مَن ما أینما کیفما و...)
ـ ظروف (إذا، إذ، أنّی و...)

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ـ اسامی‌مبنی که در بالا برشمردیم معمولاً دانش‌آموزان را به چالش می‌کشاند و در تشخیص اسم یا فعل بودن، آنان را دچار خطا می‌کند زیرا ویژگی‌های ظاهری که برشمردیم را ندارند. با روش تدریسی که عرض کردیم، می‌توان این مشکل را برطرف کرد یعنی با بیان این‌که اسامی‌دو دسته هستند : یک دسته ویژگی‌های ظاهری دارند، دسته دوم گرچه ویژگی‌های ظاهری را ندارند اما بر تعریف اسم منطبق‌اند.

۲ـ بعضی از کلمات در زبان عربی حرف به شمار می‌آیند اما در زبان فارسی اسم‌اند مثل : ثُمَّ (سپس)، نَعَم (بله)، إنّ (همانا). راهکار این است که اولاً از گفتن نکات اضافه بپرهیزید. این دسته از حروف هرگز هدف آموزشی کتاب نبوده و در هیچ آزمونی هدف قرار نمی‌گیرند. ثانیاً چنانچه برای دانش‌آموزان مورد سؤال واقع شد، اولاً تأکید کنید که سؤال امتحانی نخواهد بود تا دانش‌آموزان پریشان نشوند ثانیاً به عنوان نکته اضافی مطرح کنید که این‌ها در زبان عربی اسم نیستند بلکه حرف به شمار می‌آیند.

تمارین

تمرین اول : اسم‌ها را در آنچه می‌آید، مشخص کن و نشانه‌هایشان را بیان کن.

(با توجه به این‌که هنوز دانش‌آموزان با مبحث معرب و مبنی آشنا نیستند، باید علائم اسم را فقط در اسامی‌معرب بررسی کرد.)

۱ـ الأعمال : نشانه = دارای الـ **النّیّات** : نشانه = دارای الـ / علامت جرّ

إنّما و بِـ حرف هستند.

۲ـ الخیر : نشانه = دارای الـ/ مسند الیه بودن **کثیرٌ** : نشانه = دارای تنوین

فاعل : نشانه = مضاف بودن / مسند الیه بودن، **ضمیر** (ه) اسم است و فاقد ویژگی‌های ۶گانه
قلیل : نشانه = تنوین، **و** : حرف است
۳ــ حسن : نشانه= مضاف بودن / مسند الیه بودن **الخلق** : نشانه = دارای تنوین/ علامت جرّ
نصف : نشانه= مضاف بودن **الدّین** : نشانه = دارای الـ / علامت جرّ
۴ــ استنزلوا : فعل **الرّزق** : نشانه = دارای الـ **الصّدقة** : نشانه = دارای الـ / علامت جرّ
بـ حرف است.
۵ــ أحسن : نشانه=مضاف‌بودن/مسندالیه‌بودن **الحسن** :نشانه=دارای‌تنوین/علامت‌جرّ
الخلق : نشانه = دارای الـ **الحسن** : نشانه = دارای ال إنّ حرف است.

تمرین دوم : اسم و فعل و حرف را مشخص کنید.

	اسامی	افعال	حروف
الآیةُ الأُولیٰ	ذکر (نشانه : مضاف بودن) رحمت (نشانه : جرّ و اضافه) ربّ (نشانه : جرّ و اضافه) کَ (ضمیر) عبد (نشانه : اضافه) ه (ضمیر) زکریا : اسم خاص		
الآیةُ الثّانیةُ	ربّ (منادا) ی (ضمیر) العظم (ال)	قال ــ وهن	إنّ ــ مِن
الآیةُ الثّالثَةُ	الرّأس (نشانه : ال) شیباً (نشانه : تنوین)	اشْتَعَلَ	و

تمرین سوم : بیست اسم و علامتشان را در سوره زلزال مشخص کنید. (در این تمرین هم فعلا با اسامی‌مبنی کاری نداریم)

اسامی که دارای نشانه «الـ» هستند : الله/ الرّحمن/ الرّحیم / الأرض / الإنسان / النّاس
اسامی که دارای نشانه «تنوین» هستند : أشتاتاً / ذرّةٍ / خیراً / شرّاً / (کلمه یومئذٍ در ظاهر تنوین دارد ولی نکات بسیاری دارد که ضرورتی برای مطرح شدن آنها نیست. بهتر است در امتحانات، کلمه یومئذ مورد سؤال نباشد)

اسامی که دارای نشانه «جرّ» هستند : ذرّةٍ
اسامی که دارای نشانه «اضافه» هستند : اسم/ زلزال / أثقال / أخبار / ربّ / أعمال / مثقال
اسامی که دارای نشانه «نداء و مسند الیه بودن» هستند : ندارد
اسامی که فاقد ویژگی‌های ۶ گانه هستند : إذا /ها/ما /ک / هم / من / ه

گفت‌وگو (آشنایی با یکدیگر)

زائر آرامگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام	**یکی از کارمندان در سالن فرودگاه**
سلام علیکم	سلام بر شما و رحمت و برکات خداوند بر شما
صبح به خیر برادر!(اصطلاح است)	صبحتان پر از روشنی و شادی!(اصطلاح است)
حالت چطوره؟	خوبم، شما چطوری؟
خوبم، خدارو شکر	ببخشید، اهل کجایی؟
من اهل جمهوری اسلامی‌ایران هستم.	اسم شریفت چیست؟
اسمم حسین است، اسم شریف شما چیست؟	اسمم عبدالرحمان است.
آیا تا حالا به ایران سفر کردی؟	نه متأسفانه ولی دوست دارم سفر کنم.
ان شاء اللّٰه به ایران سفر می‌کنی.	ان شاءاللّٰه، به امید دیدار، به سلامت!
در پناه خدا!	در پناه و حفاظت خدا باشی دوستم!

اَلدَّرْسُ الثّاني



﴿إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُم أُمَّةً واحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُم فَاعْبُدونِ﴾

اَلْأَنبياء : ٩٢

بی‌گمان این امّت شماست؛ امّتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

درس دوم

هدف کلی : دانش‌آموز با ساختار ثلاثی مزید آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ صرف افعال در ماضی، مضارع و امر حاضر برای دانش‌آموز دوره شود.
۲ دانش‌آموز اوزان فعل ثلاثی مجرد را با توجه به حرکت عین الفعل مضارع یاد بگیرد.
۳ دانش‌آموز با وزن‌های افعال ثلاثی مزید آشنا شود و باب آن را بیاموزد.
۴ دانش‌آموز نوع افعال و صیغه آن را بیاموزد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ بتواند افعال ثلاثی مجرد را به خوبی صرف کند و نتیجتاً ساختار فعل(ماضی، مضارع و امر) را در متن تشخیص دهد، معنای آن را متناسب با جمله بفهمد و صیغه‌های پرکاربرد آن را بشناسد.

۳ ضمایر متصل فاعلی (مانند : ـتُ، ـنا، ـوا) را در متن تشخیص دهد و بتواند از روی فعل، فاعل جمله را تشخیص دهد.

۳ درمورد رابطه فعل و فاعل :
ـ بداند فعل بدون فاعل کامل نیست.
ـ بتواند فاعل را در جمله‌های ساده تشخیص دهد.
ـ تفاوت فاعل اسم ظاهر و فاعل ضمیر را بفهمد.

۴ افعال ثلاثی مزید را شناسایی کند و باب آنها را تشخیص دهد.

۵ حروف زائد باب‌ها را تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس دوم

با توجه به این‌که این درس، تمرکز زیادی بر روی فعل و ساختار و صیغه‌اش دارد، در ترجمه متن، حتماً بر روی زمان افعال و صیغه آنها تأکید نمایید. در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

حبل جمعش حِبال / قائد جمعش قادة / عمیل جمعش عُمَلاء است.

همزیستی مسالمت‌آمیز

قطعاً رسالت اسلام در گذر زمان براساس منطق و دوری از هرگونه بدی استوار است. پس همانا خداوند می‌فرماید : «و نیکی و بدی برابر نیستند (بدی را)به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آن‌گاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود».

همانا قرآن به مسلمانان امر می‌کند که معبودهای مشرکان و کفّار را دشنام ندهند. پس او می‌فرماید : «کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند...»

اسلام به ادیان الهی احترام می‌گذارد. «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه‌ای یکسان بین ما و شما که جز خداوند را نپرستیم و چیزی را به او شرک نورزیم».

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند :« هیچ اجباری در دین نیست».

اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نمی‌باشد زیرا به وسیلهٔ آن کسی سود نمی‌برد و بر همهٔ مردم واجب است که با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند همراه با این که هریک از آنها عقایدش را نگه دارد؛ زیرا «هر گروهی بدانچه نزد آنهاست، خوشحالند».

کشورهای اسلامی‌مجموعه‌ای از ملّت‌های بسیارند که در زبان‌ها و رنگ‌هایشان متفاوتند.

خداوند بلند مرتبه فرمود : «ای مردم! به درستی که ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را ملت‌ها و قبایلی قرار دادیم برای این‌که یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

قرآن ما را به یکپارچگی امر می‌کند.

«همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید ...»

اتّحاد امّت اسلامی‌در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود که از جمله آنها (شکل‌ها) اجتماع

مسلمانان در مکانی واحد در حج است. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند که در مساحتی وسیع از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند. امام خمینی رحمه‌الله فرمود :« هنگامی که کسی کلامی بگوید که مسلمانان را پراکنده کند، پس بدانید که او یا نادان است یا دانایی است که برای ایجاد تفرقه میان صفوف مسلمانان تلاش می‌کند.

و رهبر شهیدمان آیت‌الله خامنه‌ای رحمه‌الله فرمود : «هرکس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند، پس او مزدور دشمن است».

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن.

۱ اصرار کردن بر نقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع از حقیقت جایز است.غلط (جایز نیست)

۲ رسالت اسلام براساس منطق و دوری از بدی استوار است. صحیح

۳ بر همه مردم واجب است که با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. صحیح

۴ بعضی از ملّت‌ها به سبب رنگ بر دیگران برتری دارند. غلط (برتری فقط در تقواست)

۵ یک چهارم ساکنین جهان از مسلمانان است. غلط (یک پنجم)

کدام کلمه از کلمات لغت نامه، با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱ رئیس کشورها، کسی که مسئولین را امر می‌کند و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند. = قائد (رهبر)

۲ شناخت بعضی، بعضی دیگر را = تعارُف (شناخت یکدیگر)

۳ کسی که برای مصلحت دشمن کار می‌کند = عمیل (مزدور)

۴ یک جزء از پنج = خمس (یک پنجم)

در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر بگذار (دو کلمه اضافی است).

۱ (عندی) موبایلی دارم که باتری‌اش در طول نصف روز خالی می‌شود.

۲ (سواء) همکلاسی‌هایم در درس یکسان هستند.

۳ (الشعب) ملّت ایرانی هیچ فشاری را نمی‌پذیرد.
۴ (من دون) غیر خداوند، کسی را نپرستید.
کلمات «یجوز : جایز است» و «قائمة : براساس» اضافی هستند.

موضوعات درس دوم

ـ تقسیمات فعل به : ۱ـ ثلاثی و رباعی ۲ـ مجرد و مزید ۳ـ ماضی، مضارع، امر
ـ وزن‌های فعل مجرد
ـ وزن‌های فعل مزید

مقدمه

درس دوم نخستین درس محتوایی واقعی کتاب و گذار از «آشنایی زبانی» به کاربرد قاعده در متن محسوب می‌شود. از سویی نقطه‌ی شروع «قواعد در خدمت فهم» است، نه آموزش مستقل قواعد و در این درس، متن محور اصلی یادگیری است و قواعد، نقش پشتیبان دارند.

مرور مفاهیم اصلی درس

تقسیم فعل به ثلاثی و رباعی

در دوره اول متوسطه با فعل‌هایی آشنا شدیم که غالباً دارای سه حرف اصلی هستند، به آن سه حرف اصلی، ریشه فعل گفته می‌شود. به‌طور مثال فعل «یذهبون» دارای ریشه « ذ ه ب» و در واقع دارای سه حرف اصلی است. به فعل‌هایی که ریشه آنها فقط شامل سه حرف است، ثلاثی می‌گویند. اما در زبان عربی فعل‌هایی داریم که ریشه آنها چهار حرف است؛ مثل فعل «زَلزَلَ». به افعالی که ریشه آنها دارای چهار حرف اصلی است، رباعی گفته می‌شود. آموزش رباعی از اهداف این کتاب نیست و بدان نمی‌پردازد.

یک نکته برای دبیر

در زبان عربی هرگز فعلی که کمتر از سه حرف اصلی یا بیشتر از چهار حرف اصلی داشته باشد، وجود ندارد گرچه ممکن است فعلی را در ظاهر به صورت یک حرفی (مثل : قِ = به معنای

نگه‌دار، امر صیغه مفرد مذکرمخاطب) یا دو حرفی (مثل : قی = به معنای نگه دار، امر صیغه مفرد مؤنث مخاطب) ببینیم اما این افعال، در میان حروف اصلی خود، دارای حرف عله (یعنی واو، یاء) هستند و تحت قاعده اعلال و حذف حروف قرار گرفته‌اند و در اصل دارای همان سه حرف اصلی هستند (فعل قِ دارای سه حرف اصلی و ق ی است).

تقسیم فعل به مجرد و مزید

با هر فعلی که روبه‌رو می‌شویم ممکن است غیر از سه حرف اصلی، حرف یا حروف دیگری هم داشته باشد. این حروف دو دسته هستند؛ یک دسته حروفی که زمان فعل یا صیغه آن را به ما نشان می‌دهند، دسته دوم حروف زائدی که نشان می‌دهند یک فعل ثلاثی یا رباعی مزید است. به مثال‌های زیر دقت کنید :

فعل «یذهبون» دارای ریشه «ذ ه ب» است و علاوه بر ریشه، حروف دیگری دارد. حرف «یـ» در ابتدای آن، به ما می‌فهماند که اولاً این فعل، مضارع است[1] ثانیاً مربوط به صیغه‌های غایب است.

اما فعل «احتَرَمَ» دارای ریشه «ح ر م» است و علاوه بر ریشه، حروف زائد دیگری دارد. حرف «ا» و «تـ» ربطی به صیغه و زمان فعل ندارند بلکه در همه صیغه‌های این فعل، جاری هستند. این دسته از حروف زائد، نشان می‌دهند که فعل «احتَرَمَ» ثلاثی مزید است. ثلاثی است چون دارای سه حرف اصلی است، مزید است چون علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دیگری دارد. هرگاه سخن از حروف زائد یک فعل به میان بیاید، غرض، دسته دوم است که در واقع در تمام صیغه‌های یک فعل، جاری است و آن فعل را از مجرد به مزید تبدیل می‌کند.

دقت داشته باشید که کلمه «مجرّد» به معنای «خالی» می‌باشد لذا فعلی که اوّلین صیغه ماضی‌اش از هر حرف اضافه‌ای خالی است، یک فعل مجرّد به حساب می‌آید مثل : فعل «صَبَرَ» به معنای «صبرکرد» که در صیغهٔ للغائب ماضی، هیچ حرف اضافه‌ای ندارد و تنها سه حرف است. فعل«یَخرُجونَ» نیز باید برای تشخیص مجرّد و مزید، اوّلین صیغه ماضی‌اش را پیدا کنیم که آن «خَرَجَ» می‌باشد. می‌بینیم که «خَرَجَ» نیز فقط شامل سه حرف اصلی بوده؛ پس ثلاثی مجرّد است.

در مقابل، اگر صیغه للغائب ماضی را بررسی کردیم و حرف یا حروفی زائد پیدا کردیم، مطمئن

۱ــ حروف مضارعه عبارتند از : أ (متعلق به صیغه متکلم وحده)، تـ (متعلق به صیغه‌های مخاطب و دوتا از صیغه‌های غایب)، یـ(متعلق به صیغه‌های غایب)، نـ (متعلق با صیغه متکلم مع الغیر)

می‌شویم که آن فعل، مزید است، مثلاً فعل «یُخرِجونَ » صیغهٔ للغائب ماضی اش «أَخرَجَ» می‌باشد. فعل «أَخرَجَ» غیر از سه حرف اصلی «خ ر ج» دارای یک حرف زائد یعنی «همزه» است، پس یک فعل مزید به حساب می‌آید.

یادمان باشد زائد در اینجا به معنای بیهوده نیست بلکه در مقابل اصلی است و کار این حروف زائد، تبدیل فعل از مجرد به مزید و نتیجتاً تغییر در معناست.

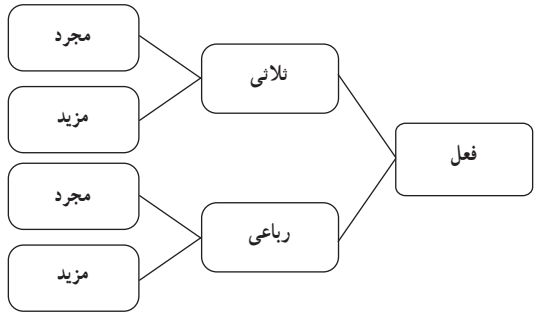

از میان تقسیمات فوق، در این درس ثلاثی مجرد مطرح می‌شود و اوزان ثلاثی مزید معرفی می‌شوند و معانی باب‌ها در درس بعدی شرح داده می‌شود. رباعی‌ها نیز در پایه دهم آموزش داده نمی‌شود.

فعل ثلاثی مجرد

فعل‌های ثلاثی مجرد اوزانی دارند که سماعی است و برای آگاهی از آنها باید به کتاب لغت مراجعه کنیم؛ گرچه بسیاری از آنها را به دلیل استعمال زیاد، شنیده ایم.

هرگاه فعل ماضی بر وزن فَعَلَ باشد مضارعش می‌تواند بر هر سه وزن یَفعَلُ، یَفعِلُ و یَفعُلُ باشد مثل : فَتَحَ یَفتَحُ، ضَرَبَ یَضرِبُ، نَصَرَ یَنصُرُ

هرگاه فعل ماضی بر وزن فَعِلَ باشد مضارعش می‌تواند بر دو وزن یَفعَلُ، یَفعِلُ باشد مثل : عَلِمَ یَعلَمُ، حَسِبَ یَحسِبُ

هرگاه فعل ماضی بر وزن فَعُلَ باشد مضارعش می‌تواند تنها بر وزن یَفعُلُ باشد مثل : حَسُنَ یَحسُنُ

پس هرگز فعل بر وزن فَعِلَ مضارعی بر وزن یَفعُلُ ندارد و فعل بر وزن فَعُلَ مضارعی بر وزن یَفعَلُ یا یَفعِلُ ندارد.

در نتیجه برای فعل ماضی در ثلاثی مجرد سه وزن فَعَلَ، فَعِلَ و فَعُلَ و برای مضارع نیز سه وزن یَفعَلُ، یَفعِلُ و یَفعُلُ داریم؛ پس همه حرکات ثابت است و فقط عین الفعل تغییر حرکت دارد.
این جدول کمک به فهم بهتر برای دانش‌آموز می‌کند :

اوزان افعال ثلاثی مجرد	یَفعَلُ	یَفعِلُ	یَفعُلُ
فَعَلَ	✓	✓	✓
فَعِلَ	✓	✓	×
فَعُلَ	×	×	✓

تقسیم فعل به ماضی، مضارع و امر

افعال در زبان عربی از نظر ساختار، به سه گروه ماضی، مضارع و امر تقسیم می‌شوند. دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه تا حدودی با این افعال آشنا شده اند. اکنون مروری بر آن خواهیم داشت.

فعل ماضی فعلی است که دلالت بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته می‌کند؛ مثل : أکرَمَ : اکرام کرد

فعل مضارع فعلی است که دلالت بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان حال یا آینده می‌کند؛ مثل : یُکرِمُ : اکرام می‌کند. البته معنای آینده در فعل مضارع، به وسیله ادواتی حاصل می‌شود؛ به طور مثال با حروف «سَـ» و «سوفَ» آینده مثبت خواهیم داشت و با حرف «لن» آینده منفی؛ در پایه یازدهم با حرف «لن» آشنا خواهیم شد.

فعل امر فعلی است که دلالت بر طلب در زمان آینده می‌کند مثل : أکرِم : اکرام کن!

ساختار این افعال را در یک نگاه ببینیم :

نمونه جدول صرف افعال ثلاثی مجرد	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر		
غایب	مذکر	مفرد	کَتَبَ (هو)	یَکتُبُ (هو)	
		مثنی	کَتَبا	یَکتُبانِ	
		جمع	کَتَبُوا	یَکتُبونَ	
	مؤنث	مفرد	کَتَبَت (هی)	تَکتُب (هی)	
		مثنی	کَتَبَتا	تَکتُبانِ	
		جمع	کَتَبنَ	یَکتُبنَ	
مخاطب	مذکر	مفرد	کَتَبتَ	تَکتُب (أنتَ)	أُکتُبْ (أنتَ)
		مثنی	کَتَبتما	تَکتُبانِ	أُکتُبا
		جمع	کَتَبتم	تَکتُبونَ	أُکتُبوا
	مؤنث	مفرد	کَتَبتِ	تَکتُبینَ	أُکتُبی
		مثنی	کَتَبتما	تَکتُبانِ	أُکتُبا
		جمع	کَتَبتنّ	تَکتُبنَ	أُکتُبنَ
متکلم	وحده		کَتَبتُ	أکتُب (أنا)	
	مع الغیر		کَتَبنا	نَکتُب (نحن)	

اشتباهات رایج دانش‌آموزان در ضمایر و راهکار

تمامی حروفی که در جدول فوق، به رنگ قرمز نوشته شده اند، ضمایر فاعلی و نشان‌دهنده صیغه این فعل‌ها هستند. اما گاهی دانش‌آموزان در تشخیص ضمایر به خطا می‌افتند لذا :

۱ بسیار پیش می‌آید که دانش‌آموزان در فعل‌های مضارع صیغه للغائبات و للمخاطبات یعنی یَفعَلنَ و تَفعَلنَ، متوجه نمی‌شوند که فاعلش ضمیر «ن» است و «هنّ» یا «انتنّ» مستتر را به عنوان فاعل معرفی می‌کنند. علت این خطا این است که افعال مضارع در بسیاری از صیغه‌ها «نون عوض

رفع» دارند و ضمایر فاعلی قبل از نون قرار دارند. در این دو صیغه هم می‌پندارند که نون نمی‌تواند فاعل باشد لذا دچار اشتباه می‌شوند اما لازم است تأکید جدی داشته باشیم که ضمیر (هنّ) مستتر و (أنتنّ) مستتر اصلاً نداریم!

۲ یکی از نکاتی که در کتاب بیان شده و باید تأکید بیشتری شود، حرف «تـ» در فعل ماضی صیغه للغائبة و للغائبتین است یعنی حرف «تـ» در فعل‌های فَعَلَت و فَعَلَتا، اصلاً ضمیر نیست و فقط نشانه مؤنث بودن این صیغه‌هاست درحالی‌که اکثر دانش‌آموزان می‌پندارند که این‌ها ضمیرند و بعضاً فاعل در فعل «فَعَلَت» را تشخیص نمی‌دهند و حرف «تـ» را به عنوان فاعل معرفی می‌کنند لذا شایسته است با تأکید بیشتر، آنان را از این خطا دور کنیم.

یادآوری ساختار فعل امر

تا اینجا ساختار فعل‌های ماضی و مضارع را در ثلاثی مجرد بررسی کردیم اکنون ساختار امر را در حد دوره اول متوسطه مرور می‌نماییم تا اگر دانش‌آموزی به خوبی یاد نگرفته، اکنون کاملاً بیاموزد و اشکالی باقی نماند.

فعل امر را از فعل مضارع می‌سازیم به این ترتیب که نخست حروف مضارعه را از ابتدای فعل، حذف می‌کنیم (۱ــ تَکتُبُ = کتُبُ) سپس دقت می‌کنیم اگر اولین حرفی که داریم، ساکن بود لازم است برای این‌که قابل خواندن باشد، یک همزه در ابتدای فعل بگذاریم (۲ــ کتُبُ = اکتُبُ). آن‌گاه با توجه به حرکت عین‌الفعل، به همزه حرکت می‌دهیم. چنانچه عین الفعل، ضمه داشت، به‌همزه هم ضمه می‌دهیم و چنانچه عین الفعل، فتحه یا کسره داشت، به همزه، کسره می‌دهیم (۳ــ اُکتُبُ). در آخر انتهای آن را تغییر می‌دهیم یعنی در صیغه هفتم انتهای آن را ساکن می‌کنیم و در صیغه‌های هشتم تا یازدهم، نون را حذف می‌کنیم اما صیغه دوازدهم تغییر نمی‌کند (۴ــ اُکتُبُ = اُکتُبْ).

وزن‌های فعل مزید و معانی آن

پیش‌تر گفتیم فعل مزید فعلی است که علاوه بر حروف اصلی، دارای حرف یا حروف زائدی است. این حروف را با نظر به صیغه مفرد مذکر غایب از ماضی آن، به دست می‌آوریم. هدف از این اضافه شدن حروف زائد، تکثیر کلمه و به دست آوردن معانی مختلف است اما فهمیدن و دسترسی به

این معانی مختلف، نیازمند به مهارت در علم صرف و علم لغت است؛ گرچه هر باب دارای یک معنای غالب و پرکاربرد است که اکثر فعل‌های آن باب، دارای آن معنا هستند اما می‌توانند معانی دیگری هم داشته باشند. این اضافه شدن حروف نیز ضابطه و قاعده‌هایی دارد که به آن، باب می‌گویند. در ثلاثی مزید ده باب وجود دارد که هشت تای آنها پرکاربردتر هستند و در کتاب درسی همان هشت باب معرفی شده‌اند.

ثلاثی مزید					
	ماضی	مضارع	امر حاضر	مصدر (باب)	تعداد حروف زائد
۱	أفعَلَ	يُفعِلُ	أفعِلْ	اِفعال	۱ حرف (همزه)
۲	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفعیل	۱ حرف (تکرار عین الفعل)
۳	فاعَلَ	يُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة / فِعال	۱ حرف (الف)
۴	تَفاعَلَ	يَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل	۲ حرف (ت+الف)
۵	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل	۲ حرف (ت+تکرار عین الفعل)
۶	إنفَعَلَ	يَنفَعِلُ	إنفَعِلْ	اِنفِعال	۲ حرف (همزه+ ن)
۷	إفتَعَلَ	يَفتَعِلُ	إفتَعِلْ	اِفتِعال	۲ حرف (همزه+ت)
۸	إستَفعَلَ	يَستَفعِلُ	إستَفعِلْ	اِستِفعال	۳ حرف (همزه+س+ت)

دانستنی‌های دبیر درباره ابواب ثلاثی مزید

اما دو باب دیگر هم در ثلاثی مزید وجود دارد که کم کاربرد است و در کتاب درسی نیامده است :

	ماضی	مضارع	امر حاضر	مصدر (باب)	تعداد حروف زائد
۱	إفعَلَّ	يَفعَلُّ	إفعَلَّ	اِفعِلال	۲ حرف (همزه و تکرار لام)
۲	إفعَوعَلَ	يَفعَوعِلُ	إفعَوعِلْ	اِفعیعال	۱ حرف (الف و واو و تکرار عین الفعل)

در این درس کافی است ریتم و آهنگ باب‌ها کار شود و فقط ردیف اول آموزش داده شود. صرف آنها در درس بعدی آموزش داده می‌شود. از آنجا که تعداد باب‌ها زیاد است، هنر دبیر را می‌طلبد که بنابر سطح کلاس، چنانچه لازم بود چهار باب را در این درس کار کند و چهار باب را در درس بعدی.

اشتباه رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ دانش‌آموزان برای تشخیص ثلاثی مجرد از مزید، به صیغه للغائب ماضی توجه نمی‌کنند! لطفاً روی این نکته، تأکید جدی نمایید و در مثال‌های متعدد بررسی کنید و تا چند جلسه این نکته را در فعل‌های مختلف تکرار کنید تا مطلب، به حافظه بلند مدت سپرده شود.

۲ در بسیاری از موارد وزن ماضی للغائب باب افعال یعنی «أفعَلَ» با صیغه متکلم وحده مضارع در ثلاثی مجرد یعنی «أفعَلُ» اشتباه گرفته می‌شود. لازم است دانش‌آموزان را به حرکت انتهای فعل توجه دهید. همه فعل‌های ماضی در صیغه للغائب، به فتحه ختم می‌شوند «أفعَلَ» ولی متکلم وحده مضارع، ضمه دارد«أفعَلُ».

پاسخ به اختبر

اختبر نفسک : افعال ثلاثی مزید را ترجمه کن و باب آنها را بنویس.

ماضی	مضارع	امر	مصدر	باب
تَعامَلَ : داد و ستد کرد	یَتَعامَلُ : داد و ستد می‌کند	تَعامَلْ : داد و ستد کن	تَعامُل : داد و ستد کردن	تَفاعُل
عَلَّمَ : یاد داد	یُعَلِّمُ : یاد می‌دهد	عَلِّمْ : یاد بده	تَعلیم : یاد دادن	تَفعیل
کاتَبَ : نامه نگاری کرد	یُکاتِبُ : نامه نگاری می‌کند	کاتِبْ : نامه نگاری کن	مُکاتَبَة : نامه نگاری کردن	مُفاعَلَة
أجلَسَ : نشاند	یُجلِسُ : می‌نشاند	أجلِسْ : بنشان	إجلاس : نشاندن	إفعال

التّمارين

تمرین اول : ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن سپس نوع فعل‌ها و صیغه‌ها را در آنها مشخص کن.

۱ و برای من یادی نیکو در آیندگان قرار بده.

اجعَلْ : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب)

۲ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟

آمنوا : فعل ماضی باب افعال صیغه للغائبینَ (جمع مذکر غایب)[۱] / **تقولون** : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبین (جمع مذکر مخاطب) / **تفعلون** : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبین (جمع مذکر مخاطب)

۳ و کار نیکو انجام دهید همانا من بدانچه انجام می‌دهید، آگاهم.

اعملوا : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبین (جمع مذکر مخاطب) / **تعملون** : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبین (جمع مذکر مخاطب)

۴ پروردگارا! ما را با قوم ستمکاران قرار مده!

لا تجعل : فعل مضارع (نهی) ثلاثی مجرد صیغه للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب)

۵ به بسیاری نمازشان و روزه شان و زیادی حج گزاردن نگاه نکنید... اما به راستی گفتار و ادای امانت بنگرید.

لا تنظروا : فعل مضارع (نهی) ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبینَ (جمع مذکر مخاطب)/ **انظروا** : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبینَ (جمع مذکر مخاطب)

۶ به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است بر تو رحم نماید.

ارحم : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب) / **یرحم** : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للغائب (مفرد مذکر غایب)

تمرین دوم : این جملات را ترجمه کن و نوع فعل‌ها و صیغه‌شان را بنویس!

اکتب رسالتک : نامه ات را بنویس. اکتب : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب)

۱ــ این فعل در ظاهر للغائبین است اما از آن‌جا که بعد از منادا واقع شده است، للمخاطبین ترجمه می‌شود.

لا تکتب علی الجدار : بر روی دیوار ننویس. لا تکتب : فعل مضارع (نهی) ثلاثی مجرد صیغه للمخاطب (مفرد مذکر مخاطب)

اکتبوا واجباتکم : تکالیفتان را بنویسید. اکتبوا : فعل امر ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبینَ (جمع مذکر مخاطب)

هنّ لا یکتبن بسرعة : آنها با سرعت نمی‌نویسند. لا یکتبن : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للغائبات(جمع مؤنث غایب)

سأکتب درسی : درسم را به زودی خواهم نوشت. سأکتب : فعل مضارع (مستقبل) ثلاثی مجرد صیغه للمتکلم وحده

إنّنا سوف نکتب أبحاثا : ما پژوهش‌هایی خواهیم نوشت. سوف نکتب : فعل مضارع (مستقبل) ثلاثی مجرد صیغه للمتکلم مع الغیر

ما کتبتم تمارینکم : تمرین‌هایتان را ننوشتید. ما کتبتم : فعل ماضی منفی ثلاثی مجرد صیغه للمخاطبینَ (جمع مذکر مخاطب)

کانوا یکتبون بدقّة : با دقّت می‌نوشتند. کانوا : فعل ماضی ثلاثی مجرد صیغه للغائبینَ (جمع مذکر غایب) / یکتبون : فعل مضارع ثلاثی مجرد صیغه للغائبینَ (جمع مذکر غایب) ــ دقت داشته باشید ساختار « کانوا یکتبون» معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

تمرین سوم : جدول زیر را کامل کن.

فعل	ماضی/ مضارع/ امر	مجرد/ مزید	باب
سَبِّحْ	امر	مزید	تفعیل
اِستَغفِرْ	امر	مزید	استفعال
رأیتَ	ماضی	مجرد	.....
یَدخلونَ	مضارع	مجرد	.....
أعبدُ	مضارع	مجرد	.....
تَعبُدونَ	مضارع	مجرد	.....

فعل	ماضی/ مضارع/ امر	مجرد/ مزید	باب
يُؤمِنونَ	مضارع	مزید	افعال
رَزَقْنا	ماضی	مجرد	.....
يُنْفِقونَ	مضارع	مزید	افعال
يَكذِبونَ	مضارع	مجرد	.....
يَستَهزِئُ	مضارع	مزید	استفعال

گفت‌وگو (در فرودگاه)

گردشگری از ایران — **گردشگری از کویت**

ــ سلام علیکم! — ــ سلام بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما

ــ عصر به خیر دوستم! — ــ عصرتان روشن عزیزم

ــ آیا جناب عالی از عراق هستید؟ — ــ نه، من از کویت هستم. آیا تو از پاکستان هستی؟

ــ نه، من ایرانی هستم. چندبار برای زیارت آمده‌ای؟ ــ برای بار اوّل آمدم. تو چندبار آمده‌ای؟

ــ من برای بار دوم آمدم. — ــ چند سالت است؟

ــ سنم شانزده سال است. — ــ تو از کدام شهری؟

ــ من از شهر جویبار در استان مازندران هستم. ــ چقدر جنگل‌های مازندران وطبیعتش زیباست!

ــ آیا قبلاً به ایران رفته‌ای؟ — ــ بله، برای زیارت امّام رضا هشتمین امّاممان رفتم.

ــ ایران را چگونه دیدی؟ — ــ ایران، واقعاً کشور زیبایی است و ملت ایرانی ،ملّتی مهمان دوست هستند.

اَلدَّرْسُ الثّالِثُ



﴿وَ هوَ الَّذي يُرسِلُ الرّياحَ بُشراً﴾

اَلْأعراف: ٥٧

و او کسی است که بادها را مژده دهنده می‌فرستد.

درس سوم

هدف کلی : دانش‌آموز صرف افعال ثلاثی مزید را بیاموزد.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز افعال ثلاثی مزید را در صیغه‌های مختلف ببیند و بیاموزد.

۲ دانش‌آموز بیاموزد که چگونه می‌تواند افعال ثلاثی مزید را از یکدیگر تمییز دهد.

۳ دانش‌آموز با ترجمه درست افعال با توجه به باب، آشنا شده، معانی پرکابرد ابواب را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ افعال ثلاثی مزید را :

ـ به خوبی صرف کند.

ـ صیغه‌های مختلف آن را بشناسد.

ـ زمان افعال ثلاثی مزید را تشخیص دهد.

۲ بتواند افعالی ثلاثی مزید را با توجه به باب، به درستی ترجمه نماید و تأثیر باب بر ترجمه فعل را بفهمد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس سوم

در ترجمه این درس دانش‌آموزان را به افعال ثلاثی مزید توجه دهید و تأثیر باب بر معنا را تذکر دهید. در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

ثلج جمعش ثُلوج / ظاهرة جمعش ظَواهر / فِلم جمعش أفلام است.

باران ماهی

«خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد پس (بادها) ابری را بر می‌انگیزند پس (خداوند) آن (ابر) را در آسمان می‌گستراند...»

آیا باور می‌کنی که روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان فرو می‌ریزند؟ قطعاً بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است. امّا آیا ممکن است که باران ماهی را ببینیم؟ آیا گمان می‌کنی که آن باران، حقیقت باشد و فیلمی‌خیالی نباشد؟ بسیار خوب! پس به این عکس‌ها نگاه کن تا باور کنی!

با دقّت نگاه کن ! تو سقوط ماهی‌ها از آسمان را می‌بینی گویا (از) آسمان ماهی‌هایی می‌بارد.

مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی » می‌نامند. این پدیده مردم را در طول سال‌های طولانی متحیّر کرد، پس جوابی برای آن نیافتند. «باران ماهی» سالانه در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی اتّفاق می‌افتد.

این پدیده گاهی در یک سال، دوبار اتّفاق می‌افتد. پس مردم ابر سیاه بزرگی و رعد و برقی و بادهایی قوی و باران شدیدی را به مدّت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می‌کنند، سپس زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود، پس مردم آنها را برای پختن و خوردنشان (برمی‌دارند) می‌گیرند.

دانشمندان برای شناخت راز آن پدیدهٔ عجیب کوشیدند پس گروهی را برای دیدن مکان و شناختن ماهی‌هایی که بعد از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند، فرستادند، پس دریافتند که بیشتر ماهی‌های پخش شده بر زمین از یک نوع هستند امّا در این امر، عجیب این است که ماهی‌ها متعلّق به آب‌های همسایه نیستند بلکه متعلق به آبهای اقیانوس اطلس هستند که به مسافت دویست کیلومتر از محل سقوط ماهی‌ها دور است. سبب شکل‌گیری این پدیده چیست؟ گردبادی شدید اتّفاق می‌افتد پس ماهی‌ها را با قوّت به آسمان می‌کشد و آن‌ها را به مکانی دور می‌برد و هنگامی‌که سرعتش را از دست می‌دهد بر زمین فرو می‌افتند.

مردم در هندوراس این روز را سالانه جشن می‌گیرند و آن را جشنواره باران ماهی می‌نامند.

«و از آسمان آبی فرو فرستاد پس به وسیله آن رزقی از میوه‌ها برایتان بیرون آورد.»

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کنید :

۱ اهالی هندوراس این روز را ماهانه جشن می‌گیرند و آن را «جشنواره دریا» می‌نامند. غلط (سالانه ــ جشنواره باران ماهی)

۲ هنگامی‌که گردباد، سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها بر زمین فرو می‌افتند. صحیح

۳ دانشمندان از شناخت راز آن پدیده عجیب ناامید شدند. غلط (بدان پی بردند)

۴ همانا نزول باران و برف از آسمان، امری طبیعی است. صحیح
۵ این پدیده ده بار در سال اتّفاق می‌افتد. غلط (دوبار در سال)

جمله صحیح و غیرصحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱ جشنواره ،جشنی است به مناسبتی زیبا همچون جشنواره شکوفه‌ها و جشنواره فیلم‌ها. صحیح
۲ برف، نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر کوه‌ها نازل می‌شود. غلط
۳ ایرانی‌ها اوّلین روز از روزهای سال شمسی را به عنوان نوروز جشن می‌گیرند. صحیح
۴ ماهی‌ها در جوی و دریا زندگی می‌کنند در حالی که انواع مختلفی دارند. صحیح
۵ گردباد، بادی شدید است که از مکانی به مکان دیگر منتقل نمی‌شود. غلط

کلمات مترادف و متضاد را مشخص کنید.

أنزل (نازل کرد/ پایین آمد) ≠ رَفَع (بالا رفت) أصبح (شد) = صار
حفلة (جشن) = مهرجان صعود (بالا رفتن) ≠ نزول (پایین آمدن)

موضوعات درس سوم

۱ صرف افعال ثلاثی مزید ۲ معانی ابواب ثلاثی مزید

مقدمه

این درس از نظر تألیفی یکی از مهمترین مباحث کتاب عربی دهم را پوشش داده است؛ زیرا دانش‌آموز تا پایان دوره دبیرستان نیازمند شناختن افعال ثلاثی مزید است و این اوزان به اشکال مختلف می‌تواند مورد سؤال امتحانی یا حتی موضوع تست کنکور باشد؛ به‌طور مثال تست ضبط حرکات که همواره در کنکور می‌آید، در موارد بسیاری اوزان ثلاثی مزید را هدف گرفته است.

مرور مفاهیم اصلی درس

صرف فعل یک روش و الگوی واحد دارد لذا یک فعل چه ثلاثی باشد چه رباعی، مجرد باشد یا مزید، تفاوتی در نحوه صرف کردن آن وجود ندارد. به جداول صفحه بعد با دقت نگاه کنید :

صرف فعل ماضی

فعل ماضی	ثلاثی مجرد	افعال	تفعیل	مفاعلة	افتعال	انفعال	تفعّل	تفاعل	استفعال
للغائب	ذَهَبَ	أكرَمَ	كَرَّمَ	جاهَدَ	اِجتَهَدَ	اِنكَسَرَ	تَهَجَّدَ	تَبادَرَ	اِستَقبَلَ
للغائبَينِ	ذَهَبَا	أكرَما	كَرَّما	جاهَدا	اِجتَهَدا	اِنكَسَرا	تَهَجَّدا	تَبادَرا	اِستَقبَلا
للغائبينَ	ذَهَبُوا	أكرَمُوا	كَرَّمُوا	جاهَدُوا	اِجتَهَدُوا	اِنكَسَرُوا	تَهَجَّدُوا	تَبادَرُوا	اِستَقبَلُوا
للغائبة	ذَهَبَت	أكرَمت	كَرَّمَت	جاهَدَت	اِجتَهَدَت	اِنكَسَرَت	تَهَجَّدَت	تَبادَرَت	اِستَقبَلَت
للغائبتَينِ	ذَهَبَتا	أكرَمَتا	كَرَّمَتا	جاهَدَتا	اِجتَهَدَتا	اِنكَسَرَتا	تَهَجَّدَتا	تَبادَرَتا	اِستَقبَلَتا
للغائبات	ذَهَبنَ	أكرَمنَ	كَرَّمنَ	جاهَدنَ	اِجتَهَدنَ	اِنكَسَرنَ	تَهَجَّدنَ	تَبادَرنَ	اِستَقبَلنَ
للمخاطب	ذَهَبتَ	أكرَمتَ	كَرَّمتَ	جاهَدتَ	اِجتَهَدتَ	اِنكَسَرتَ	تَهَجَّدتَ	تَبادَرتَ	اِستَقبَلتَ
للمخاطبَينِ	ذَهَبتما	أكرَمتما	كَرَّمتما	جاهَدتما	اِجتَهَدتما	اِنكَسَرتما	تَهَجَّدتما	تَبادَرتما	اِستَقبَلتما
للمخاطبينَ	ذَهَبتم	أكرَمتم	كَرَّمتم	جاهَدتم	اِجتَهَدتم	اِنكَسَرتم	تَهَجَّدتم	تَبادَرتم	اِستَقبَلتم
للمخاطبة	ذَهَبتِ	أكرَمتِ	كَرَّمتِ	جاهَدتِ	اِجتَهَدتِ	اِنكَسَرتِ	تَهَجَّدتِ	تَبادَرتِ	اِستَقبَلتِ
للمخاطبَتَينِ	ذَهَبتما	أكرَمتما	كَرَّمتما	جاهَدتما	اِجتَهَدتما	اِنكَسَرتما	تَهَجَّدتما	تَبادَرتما	اِستَقبَلتما
للمخاطبات	ذَهَبتنَّ	أكرَمتنَّ	كَرَّمتنَّ	جاهَدتنَّ	اِجتَهَدتنَّ	اِنكَسَرتنَّ	تَهَجَّدتنَّ	تَبادَرتنَّ	اِستَقبَلتنَّ
للمتكلم وحده	ذَهَبتُ	أكرَمتُ	كَرَّمتُ	جاهَدتُ	اِجتَهَدتُ	اِنكَسَرتُ	تَهَجَّدتُ	تَبادَرتُ	اِستَقبَلتُ
للمتكلم مع الغير	ذَهَبنا	أكرَمنا	كَرَّمنا	جاهَدنا	اِجتَهَدنا	اِنكَسَرنا	تَهَجَّدنا	تَبادَرنا	اِستَقبَلنا

صرف فعل مضارع

فعل‌مضارع	ثلاثی‌مجرد	افعال	تفعیل	مفاعلة	افتعال	انفعال	تفعّل	تفاعل	استفعال
للغائب	يَذهبُ	يُكرِمُ	يُكَرِّمُ	يُجاهِدُ	يَجتَهِدُ	يَنكَسِرُ	يَتَجَهَّدُ	يَتَبادَرُ	يَستَقبِلُ
للغائبَينِ	يَذهبانِ	يُكرِمانِ	يُكَرِّمانِ	يُجاهِدانِ	يَجتَهِدانِ	يَنكَسِرانِ	يَتَجَهَّدانِ	يَتَبادَرانِ	يَستَقبِلانِ
للغائبينَ	يَذهبونَ	يُكرِمونَ	يُكَرِّمونَ	يُجاهِدونَ	يَجتَهِدونَ	يَنكَسِرونَ	يَتَجَهَّدونَ	يَتَبادَرونَ	يَستَقبِلونَ
للغائبة	تَذهبُ	تُكرِمُ	تُكَرِّمُ	تُجاهِدُ	تَجتَهِدُ	تَنكَسِرُ	تَتَجَهَّدُ	تَتَبادَرُ	تَستَقبِلُ
للغائبَتَينِ	تَذهبانِ	تُكرِمانِ	تُكَرِّمانِ	تُجاهِدانِ	تَجتَهِدانِ	تَنكَسِرانِ	تَتَجَهَّدانِ	تَتَبادَرانِ	تَستَقبِلانِ
للغائبات	يَذهبنَ	يُكرِمنَ	يُكَرِّمنَ	يُجاهِدنَ	يَجتَهِدنَ	يَنكَسِرنَ	يَتَجَهَّدنَ	يَتَبادَرنَ	يَستَقبِلنَ
للمخاطب	تَذهبُ	تُكرِمُ	تُكَرِّمُ	تُجاهِدُ	تَجتَهِدُ	تَنكَسِرُ	تَتَجَهَّدُ	تَتَبادَرُ	تَستَقبِلُ
للمخاطبَينِ	تَذهبانِ	تُكرِمانِ	تُكَرِّمانِ	تُجاهِدانِ	تَجتَهِدانِ	تَنكَسِرانِ	تَتَجَهَّدانِ	تَتَبادَرانِ	تَستَقبِلانِ
للمخاطبينَ	تَذهبونَ	تُكرِمونَ	تُكَرِّمونَ	تُجاهِدونَ	تَجتَهِدونَ	تَنكَسِرونَ	تَتَجَهَّدونَ	تَتَبادَرونَ	تَستَقبِلونَ
للمخاطبة	تَذهبينَ	تُكرِمينَ	تُكَرِّمينَ	تُجاهِدينَ	تَجتَهِدينَ	تَنكَسِرينَ	تَتَجَهَّدينَ	تَتَبادَرينَ	تَستَقبِلينَ
للمخاطبَتَينِ	تَذهبانِ	تُكرِمانِ	تُكَرِّمانِ	تُجاهِدانِ	تَجتَهِدانِ	تَنكَسِرانِ	تَتَجَهَّدانِ	تَتَبادَرانِ	تَستَقبِلانِ
للمخاطبات	تَذهَبنَ	تُكرِمنَ	تُكَرِّمنَ	تُجاهِدنَ	تَجتَهِدنَ	تَنكَسِرنَ	تَتَجَهَّدنَ	تَتَبادَرنَ	تَستَقبِلنَ
للمتكلم وحده	أذهَبُ	أُكرِمُ	أُكَرِّمُ	أُجاهِدُ	أَجتَهِدُ	أَنكَسِرُ	أَتَجَهَّدُ	أَتَبادَرُ	أَستَقبِلُ
للمتكلم مع الغير	نَذهَبُ	نُكرِمُ	نُكَرِّمُ	نُجاهِدُ	نَجتَهِدُ	نَنكَسِرُ	نَتَجَهَّدُ	نَتَبادَرُ	نَستَقبِلُ

اشتباهات رایج در تشخیص باب‌ها و راهکار

۱ برخی از دانش‌آموزان در مواجهه ابتدایی با ابواب، نگران می‌شوند و می‌پندارند که صرف آنها نیز دانش جدیدی است!

۲ دانش‌آموزان گاهی در تشخیص باب‌های تفعیل و تفعّل و نیز در باب‌های مفاعلة و تفاعل به خطا می‌افتند زیرا اوزان این ابواب بسیار بهم نزدیک‌اند!

۳ در ابتدای فعل‌های ماضی باب‌های تفعّل و تفاعل حرف «تـ» قرار دارد. همین امر باعث می‌شود که گاهی دانش‌آموزان، این حرف را با حروف مضارعه اشتباه می‌گیرند و فکر می‌کنند این افعال، مضارع‌اند!

پاسخ‌ها را در نکته زیر بیابید :

نکات کلیدی در آموزش ابواب ثلاثی مزید

۱ همان طورکه در جداول فوق ملاحظه نمودید صرف فعل در باب‌ها هیچ تفاوتی با ثلاثی مجرد آنها ندارد. لازم است با ذکر این نکته، به دانش‌آموزان اعتماد به نفس لازم را بدهید و بگویید تنها نکته اضافی این ابواب، شناخت حروف زائد آنهاست!

۲ در شناخت این‌که هر فعلی متعلق به کدام باب است لازم است به حروف زائد فعل‌ها توجه کنیم. مثلاً در باب تفعیل فقط تشدید، حرف زائد است اما در باب تفعّل حروف «ت» و «تشدید» را داریم. در باب مفاعلة فقط حرف«الف» زائد است اما در باب تفاعُل، حروف «ت» و «الف» را داریم. این حروف در ماضی و مضارع و در همه صیغه‌ها تکرار شده‌اند. پس هم وزن فعل به ما نشان می‌دهد که یک فعل متعلق به چه بابی است هم توجه به حروف زائد در اکثر باب‌ها گره گشاست. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید حرف زائد باب افعال یعنی همزه، در مضارع وجود ندارد اما در بقیه باب‌ها می‌توانیم از حروف خاص آنها کمک بگیریم؛ مثل باب انفعال که «ن» حرف زائد مخصوص این باب است و هم در ماضی هم در مضارع وجود دارد یا «س» که حرف زائد خاص باب استفعال است.

۳ وزن افعال برای تشخیص ماضی یا مضارع بودنِ آنها بسیار مهم است. در باب‌های تفعّل و تفاعل که در ماضی هم حرف «تـ» را داریم، اولین راهکار، توجه به وزن آنهاست! مثلاً تَخَرَّجَ بر وزن تَفَعَّل ماضی است نه مضارع! راهکار دوم این است که به این نکته توجه کنیم که حرف «ت» یکی از حروف زائد باب‌های تفعّل و تفاعل است پس چنانچه فعل مضارع از این ابواب داشته باشیم، حتماً علاوه بر حرف «ت» یکی از حروف مضارعه «أ تـ یـ نـ» را هم داشته باشیم. درصورتی‌که فقط یک حرف «تـ» باشد، با فعل ماضی مواجهیم.

دانستنی‌های دبیر درباره ابواب ثلاثی مزید

۱ در صرف مضارع معلوم باب‌های تفعّل و تفاعُل، هرگاه دو حرف تاء کنار هم قرار گیرند، برای راحتی تلفّظ می‌توان یکی را حذف نمود؛ مثل : تَتَنَزَّلُ ← تَنَزَّلُ / تَتَظاهَرُ ← تَظاهَرُ

این نکته فقط برای دبیر لازم است، دانش‌آموزان با دانستن این نکات، سردرگم می‌شوند زیرا این نکات نیاز به تمرین زیاد دارند تا تثبیت شوند ولی دانش‌آموزان زمان لازم برای تمرین بر روی این موارد را ندارند لذا به نکاتی که در بالا عرض کردیم، اکتفا کنید!

اما ممکن است در همین‌جا این سؤال پیش بیاید که اگر یکی از حرف‌های «ت» حذف شود چطور آن را با فعل ماضی‌اش اشتباه نگیریم؟ فعل مضارع مادامی‌که متأثر از حروف ناصبه یا جازمه نباشد، مرفوع است لذا در مثال‌هایی که مطرح کردیم، حرکت ضمه در انتهای آنها، ما را به مضارع بودنشان می‌رساند : تَنَزَّلَ (ماضی) ولی تَنَزَّلُ (مضارع) است.

۲ در باب‌های تفعّل و تفاعل چنانچه فاء الفعل یکی از حروف «ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ» باشد، جایز است تاء باب‌های تفعّل و تفاعل به صورت همان حرف درآمده، ساکن شود و در آن، ادغام شود. چنانچه کلمه به دست آمده با حرف ساکن شروع شود، چون نمی‌توان آن را خواند، به اول آن، همزه مکسور اضافه می‌کنیم مثل :

	ریشه فعل : د ث ر	مراحل تغییرات
تفعّل	ماضی	تَدَثَّرَ ← دَدَثَّرَ ← دْدَثَّرَ ← اِدْدَثَرَ ← اِدَّثَرَ
	مضارع	يَتَدَثَّرُ ← يَدْدَثَّرُ ← يَدَّثِرُ
	امر حاضر	تَدَثَّرْ ← دَدَثَّرْ ← دْدَثَّرْ ← اِدْدَثَرْ ← اِدَّثَرْ
	مصدر	تَدَثُّرٌ ← دَدَثُّرٌ ← دْدَثُّرٌ ← اِدْدَثُّرٌ ← اِدَّثُرٌ
	ریشه فعل : ث ق ل	**مراحل تغییرات**
تفاعل	ماضی	تَثاقَلَ ← تَثاقَلَ ← ثْاقَلَ ← اِثْاقَلَ ← اِثّاقَلَ
	مضارع	يَتَثاقَلُ ← يَتْاقَلُ ← يَثْاقَلُ ← يَثّاقَلُ
	امر حاضر	تَثاقَلْ ← تَثاقَلْ ← ثْاقَلْ ← اِثْاقَلْ ← اِثّاقَلْ
	مصدر	تَثاقُلٌ ← تَثاقُلٌ ← ثْاقُلٌ ← اِثّاقُلٌ

۳ قوانین باب افتعال[۱]

الف) در صورتی که فاء الفعل باب افتعال حروف «واو» یا «یاء» باشد، این دو حرف به «تاء» تبدیل می‌شوند؛ مثل :

وَحَدَ ← اِوتَحَدَ ← اِتتَحَدَ ← اِتَّحَدَ / یَتَّحِدُ / اِتَّحِدْ / اِتِّحاد

یَسَرَ ← اِیتَسَرَ ← اِتتَسَرَ ← اِتَّسَرَ/ یَتَّسِرُ / اِتَّسِرْ / اِتِّسار

ب) در صورتی که فاء الفعل باب افتعال یکی حروف «د، ذ، ز» باشد، این حروف به «دال» تبدیل می‌شوند؛ مثل : زَوَجَ ← اِزتَوَجَ ← اِزدَوَجَ / یَزدَوِجُ/ اِزدَوِجْ / اِزدِواج

ج) در صورتی که فاء الفعل باب افتعال یکی حروف «ص، ض، ط، ظ» باشد، «تاء» باب افتعال به «ط» تبدیل می‌شود؛ مثل : ضَرَبَ ← اِضتَرَبَ ← اِضطَرَبَ / یَضطَرِبُ / اِضطَرِبْ / اِضطِراب

د) اگر عین الفعل این باب یکی از حروف «ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ» باشد، جایز است تاء این باب به صورت همان حرف درآمده، ساکن شود و در آن، ادغام شود؛ سپس فاء الفعل را مفتوح یا مکسور می‌کنیم تا از همزه بی نیاز شویم؛ مثل :

ریشه : خ ص م	مراحل تغییرات
ماضی	اِختَصَمَ ← اِخصَصَمَ ← اِخَصَّمَ ← خَصَّمَ
مضارع	یَختَصِمُ ← یَخصَصِمُ ← یَخَصِّمُ
امر حاضر	اِختَصِمْ ← اِخصَصِمْ ← اِخَصِّمْ ← خَصِّمْ
مصدر	اِختِصام ← اِخصِصام ← خَصّام

هـ) اگر فعل «أخَذَ» به باب افتعال برود، همزه به «تاء» تبدیل می‌شود و در تاء باب افتعال ادغام می‌شود :

أخَذَ ← اِإتَخَذَ ← اِتتَخَذَ ← اِتَّخَذَ / یَتَّخِذُ/ اِتَّخِذْ / اِتِّخاذ

۱ــ ر.ک. آموزش صرف، عبدالرسول کشفی

معانی غالبی باب‌های ثلاثی مزید

در درس گذشته عرض کردیم که وقتی فعلی به ثلاثی مزید می‌رود، ترجمه‌اش متأثر می‌شود . معنای غالب و مشهور در باب‌های افعال و تفعیل« تعدیه» است. تعدیه یعنی متعدّی کردن. اما لازم و متعدی بودن یک فعل به چه معناست؟

هرگاه معنای فعلی با فاعلش کامل شود و نیازمند به مفعول نباشد، به آن فعل، لازم می‌گویند. کلمه «لازم» یعنی «همراه» لذا اگر یک فعل برای رساندن معنای خود، با همراهی و ملازمت فاعل، معنای کاملی داشت، لازم است؛ به طورمثال فعل «جلس» به معنای «نشست» یک فعل لازم است زیرا با فاعلش کامل می‌شود یعنی «جلس علیٌّ» معنای کاملی را به ما می‌رساند اما اگر معنای یک فعل، از فاعلش تعدّی کرده و برای تکمیل معنا به مفعول هم نیاز دارد، متعدی خواهد بود مثلاً فعل «أجلسَ» به معنای «نشاند» با فاعلش کامل نیست به‌طور مثال در عبارت «أجلسَ علیٌّ : علی نشاند» این سؤال پیش می‌آید که علی چه کسی را نشاند؟ لذا این عبارت برای تکمیل معنا نیازمند مفعول هم هست و باید بگوییم : «أجلسَ علیٌّ الطّفلَ : علی کودک را نشاند». پس فعل «أجلس» متعدی است. مفعول نیز غالباً با «چه کسی را / چه چیزی را» پیدا می‌شود.

عرض کردیم معنای غالبی باب افعال و تفعیل، تعدیه است. در واقع اگر فعل لازمی‌به باب‌های افعال و تفعیل برود، در قریب به اتّفاق مواقع، متعدّی خواهد شد و نیز اگر فعل متعدّی به این باب‌ها برود، غالباً تبدیل به فعلی دومفعولی می‌شود. مثلاً به فعل« عَلِمَ» دقّت کنید. این فعل در ثلاثی مجرّد به معنای «دانست» و متعدّی است و وقتی به باب تفعیل می‌رود، «عَلَّمَ» به معنای «یاد داد» یک فعل دو مفعولی می‌شود. به عبارت روبه‌رو نگاه کنید تا دو مفعولش را ببینید : «عَلَّمْتُکَ الدَّرسَ»در این جمله فعل «عَلَّمْتُ »از باب تفعیل به معنای «یاد دادم» و دومفعولی است. ضمیر« ک» مفعول اوّل و «الدرسَ» مفعول دومش می‌باشد. به معنای عبارت توجه کنید :«درس را به تو یاد دادم.» مفعول بودن کلمهٔ « درس» واضح است چون با «را» همراه شده است امّا «به تو » در مثال مذکور، متمّم زبان فارسی است؛ ولی چون در زبان عربی بدون حرف جر آمده است، مفعول فعلش به حساب می‌آید (البته نکاتی در این زمینه وجود دارد که لازم به ذکر نیست).

در این قسمت ذکر این نکته ضروری می‌نماید که درصورتی‌که فعلی به باب‌های افعال و تفعیل برود و معنای ثلاثی مزیدش کاملاً متفاوت از ثلاثی مجرّدش شود و هیچ تناسب معنایی میان آن دو

نباشد؛ دیگر تعدیه معنایی ندارد. مثلاً فعل «صَدَق» درثلاثی مجرّد به معنای «راست گفت» وقتی به باب افعال می‌رود، «أصدَقَ» به معنای« مهریه تعیین کرد» می‌شود و اساساً ریشه معنایی متفاوتی پیدا می‌کند؛ لذا دیگر تعدیه معنایی ندارد.

تعدادی از افعال در باب افعال هستند که لازم می‌باشند نظیر : «اَدبَرَ، اَفلَحَ، أسفَرَ، اَمکنَ، اَصدَقَ، اَورَقَ، آمَنَ، اَقبَلَ و...». در واقع فعل‌هایی که نیازمند حرف اضافه هستند، غالباً لازم هستند هر چند در باب افعال باشند.

معنای مشهور باب انفعال، افتعال و تفعّل

معنای غالب و مشهور در این سه باب، مطاوعه و اثر پذیری است. بسیاری از دانش‌آموزان در درک این معنا مشکل دارند، سعی کنید به خوبی و به وضوح مطلب را توضیح دهید.

مطاوعه، یعنی اتّفاقی افتاده یا کاری انجام شده و کسی تحت تأثیر آن کار یا اتّفاق قرار گرفته است. معمولاً برای بیان مطاوعه از این باب‌ها استفاده می‌کنند. به‌طورمثال : «منع الطبیبُ المریضَ عن العمل، فامتَنَعَ» یعنی : «پزشک بیمار را از کار باز داشت پس او از کار خودداری کرد» دقّت کنید، فعل «مَنَعَ» که مربوط به ثلاثی مجرّد و به معنای «بازداشت» است، به باب افتعال رفته (إمتَنَعَ) و افاده‌ی مطاوعه کرده است. در واقع مریض تحت تأثیر منع پزشک از کار، خودداری کرده است لذا در این فعل، معنای مطاوعه و اثرپذیری را شاهد هستیم.

عبارت «أدَّبَ الوالدُ الطّفلَ، فتأدَّبَ»، به معنای «پدر، کودک را ادب کرد پس او با ادب شد»، دارای فعل «تأدَّبَ» از باب تفعّل است. در این‌جا نیز پدر، فعلی انجام داده و کودک تحت تأثیر آن فعل قرارگرفته است لذا معنای مطاوعه را می‌بینیم.

در جملهٔ «کسر الطفلُ الزجاجَ، إنکَسَرَ الزّجاجُ» به معنای «کودک، شیشه را شکست، شیشه شکسته شد» فعل «إنکسر» در باب انفعال را می‌بینیم که معنای مطاوعه دارد.

در عبارت «نبَّهتُ المجرمَ، فانتَبَه» یعنی «مجرم را آگاه ساختم، پس آگاه شد» فعل «إنتبه» به باب افتعال رفته است و افاده‌ی مطاوعه می‌کند.

اگر دقّت کنید می‌بینید که درموارد بسیاری فعل‌هایی‌که معنای مطاوعه دارند، همراه با «شد» ترجمه می‌شوند البته مطلق نیست ولی کاربرد زیادی دارد.

باب‌های افتعال و تفعّل در بسیاری موارد لازم هستند امّا ممکن است فعل متعدّی هم داشته باشند امّا باب انفعال در صد درصد مواقع، لازم می‌باشد.

باب تفعّل دارای معنای دیگری نیز هست که در کتاب درسی آمده است. تفعّل می‌تواند به معنای دوری کردن فاعل از فعل باشد مثلاً فعل «تأثَّم» یعنی «از گناه دوری کرد» اما این معنا غالبی و پرکاربرد نیست.

معنای مشهور باب مفاعله و تفاعل

دو باب مفاعله و تفاعل دارای معنای مشارکت هستند. با این تفاوت که مشارکت در باب مفاعلة میان فاعل و مفعول جمله واقع می‌شود امّا در باب تفاعل میان فاعل و اسمی‌که به فاعل معطوف شده است، مشارکت وجود دارد ؛در واقع هر دو در معنا فاعل‌اند امّا در ظاهر، یکی فاعل و دیگری معطوف به فاعل است. در واقع در باب تفاعل هر دو طرف کار را انجام داده‌اند و طرفینی است.

پس نتیجه می‌گیریم که باب مفاعلة درصورتی‌که معنای مشارکت داشته باشد، حتماً مفعول دارد؛ لذا متعدّی خواهد بود؛ ولی باب تفاعل در بسیاری موارد لازم است. البته باب مفاعلة هم اگر معنای مشارکت نداشته باشد و در دیگر معانی، به‌کار رفته باشد؛ ممکن است لازم باشد. به این مثال‌ها توجه کنید :

ـــ **کاتَبَ فؤادٌ هِشاما** : فؤاد با هشام نامه‌نگاری کرد. در این مثال فعل« کاتَبَ»از باب مفاعلة است و کار مشارکتی میان فؤاد و هشام را نشان می‌دهد. می‌بینیم که فؤاد، فاعل جمله و هشام مفعول است. در این عبارت فعل ضارب، متعدّی است.

ـــ **تَکاتَبَ فؤادٌو هشامٌ** : فؤاد و هشام نامه‌نگاری کردند. دراین نمونه فعل «تکاتب» از باب تفاعل بوده و مشارکت میان فؤاد و هشام را درحالی نشان می‌دهدکه در معنا هردو فاعلند یعنی هردو به یکدیگر نامه نوشتند اما در ظاهر، فؤاد، فاعل جمله و هشام، با حرف «واو» معطوف شده است. پس فعل« تکاتب» لازم خواهد بود.

امّا اشاره‌ای هم به دیگر معانی این ابواب می‌نماییم (خارج از مطالب کتاب و صرفاً جهت اطلاع) :

در آیه ۴ سوره منافقون عبارت «قاتَلَهم اللهُ»، فعل «قاتَلَ» از باب مفاعلة است ولی کار طرفینی

و مشارکتی را نشان نمی‌دهد بلکه گاهی افعال باب مفاعلة، هم معنای ثلاثی مجرّدشان هستند. قاتَلَ نیز مترادف قَتَلَ است و این‌جا چون به صورت دعایی به‌کار رفته است، به این شکل ترجمه می‌شود : «خداوند آنها را بکشد!»

فعل«تجاهلوا» نیز از باب تفاعل است؛ امّا معنای مشارکت ندارد بلکه بیانگر تظاهر است. یکی از معانی باب تفاعل، همین تظاهر است. یعنی به چیزی، کاری یا حالتی، وانمود کردن. این فعل نیز یعنی «خود را به نادانی زدند».

معنای غالبی باب استفعال

باب استفعال همچون بقیه ابواب، دارای معانی متعددی است امّا معنای پرکاربرد و غالب در این باب، طلب است. بسیاری از افعال در این باب، معنای طلب را افاده می‌کنند لذا معنای «طلب» مشهور است. به‌طورمثال فعل «اِستَغفَرَ» که قبلاً ترجمه کردیم، دربردارنده معنای طلب است. یا فعل «رَحِمَ» به معنای «رحم کرد» وقتی به این باب می‌رود، معنای درخواست و طلب می‌دهد، «إسترحم» یعنی «رحمت خواست».

معنای دیگری برای این باب وجود دارد که فراوانی‌اش کمتر از «طلب و درخواست» است امّا این معنا هم کاربرد دارد و آن عبارت است از «مفعول را دارای صفتی یافتن»؛ یعنی مفعول را در جمله دارای ویژگی و صفتی می‌یابیم. به‌طور مثال فعل «کَبُرَ» به معنای «بزرگ بود» در باب إستفعال «اِستَکبَرَ» این معنا را می‌دهد : «خود را بزرگ یافت». در آیهٔ «فَسَجَدُوا إلاّ إبلیسَ أبَی و إستکبَرَ و کانَ مِن الکافرینَ» کلمه «ابلیس» مفعول جمله است که دارای ویژگی «کبر و خودبزرگ بینی» است.

در مثالی دیگر عبارت « اِستَکْرَمْتُ سعیداً» را ببنید. کلمهٔ «اِستکرمتُ» به باب إستفعال رفته است و شامل این معنای دوم است؛ یعنی مفعول جمله، «سعید» را دارای صفتی می‌بینم. ترجمهٔ عبارت این است : «سعید را با کرامت یافتم».

دانستنی‌های دبیر درباره معانی ابواب[1]

معانی مشهور ابواب ثلاثی مزید مطرح شد و لازم است دانش‌آموز آنها را بداند اما ابواب معانی دیگری نیز دارند که صرفاً برای آگاهی دبیر معرفی می‌نماییم :

۱ــ ر.ک. همان

کاربردهای دیگر باب افعال :

۱ داخل شدن فاعل در وقت؛ مثل : أصبَحَ عليٌّ : علی داخل صبح شد/ صبح کرد.

۲ مفعول را دارای صفتی یافتن؛ مثل : أعظَمتُ اللهَ : خدا را بزرگ یافتم.

۳ ضدّ معنای ثلاثی مجردش : نَشَطتُ الحَبل : ریسمان را گره زدم ≠ أنشَطتُ الحبل : گره ریسمان را باز کردم.

کاربردهای دیگر باب تفعیل

۱ نسبت دادن مبدأ فعل به مفعول : صَدَّقَ عليّاً : علی را راستگو دانست.

۲ ضدّ معنای باب افعال : أفرَطَ : زیاده روی کرد ≠ فَرَّطَ : کوتاهی کرد.

کاربردهای دیگر باب مفاعلة

۱ تعدیه فعل لازم : بَعُدَ : دور شد ← باعَدَ : دور کرد.

۲ مبالغه : نَعَمَ : نعمت داد ← ناعَمَ : زیاد نعمت داد.

۳ هم معنا با ثلاثی مجرد : سَفَرَ : سفر کرد ← سافَرَ : سفر کرد.

کاربردهای دیگر باب تفاعل

۱ تظاهر : تَمارَضَ : خود را به بیماری زد.

۲ تدریج : تَوارَدَ القومُ : قوم به تدریج وارد شد.

۳ هم معنا با ثلاثی مجرد : عَلا = تَعالَی اللهُ : خداوند والا و بلند مرتبه است.

کاربردهای دیگر باب افتعال

۱ اشتراک : اختَصَمَ عليٌّ و سعيدٌ : علی و سعید با یکدیگر دشمنی کردند.

۲ کوشش : اکتَسَبَ المالَ : مال را با کوشش به دست آورد.

کاربردهای دیگر باب تفعُّل

۱ تکلُّف (کاری را با زحمت بر خود تحمیل کردن) : تَحَلَّمَ : به زحمت از خود بردباری نشان داد.

۲ تدریج : تَفَهَّم المسألة : مسأله را به تدریج فهمید.
۳ طلب : تَعَجّلتُ الأمرَ : خواستم کار زود انجام گیرد.

کاربردهای دیگر باب استفعال

۱ تحوّل : استَحجَرَ الطّینُ : گِل، سنگ شد.
۲ مطاوعه : أرحتُ بالَ اَعلیٍّ فاستَراحَ علیٌّ : خیال علی را راحت کردم پس علی راحت شد.
۳ هم معنا با ثلاثی مجرد : قَرَّ = استَقَرَّ : آرام گرفت.
۴ تکلّف : استَجرَأَ : به خود جرأت داد[۱].

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه نمایید :

اغسلوا وجوهکم : صورت‌هایتان را بشویید! **یعرفونهم** : آنها را می‌شناسند.
سیعلم الّذین ظلموا : به زودی خواهند دانست، کسانی که ستم کردند.
أعلم ما لا تعلمون : آنچه را نمی‌دانید، می‌دانم.
و لا تیأسوا : ناامید نشوید! **یقولون سمعنا** : می‌گویند شنیدیم.
أکثرهم لا یشکرون : بیشترشان سپاسگزاری نمی‌کنند. **استخرَجَها** : آن را استخراج کرد.
ارجعی إلی ربّک : به سوی پروردگارت بازگرد. **ظلمتُ نفسی** : بر خویش ستم کردم.
نجعلُهم أئمّةً : آن‌ها را پیشوایانی قرار می‌دهیم. **لا یقدر علی شیء** : قادر بر چیزی نیست.
قال فاخرُج منها : گفت از آن خارج شو. **و اترُکِ البحر** : دریا را ترک کن!
یبحث فی الأرض : در زمین جست‌وجو می‌کند. **کانوا یصنعون** : می‌ساختند.

تمرین دوم : افعال و مصادر این جدول را ترجمه کن!

ماضی	مضارع	مصدر	امر
أنتَجَ : نتیجه داد / تولید کرد	**یُنتِجُ** : نتیجه می‌دهد/تولید می‌کند	**انتاج** : نتیجه‌دادن/ تولید کردن	**أنتِج** : نتیجه بده/ تولید کن

۱ــ کتاب آموزش صرف، عبدالرّسول کشفی، دروس ۱۱ تا ۱۴

ماضی	مضارع	مصدر	امر
شَجَّعَ : تشویق کرد	**یُشَجِّعُ** : تشویق می‌کند	**تشجیع** : تشویق کردن	**شَجِّع** : تشویق کن
ساعَدَ : یاری کرد	**یُساعِدُ** : یاری می‌کند	**مُساعَدَة** : یاری کردن	**ساعِد** : یاری کن
اِستَلَم : دریافت کرد	**یَستَلِمُ** : دریافت می‌کند	**استِلام** : دریافت کردن	**اِستَلِم** : دریافت کن
اِستَخدَمَ : به‌کار گرفت	**یَستَخدِمُ** : به‌کار می‌گیرد	**اِستِخدام** : به‌کار گرفتن	**اِستَخدِم** : به‌کار بگیر
اِنتَفَعَ : سود برد	**یَنتَفِعُ** : سود می‌برد	**اِنتِفاع** : سود بردن	**اِنتَفِع** : سود ببر
تَعَلَّمَ : یاد گرفت	**یَتَعَلَّمُ** : یاد می‌گیرد	**تَعَلُّم** : یادگیری/یاد گرفتن	**تَعَلَّم** : یاد بگیر
اِنکَسَرَ : شکسته شد/ شکست خورد	**یَنکَسِرُ** : شکسته می‌شود/ شکست می‌خورد	**اِنکِسار** : شکسته شدن / شکست خوردن	**اِنکَسِر** : شکسته شو/ شکست بخور

تمرین سوم : در جای خالی فعلی مناسب قرار بده و صیغه‌اش را مشخص کن.

۱ پس صبرکن همانا وعده خداوند حق است و برای گناهت **طلب آمرزش کن**. إغفر (بیامرز) ثلاثی مجرّد ــ إستغفِر (طلب آمرزش کن) صحیح به علّت معنای طلب و درخواست که در باب استفعال وجود دارد. صیغه : مفرد مذکر مخاطب (للمخاطب)

۲ همهٔ ما بعد از سه سال از مدرسه **دانش آموخته خواهیم شد**. نتخرّج (دانش‌آموخته می‌شویم) صحیح، به‌علّت معنای مطاوعه‌که در باب تفعّل داریم ــ نخرج (خارج می‌شویم) ثلاثی مجرّد، غلط است زیرا معنا ندارد که بعد از سه سال از مدرسه خارج شویم بلکه هدف، معنای اثرپذیری از حضور در مدرسه است. صیغه : للمتکلم مع الغیر

۳ خدای من! امید من از خلق **بریده شد** درحالی‌که تو امید من هستی. قطَع (برید) ثلاثی مجرّد ــ إنقطع (بریده شد) صحیح، زیرا می‌خواهد بگوید در اثر امیدواری به خداوند، امید به خلق بریده می‌شود لذا مطاوعه مدّنظر است و باید بین این دو فعل، آنچه مربوط به باب انفعال است، انتخاب شود. صیغه : مفرد مذکر غایب (للغائب)

۴ دوستم برای بازگشت به خانه، انتظار پدرش را می‌کشید. ینتظر (انتظار می‌کشد) صحیح، زیرا باید معنای مطاوعه دهد لذا فعل باب افتعال را برمی‌گزینیم ــ ینظر (نگاه می‌کند) ثلاثی مجرّد، صیغه : مفرد مذکر غائب (للغائب)

۵ من و همکلاسی‌ام نامه‌هایی را از طریق اینترنت دریافت کردیم. إستلمنا (دریافت کردیم) صحیح ،زیرا فعل (سلم) در این‌جا معنا نمی‌دهد و باید به باب افتعال برود ــ سلمنا (سالم ماندیم) ثلاثی مجرّد، در جمله بی‌معنا است. صیغه : للمتکلم مع الغیر

تمرین چهارم : آیه‌ها و دو حدیث را ترجمه کن.

۱ برای گناهانشان طلب آمرزش کردند و فقط خداوند است که گناهان را می‌آمرزد. (چه کسی گناهان را می‌آمرزد به جز خداوند؟) این عبارت دارای دو فعل «إستغفَروا» و «یغفر» است. فعل اوّل ماضی للغائبینَ باب استفعال و دومی مضارع للغائب ثلاثی مجرّد است.

۲ پس بگو غیب فقط برای خداوند است پس منتظر باشید همانا من همراه با شما از منتظران هستم. در این عبارت فعل «إنتظِروا» امر للمخاطبین باب افتعال می‌باشد.

۳ صبر کن بر آنچه می‌گویند و از آنها جدا شو (از آنها دوری کن). در این جمله هر سه فعل از ثلاثی مجرّد هستند «إصبِر» امر للمخاطب، «یقولون »مضارع للغائبینَ و «اُهجُرْ» نیز امر للمخاطب است.

۴ مردم خفتگانند پس هنگامی‌که می‌میرند، بیدار می‌شوند. در این عبارت فعل «إنتبَهوا» ماضی باب افتعال در صیغه للغائبینَ است.

همانا شما مسئولید حتی نسبت به زمین‌ها و چهارپایان.

گفت‌وگو (در بخش گذرنامه‌ها)

نگهبان اداره گذرنامه‌ها	**مسافر ایرانی**
خوش آمدید! شما از کدام کشور هستید؟	ما از ایران و از شهر زابل هستیم.
خوش آمدید! مارا مشرّف فرمودید.	سپاسگزارم سرورم.
ماشاءاللّٰه! خوب به عربی سخن می‌گویی!	این زبان را دوست دارم. عربی زیباست!
تعداد همراهان چندتاست؟	شش تا! پدر و مادرم، دوخواهرم و دو برادرم.
خوش آمدید میهمانان! آیا کارت‌های ورود دارید؟ بله! هریک از ما کارتش در دستش است.	
مردان به سمت راست و زنان به سمت چپ بروند برای بازرسی.	چشم!
لطفاً! گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید.	ما آماده‌ایم.

اَلدَّرْسُ الرّابِع



﴿ قُلْ سيروا فِي الْأَرضِ

فَانْظُروا كَيفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِنْ قَبلُ﴾ اَلرّوم: ٤٢

بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان

چگونه بوده است.

درس چهارم

هدف کلی : دانش‌آموز با تقسیم اسم به اعتبار جنس و عدد آشنا شود.
اهداف جزئی :

۱ انواع اسم‌های مذکر و مؤنث و نوع مؤنث به دانش‌آموز یاد داده شود.
۲ دانش‌آموز تعداد اسم یعنی مفرد، مثنی و جمع را بیاموزد.
۳ دانش‌آموز با انواع جمع در اسم آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ بفهمد اصل در اسم، مذکر بودن است و مؤنث بودن نیاز به دلیل دارد.
۲ علائم تأنیث را بشناسد و بداند که داشتن علامت تأنیث لزوماً نشانه مؤنث حقیقی و واقعی نیست.
۳ انواع مؤنث را ذیل تقسیم‌بندی‌های خود به‌درستی قرار دهد.
۴ تفاوت مؤنث حقیقی و مجازی را بفهمد و آن را به لحاظ مصداق به درستی تشخیص دهد.
۵ بتواند اقسام مؤنث را به لحاظ لفظ به دقت تشخیص دهد.
۶ تعداد اسم را به درستی بفهمد و انواع جمع را نیز به خوبی تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس چهارم

نظر به اینکه موضوع این درس، اسم به لحاظ جنس و تعداد است، لطفا ضمن ترجمه، دانش‌آموزان را به تعداد و جنس اسم توجه دهید. در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

شَواطِئ مفردش شاطئ، کهوف مفردش کهف است.

آثار جذّاب

ایران از کشورهای زیبا در جهان است و به بسیاری از مناطق جذّاب و آثار تاریخی و فرهنگی مشهور است و در آن، صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از همه دنیا جذب می‌کند.

ایران در سال‌های اخیر شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در گردشگری بود. پس آن (ایران) می‌تواند از گردشگری به ثروتی عظیم بعد از نفت دست یابد. بعضی از گردشگران ایران را کشوری عالی برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.

سازمان یونسکو اقدام به ثبت کردن شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی کرد؛ زیرا آن (مناطق فرهنگی و تاریخی ایران) بسیاری از گردشگران را به سوی آن (ایران) جذب می‌کند.

از جمله نشانه‌ها و آثار تاریخی در ایران : بارگاه امام رضا علیه‌السلام و مقبره فردوسی در مشهد است و بارگاه خانم معصومه (س) در شهر قم و آثار پرسپولیس و بارگاه‌های حافظ و سعدی در استان فارس و «طاق بستان» و «کتیبه بیستون» در استان کرمانشاه و قلعه «فلک‌الافلاک» در خرّم‌آباد و قلعه والی و جنگل‌های بلوط در ایلام و «حمّام گنجعلی خان» در استان کرمان، مشهور به تولید پسته و فرش و آبشارهای شوشتر و بارگاه پیامبر دانیال علیه‌السلام در خوزستان و بارگاه ابن‌سینا دانشمند مشهور در جهان و غار علی‌صدر در همدان درحالی‌که از طولانی‌ترین غارهای آبی جهان است و بناهای تاریخی در اصفهان درحالی‌که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است. امّا استان‌های سه‌گانه شمالی در ساحل دریای قزوین (کاسپین)[1] هستند پس آنها به‌خاطر مناظر زیبایشان جالبند، گویا قطعه‌ای از بهشت هستند پس مناسب کارت پستال هستند.

گریزی نیست از نگارش کتابی بزرگ برای شمارش مناطق جذب گردشگری در ایران. بخشی دیگر از آنها را ذکر می‌کنیم :

یزد و شیرینی‌هایش و مناطق صحرایی‌اش و تبریز و بازار مشهورش به اینکه بزرگ‌ترین بازار مسقّف در عالم است.

و دریاچه زریبار در مریوان و گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی در نزدیکی رشت و هزاران مناطق دیگر. پس تنوّع آثار ایران و پایداری وضعیّت امنیّت در آن، گردشگران را به سفر به آن برای دیدن زیبایی آثارش و طبیعت جذّابش تشویق می‌کند.

حل تمارین ناظر به متن

در متن درس درباره جوابی کوتاه برای این سؤالات جست‌وجو کن.

۱ اسم غاری که از بزرگ‌ترین غارهای آبی در جهان است، چیست؟ علی‌صدر

۱ــ دریای خزر

۲ ایران از چه چیزی می‌تواند به ثروتی بعد از نفت دست یابد؟ السّیاحَة (گردشگری)
۳ بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان نام ببر. سی‌وسه پل (ثلاثة و ثلاثون جسراً)
۴ کدام صنعت ایرانی گردشگران را از همه جهان جذب می‌کند؟ صنایع دستی (صناعة یدویّة)
۵ قلعه والی کجا واقع شده است؟ در ایلام (تقع فی ایلام)

کدام کلمه از کلمات درس، مناسب توضیحات زیر است؟

۱ روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش‌آموزان. عُطلَة (تعطیلی)
۲ منطقه ای خشک کنار دریاها و اقیانوس‌ها. شاطِئ (ساحل)
۳ اداره‌ای برای تحویل دادن نامه‌ها و دریافت کردن آنها. بَرید (اداره پست)

در جای خالی کلمه‌ای مناسب از میان کلمات زیر قرار بده. (دو کلمه اضافی)
گنبد / جالب / گردشگری / روستا / شیرینی‌ها

۱ قصیده‌ای **جالب** از امیر شاعران احمد شوقی خواندم.
۲ زیر **گنبد** شاه‌چراغ در شهر شیراز نشستیم.
۳ کردستان از مناطق جذب **گردشگری** در ایران است.
۴ زندگی در **روستا** واقعاً جالب است.

موضوعات درس چهارم

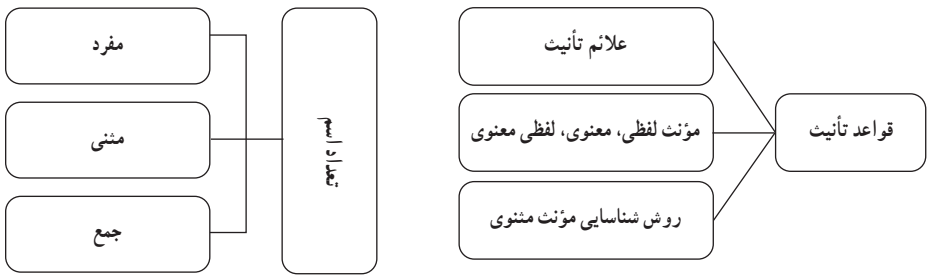

مقدمه

در درس قبل، در یک رویکرد صرفی، با بخشی از تقسیمات فعل آشنا شدیم. اکنون می‌خواهیم با دو مورد از تقسیمات اسم مواجه شویم. بررسی اسم به لحاظ جنس و تعداد دو موضوع علم صرف است که هدف این درس است. این بخش از نظر تألیفی یکی از حساس‌ترین نقاط کتاب عربی دهم است، چون برای اولین‌بار دانش‌آموز وارد یک تقسیم‌بندی اساسی اسمی می‌شود که تا پایان دبیرستان با او خواهد ماند.

مرور مفاهیم اصلی درس

تقسیم اسم از نظر جنس

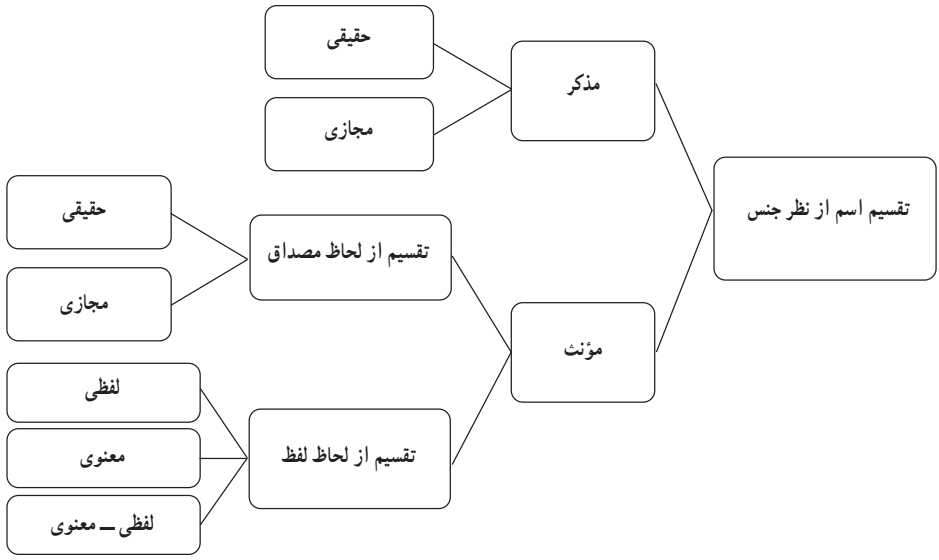

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با موضوع مذکر و مؤنث در اسامی آشنا شدند. اما مذکر و مؤنث نیز تقسیماتی دارد که اکنون با آنها آشنا می‌شویم.

اسم مذکر بر دو قسم است :

۱ــ مذکر حقیقی : بر انسان یا حیوان نر یا مذکری دلالت می‌کند که در مقابلش فرد مؤنثی قرار دارد مثل : الرّجل / الدّیک

۲ــ مذکر مجازی : حقیقتاً بر مرد یا جنس نر دلالت نمی‌کند اما با آن کلمه، معامله مذکر می‌شود مثل : الکتاب

اسم مؤنث دو دسته‌بندی جدا دارد؛ یک‌بار از **لحاظ مصداق** تقسیم می‌شود و یک‌بار از **لحاظ لفظ** و علامت تأنیث. دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه از علائم تأنیث، فقط با «ة» آشنا شده بودند. علامت تأنیث بر سه قسم است :

۱ «ة» یکی از متداول‌ترین و پرکاربردترین علائم تأنیث است مثل : فاطمـة

۲ الف مقصوره زائده. الف مقصوره همان «ا» در پایان اسامی‌است که گاهی هم حرف «ی» پایه «الف» می‌شود؛ مثل : دنیا / کبرَی. کلمه «مقصوره» به معنای «کوتاه شده» است. از این جهت به این «الف» مقصوره می‌گویند که در تلفظ، کوتاه خوانده می‌شود. نکته مهم اینکه حتماً باید جزء حروف اضافی اسم باشد یعنی جزء حروف اصلی نباشد؛ مثلاً در «هدَی» که جزء سه حرف اصلی است، نشانه تأنیث نیست و این کلمه، مذکر است اما در «عُظمَی» زائد بر سه حرف اصلی «ع ظ م» بوده، نشانه تأنیث است.

۳ الف ممدوده زائده. الف ممدوده همان الفی است که با همزه همراه می‌شود؛ مثل : زَهراء. در قرائت قرآن هرگاه همزه بعد از حروف کشیده قرار گیرد، آن حرف کشیده به‌صورت ممتدّ تلفظ می‌شود؛ پس الف ممدوده باید به‌صورت کشیده تلفظ شود؛ از این‌روست که ممدوده نام گرفته است زیرا کلمه «ممدوده» به معنای «کشیده شده» است. در الف ممدوده نیز نکته مهم این است که «الف و همزه» هردو حتماً باید جزء حروف اضافی اسم باشند یعنی جزء حروف اصلی نباشند؛ مثلاً در «حراء» که همزه جزء سه حرف اصلی است، نشانه تأنیث نیست و این کلمه، مذکر است اما در «صَفراء» هردو زائد بر سه حرف اصلی «ص ف ر» بوده، نشانه تأنیث است.

نکته

از نکات گفته شده درمی‌یابیم که یکی از نکات در علائم تأنیث، زائده بودن آن است. همان طور که گفتیم در الف ممدوده و مقصوره با حذف الف، به سه حرف اصلی می‌رسیم مثلاً در «کبری» با حذف «ی» به سه حرف اصلی «ک ب ر» می‌رسیم یا در «صحراء» با حذف «اء» به سه حرف اصلی «ص ح ر» می‌رسیم اما در «سماء» با حذف «اء» حروف «س م» باقی می‌ماند و یکی از حروف اصلی را از دست می‌دهیم پس قطعاً همزه حرف اصلی در این کلمه است و دیگر الف ممدوده نشانه تأنیث نخواهد بود یا در کلمه «رحی» نیز با حذف الف مقصوره فقط دو حرف باقی می‌ماند.
از همین جا به نکته دوم هم می‌رسیم؛ علامت تأنیث همواره از حرف چهارم به بعد واقع می‌شود؛ یک‌بار دیگر به کلمات «کبری، صحراء، سماء و رحی» توجه کنید! الف مقصوره در «کبری» و «اء» در «صحراء» از حرف چهارم به بعد هستند اما در «سماء و رحی» سومین حرف هستند.

تقسیم‌بندی مؤنث از نظر مصداق

تقسیم از نظر مصداق یعنی باید ببینیم آن اسم بر چه مصداقی دلالت می‌کند؟ آیا آن مصداق حقیقتاً مؤنث یا ماده است یا خیر.

۱ــ مؤنث حقیقی : بر انسان یا حیوان مؤنثی دلالت می‌کند که در مقابل آن، فرد مذکری قرار دارد. به‌عبارتی چنان‌چه به مصداق آن اسم نگاه کنیم، می‌بینیم که حقیقتاً بر جنس ماده دلالت می‌کند؛ مثل : الإمرأة / الدّجاجة

۲ــ مؤنث مجازی : آن اسمی‌است که در مقابل آن فرد مذکری وجود ندارد ولی احکام مؤنث بر آنها جاری می‌شود؛ مثل : صحراء / غرفة / ریح

تقسیم‌بندی مؤنث از نظر لفظ

تقسیم‌بندی از نظر لفظ بدین‌معناست که خود لفظ را بررسی می‌کنیم و علامت تأنیث را در آن مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱ــ مؤنث لفظی : علم (اسم خاصّ) مذکری است که به حرف «ة» ختم شده است؛ مثل : طلحة / معاویة. پس هرگاه لفظ را بررسی کردیم و دیدیم حرف «ة» دارد ولی همواره به‌عنوان علم مذکر به‌کار می‌رود، درمی‌یابیم که آن اسم، مؤنث لفظی است و باید با آن، معامله مذکر شود یعنی اگر بخواهیم برای آن اسم، ضمیر، اسم اشاره، فعل، صفت یا... بیاوریم باید مذکر بیاوریم.

۲ــ مؤنث معنوی : به کلماتی که در زبان عرب، مؤنث به حساب می‌آیند اما در ظاهر لفظ، هیچ علامت تأنیثی وجود ندارد، مؤنث معنوی می‌گویند؛ مثلا زینب/ اُمّ و...

نکته

با مؤنث معنوی، معامله مؤنث می‌شود یعنی احکام تأنیث بر آن جاری می‌گردد.

۳ــ مؤنث لفظی ــ معنوی : کلماتی که هم مؤنث هستند هم در لفظ و ظاهرشان علامت تأنیث را داریم، مؤنث لفظی ــ معنوی هستند مثل فاطمة / صَحراء / کُبرَی و... واضح است که با این نوع مؤنث، باید معامله مؤنث صورت گیرد و احکام مؤنث بر آنها جاری می‌شود.

آنچه اکنون کار را دشوار می‌نماید، مؤنث معنوی است چراکه در ظاهر و لفظ خود، علامت تأنیث ندارد ولی احکام تأنیث بر آن جاری می‌شود. حال چگونه مؤنث معنوی را بشناسیم؟

اسامی‌مؤنث معنوی دو دسته هستند : قیاسی و سماعی.

مؤنث‌های معنوی قیاسی و ضابطه‌مند عبارتند از :

۱ اسامی‌مؤنث حقیقی که علامت تأنیث ندارند؛ اجمالا آنها را در دو دسته معرفی می‌کنیم :

الف) تمامی‌اسامی‌که فقط برای خانم‌ها کاربرد دارند نظیر : اُمّ، اُخت، حامِل (باردار) و...

ب) تمامی‌علم‌های (اسم خاصّ) مؤنث چه عربی باشند چه نباشند نظیر : مریم، زینب، شهرزاد، فریبا، آنه و... .

۲ اسامی‌اکثر شهرها و کشورها و قبایل مثل : ایران، ایتالیا، قریش و...

۳ کلمه «ریح : باد» و اسامی‌بادها : صَبا (بادی که از شرق می‌وزد)، شمال (بادی که از شمال می‌وزد)، جنوب (بادی که از جنوب می‌وزد)، حاصب (تندباد)

۴ اسامی‌اکثر اعضای زوج بدن مثل : ید، رِجل، عین، کَتِف، اُذُن، فَخِذ

اما مؤنث معنوی‌های سماعی در واقع هیچ ضابطه و قاعده‌ای ندارند و صرفاً باید بدانیم و شنیده باشیم که اعراب، این کلمات را مؤنث به حساب می‌آورند. تعدادی از پرکاربردهای آنها در

کتاب معرفی شده است و لازم است که دانش‌آموزان حتماً آنها را به خاطر بسپارند زیرا در امتحانات و کنکور معمولاً به اشکال مختلف مورد سؤال قرار می‌گیرد. از میان مؤنث معنوی‌های سماعی آنچه در کتاب معرفی شده است را نام می‌بریم :

أرض (زمین)، إصبَع (انگشت)، أرنب (خرگوش)، أفعَی (مار افعی)، بئر (چاه)، جحیم (جهنّم)، سقر (دوزخ)، دار (خانه)، رَحِم (رحم)، ریح (باد)، سبیل (راه)، شمس (خورشید)، عصا (عصا)، عین (چشمه)، فُلک (کشتی‌ها)، نار (آتش)، نفس (روح) و...

دانستنی‌های دبیر درباره مؤنث

۱ «ة» انواع مختلفی دارد :

۱ــ تاء تأنیث : مثل فاطمة

۲ــ تاء وحدت : که برای اسم جنس به‌کار می‌رود؛ مثل : نملة : جنس مورچه

۳ــ تاء مبالغة : علّامة

۴ــ تاء نقل : صفتی که با آمدن «ة» موصوف می‌گردد مثل : رذیل : رذیلة

۵ــ تاء مصدری : قراءة، کتابة

۶ــ تاء مرة : به مصدری که یك مرتبه را می‌رساند وصل می‌گردد. ضَربَة : یک ضربه

۷ــ تاء نوع : بر وزن فِعلَة مثل جِلسَة : طرز نشستن

۸ــ تاء عوض : به تائی که عوض از حرف عله ی محذوف باشه می‌گویند : وصل : صلة.

از این میان، «ة تأنیث» بسیار پرکاربرد است و غالبا آن را در کلمات می‌بینیم اما ممکن است گاهی هم موارد دیگر باشد که در این صورت، دیگر مؤنث‌کننده آن کلمه نیست. از این میان، کتاب به بیان «ة» مبالغه اکتفا کرده است.

نکته دیگر اینکه گفتیم در اسامی ممدود، الف حتماً باید زائد باشد اما همزه ممکن است اصلی باشد یا زائد. در واقع کلمه‌ای مثل «ماء» یا «داء» که الف در آنها، حرف اصلی است، اساساً ممدود نیستند بلکه صحیح‌الآخرند. بیان این نکته در اینجا برای دانش‌آموزان ضرورتی ندارد.

۲ اسامی‌برخی از کشورها مؤنث به حساب نمی‌آید. این موارد سماعی هستند و باید کاربرد عرب زبان‌ها را بدانیم زیرا صرفاً قراردادی میان اعراب است و قاعده‌مند نیست.

۳ از میان اعضای زوج بدن، اعضایی مثل : حاجِب (ابرو) و مِرفَق(آرنج) و خَدّ(گونه) مذکرند.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

برخی دانش‌آموزان دقت نمی‌کنند که اسامی‌مؤنث دو دسته‌بندی دارند و هنگامی‌که سؤال امتحانی ناظر به تشخیص نوع مؤنث است، یا فقط حقیقی و مجازی را می‌گویند یا لفظی، معنوی، لفظی ــ معنوی را! از این رو لازم است دسته‌بندی زیر را برای دانش‌آموزان ترسیم نمایید تا این مشکل، برطرف شود :

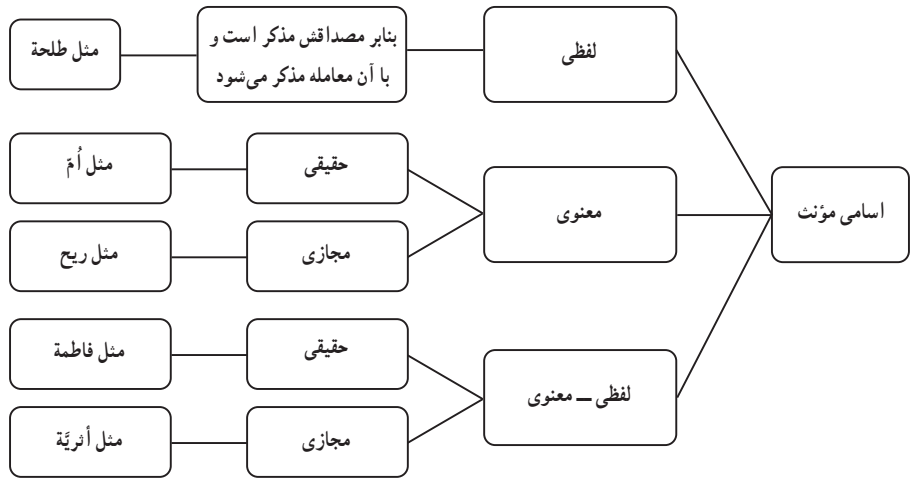

تقسیم اسم از نظر تعداد

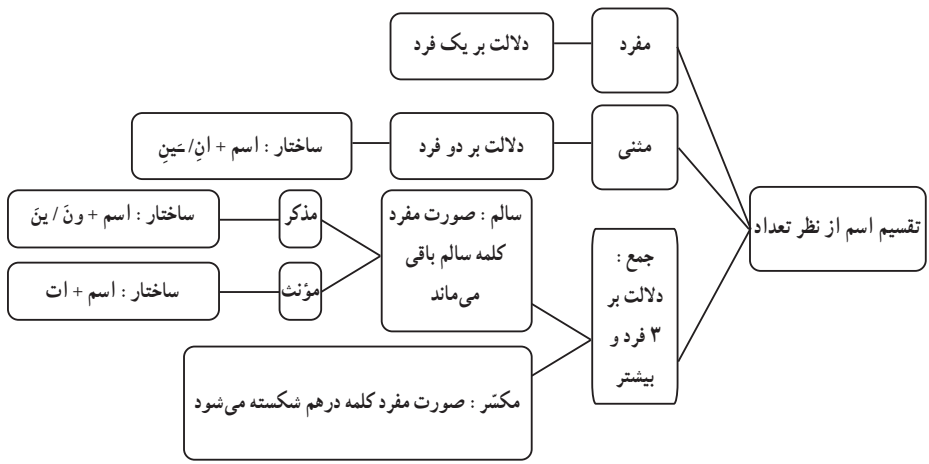

در دوره اوّل متوسطه آموزش داده شد که هر اسمی در زبان عربی یا مفرد است یا مثنی یا جمع. اکنون می‌خواهیم یکبار دیگر آنها را مرور کنیم :

اسمی که بر یک نفر یا یک چیز دلالت داشته باشد، مفرد به حساب می‌آید. اسمی که دلالت بر دو نفر یا دو چیز کند، مثنی و اسمی که دلالت بر سه و بیشتر کند، جمع به حساب می‌آید.

می‌دانید اسم مثنی را با نشانه‌های «ـَینِ» یا «انِ» می‌سازند مثل طالبانِ، طالبَینِ، طالبتانِ، طالبتَینِ. اینکه در هرجا کدام‌یک کاربرد دارد، بستگی به جمله دارد. این نکته را در درس ششم به شکل مبسوط خواهیم خواند.

بیت (یک خانه)= مثنی : بَیتانِ / بَیتَینِ (دو خانه)

کاتب (یک نویسنده) = مثنی : کاتبانِ / کاتبَینِ (دو نویسنده)

مُسلم (یک مسلمان) = مثنی : مُسلِمانِ / مُسلِمَینِ (دو مسلمان)

مؤمن (یک مؤمن) = مثنی : مؤمنانِ / مؤمنَینِ (دو مؤمن)

امّا جمع بستن یک کلمه در زبان عربی ؛ یا به صورت سالم جمع بسته می‌شود یا مکسّر. جمع سالم یعنی شکل مفرد کلمه، سالم باقی می‌ماند و فقط حروفی به آن اضافه می‌شود که نشانگر جمع بودن هستند. مثل : «مُوَظَّف» = «مُوَظَّفونَ» می‌بینید که شکل مفرد کلمه برجای خود باقی مانده است و این کلمه، تنها با اضافه شدن «ونَ» جمع بسته شده است. برخلاف جمع مکسّر که شکل مفرد کلمه

به‌هم می‌ریزد. خود کلمه «مکسَّر» اسم مفعول و به معنای «شکسته شده» است. وجه تسمیه آن، همین است که صورت و شکل مفرد کلمه شکسته می‌شود؛ مثل : «کتاب» = «کُتُب». برخی اوزان نیز در جمع مکسر بسیار پرکاربرد هستند مثل : أفعُل مثل أنفُس، أفعِلَة مثل أعمِدَة، أفعال مثل أجداد، فِعلَة مثل فِتیَة.

جمع سالم خود بر دو قسم مذکر و مؤنث می‌باشد. نشانه جمع مذکر سالم «ونَ» و «ِینَ» است یعنی برای ساختن جمع مذکر سالم باید به شکل مفرد کلمه یکی از دو نشانه مذکور را چسباند؛ مثل : المُسلم = المُسلِمونَ / المُسلِمینَ

در جمع مذکر سالم اشاره به این نکته بسیار مهم و ضروری است که «نون» در این دونشانه، مفتوح است خصوصا در «ینَ» به دانش‌آموز توجه کامل بدهید، زیرا در صورتی‌که آن را با کسره بخواند، مثنی خواهد بود مثل : المَسرور = المَسرورینَ (جمع مذکر سالم) / المسرورَینِ (مثنای مذکر)

عالِم (یک عالم)= جمع :عالِمونَ / عالِمینَ (عالمان)

قائِل (یک گوینده)= جمع : قائِلونَ / قائِلینَ (گویندگان)

کاتب (یک نویسنده) = جمع : کاتبونَ/ کاتبینَ (نویسندگان)

مُسلم (یک مسلمان) = جمع : مُسلِمونَ / مُسلِمینَ (مسلمانان)

مؤمن (یک مؤمن) = جمع : مؤمنونَ / مؤمنینَ (مؤمنان)

نشانه جمع مؤنث سالم «ات» است یعنی به انتهای کلمه «ات» اضافه می‌شود. البته یادتان باشد با اینکه در جمع سالم، شکل مفرد برجای خود باقی می‌ماند امّا در جمع مؤنث لازم است «ة» حذف شده سپس «ات» افزوده شود؛ مثل : المؤمنة = المؤمنات

عالِمة (یک بانوی عالم)= جمع :عالِمات (بانوان عالم)

قائِلة (یک بانوی گوینده)= جمع : قائِلات (بانوان گوینده)

کاتبة (یک بانوی نویسنده) = جمع : کاتبات (بانوان نویسنده)

مُسلمة (یک بانوی مسلمان) = جمع : مُسلِمات (بانوان مسلمان)

مؤمنة (یک بانوی مؤمن) = جمع : مؤمنات (بانوان مؤمن)

دانستنی‌های دبیر دربارهٔ تعداد اسم

۱ گفتیم در جمع سالم، صورت مفرد بر جای خود باقی می‌ماند؛ این نکته تبصره‌هایی دارد. برخی کلمات هستند که با اندک تغییر در حرکات، جمع سالم بسته می‌شوند مثل : أرض جمعش أرَضونَ و بَرکَة جمعش بَرَکات. به این دست کلمات که هم در جمع مذکر پیش می‌آید هم در جمع مؤنث، ملحقات می‌گویند؛ یعنی «أرَضونَ» ملحق به جمع مذکر سالم و «بَرَکات» ملحق به جمع مؤنث سالم است (که البته مبسوط‌تر از این است[۱]). نیازی به ارائه این توضیحات به دانش‌آموز نیست فقط شما به‌عنوان دبیر، آگاه باشید که اگر سؤالی برای دانش‌آموزان پیش آمد، پاسخ‌گو باشید گرچه غالباً دانش‌آموزان، این کلمات را بدون دقّت به حرکتِ تغییر کرده، جمع مذکر یا مؤنث سالم به‌حساب می‌آورند که این، اشکالی برای آنها ندارد.

۲ در جمع مکسّر که شکل مفرد، شکسته می‌شود، لزوماً سازوکار و قاعده‌ای نیست که بخواهیم به‌عنوان الگو برای همه کلمات ارائه کنیم بلکه در اکثر موارد سماعی است به‌جز تعداد اندکی مثل وزن «أفعَل» که معمولاً بر وزن «أفاعِل» جمع بسته می‌شود. از این‌رو لازم است دانش‌آموز، کلماتی که جمعشان مکسر است را حفظ کرده و به‌خاطر بسپارند. این امر بسیار حائز اهمیت است.

۳ برخی جمع مکسرها ذیل عنوان «صیغه منتهی الجموع» قرار دارند. صیغه منتهی‌الجموع جمع مکسری است که یکی از این شش وزن را دارد : أفاعِل و أفاعیل، فواعِل و فواعیل، مَفاعِل و مَفاعیل

۴ جمع‌الجمع نیز در زبان عربی وجود دارد به معنای اسمی‌که دوبار جمع بسته شده است مثل : ید جمعش أیدی و جمع‌الجمعش أیادی.

جمع‌الجمع بر نُه و بیشتر دلالت می‌کند و برای بیان کثرت و فراوانی افراد یک مجموعه به‌کار می‌رود. جمع‌الجمع گاه به‌صورت جمع سالم هم استفاده می‌شود که سماعی است : أفضَل جمعش أفاضِل و جمع‌الجمع أفاضلونَ؛ بیت جمعش بیوت و جمع‌الجمعش بیوتات

اسم جمع اسمی‌است که بر سه و بیشتر از آن دلالت می‌کند اما مفردی از ریشه خودش ندارد؛ مانند : قوم و ناس و جیش و نساء

۱ــ مبادی العربیة، رشید الشّرتونی، ج ۴، دروس ۲۶ و ۲۷

اشتباهات رایج در باب تعداد اسم و راهکار

۱ با توجه به اینکه اوزان جمع مکسر غالباً سماعی هستند، بسیاری اوقات دانش‌آموزان آنها را نمی‌دانند و به مشکل می‌خورند خصوصاً وقتی ظاهرشان شبیه به بقیه نیست مثلاً کلمه «مَرضَی» جمع مکسر «مریض» است ولی دانش‌آموزان غالباً نمی‌دانند. مواردی هم وجود دارد که یک اسم مفرد بسیار شبیه جمع مکسرهاست مثل «أُسلوب» که جمعش «أساليب» است. باید چه کرد؟ در انتهای متن هر درس، لغت‌نامه وجود دارد. در آنجا هر اسمی‌که دارای جمع مکسر است، در کنارش نوشته شده است. حتماً از دانش‌آموزان بخواهید آنها را به‌خاطر بسپارند و هرگاه به کلماتی این چنینی برخوردید، تأکید بیشتری کنید تا در خاطر دانش‌آموزان بماند.

۲ برخی کلمات هستند که جمع مکسرشان به علّت کم‌توجهی دانش‌آموزان، با جمع سالم‌ها خلط می‌شود مثل : «مساكين» به این علّت که به «ین» ختم شده است، گاهی تصور می‌شود که جمع مذکر سالم است با اینکه شکل مفردش «مسكين» درهم شکسته شده و اصلاً با «ین» جمع بسته نشده است. یا کلماتی مثل «ابیات، اصوات، اموات، اوقات و...» به علّت اینکه به «ات» ختم شده‌اند، با جمع مؤنث اشتباه گرفته می‌شوند. این توجه را به دانش‌آموز بدهید که حتماً در جمع سالم‌ها به سالم ماندن شکل مفرد کلمه توجه کنند.

تمارین

تمرین اول : مذکر و مؤنث و نوع مؤنث را مشخص کن.

الكلمة	المذكر	المُؤَنَّثَ الحقيقي	المُؤَنَّثَ المجازي	المُؤَنَّثَ اللَّفظي	المُؤَنَّثَ المعنوي	المُؤَنَّثَ اللَّفظي المعنوي
أرض			✓		✓	
إيران			✓		✓	
معصومة		✓				✓
سعدي	✓					

الكلمة	المذكر	المُؤَنَّثَ الحقيقي	المُؤَنَّثَ المجازي	المُؤَنَّثَ اللَّفظي	المُؤَنَّثَ المعنوي	المُؤَنَّثَ اللَّفظي المعنوي
كرمان			✓		✓	
قُرَيش			✓		✓	
جَحيم			✓		✓	
ريح			✓		✓	
عَين			✓		✓	
نَفْس			✓		✓	
نار			✓		✓	
حاصِب			✓		✓	
يَد			✓		✓	
جِدار	✓					
ثَمَر	✓					
مريوان			✓		✓	
كتاب	✓					
زنجان			✓		✓	
سُوق	✓					
كَهف	✓					

تمرین دوم : نوع مؤنث را مشخص کن.

الكلمة	المُؤَنَّثَ اللَّفظي	المُؤَنَّثَ المعنوي	المُؤَنَّثَ اللَّفظي المعنوي	المُؤَنَّثَ الحقيقي	المُؤَنَّثَ المجازي
فاطمة			✓	✓	
زينب		✓		✓	
شمس		✓			✓
كُبرىٰ			✓	✓	
شام		✓			✓
دار		✓			✓
حَسناء			✓		
مِصر		✓			✓
سَقَر		✓			✓
مُعاوية	✓				
زنجان		✓			✓
زَكَرِيّا	✓				
تبريز		✓			✓
أفعىٰ			✓		✓
لطيفة			✓	✓	
سبيل		✓			✓
ضارِبة			✓	✓	
عَين		✓			✓
لَيلىٰ			✓	✓	
عَصا		✓			✓

تمرين سوم : جدول زير را كامل كن.

كلمه	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم	جمع مكسّر
فاطمة	فاطمات		
مريم	مريمات		
دبير			مَعالِم
دَولَة			دُوَل
مَنطقة			مَناطِق
صناعة	صناعات		
سائح (گردشگر)		سائحونَ ــ سائحينَ	سُيّاح
عطلة (تعطيلى)	عطلات		
أثر			آثار
شلاّلة (آبشار)	شلاّلات		
عمارة	عمارات		
مَنظَرَة			مَناظِر
ألف (هزار)			آلاف
كاتب		كاتبونَ ــ كاتبينَ	كُتّاب
مؤمنة	مؤمنات		
نفس			نُفوس
جدّ (پدربزرگ)			أجداد
عمود (ستون)			عماد/ أعمِدَة
فتى (جوان)			فِتيَة / فتيان
مسؤول		مسئولونَ ــ مسئولينَ	
مكتوبة (نوشته)	مكتوبات		

گفت‌وگو (در سالن بازرسی در گمرک)

پلیس گمرک

این کیف را به اینجا بیاور!

بازرسی ساده است!

ببخشید! این کیف مال کیست؟

لطفا آن را باز کنید!

در کیف چیست؟

این کتاب چیست؟

این قرص‌ها چیست؟

این،جایز نیست.

اشکالی نداره.

جمعش کن و برو!

زائر

چشم برادرم،امّا مشکل چیست؟

اشکالی نداره.

برای خانواده‌ام.

بفرما! کیفم برای بازرسی باز است.

مسواک، و خمیردندان وحوله ولباس‌ها

کتابی نیست، بلکه دفترخاطرات است.

قرص‌های آرامبخش است، سردرد دارم.

امّا من واقعاً به آن احتیاج دارم.

ممنون.

خدانگهدار.

اَلدَّرْسُ الْخامِسُ



﴿وَ هوَ الَّذي يُرسِلُ الرّياحَ بُشراً﴾

اَلأعراف: ٥٧

و او کسی است که بادها را مژده دهنده می‌فرستد.

درس پنجم

هدف کلی : دانش‌آموز اسم را به اعتبار معرفه و نکره بیاموزد.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز از اقسام اسم‌های معرفه با اسامی‌علم، ذواللام، اشاره و معرفه به اضافه آشنا شود.

۱ دانش‌آموز با انواع اسم اشاره آشنا شود.

۱ دانش‌آموز با مفهوم اضافه آشنا شود.

۱ دانش‌آموز معرفه به اضافه را بیاموزد.

۱ دانش‌آموز تأثیر معرفه یا نکره بودن یک اسم در ترجمه را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ تفاوت مفهومی‌اسم معرفه از نکره را دریابد.

۲ اقسام اسم معرفه را یاد گرفته باشد.

۳ اسامی‌اشاره را بشناسد و در جای خود به‌کار گیرد.

۴ ساختار مضاف‌الیه را بشناسد و معرفه به اضافه را در جملات پیدا کند.

۵ اسامی‌معرفه و نکره را به درستی ترجمه کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس پنجم

در متن این درس اسامی‌معرفه و نکره بسیاری وجود دارد. شایسته است دبیر گرامی‌بر ترجمه اسامی‌دقت کافی داشته باشد و از دانش‌آموزان بخواهد به تفاوت ترجمه اسامی‌توجه کند تا هنگام تدریس قواعد، بتواند تفاوت اسامی‌معرفه و نکره را به خوبی بیاموزد. در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

ذَنَب جمعش أذناب / زَیت جمعش زیوت / ضوء جمعش أضواء است.

«این، آفرینش خداوند است»

غوّاص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگارنگی را دیدند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شد و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کرد که غواصان در آن می‌توانستند در پرتوهای این ماهی‌ها عکس بگیرند.[۱] دانشمندان کشف کرده‌اند که این پرتوها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشم‌های آن ماهی‌ها زندگی می‌کنند.

چه بسا بدان توانمند شود زیرا «هرکس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.»

همانا زبان گربه سلاح دارویی همیشگی است زیرا آن (زبان گربه) پر از غده‌هایی است که مایعی پاک کننده ترشّح می‌کند پس گربه زخمش را چندین بار می‌لیسد تا بهبود یابد.

همانا بعضی از پرندگان و حیوانات به‌وسیله غریزه شان گیاهان طبی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه از گیاه مناسب برای پیشگیری از مریضی‌های مختلف استفاده کنند؛ این حیوانات، انسان را به خواصّ طبی بسیاری از گیاهان خشکی و غیر آن، راهنمایی کرده‌اند.

همانا بیشتر حیوانات علاوه بر دارا بودنِ زبانی خاص خودشان، زبانی عمومی‌دارند که از طریق آن می‌توانند یکدیگر را درک کنند (با یکدیگر مفاهمه داشته باشند) پس کلاغ صدایی دارد که به‌وسیله آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند پس او (کلاغ) به منزله جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

اردک غده‌ای طبیعی در نزدیکی دمش دارد که شامل روغنی خاص است که آن (روغن) را در جسمش پخش می‌کند تا جسمش تحت‌تأثیر آب قرار نگیرد.

آفتاب‌پرست می‌تواند بدون اینکه سرش را حرکت دهد، دو چشمش را در جهت‌های مختلف بچرخاند و آن (آفتاب‌پرست) می‌تواند در یک زمان، دو جهت را ببیند.

چشم جغد حرکت نمی‌کند پس آن (چشم جغد) ثابت است امّا به‌جای این نقص، حرکت دادن سرش در هر جهتی را جایگزین می‌کند و می‌تواند سرش را بدون اینکه جسمش را حرکت دهد، دویست و هفتاد درجه بچرخاند.

۱ــ نکته ترجمه : فعل «شاهدوا» بر ترجمه افعال مضارعی که بعد آن آمده است، مثل ینبعث، تُحوّل و تستطیع تأثیر گذاشت و باعث شد آن افعال، با وجود اینکه مضارع هستند، ماضی استمراری ترجمه شوند.

اهداف آموزشی قابل مشاهده در متن

تاکنون دانش‌آموزان با تعداد و جنس اسم و نیز افعال ثلاثی مجرّد و مزید آشنا شده‌اند. می‌توانید از متن این درس برای تثبیت این اطلاعات استفاده کنید. مثلاً از دانش‌آموزان بخواهید جنس و تعداد اسامی‌زیر را به دقّت و به‌طور کامل بیان کنند :

الغوّاصون : جمع مذکر سالم ــ مذکر حقیقی **اعماق** : جمع مکسّر ــ مذکر مجازی

العلماء : جمع مکسّر ــ مذکر حقیقی **عیون** : جمع مکسّر ــ مؤنث معنوی

المعجزة : مفرد مؤنث مجازی و لفظی ــ معنوی **القطّ** : مفرد مذکر حقیقی

جواسیس : جمع مکسّر ــ مذکر حقیقی **إتّجاهَین** : مثنی مذکر مجازی

المعجزة : مفرد مؤنث مجازی و لفظی ــ معنوی **الأعشاب** : جمع مکسّر ــ مذکر مجازی

منطقة : مفرد مؤنث مجازی و لفظی ــ معنوی **بطّة** : مفرد مؤنث حقیقی و لفظی ــ معنوی

الحرباء : مفرد مؤنث حقیقی و لفظی ــ معنوی **جهة** : مفرد مؤنث مجازی و لفظی ــ معنوی

در مورد افعال زیر هم از دانش‌آموزان بخواهید ثلاثی مزیدها را به همراه زمان و صیغه بودنشان بررسی کنند. آنها در این متن باید افعال زیر را بیابند :

شاهَدوا : ماضی ثلاثی مزید باب مفاعلة صیغه للغائبینَ

ینبَعِثُ : مضارع ثلاثی مزید باب انفعال صیغه للغائب

تُحَوِّل : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة

یُمکِنُ : مضارع ثلاثی مزید باب إفعال صیغه للغائب

تُفرِزُ : مضارع ثلاثی مزید باب إفعال صیغه للغائبة

یَلتَئِمُ : مضارع ثلاثی مزید باب افتعال صیغه للغائب

تَستَعمِلُ : مضارع ثلاثی مزید باب استفعال صیغه للغائبة

تَتَفاهُمُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفاعُل صیغه للغائبة

یُحَذِّرُ : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة

تَبتَعِد : مضارع ثلاثی مزید باب افتعال صیغه للغائبة

یَتَأَثَّر : مضارع ثلاثی مزید باب تفعُّل صیغه للغائب

تُحَرِّک : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة

تُعَوِّض : مضارع ثلاثی مزید باب تفعیل صیغه للغائبة

دیدید که در متن این درس از همه ابواب ثلاثی مزید، فعل داشتیم البته تعدادی دیگر از افعال ثلاثی مزید در متن وجود دارد که جزء معتلاّت هستند و دانش‌آموز با آنها آشنا نیست. از میان افعال فوق، فعل‌های «ینبعث، یلتئم، تبتعد، یتأثّر و تتحرّک» دارای معنای مطاوعه هستند و فعل‌های «تُحوّل، تُفرز، یُحدِّر، تُحرّک و تُعوّض» دارای معنای تعدیه و فعل «تتفاهم» دارای معنای مشارکت هستند.

حل تمارین ناظر به متن

جمله صحیح و غیرصحیح را براساس حقیقت و واقعیت مشخص کن!

۱ زرّافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می‌دهد تا از خطر دور شود. (غلط است؛ کلاغ چنین صدایی دارد.)

۲ آفتاب‌پرست می‌تواند چشمانش را فقط در یک جهت بچرخاند. (غلط است، در دو جهت)

۳ ماهی‌های نورانی تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند. (صحیح)

۴ زبان گربه پر از غده‌هایی است که مایعی پاک کننده ترشّح می‌کند. (صحیح)

۵ زنده‌های آبی (موجودات آبزی) در اعماق اقیانوس زندگی نمی‌کنند. (غلط)

۶ سر جغد در یک جهت حرکت می‌کند. (غلط، دویست‌وهفتاد درجه می‌چرخد)

کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه با توضیحات زیر متناسب است؟

۱ پرنده‌ای است که در مکان‌های متروک ساکن است، در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌آید. بوم (جغد)

۲ عضوی است پشت جسم حیوان که غالباً آن را برای طرد حشرات تکان می‌دهد. ذَنَب (دم)

۳ گیاهانی مفید برای درمان هستند که از آنها همچون دارو استفاده می‌کنیم.
اعشاب طبّیَة (گیاهان دارویی)

۴ پرنده‌ای که در خشکی و آب زندگی می‌کند. بطّ (اردک)

۵ عدم وجود نور. الظّلام (تاریکی)

۶ پخش نور. إنارَة (نورانی کردن)

کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

إستَطاع (توانست) = قَدِرَ
إقتَرَبَ (نزدیک شد) ≠ إبتعَدَ (دور شد)
بَنَی (ساخت) = صَنَعَ
أغلَقَ (بست) ≠ فَتَحَ (گشود)
غَیْم (ابر) = سَحاب
واقِف (ایستاده) ≠ جالِس (نشسته)
مسرور (شاد) ≠ حَزین (غمگین)
غصّة (اندوه) = حزن

سِلم (صلح) ≠ حَرب (جنگ)
إحسان (نیکی) ≠ إساءة (بدی)
ظَلام (تاریکی) ≠ ضیاء (روشنایی)
تَفَرَّقَ (پراکنده شد) ≠ تَجَمَّعَ (جمع شد)
عالِم (دانا) ≠ جاهِل (نادان)
قَرُبَ (نزدیک شد) ≠ بَعُدَ (دور شد)
مِن فَضلِک (لطفاً) = رَجاءً
جاهِز (آماده) = حاضِر

اسم هر تصویر را در جای خالی بنویس.

۱ تُعطی (البقرة) الحَلیبَ. — گاو شیر می‌دهد.
۲ یُرسِلُ (الغُراب) أخبارَ الغابَةِ. — کلاغ خبرهای جنگل را ارسال می‌کند.
۳ ذَنَبُ (الطّاووسُ) جمیلٌ. — دم طاووس زیباست.
۴ (الحِرباءُ) ذاتُ عیونٍ متحرّکَة. — آفتابپرست دارای چشم‌های متحرّک است.
۵ الشُّرطیُّ یحفَظُ الأمنَ بـ (الکِلاب). — پلیس، امنیت را به وسیله سگ‌ها حفظ می‌کند.
۶ (البطُّ) طائرٌ جمیلٌ. — اردک، پرنده ای است زیبا.

موضوعات درس پنجم

معرفه نکره / اقسام معرفه : علم، اسم دارای ال، اسم اشاره، مضاف به معرفه

مقدمه

این درس ادامهٔ منطقی مباحث اسم است و شامل موضوع معرفه و نکره می‌شود. دانش‌آموزان درآینده مباحثی نظیر جمله حالیه و جمله وصفیه را می‌آموزند که تفاوت محوریشان در معرفه و نکره بودن اسمی‌است که درباره‌اش سخن می‌گویند. از این دست مباحثی که با معرفه و نکره بودن اسامی‌پیوند می‌خورد، زیاد است؛ لذا این بحث، بسیار کاربردی و حائز اهمیت است و به نحوی پیش نیاز تعدادی از مباحث نحوی بسیار مهم است.

مرور مفاهیم اصلی درس

تعریف اسم معرفه و نکره

در درس یک آموختیم که اسامی‌در زبان عربی، تقسیماتی دارند. تاکنون با تقسیم اسم از نظر تعداد و جنس آشنا شدیم. اکنون می‌خواهیم اسم را از جهت معرفه و نکره بررسی کنیم.

اسم معرفه اسمی‌است که مصداقش برای گوینده و شنونده شناخته شده و آشناست؛ در مقابل، اسم نکره اسمی‌است که مصداقش برای گوینده و شنونده شناخته شده و آشنا نیست و ممکن است بر هر فردی اطلاق شود. به مثال‌های زیر توجه فرمایید :

رأیتُ طفلاً فی‌المهد : کودکی را در گهواره دیدم.

رأیتُ الطّفلَ فی‌المهد : کودک را در گهواره دیدم.

کلمه طفل در مثال اول به‌صورت نکره به‌کار رفته است زیرا مصداق آن برای شنونده مشخص نیست اما در مثال دوم، مشخص است. گویا شنونده و گوینده قبلاً درباره آن کودک سخن گفته‌اند و اکنون هردو می‌دانند در مورد کدام کودک سخن می‌گویند. طفل در مثال اول، نکره و در دومی معرفه است. در زبان فارسی معمولاً اسم‌های نکره با «یک» یا «ی» همراه هستند؛ «یک کودک / کودکی» اما نکته مهم این است که هر «ی» نشانه نکره بودن نیست. اکثر دانش‌آموزان به خطا فکر می‌کنند که هر اسمی‌که با «ی» همراه است، نکره است در حالی که «ی» در زبان فارسی انواع مختلفی دارد : ی میانجی (کتاب‌های من)، ی مصدرساز (شادی= شاد بودن)، ی نکره (کتابی)، ی نسبت (ایرانی) و...

پس لازم است توجه داشته باشیم آن «ی» که بتوانیم بجایش «یک» در ابتدای اسم بیاوریم معمولاً معادل نکره در عربی است یعنی : «کتابی = یک کتاب» معادل «کتابٌ» در عربی است و نکره می‌باشد و «کتاب» معادل «الکتاب» در زبان عربی و معرفه است.

اما از کجا متوجه شویم که یک اسم در زبان عربی معرفه یا نکره است؟ معرفه بر شش قسم است. اگر اسمی‌جزء این شش قسم باشد، معرفه و در غیر این صورت، نکره خواهد بود. به نمودار زیر توجه فرمایید :

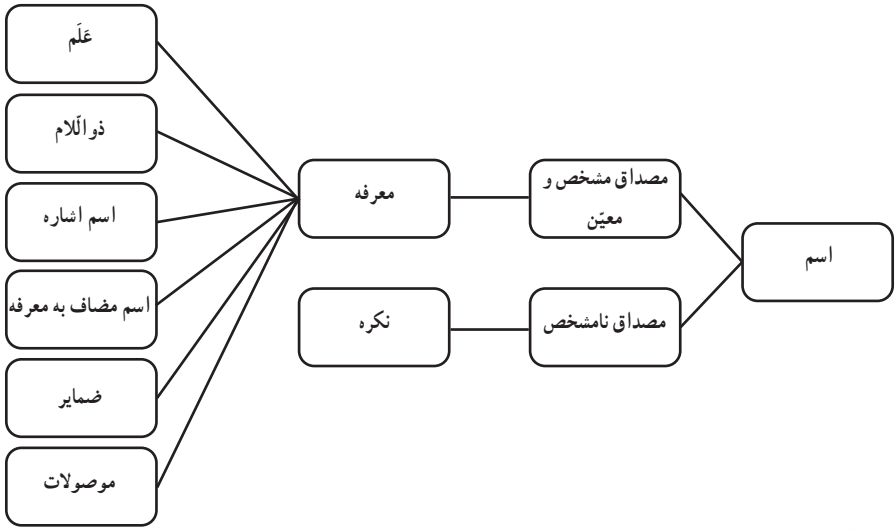

گروه اول : اسامی‌علم

اسم علم معادل همان اسم خاص در زبان فارسی است؛ به عبارتی هر اسمی‌که به‌طور خاص بر روی شخص، شیء یا مکان خاصی گذاشته شود، علم است مثل : نام افراد : مریم، علی و...، نام‌خانوادگی : حسینی، مرادی و...، نام شهر و کشور و قبیله : اصفهان، ایران، بنی‌هاشم و...، مکان‌ها : خیابان پیروزی، تخت‌جمشید، حمام فین، موزه استاد معین، مسجد حضرت محمّد ﷺ و...

تمامی‌اسامی‌علم، معرفه به شمار می‌آیند.

دانستنی‌های دبیر در باب اسم علم

در زبان عربی اسامی‌علم دسته‌بندی‌های مختلف دارند؛ علم مفرد مثل لبنان، علم مرکب اضافی مثل عبدالله، علم مرکب مَزجی مثل بعلبک، کنیه مثل اباعبدالله، لقب مثل زین العابدین[1]. شناخت اسم علم برای دانش‌آموزان بسیار مهم است اما انواع علم فقط برای دبیر لازم است.

گروه دوم : اسم‌های ال دار (ذو الّلام/ محلّی بـأل)

اسامی‌که بر سر آنها «ال» می‌آید معرفه هستند. محلّی بـأل یعنی زینت داده شده با «أل». به ترجمه این جملات نگاه کنید : اشتریتُ کتاباً (کتابی خریدم)، اشتریتُ الکتاب (کتاب را خریدم). در عبارت اول، واضح نیست چه کتابی را خریدم اما در مثال دوم، گویا قبلاً گوینده و شنونده درباره

۱ــ برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتب تخصصی مراجعه فرمایید. کتاب آموزش صرف دکتر عبدالرّسول کشفی در درس سی و دوم به‌طور مختصر و مفید به این موضوع پرداخته است.

آن کتاب، سخنی گفته بودند و اکنون هر دو می‌دانند درباره کدام کتاب سخن گفته شده است پس «الکتاب» معرفه است.

گروه سوم : اسم‌های اشاره

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با بعضی از اسامی‌اشاره آشنا شده‌اند؛ اسم اشاره یکی از اقسام اسامی‌معرفه است. اکنون تمامی‌آنها را معرفی می‌نماییم.

اسم اشاره	نزدیک	دور
مفرد	مذکر : هذا (این) مؤنث : هذه (این)	مذکر : ذلک (آن) / ذاک مؤنث : تلک (آن)
مثنی	مذکر : هذانِ ــ هذَینِ (این دو) مؤنث :هاتانِ ــهاتَینِ (این دو)	مذکر : ذانِکَ ذَینِکَ (آن دو) مؤنث : تانِکَ تَینِک (آن دو) نکته : دانش‌آموزان این موارد را نمی‌خوانند.
جمع	هؤلاء (اینها) (مشترک بین مذکر و مؤنث)	اولئکَ (آنها) (مشترک بین مذکر و مؤنث)
اشاره به مکان	هُنا / (اینجا)	هُناکَ / هُنالِکَ / ثَمَّ (آنجا)

تمامی‌این اسامی، معرفه هستند.

گروه چهارم : اسامی‌مضاف به معرفه

برای اینکه معرفه به اضافه به درستی فهمیده شود، لازم است ترکیب اضافی شرح داده شود. دانش‌آموزان در گذشته با این موضوع آشنا شده‌اند اما از آنجا که غالباً در این موضوع مشکل دارند، لازم است مجدد توضیح داده شود.

هرگاه دو اسم به یکدیگر مرتبط باشند و میان آن دو پیوندی معنوی باشد، با ترکیب اضافی روبه‌رو هستیم؛ به عبارتی وقتی یک اسم به اسم دیگر نسبت داده می‌شود، یا رابطه وصفی وجود دارد یا رابطه اضافی. به دو عبارت «کتابِ خوب» و «کتابِ علی» دقت کنید. در هر دو عبارت، دو اسم به یکدیگر نسبت داده شده‌اند. در عبارت اول یعنی «کتابِ خوب» یک شیء داریم که دارای ویژگی یا صفتی است؛ «کتاب» یک شیء است که دارای صفت «خوب» است اما در عبارت دوم یعنی «کتابِ علی» دو موجود داریم؛ «کتاب» و «علی» که به یکدیگر نسبت داده شده‌اند. به چنین ترکیبی

اضافی می‌گویند. اکنون میان «کتاب» و «علی» یک رابطه معنوی وجود دارد. «کتاب» مضاف است و «علی» به آن اضافه شده است یعنی «علی» مضاف الیه است.[۱]

اما در بحث معرفه نکره، چنان‌چه مضاف‌الیه، معرفه باشد، مضاف را نیز معرفه می‌کند و چنان‌چه نکره باشد، مضاف همچنان نکره باقی می‌ماند. به این دو نمونه توجه کنید : «خانه‌ای خریدم» و «خانه علی را خریدم». در عبارت «خانه‌ای خریدم» مصداق خانه مشخص نیست و برای شنونده کاملاً مبهم است اما در عبارت «خانه علی را خریدم» مصداق خانه برای شنونده واضح شده است؛ «خانه علی» یک ترکیب اضافی است و «علی» باعث شده است که «خانه» از ابهام درآمده و معرفه شود. «علی» معرفه به علمیّت است و «خانه» معرفه به اضافه به حساب می‌آید.

دانستنی‌های دبیر

۱ «ال» در زبان عربی اقسام مختلفی دارد :

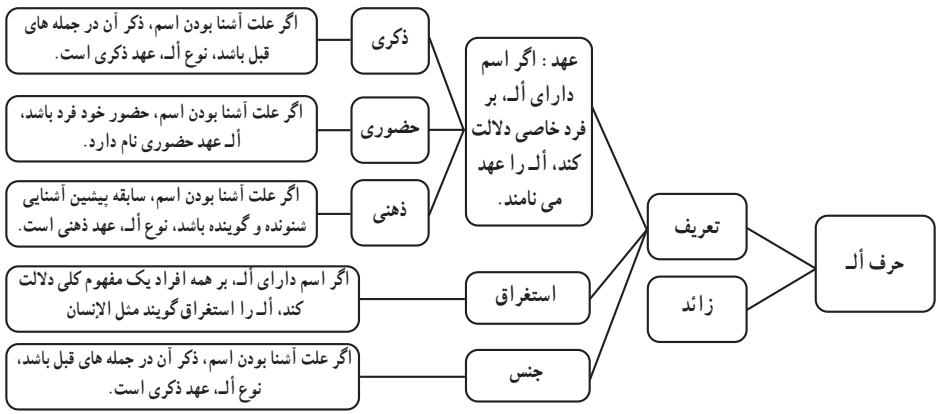

۲ هر اسم معرب در زبان عربی در صورتی که غیرمنصرف نباشد[۲]، به یکی از سه شکل زیر می‌آید :

۱ یا مضاف واقع می‌شود یعنی مضاف‌الیه دارد.

۲ یا تنوین می‌گیرد.

۳ یا «ال» می‌گیرد.

۱ــ اضافه بر دو قسم است : اضافه لفظی و اضافه معنوی. هر آنچه تا این‌جا توضیح دادیم، مربوط به اضافه معنوی است. دانش‌آموزان تا پایان دوره متوسطه با اضافه لفظی آشنا نخواهند شد پس دانستن اضافه معنوی برای آنها کفایت می‌کند.

۲ــ اسامی معرب و غیرمنصرف به زودی تدریس می‌شوند.

دو مورد با هم اتفاق نمی‌افتد[۱]، هیچ‌کدام هم نمی‌شود پس درمی‌یابیم اسمی که مضاف واقع شده است، هرگز «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد. بهتر است به دانش‌آموزان در همین حدّ بگوییم که یک اسمِ مضاف، «الـ» و «تنوین» نمی‌گیرد. از سوی دیگر اسمی که «الـ» دارد نیز تنوین نمی‌گیرد.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ دانش‌آموزان غالبا فکر می‌کنند کلمه‌ای مثل «الحسین» اسم معرفه به «أل» است! دقت داشته باشید که اسامی‌علم خودشان معرفه هستند و چنانچه «ال» بر سر آنها بیاید باعث معرفه شدن آنها نمی‌گردد پس «الـ» بر سر اسامی‌علم، ال تعریف نیست و زائد است پس «الحسین» معرفه به علمیّت است نه «الـ». اینکه بر سر کدام اسم علم «الـ» می‌آید یا خیر، صرفاً قراردادی بین اعراب است و سماعی می‌باشد.

۲ بسیاری از دانش‌آموزان توجه نمی‌کنند که هنگامی‌یک اسم، معرفه به اضافه محسوب می‌شود که مضاف‌الیه، حتما و ضرورتاً یکی از معارف باشد! آنها به خطا می‌پندارند هر ترکیب اضافی معرفه به اضافه است! پس این نکته را متذکر می‌شویم که مضاف‌الیه حتماً باید معرفه باشد تا مضاف هم معرفه شود؛ پس به‌طور مثال در عبارت «کتابُ مکتبةٍ : کتاب یک کتابخانه» که «مکتبةٍ» نکره است، «کتاب» همچنان نکره باقی می‌ماند و مصداقش نامعلوم است.

۳ نکته دیگری که مهم است این است که اگر چندین مضاف و مضاف‌الیه پشت هم آمده باشد، درصورتی‌که آخرین مضاف‌الیه، معرفه باشد، تک تک مضاف‌ها معرفه به اضافه خواهند بود اما اگر آخری نکره بود، همه مضاف‌ها نکره باقی می‌مانند. به دو عبارت زیر توجه فرمایید :

الف) کتابُ مکتبةِ صدیقِ عَلیٍّ　　ب) کتابُ مکتبةِ مدینةٍ

در عبارت اول کلمات «کتاب، مکتبة و صدیق» همگی مضاف هستند و از آنجا که «علیّ» ــ که آخرین مضاف‌الیه است ــ معرفه است، آن سه کلمه نیز معرفه به اضافه خواهند بود.

اما در عبارت دوم از آنجا که آخرین مضاف الیه یعنی «مدینة» نکره است، کلمات «کتاب و مکتبة» همچنان نکره باقی می‌مانند.

۴ نکته پایانی اینکه بسیاری از دبیران به دانش‌آموزان می‌گویند که تنوین نشانه نکره است.

۱ــ به‌جز اینکه در اضافه لفظی یک اسم می‌تواند در شرایطی هم مضاف باشد هم «ال» داشته باشد.

چنان‌چه این مطلب به‌طور دقیق توضیح داده نشود، اشکالاتی را برای دانش‌آموزان پیش خواهد آورد. هر اسمی که تنوین داشته باشد، درصورتی که عَلَم نباشد، نکره است. از سویی چنین نیست که اگر اسمی تنوین نداشت، نکره نباشد؛ زیرا به‌طور مثال در اسامی مثنی و جمع مذکر سالم، نون به‌جای تنوین قرار گرفته است یعنی به‌طور مثال «مُحسِنانِ» با اینکه تنوین ندارد، نکره است. پس رابطه زیر در اینجا برقرار است یعنی :

الف) برخی از اسامی که تنوین دارند، نکره هستند؛ مثل : رجلٌ

ب) برخی از اسامی که تنوین دارند، نکره نیستند؛ مثل : محمّدٌ

ج) برخی از اسامی که ظاهراً تنوین ندارند، نکره هستند؛ مثل : مُؤمِنانِ

د) برخی از اسامی که ظاهراً تنوین ندارند، نکره نیستند؛ مثل : المُؤمِنانِ

تمارین

تمرین اول : نکره، معرفه و نوع معرفه را در اسامی‌زیر مشخص کنید.

کلمه	نکره	علم	دارای الـ	اسم اشاره
الأرض			☐	
ایران		☐		
تلک				☐
سعدی		☐		
حرب	☐			
موسی		☐		
هنالک				☐
جحیم	☐			
ریح	☐			
عین	☐			
اولئک				☐
الحیاء			☐	
البرّ			☐	
ثَمَّ				☐
عِلم	☐			

کلمه	نکره	علم	دارای الـ	اسم اشاره
کلام	☐			
قریش		☐		
کلام	☐			
هذانِ				☐
زینب		☐		
طائر	☐			
کرمان		☐		

تمرین دوم : متن را ترجمه کن و سؤالات را پاسخ بده.

الف) ترجمه : از پندهای موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام به هشام : ای هشام!

اگر در دستت یک گردو باشد و مردم بگویند در دست تو یک مروارید است، به تو سود نمی‌رساند درحالی‌که تو می‌دانی آن، یک گردوست و اگر در دستت یک مروارید باشد و مردم بگویند آن، یک گردوست، به تو ضرر نمی‌رساند درحالی‌که تو می‌دانی که آن، مروارید است.

ب) کامل کن :

اسم	علامت اسم	نکره	معرفه و نوعش	مذکر	مؤنث	نوع مؤنث
ید	جرّ و اضافه		معرفه به اضافه		☐	مؤنث معنوی
جوزةٌ	تنوین	☐			☐	مؤنث لفظی ــ معنوی /مجازی
لؤلؤةٌ	تنوین	☐			☐	مؤنث لفظی ــ معنوی /مجازی
النّاس	الـ داشتن		معرفه به الـ	☐		

تمرین سوم : متن را ترجمه کن و سؤالات را پاسخ بده.

الف) ترجمه : «کجاست آنکه آماده شده برای قطع کردن ریشه ستمگران؟ کجاست آنکه برای راست نمودن سستی و انحراف در انظار اویند؟ کجاست احیاگر نشانه‌های دین و اهلش؟ کجاست عزت‌دهنده اولیا و خوارکننده دشمنان؟ کجاست مطالبه‌گر خون آنکه کشته شده در کربلا؟».

ب) مضاف به معرفه را مشخص کن :

۱	قطع
۲	دابر
۳	إقامة
۴	محيي
۵	معالم
۶	أهل
۷	معزّ
۸	مذلّ
۹	دم

گفت‌وگو (همراه با راننده تاکسی)

گردشگر : ای راننده! می‌خواهیم به مدائن برویم.

راننده تاکسی : من در خدمتتان هستم بفرمایید!

گردشگر : مسافت از بغداد تا آنجا چقدر است؟

راننده تاکسی : گمان می‌کنم مسافت سی و هفت کیلومتر باشد. عجیب است برای چه به مدائن می‌روید؟

گردشگر : برای زیارت بارگاه سلمان فارسی و دیدن طاق کسری! برای چه تعجب می‌کنی؟

راننده تاکسی : زیرا فقط تعداد کمی‌از زوّار به مدائن می‌روند.

گردشگر : ابتدا به زیارت عتبات مقدّسه در شهرهای چهارگانه کربلا و نجف و سامرا و کاظمین مشرف شدیم.

راننده تاکسی : زیارت همگی قبول! آیا می‌شناسی سلمان فارسی کیست یا خیر؟

گردشگر : بله او را می‌شناسم. او از اصحاب پیامبر است و اصالتش از اصفهان است.

راننده تاکسی : آفرین! آیا اطّلاعاتی از طاق کسری داری؟

گردشگر : قطعاً! آن، یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از اسلام است. دو شاعر بزرگ هنگام مشاهده‌شان از ایوان کسری شعر سروده‌اند : بحتریّ از بزرگ‌ترین شعرای عرب و خاقانی شاعر ایرانی.

راننده تاکسی : ماشاءالله! آفرین بر تو! اطّلاعاتت زیاد است!

اَلدَّرْسُ السّادِسُ



﴿وَ ما مِنْ دابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ يَطِيرُ بِجَناحَيْهِ إِلّا أُمَمٌ أَمْثالُكُم﴾ الأَنعام: ۳۸

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با بال‌هایش پرواز می کند، مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.

درس ششم

هدف کلی : دانش‌آموز اسم را به اعتبار معرفه و نکره یاد بگیرد.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز نوع معرفه و نکره را بیاموزد.
۲ دانش‌آموز با انواع ضمایر آشنا شود.
۳ دانش‌آموز با موصولات آشنا شود.
۴ دانش‌آموز جمله صله را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ ضمایر متصل و منفصل را از یکدیگر تشخیص دهد.
۲ صیغه ضمایر را به درستی بیان کند.
۳ متوجه شود که میان ضمایری که به فعل می‌چسبند و صیغه آن را مشخص می‌کنند با ضمایری که ربطی به صیغه فعل ندارند و می‌توانند هم به فعل بچسبند هم به اسم و حرف، تفاوتی وجود دارد.
۴ انواع موصولات را با توجه به جنس و تعدادشان به درستی بشناسد.
۵ جمله صله را به طور صحیح مشخص کند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس ششم

با توجه به اینکه دانش‌آموزان در این درس با ضمایر بیشتر آشنا می‌شوند، سعی کنید هنگام ترجمه، آنها را به ضمایر توجه دهید و بخواهید که مرجع ضمایر را با توجه به جنس و تعداد، به‌درستی تشخیص دهند. از سویی در درس گذشته تعدادی از معارف را آموختند. شایسته است هنگام ترجمه، از دانش‌آموزان بخواهید اسامی‌معرفه و نکره را به درستی ترجمه نمایند.

در بخش واژگان، دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

جذع جمعش جذوع / جناح جمعش أجنحة/ حیّة جمعش حیّات/ رمل جمعش رمال / زَعنَفَة

جمعش زَعانِف / فم جمعش أفواه است.

در این درس تعدادی از مترادف و متضادها هم مطرح شده که حتما اشاره بفرمایید :

أسفل ≠ أعلی　　دَرَی = عَلِمَ　　شِمال = یَسار ≠ یَمین

شگفتی‌های مخلوقات

در آفرینش بیندیشید و درباره (ذات) آفریننده نیندیشید! رسول خدا ﷺ

هرکس در آفرینش خداوند بیندیشد، قدرت خداوند را مشاهده می‌کند.

مرغ مگس

او کوچک‌ترین پرنده بر روی زمین است، طولش پنج سانتی‌متر است، به سوی بالا و پایین، راست و چپ، جلو و عقب پرواز می‌کند. به حرکت درآمدن و توقف سریعش تعجّب را برمی‌انگیزد. «طنّان : بسیار پر سر و صدا» نامیده شد؛ زیرا به سبب سرعت بال‌هایش صدایی پدید می‌آورد؛ پس اگر برای دیدن دو بالش تلاش کنی، نمی‌توانی (ببینی)، آیا می‌دانی چرا؟ زیرا او دو بالش را تقریباً هشتاد بار در یک ثانیه حرکت می‌دهد.

تمساح

او روشی عجیب در تمیز کردن دندان‌هایش دارد، بعد از اینکه غذایش را می‌خورد، بر روی ساحل استراحت می‌کند؛ پس نوعی از پرندگان به نام مرغ باران به او نزدیک می‌شود. پس تمساح دهانش را باز می‌کند و آن پرنده در آن (دهان تمساح) داخل می‌شود و شروع می‌کند به نوک زدن به بقایای غذا در دهانش و بعد از اینکه کارش به پایان برسد، به سلامت خارج می‌شود.

ماهی پرنده

نوعی از ماهی‌هاست که از آب می‌پرد به‌وسیله حرکتی از دم قوی‌اش و بالای سطح آب پرواز می‌کند به نحوی که باله‌های بزرگش را که همچون دو بال کار می‌کنند، می‌کِشد. آن (کار) را برای فرار کردن از دشمنانش انجام می‌دهد. این ماهی چهل‌وپنج ثانیه پرواز می‌کند سپس به سوی آب فرود می‌آید و در آن وارد می‌شود.

دارکوب

پرنده‌ای است که به‌وسیله منقارش حداقل ده بار در ثانیه به تنه درخت نوک می‌زند. این سرعت به مغز کوچکش زیان نمی‌رساند به علت وجود دو عضو در سرش برای دفع ضربه‌ها : اول، بافتی بین جمجمه و منقار و دوم، زبان پرنده که داخل جمجمه اش می‌چرخد.

سنجاب پرنده

پوششی خاص هم‌چون چتر دارد که هنگامی‌که از درختی به درخت دیگر می‌پرد، آن را باز می‌نماید و می‌تواند در یک قدم، بیش از صد و پنجاه قدم پرواز کند.

مار صحرا

در نیمه روز و هنگامی‌که ماسه‌ها قدم‌های کسی که بر آن راه می‌رود را از شدّت گرما می‌سوزاند، این مار دمش را در ماسه فرو می‌کند سپس همچون عصا می‌ایستد. پس هرگاه پرنده‌ای بر روی آن بایستد، آن را شکار می‌کند.

حل تمارین ناظر به متن

به سؤالات زیر بر حسب متن درس پاسخ بده.

۱ سنجاب پرنده هنگامی‌که از درختی به درختی می‌پرد، به وسیله چه چیزی پرواز می‌کند؟

یطیر السّنجاب الطّائر بغشائه الخاصّ الّذی یشبه المِظَلّة : سنجاب پرنده به وسیله پوشش خاصش که شبیه به چتر است، پرواز می‌کند.

۲ کدام پرنده به تمساح در تمیزکردن دندان‌هایش کمک می‌کند؟

الزّقزاق یساعد التّمساحَ فی تنظیف أسنانه : مرغ باران به تمساح در تمیز کردن دندان‌هایش کمک می‌کند.

۳ چرا پرنده «طنّان» به این اسم، نامیده شده است؟

سمّی طنّاناً لأنّه یُحدثُ طنیناً بسبب سرعة حرکة جَناحَیه.

۴ مار صحرا چه وقت پرنده را شکار می‌کند؟

إذا وقف الطّیر علی حیّة الصّحراء، تصیده : هرگاه پرنده بر روی مار صحرا بایستد، آن را شکار می‌کند.

۵ ماهی پرنده چند ثانیه پرواز می‌کند؟

یطیر السّمک الطّائر خمساً و أربعینَ ثانیةً.

۶ کوچکترین پرنده بر روی زمین چیست؟

الطّائر الطّنّانُ هو أصغر طائر علی الأرض : مرغ مگس کوچکترین پرنده بر روی زمین است.

موضوعات درس ششم

۱ معرفی ضمایر ۲ موصول چیست؟ ۳ اقسام موصول

مقدمه

در درس گذشته اسم را به لحاظ معرفه و نکره بودن بررسی نمودیم و چهار دسته از اسامی معرفه را نام بردیم. اکنون در این درس می‌خواهیم درباره دو گروه باقیمانده یعنی ضمایر و موصولات سخن بگوییم. آموزش ضمایر و موصولات دانش‌آموزان را برای فهم بهتر متون طولانی‌تر آماده می‌کند زیرا می‌فهمند هیچ ضمیری بی مرجع نیست و موصول نیز باعث اتصال اجزای جمله می‌شود و هر موصولی به شخص یا شیء خاصی برمی‌گردد و بار معنایی خود را با جمله بعد از خود، تکمیل می‌کند.

مرور مفاهیم اصلی درس

گروه پنجم : ضمایر

در زبان فارسی ضمایر به شش صیغه (من، تو، او، ما، شما، ایشان) تقسیم می‌شوند که تحت عنوان (اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد، اول شخص جمع، دوم شخص جمع، سوم شخص جمع) قرار می‌گیرند. اما در زبان عربی ضمایر دارای چند دسته بندی و در مجموع، چهارده صیغه هستند. اکنون می‌خواهیم با ضمایر در زبان عربی آشنا شویم. ابتدا به جدول زیر نگاه کنید تا معادل هر صیغه فارسی در زبان عربی را ببینید :

نام صیغه به فارسی	معادل صیغه در عربی	ضمیر فارسی	ضمیر عربی
اول شخص مفرد	متکلم وحده	من	أنا
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	تو	أنتَ
	مفرد مؤنث مخاطب		أنتِ
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	او	هو
	مفرد مؤنث غایب		هیَ
اول شخص جمع	متکلم مع الغیر	ما	نحنُ
دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	شما	أنتم
	جمع مؤنث مخاطب		أنتنّ
	مثنی مذکر مخاطب		أنتما
	مثنی مؤنث مخاطب		أنتما
سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	ایشان	هم
	جمع مؤنث غایب		هنَّ
	مثنی مذکر غایب		هما
	مثنی مؤنث غایب		هما

اکنون می‌خواهیم ترتیب صیغه‌ها در زبان عربی را مشاهده کنیم و با نام صیغه‌ها آشنا شویم :

شماره صیغه	تقسیم از نظر تعداد	تقسیم از نظر جنس	تقسیم از نظر شخص	نام صیغه	ضمیر
۱	مفرد	مذکر	غایب	للغائب	هو
۲	مثنی			للغائبَینِ	هما
۳	جمع			للغائِبینَ	هم
۴	مفرد	مؤنث		للغائبة	هی
۵	مثنی			للغائبتَینِ	هما
۶	جمع			للغائبات	هنّ

شماره صیغه	تقسیم از نظر تعداد	تقسیم از نظر جنس	تقسیم از نظر شخص	نام صیغه	ضمیر
۷	مفرد	مذکر	مخاطب	للمخاطب	أنتَ
۸	مثنی			للمخاطبَینِ	أنتما
۹	جمع			للمخاطبِینَ	أنتم
۱۰	مفرد	مؤنث		للمخاطبة	أنتِ
۱۱	مثنی			للمخاطبَتَینِ	أنتما
۱۲	جمع			للمخاطبات	أنتنّ
۱۳	متکلم وحده (به تنهایی گوینده است)	للمتکلم وحده	أنا		
۱۴	متکلم مع الغیر (با دیگری یا دیگران گوینده است)	للمتکلم مع الغیر	نحن		

کلمه «الغائب» خودش مفرد مذکر است و به لحاظ معنایی دلالت بر صیغه غایب می‌کند لذا صیغه «للغائب» یعنی «برای مفرد مذکر غایب». کلمه «الغائبَینِ» خودش مثنای مذکر است پس صیغه «للغائبَینِ» یعنی «برای مثنای مذکر غایب». کلمه «الغائبینَ» خودش جمع مذکر است و صیغه «للغائبینَ» به معنای «جمع مذکر غایب» است. کلمه «الغائبة» خودش مفرد مؤنث است؛ زیرا دارای «ة» است پس صیغه «للغائبة» به معنای «مفرد مؤنث غایب» است. کلمه «الغائبَتَینِ» خودش مثنای مؤنث است و صیغه «للغائبَتَینِ» به معنای «مثنای مؤنث غایب» است. کلمه «الغائبات» خودش جمع مؤنث است زیرا «ات» گرفته پس صیغه «للغائبات» به معنای «جمع مؤنث غایب» می‌باشد. همین نکات در نام گذاری صیغه‌های مخاطب نیز جاری است. صیغه‌های متکلم نیز ترجمه شده اند.

اکنون که با نام صیغه‌ها آشنا شده ایم، می‌خواهیم خود ضمایر را بشناسیم زیرا تقسیمات ضمایر در عربی با فارسی متفاوت است؛ چراکه عربی دارای چهارده صیغه و فارسی دارای شش صیغه است. در گام اول، ضمایر را از این جهت که به کلمه دیگری می‌چسبند یا خیر، به متصل و منفصل تقسیم می‌نمایند. سپس آن‌ها را به مرفوعی و منصوبی و مجروری تقسیم می‌کنند. به جدول زیر نگاه کنید :

ضمایر	ضمایر منفصل		ضمایر متصل		
	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی		منصوبی و مجروری
			فعل ماضی	فعل مضارع	
للغائب	هو	إيّاه	ذهب (هو مستتر)	يذهبُ (هو مستتر)	ـهُ
للغائبَينِ	هما	إيّاهما	ذهبا	يذهبانِ	ـهما
للغائبِينَ	هم	إيّاهم	ذهبوا	يذهبونَ	ـهم
للغائبة	هى	إيّاها	ذهبَت (هى مستتر)	تذهبُ (هى مستتر)	ـها
للغائبتَينِ	هما	إيّاهما	ذهبَتا	تذهبانِ	ـهما
للغائبات	هنّ	إيّاهنّ	ذهبنَ	يذهبنَ	ـهنَّ
للمخاطب	أنتَ	إيّاكَ	ذهبتَ	تذهبُ (أنتَ مستتر)	كَ
للمخاطبَينِ	أنتما	إيّاكما	ذهبتما	تذهبانِ	كما
للمخاطبِينَ	أنتم	إيّاكم	ذهبتم	تذهبونَ	كم
للمخاطبة	أنتِ	إيّاكِ	ذهبتِ	تذهبينَ	كِ
للمخاطبتَينِ	أنتما	إيّاكما	ذهبتما	تذهبانِ	كما
للمخاطبات	أنتنّ	إيّاكنّ	ذهبتنَّ	تذهبنَ	كنَّ
للمتكلم وحده	أنا	إيّاىَ	ذهبتُ	أذهبُ (أنا مستتر)	ى
للمتكلم معالغير	نحن	إيّانا	ذهبنا	نذهبُ (نحن مستتر)	نا

در تقسیم اولیه ضمایر به متصل و منفصل، این توضیح لازم است که بخشی از این ضمایر به هیچ چیزی نمی‌چسبند و همواره به صورت تنها و مستقل در جمله می‌آیند؛ مثل : هو / إيّاه. به این دسته از ضمایر، ضمایر منفصل می‌گویند و دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با ستون ضمایر منفصل مرفوعی آشنا شده اند. اکنون باید بر روی ضمایر منفصل منصوبی تمرکز بیشتری داشته باشیم تا دانش‌آموزان آنها را با صیغه شان، بشناسند.

در گام بعدی، تقسیم ضمایر به مرفوعی، منصوبی و مجروری را شاهد هستیم. دانش‌آموزان تاکنون با اعراب‌های رفع، نصب، جرّ آشنا نشده‌اند. همچنین با نقش کلمات در جمله آشنا نیستند لذا نمی‌توان عناوین مرفوعی، منصوبی و مجروری را برای آنها شرح داد. اما می‌توان در این حد توضیح داد که برای دانش‌آموزان قابل درک باشد :

در گذشته گفتیم علم نحو در پی این است که درباره یک کلمه در جمله سه چیز را بررسی کند :

۱ آن کلمه چه نقشی در جمله می‌گیرد؟

۲ به واسطه آن نقش چه اعرابی می‌گیرد؟

۳ آن اعراب را چطور نشان می‌دهد؟

به عبارت دیگر همان‌طورکه در زبان فارسی، کلمات نقش‌های فاعل، مفعول، نهاد، گزاره، متمم و... را می‌گیرند، در زبان عربی نیز چنین است با این تفاوت که در عربی هرکلمه با توجه به نقشش حرکت و اعراب خاصی می‌گیرد. عنوان مرفوع در اصل مربوط به حرکت ضمه یعنی «ـُـٌ»، عنوان منصوب در اصل مربوط به حرکت «ـَـً» و عنوان مجرور در اصل مربوط به حرکت «ـِـٍ» است اما این حرکات را در شکل‌های دیگری هم خواهیم دید. هرکدام از نقش‌ها یکی از این حرکات را خواهند گرفت لذا این ضمایر با توجه به این‌که چه نقشی می‌گیرند، تحت عنوان مرفوعی، منصوبی و مجروری قرار می‌گیرند. با این موضوعات به زودی آشنا خواهیم شد و اکنون کافی است این عناوین را فرا بگیریم تا در آینده بتوانیم از آنها برای یادگیری بهتر، بهره ببریم.

بیان این نکته نیز ضروری است که ضمایر متصل مرفوعی بر دو قسم بارز و مستتر هستند. ضمایری که در ظاهر فعل، هستند و ما آنها را به صورت آشکار می‌بینیم، مثل : واو در ذهبوا، ضمیر بارز نام دارد و ضمایری که در ظاهر فعل آشکار نیستند، ضمیر مستتر (پنهان) نام دارند مثل : هو مستتر در ذهب

یادتان باشد که یادگیری ضمایر به هردو صورت ستونی و افقی، جزء اهداف آموزشی کتاب است.

دانستنی‌های دبیر در باب ضمایر

علت تقسیم‌بندی ضمایر به مرفوعی، منصوبی و مجروری، جایگاه اعرابی و نقش این ضمایر در جمله است؛ یعنی ضمایر منفصل مرفوعی، غالباً در جمله نقش مبتدا و مرفوع را دارند مثل هم

یصلّونَ فی المسجد. گاهی نیز نقش تأکید بر یک اسم مرفوع را دارند مثل إذهَب أنتَ إلی المسجد. تأکید یک نقش تبعی است و اعراب متبوعش را می‌گیرد یعنی در جمله مذکور، «أنت» نقش «تأکید بر فاعل» را داشته و مرفوع است. این ضمایر گاهی نیز در جایگاهی قرار می‌گیرند که هیچ محل اعرابی ندارد مثل ضمیر فصل که از حوصله بحث خارج است. در مجموع غالباً ضمایر منفصل مرفوعی را در جایگاه رفع می‌بینیم.

ضمایر منفصل منصوبی در جملات همواره نقش مفعول‌به و منصوب را دارند؛ مثل : «إیّاک نعبدُ» به معنای «تنها تو را می‌پرستیم»

نکته مهم این است که ضمایر منفصل منصوبی صدارت طلب هستند و همواره در صدر جمله قرار می‌گیرند لذا بر فعل خود مقدم می‌شوند.

ضمایر متصل مرفوعی، ضمایری هستند که در دل فعل قرار دارند و نشان دهنده صیغه فعل هستند. به عبارتی معادل همان «شناسه» در زبان فارسی هستند لذا عموماً این نقش‌ها را می‌گیرند : فاعل، نایب فاعل، اسم افعال ناقصه و اسم افعال مقاربه. این‌ها نیز نقش‌های مرفوعی هستند لذا به این ضمایر، متصل مرفوعی می‌گویند.

اما در ضمایر متصل منصوبی و مجروری، مهم است که این ضمایر به چه کلمه‌ای متصل شده باشند.

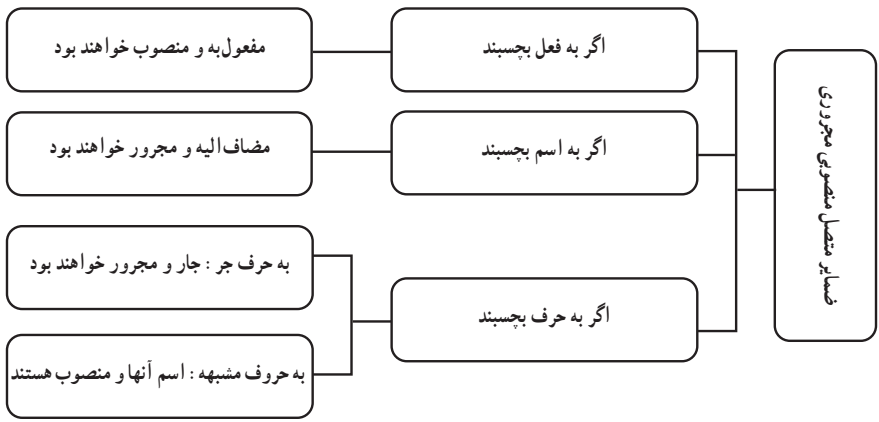

این اطلاعات برای دانش‌آموزان زود است. در آینده با همه این موارد آشنا خواهند شد لذا لازم است که جدول ضمایر را با عناوین مرفوعی منصوبی مجروری ببینند تا وقتی که با نقش‌ها آشنا شدند، بدانند در کجا چه ضمیری را باید بیاورند اما تا اینجا لازم نیست عناوین مرفوعی منصوبی مجروری را حفظ کنند؛ این موضوع، از اهداف آموزشی این درس نیست.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ ممکن است دانش‌آموزان نتوانند میان ضمایر متصل مرفوعی با ضمایر متصل منصوبی مجروری تمایز قائل شوند و آنها را بیاموزند. بیان این نکته ضروری است که ضمایر متصل مرفوعی که همواره در دل افعال بوده و صیغه آنها را به ما نشان می‌دهند اما ضمایر متصل منصوبی مجروری ربطی به صیغه فعل ندارند.

۲ دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با صرف فعل آشنا شده اند، اما همان‌طورکه در درس دوم هم عرض کردیم، گاهی در تشخیص ضمایر فاعلی خطاهایی می‌کنند؛ اکنون کافی است این نکات را یادآوری کنید :

«الف» در ذهبوا صرفاً برای زینت است.

«ت» در «ذهبَت» و «ذهبَتا» صرفاً نشانه مؤنث بودن است و ضمیر نیست.

«ن» در انتهای افعال مضارع ضمیر نیست بجز صیغه‌های شش و دوزاده.

گروه ششم : موصولات

گروه ششم از اسامی‌معرفه، موصولات هستند. موصولات دسته‌ای از اسامی‌هستند که خودشان معنای کاملی ندارند و مفهومشان با عبارتی که بعد از آنها می‌آید، کامل می‌شود. به آن عبارت، صله می‌گویند. به عبارات زیر نگاه کنید :

شهرُ رمضانَ الّذی **اُنزِلَ فیه القرآنُ** : ماه رمضانی که **قرآن در آن، نازل شد**.

قال أ تستبدلون الّذی **هو أدنی** بـالّذی **هو خیرٌ** : گفت آیا چیزی که **پست‌تر است** را با چیزی که **بهتر است**، جایگزین می کنید؟

کذلک قال الّذینَ **مِن قبلهم** : این چنین گفتند کسانی که **پیش از آنها بودند**.

ما عندالله خیرٌ للأبرار : آنچه نزد خداوند است، برای نیکان بهتر است.

در آیات فوق کلمات «الّذی»، «الّذین» و «ما» موصول هستند و معنایشان با عبارات بعدشان کامل می‌شود. در اولین آیه، معنای موصول با یک جمله فعلیه، در آیه دوم با جمله اسمیه، در آیه سوم و چهارم با شبه جمله کامل شده است. دانش‌آموزان تاکنون با انواع جمله و شبه جمله در زبان عربی آشنا نشده اند لذا می‌توانیم در این حد به آنها توضیح دهیم که گاهی یک جمله کامل، صله است و گاهی چیزی که شبیه به یک جمله است و معروف به شبه جمله است. شبه جمله در آینده تدریس می‌شود و وقتی تدریس شد لازم است که دانش‌آموز تمامی‌جملات صله را بشناسد اما فعلا به‌طورکلی بداند که عبارت بعد از موصول، کامل‌کننده معنایش بوده و صله نام دارد. به‌طور اجمالی هم بداند که شبه جمله عبارت است از جار و مجرور یا ظرف. جار و مجرور به معنای اسمی‌است که یکی از حروف بر سر آن می‌آید مثل «مِن قبلِ» در سومین آیه که ترکیب «مِن + قبل» است. بقیه مبحث جار و مجرور در آینده مطرح خواهد شد. ظرف نیز اسمی‌است که معنای زمانی یا مکانی دارد نظیر «عند» در آیه چهارم. اکنون شناخت شبه جمله جزء اهداف آموزشی این درس نیست.

موصول بر دو قسم خاص و عام است. موصول خاص، آن است که برای مفرد، مثنی، جمع، مذکر و مؤنث، کلماتی مختص به خودشان دارد. موصولات خاص را در جدول زیر ببینیم :

موصولات خاص	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	الّذی	اللّذانِ ــ اللَّذَینِ	الّذینَ
مؤنث	الّتی	اللّتانِ ــ اللَّتَینِ	اللّاتی/اللّواتی / اللّائی/ اللّوائی

موصول عام یا مشترک آن است که برای تمامی‌موارد فوق، لفظ واحدی دارد. موصول عام خود بر دو قسم است : موصول عام برای عاقل که کلمه «من» به‌کار می‌رود و موصول عام برای غیر عاقل که کلمه «ما» به‌کار می‌رود. موصول عام برای عاقل یعنی هرگاه بخواهیم برای انسان به‌کار ببریم از «من» استفاده می‌کنیم خواه مذکر باشد یا مؤنث، مفرد باشد یا مثنی و جمع. موصول عام برای غیرعاقل یعنی هرگاه بخواهیم برای غیرانسان به‌کار ببریم از «ما» استفاده می‌کنیم خواه مذکر باشد یا مؤنث، مفرد باشد یا مثنی و جمع.

مثال‌های کتاب را با ترجمه ببینیم :

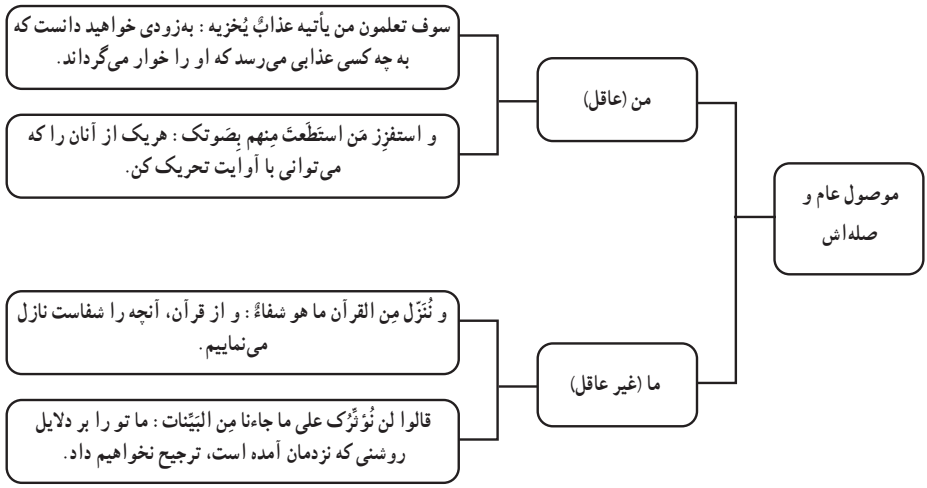

معمولاً موصولات «کسی که»، «کسانی که» و «که» ترجمه می‌شوند و تمامی انواع موصولات، معرفه هستند. دقت داشته باشید که «من» و «ما» انواع مختلفی دارند که دانش‌آموزان در پایه‌های پیشین با «من» و «ما» از نوع استفهامیشان آشنا شده اند و اکنون با موصولی آنها نیز آشنا می‌شوند.

در درس قبل با معرفه به اضافه آشنا شدیم یادمان باشد چنانچه مضاف‌الیه، ضمیر یا موصول باشد هم موجب می‌شود که مضاف، معرفه گردد مثل : «کتابک» که کلمه «کتاب» معرفه به اضافه و کلمه «ک» معرفه به ضمیر است.

تمارین

تمرین اول : جدول زیر را کامل کن.

ضمایر	ضمایر منفصل		ضمایر متصل		
	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی		منصوبی و مجروری
			فعل ماضی	فعل مضارع	
للغائب	هو	إیّاه	ذهب (هو مستتر)	یذهبُ (هو مستتر)	ـهُ
للغائبَینِ	هما	إیّاهما	ذهبا	یذهبانِ	ـهما

ضمایر	ضمایر منفصل		ضمایر متصل		
	مرفوعی	منصوبی	مرفوعی		منصوبی و مجروری
			فعل ماضی	فعل مضارع	
للغائبِینَ	هم	إیّاهم	ذهبوا	یذهبونَ	ـهم
للغائبة	هی	إیّاها	ذهبَت (هی مستتر)	تذهبُ (هی مستتر)	ـها
للغائبتَینِ	هما	إیّاهما	ذهبتا	تذهبانِ	ـهما
للغائبات	هنّ	إیّاهنّ	ذهبنَ	یذهبنَ	ـهنَّ
للمخاطب	أنتَ	إیّاکَ	ذهبتَ	تذهبُ (أنتَ مستتر)	کَ
للمخاطبَینِ	أنتما	إیّاکما	ذهبتما	تذهبانِ	کما
للمخاطبِینَ	أنتم	إیّاکم	ذهبتم	تذهبونَ	کم
للمخاطبة	أنتِ	إیّاکِ	ذهبتِ	تذهبینَ	کِ
للمخاطبتَینِ	أنتما	إیّاکما	ذهبتما	تذهبانِ	کما
للمخاطبات	أنتنّ	إیّاکنّ	ذهبتنَّ	تذهبنَ	کنَّ
للمتکلم وحده	أنا	إیّایَ	ذهبتُ	أذهبُ (أنا مستتر)	ی
للمتکلم معالغیر	نحن	إیّانا	ذهبنا	نذهبُ (نحن مستتر)	نا

تمرین دوم : ملاحظه کن و کلمه مناسب با ضمیر را در جدول زیر بنویس.

	أنا	أنتَ	أنتِ	هو	هی	نحن
لغة	لغتی	لغتکَ	لغتکِ	لغته	لغتها	لغتنا
ثقافة	ثقافتی	ثقافتکَ	ثقافتکِ	ثقافته	ثقافتها	ثقافتنا
مدینة	مدینتی	مدینتکَ	مدینتکِ	مدینته	مدینتها	مدیننتنا
بیت	بیتی	بیتکَ	بیتکِ	بیته	بیتها	بیتنا
کتاب	کتابی	کتابکَ	کتابکِ	کتابه	کتابها	کتابنا
مدرسة	مدرستی	مدرستکَ	مدرستکِ	مدرسته	مدرستها	مدرستنا

تمرین سوم : نوع اسم موصول و جمله صله را مشخص کن.

	موصول	صله
۱	**الّذی** : موصول خاص مفرد مذکر	یُزیِّن جسمَه
۲	**اللّاتی** : موصول خاص جمع مؤنث	یُربّینَ الأطفال
۳	**اللَّذَینِ** : موصول خاص مثنای مذکر	فازا فی المباراة
۴	**الّذینَ** : موصول خاص جمع مذکر	ینفعون الآخرین
۵	**ما** : موصول عام غیر عاقل	تحبّه لی
۶	**مَن** : موصول عام عاقل	فی قلبه مثقال حبّة من کبر

همان طور که دیدید در این تمارین صله‌ای که شبه جمله است، هدف نیست پس فعلاً در امتحانات از دادن سؤالاتی ناظر به شبه جمله بپرهیزید. اما حتماً بر آموزش ضمایر هم به صورت ستونی هم به صورت افقی تأکید کنید. برای این امر می‌توانید از تمامی‌ضمایری که در متن دروس آمده است، کمک بگیرید.

تمرین چهارم : متن را ترجمه کن و سؤالات را پاسخ بده.

الف) ترجمه : از پندهای موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام به هشام : ای هشام!

خداوند پیامبران و فرستادگانش را به سوی بندگانش نفرستاد مگر برای اینکه درباره خداوند بیندیشند پس بهترینِ آنها (بندگان) از نظر پاسخ دادن (به خواست خداوند)، با معرفت‌ترین آنها به خداوند است و آگاه‌ترین آنها از امر خداوند، عاقل‌ترین آنهاست و عاقل‌ترین آنها، بالاترین آنها از نظر درجه در دنیا و آخرت است.

ب) مضاف به معرفه را مشخص کن.

۱	رسل
۲	انبیاء
۳	عباد
۴	أحسن
۵	أعلم
۶	أمر
۷	أعقل
۸	أرفع

گفت‌وگو (همراه با مسئول پذیرش)

گردشگر : لطفاً کلید اتاقم را به من بده.

مسئول پذیرش : شماره اتاقت چنده؟

گردشگر : دویست و بیست.

مسئول پذیرش : بفرما!

گردشگر : ببخشید، این کلید اتاق من نیست.

مسئول پذیرش : از شما عذر می‌خواهم، سیصد و سی را به شما دادم.

گردشگر : اشکالی ندارد دوست من! ساعت کار شما چیست؟

مسئول پذیرش : از شش صبح تا دو بعد از ظهر سپس همکارم بعد از من می‌آید.

گردشگر : وقت‌های صبحانه ،ناهار و شام کی است؟

مسئول پذیرش : صبحانه از هفت و نیم تا یک ربع به نه. ناهار از دوازده تا دو و ربع و شام از هفت تا یک ربع به نه.

گردشگر : خوراک صبحانه چیست؟

مسئول پذیرش : چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو.

گردشگر : غذای ناهار چیست؟

مسئول پذیرش : برنج همراه با مرغ.

گردشگر : غذای شام چیست؟

مسئول پذیرش : برنج همراه با خورش بادمجان.

گردشگر : از شما سپاسگزارم.

مسئول پذیرش : تشکری بر وظیفه لازم نیست (اصطلاحاً همان «خواهش می‌کنم/ وظیفه‌ام است» در جواب تشکر در زبان فارسی است).

بودجه بندی پیشنهادی ترم دوم

ماه	هفته	جلسه	کلاس
بهمن	اوّل	یک	**برنامه کلاس :** تدریس نصف قواعد درس هفت **تکلیف :** حل تمارین اضافه مرتبط با تدریس این جلسه
		دو	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمارین داده شده در قالب پرسش کلاسی سپس تدریس بقیه درس هفت **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس هفت کلماتی که در تمارین، به لحاظ معنا ناآشنا هستند پیدا شوند و با شماره گذاری در کنار صفحه حاشیه نویسی شود.
	دوم	سه	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس هفت در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ترجمه متن درس هفت به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. سپس حوار را به صورت نمایشی می‌پرسیم.
		چهار	**برنامه کلاس :** در این جلسه ترجمه متن درس هفت به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. سپس حوار به صورت نمایشی و دو نفره اجرا و پرسش می‌شود. **تکلیف :** مطالعه کامل درس هفت برای امتحان کتبی
	سوم	پنج	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس هفت سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس شامل همه نوع سؤال اعم از تستی و تشریحی، درک مطلب، ترجمه و قواعد **تکلیف :** پیش مطالعه قواعد درس هشت
		شش	**برنامه کلاس :** تدریس قواعد درس هشت **تکلیف :** حل تمارین درس هشت و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای نمایشی

ماه	هفته	جلسه	کلاس
بهمن	چهارم	**هفت**	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس هشت در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار در قالب اجرا و نمایش **تکلیف :** ترجمه متن درس هشت به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		هشت	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس هشت به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مطالعه کامل درس هشت برای امتحان کتبی
اسفند	اوّل	**نه**	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس هشت سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس شامل همه نوع سؤال اعم از تستی و تشریحی، درک مطلب، ترجمه و قواعد **تکلیف :** پیش مطالعه درس نه
		ده	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس نه **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس نه و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای آن
	دوم	**یازده**	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس نه در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس نه به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
		دوازده	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس نه به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی رفع اشکال می‌شود. **تکلیف :** مطالعه کامل درس نه برای امتحان کتبی
	سوم	**سیزده**	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس نه سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این درس شامل همه نوع سؤال **تکلیف :** پیش مطالعه درس ده
		چهارده	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس ده **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس ده

ماه	هفته	جلسه	کلاس
اسفند	چهارم	**پانزده**	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمامی‌تمارین درس ده در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ارائه تمرینات بیشتر از قواعد درس ده و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای نمایشی آن
		شانزده	**برنامه کلاس :** رفع اشکال تمارین داده شده در قالب پرسش کلاسی بعلاوه پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس ده به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
فروردین	اوّل	**هفده**	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس ده به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مطالعه کامل درس ده برای امتحان کتبی
		هجده	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس ده سپس **۴۵** دقیقه امتحان از این درس شامل همه نوع سؤال **تکلیف :** پیش مطالعه درس یازده
	دوم	**نوزده**	**برنامه کلاس :** تدریس کل قواعد درس یازده **تکلیف :** حل تمامی‌تمارین درس یازده
		بیست	**برنامه کلاس :** حل تمامی‌تمارین درس یازده در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** ارائه تمرینات بیشتر از قواعد درس یازده و حفظ حوار و آمادگی برای اجرای نمایشی آن
اردیبهشت	اول	**بیست و یک**	**برنامه کلاس :** رفع اشکال تمارین داده شده در قالب پرسش کلاسی بعلاوه پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس یازده به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه

ماه	هفته	جلسه	کلاس
اردیبهشت		بیست و دو	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس یازده به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** پیش مطالعه درس دوازده
	دوم	بیست و سه	**برنامه کلاس :** تدریس قواعد درس دوازده **تکلیف :** حل تمارین درس دوازده و نیز حفظ حوار و آمادگی برای اجرای نمایشی
		بیست و چهار	**برنامه کلاس :** حل و رفع اشکال تمارین درس دوازده در قالب پرسش کلاسی، سپس پرسش حوار **تکلیف :** ترجمه متن درس دوازده به همراه یافتن لغات ناآشنا و شماره گذاری و حاشیه نویسی معنای واژه
	سوم	بیست و پنج	**برنامه کلاس :** ترجمه متن درس یازده به همراه سؤالات ناظر به متن در قالب پرسش کلاسی **تکلیف :** مطالعه برای امتحان دروس یازده و دوازده
		بیست و شش	**برنامه کلاس :** ۳۰ دقیقه کارگروهی و رفع اشکال درس یازده و دوازده سپس ۴۵ دقیقه امتحان از این دروس شامل همه نوع سؤال **تکلیف :**
	از اینجا به بعد، جلسات را هم برای تعطیلات احتمالی در نظر می‌گیریم هم می‌توانیم دوره ترم اول و دوم را شروع نماییم.		

نمونه سؤال امتحانی نوبت دوم

سؤالات امتحان درس : عربی دهم	پایه : دوره دوم متوسطه	ساعت شروع :	رشته : علوم و معارف اسلامی
نام و نام خانوادگی :	تاریخ امتحان : ۱۴۰۴/۲/۳۱	تعداد صفحه : ۳	مدت امتحان : ۸۰ دقیقه
دانش‌آموزان روزانه در نوبت دوم سال ۱۴۰۴			

ردیف	سؤالات	بارم
۱	**ترجم الكلمات التي تحتها خط :** الف) تُواجِهُ إيرانُ أزمةَ المياهِ ب) يَحتَفِلُ الناسُ بهذا اليومِ في هندوراس	۰/۵
۲	**أكتب الكلمتين مترادفين و الكلمتين متضادين (كلمة زائدة)** غَيم، إساءَة، مَسرور، سَحاب، إحسان ..... = ... #	۰/۵
۳	**أكتب المفرد أو الجمع** عاصفة (جمع‌ها) : ..... أضواء (مفردها) :	۰/۵
۴	**عيّن الكلمة الغريبة في المعنى** العين ○ الجاسوس ○ الذَيل ○ الرأس ○ السَمک ○ البَحر ○ المُحيط ○ الثمرات ○	۰/۵
۵	**انتخب الكلمة المناسبة للتوضيح التالي (كلمة زائدة)** فُستان ــ تَعارُف ــ تَحالُف الف) مِن الملابسِ النسائية : ..... ب) تعرُّف البعضِ على البعضِ الآخر :	۰/۵
۶	**ترجم هذه الجمل :** الف) لايجوزُ الإصرارُ على نُقاطِ الخِلافِ لأنّه لايَنتَفِعُ بِه أحدٌ ب) في إيران صناعاتٌ يدويةٌ تَجذِبُ السائحينَ مِن كلّ العالَم ج) السنجابُ الطائرُ يستطيعُ أن يَطير أكثرَ مِن مئةٍ و خَمسينَ قدماً في قفزةٍ واحدةٍ د) الدلافينُ تُغَنّي كالطيورِ و تَبكي كالأطفالِ و تَصفرُ و تَضحَكُ كالإنسانِ ه) قد أنقَذَ اللهُ الرسولَ لِيُواصِلَ أداءَ رسالتِه و) تَلَوّثُ الهواءِ سبَّبَ قلّةَ المَطَرِ و أدّى إلى الإضرارِ بالبيئةِ	۴/۲۵

ردیف	سؤالات	بارم
۷	**ترجم الأفعال :** كانوا يَصنَعونَ : ..... لاتيأَسوا : ..... إرجِعي : ..... أطعَناهُم :	۱
۸	**إنتخب الترجمة الصحيحة** الناسُ لاينتفعونَ بالتفرقةِ الف) مردم از پراکندگی سود نمی‌برند. ب) پراکندگی به مردم سود نمی‌رساند. ثمانونَ بالـمئةِ من مياهِ البلادِ تُستَخدَمُ فی الزراعة : الف) هشتاد درصد آب‌های کشور را برای کشاورزی به کار می‌گیرند. ب) هشتاد درصد آب‌های کشور در کشاورزی به‌کار گرفته می‌شود.	۰/۵
۹	**كمّل الفراغات فی الترجمة** علی كلّ الناسِ أن يَتعايَشوا معَ بعضِهم تعايُشاً سِلميّاً همه مردم باید با هم ..... داشته باشند. تُؤَدّی الدلافينُ دوراً مُهمّاً فی الحربِ و السّلمِ دلفین‌ها در جنگ وصلح، ..... مهمی‌را ایفا می‌کنند. يُسَمّی الناسُ هذه الظاهرةَ مطرَ السّمَكِ مردم این ..... را باران ماهی می‌نامند. فإبحَث و قُل مَن ذا لذی يُخرِجُ مِنها الثّمرة پس ..... و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون آورد.	۱
۱۰	**أجب عن الأسئلة التالية** ۱ــ عيّن إسمَين معَ ذكرِ علامة الإسم (۰/۵) الشررةُ قطعةٌ من النارِ ۲ــ عيّن نوعَ المؤنث (حقيقی/مجازی ــ لفظی/ معنوی/ لفظی معنوی) (۱) إمرأة : ..... ، ..... بيروت : ..... ، ..... ۳ــ عين الفعلَ المزيدَ معَ ذكر النوع و الصيغة و الباب (۱) فإعلموا أنّ الذی يُفَرّقُ بَينَ المُسلمينَ جاهلٌ فعل : ..... نوع : ..... باب : ..... صيغه : ..... ۴ــ عيّن الفعلَ المجهولَ و نائبَ فاعله : (۰/۵) بَعدَ مُؤامرةِ الكفتارِ أُنزِلَت الآيةُ عَلی الرّسولِ و أَعلَمَهُ اللهُ ۵ــ إنتخب فعلاً لازماً وفِعلاً متعدياً (۰/۵) تَحدُثُ هذِهِ الظاهرةُ فی هندوراس فيُلاحِظُ الناسُ غَيمةً عَظيمةً ۶ــ عيّن الموصولَ و الصلةَ (۰/۵) الأمّهاتُ اللّاتی يُربّينَ الأطفالَ يَصنَعنَ المُستقبَلَ ۷ــعيّن إسمَين معرفتين معَ ذكرِ نوعِ المعرفة (۰/۷۵) سَلمانُ مِنّا أهلَ البَيتِ ۸ــ غيّر الجملةَ إلی المجهول (۰/۷۵) حَفِظَ الطالبُ قصيدةً ..... ۹ــ عيّن الكلمات المبنيّة و نوعَها (۰/۵) أغلقَ العمّالُ بابَ المصنعِ أمسِ	۵/۷۵

ردیف	سؤالات	بارم
١١	**أعرب الكلمات التی تحتها خط :** طولُ السجودِ یُنجی مِن عَذابِ النـار لایَجتَمِعُ الحقُّ و الباطلُ إلیهِ یَصعَدُ الکلمُ الطَیّبُ أکبـرُ الحُمقِ الإغراقُ فی المدحِ و الذمِ	٢
١٢	**إنتخب الجواب الصحیح :** الأمهاتُ یَحتَرِمنَ أولادَ ..... (هُم /هنَّ/ها) ..... التلامیذُ نَجَحوا فی الإمتحانِ (هذا / هؤلاءِ /ذلک) وقَعَ الزّجاجُ علی الأرضِ و ..... (کَسَرَ/ اِنکَسَرَ / کسَّر) التلامیذُ بعدَ أربعِ سنواتٍ سوفَ ..... من المدرسة (یَخرُجونَ/ یَتَخرَّجونَ/ یَستخرِجونَ)	١
١٣	**إقرء النص التالی ثم أکتب ما طلب منک :** البلادُ الإسلامیةُ مجموعةٌ منَ الشعوبِ الکثیرةِ تَختلِفُ فی لُغاتها وألوانِها. یَتَجلّی إتحادُ الأمةِ الإسلامیةِ فی صورٍ کثیرةٍ، منها إجتماعُ المسلمینَ فی الحجّ . المُسلمونَ خُمسُ سکّان العالَم یَعیشونَ فی مِساحةٍ واسِعةٍ مِن الأرضِ مِن الصینِ الی المحیطِ الأطلسیّ. ١ــ کیفَ کانَ إتحادُ الامةِ الإسلامیةِ فی العالَم..... ٢ــ أین یَعیشُ المُسلِمونَ؟ ..... ٣ــ عیّن الصحیحَ و الخطأ : ● ربعُ سُکّانِ العالَمِ مِن المُسلمینَ ..... ● لغةُ الشعوبِ الإسلامیةِ لغةٌ واحِدةٌ	١
١٤	**رتّب الکلمات و اکتب سؤالاً و جواباً صحیحاً :** ثلاثونَ ــ سَعرُ ــ کَم ــ القمیص ــ ریالاً ــ هذا ..... ؟	٠/٥
١٥	**ما هو السؤال المناسب لهذا الجواب : أشعُرُ بألمٍ فی رأسی** الف) ما بِکَ؟ ب) ماذا تَکتبُ لی؟	٠/٢٥
١٦	**أجب عن السؤال التالی :** متی سافرت إلی مدینة مشهد؟	٠/٢٥

راهنمای تصحیح آزمون

۱	الف) بحران ب) جشن می‌گیرد	۰/۵
۲	غیم = سحاب اساءة # احسان	۰/۵
۳	عاصفة (جمع‌ها) : عواصف أضواء (مفردها) : ضوء	۰/۵
۴	الجاسوس ــ الثمرات	۰/۵
۵	الف) فُستان ب) تَعارُف	۰/۵
۶	الف) اصرار کردن بر نقاط اختلاف **جایز نیست** زیرا کسی از آن **سود نمی‌برد**. (۰/۵) ب) **صنایع دستی در ایران است** که **گردشگران** را از همه جهان **جذب می‌کند**. (۰/۷۵) ج) سنجاب پرنده می‌تواند بیش از **صد و پنجاه قدم** را در یک پرش، **پرواز کند**. (۰/۷۵) د) دلفین‌ها همچون پرندگان **آواز می‌خوانند** و همچون کودکان **گریه می‌کنند** و سوت می‌زنند و همچون انسان **می‌خندند**. (۱) ه) خداوند فرستاده اش را **نجات داده است** تا به **ادای رسالتش ادامه دهد**. (۰/۵) و) **آلودگی هوا سبب کمی‌باران** شد و **منجر شد به ضرر به محیط‌زیست** (۰/۷۵)	۴/۲۵
۷	**کانوا یَصنَعونَ** : می‌ساختند **لاتیأَسوا** : ناامید نشوید **إرجِعی** : برگرد **أطَعناهُم** : آنها را اطاعت کردیم	۱
۸	الناسُ لاینتفعونَ بالتفرقةِ : الف) مردم از پراکندگی سود نمی‌برند. ثمانونَ بالـمئةِ من میاهِ البلادِ تُستَخدَمُ فی الزراعة : ب) هشتاد درصد آب‌های کشور در کشاورزی به کار گرفته می‌شود.	۰/۵
۹	همه مردم باید با هم، **همزیستی مسالمت‌آمیز** داشته باشند. دلفین‌ها در جنگ وصلح، **نقش** مهمی‌را ایفا می‌کنند. مردم این **پدیده** را باران ماهی می‌نامند. پس **جستجو کن** و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون آورد.	۱
۱۰	**الشررةُ** : دارای ال قطعةً : تنوین **النارِ** : دارای ال و جرّ (فقط دو مورد کافی است) (۰/۵) **إمرأة** : حقیقی، لفظی معنوی **بیروت** : مجازی، معنوی (۱) **یُفرِّقُ** : مضارع (۰/۲۵) ثلاثی مزید باب تفعیل (۰/۲۵) صیغه للغائب (۰/۲۵) **فعل مجهول** : أُنزِلَت (۰/۲۵) **نایب فاعل** : الآیةُ (۰/۲۵) **فعل لازم** : تَحدُثُ (۰/۲۵) **فعل متعدی** : یُلاحِظُ (۰/۲۵) **موصول** : اللّاتی(۰/۲۵) **جمله صله** : یُربّینَ الأطفالَ (۰/۲۵) **سَلمانُ** : علم /ضمیر «نا» در مِنّا / أهلَ : معرفه به اضافه / **البَیتِ** : دارال ال (سه مورد کافی است) (۰/۷۵) **حُفِظَت** قصیدةٌ (۰/۷۵) **أغلقَ** : مبنی/ فعل ماضی (۰/۲۵) / **أمسِ** : مبنی/ ظرف (۰/۲۵)	۵/۷۵

١١	**يُنجي** : خبر از نوع جمله فعليه و فاعلش هو مستتر (٠/٧٥) **عَذابِ** : مجرور به حرف جرّ (٠/٢٥) **الحقُّ** : فاعل(٠/٢٥) **الطَيّبُ** : صفت (٠/٢٥) **أكبرُ** : مبتدا (٠/٢٥) **الحُمقِ** : مضاف اليه(٠/٢٥)	٢
١٢	الأمهاتُ يَحتَرِمنَ أولادَ **هنَّ** (٠/٢٥) **هؤلاءِ** التلاميذُ نَجَحوا فى الإمتحانِ (٠/٢٥) وقَعَ الزّجاجُ على الأرضِ و **اِنكَسَرَ** (٠/٢٥) التلاميذُ بعدَ أربعِ سنواتٍ سوفَ **يَتَخرَّجونَ** (٠/٢٥)	١
١٣	كيفَ كانَ إتحادُ الامةِ الإسلاميةِ فى العالمَ؟ يَتَجلّى إتحادُ الأمةِ الإسلاميةِ فى صورٍ كثيرةٍ، منها إجتماعُ المسلمينَ فى الحجّ . (٠/٢٥) أين يَعيشُ المُسلِمونَ؟ يَعيش المسلمونَ فى مِساحةٍ واسِعةٍ مِن الأرض مِن الصينِ الى المحيطِ الأطلسيّ. (٠/٢٥) ربع سُكّانِ العالَم مِن المُسلمينَ (خطأ) (٠/٢٥) لغةُ الشعوبِ الإسلاميةِ لغةٌ واحِدةٌ (صحيح) (٠/٢٥)	١
١٤	كم سعرُ هذا القميص ؟ ثلاثون ريالاً	٠/٥
١٥	الف) ما بِكَ؟	٠/٢٥
١٦	سافرتُ إلى المشهَدِ فى السّنة الماضية	٠/٢٥

فایل پی دی اف این آزمون را می‌توانید با اسکن کد زیر دریافت کنید :

اَلدَّرْسُ السّابع



﴿وَ ما أَرسَلْناكَ إلّا رَحْمَةً لِلْعالَمينَ﴾

اَلْأَنبياء : ١٠٧

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

درس هفتم

هدف کلی : دانش‌آموز با علم نحو و کارکرد آن آشنا شود.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز انواع کلمات معرب و مبنی را بشناسد.
۲ دانش‌آموز انواع بناء را یاد بگیرد.
۳ دانش‌آموز انواع کلمات مبنی را بیاموزد.
۴ دانش‌آموز با اعراب رفع، نصب و جرّ اجمالاً آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ با تعریف معرب و مبنی آشنا شود.
۲ کلمات معرب و مبنی را تشخیص دهد.
۳ بناء کلمات مبنی را یاد گرفته باشد.
۴ بتواند اعراب اصلی را در کلمات معرب تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس هفتم

شایسته است در ترجمه این درس، سعی شود مروری اجمالی بر قواعد دروس قبلی نیز داشته باشیم یعنی بعضی از فعل‌های ثلاثی مزید مورد اشاره قرار گیرد، برخی از اسامی‌از جهت جنس، تعداد، معرفه و نکره مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد.

چنانچه در متنی، اصطلاح وجود داشت، لازم است به دانش‌آموزان گوشزد شود. به‌طور مثال در این درس، «تُعجِبُنی» به لحاظ لغوی به معنای «مرا به شگفت می‌آورد» است ولی در اصطلاح به معنای «خوشم می‌آید و دوست دارم» هم می‌باشد. حتماً این نکته را به دانش‌آموزان بیاموزید تا در آزمونها و کنکور به مشکل نخورند.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

اسیر جمعش أسری/ خصلَة جمعش خِصال/ شدیدة جمعش شدائد/ مَکرُمَة جمعش مَکارم است.

به سه کس رحم کنید!

مسلمانان در غزوه[۱] طیء، سفانه دختر حاتم طائی را که در کرم به او مثال زده می‌شود، اسیر کردند و وقتی همراه با اسیران نزد رسول خدا آمد، به او گفت : «ای محمد (ص) همانا پدرم سرور قومش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و جنایتکار را می‌کشت و همسایه را حفظ می‌کرد و از خانواده و ناموس حمایت می‌کرد و اندوه غمگین را می‌زدود و غذا اطعام می‌کرد و صلح را پخش می‌کرد و ضعیف را در سختی‌های روزگار یاری می‌رساند و کسی با حاجتی نزد او نیامد که او را ناامید بازگرداند؛ من، دختر حاتم طائی هستم.»

پس پیامبر فرمود : «این واقعا صفات مؤمنین است. او را رها کنید پس همانا پدرش مکارم اخلاق را دوست می‌داشت و خداوند مکارم اخلاق را دوست دارد.» سپس فرمود :«به بزرگی که خوار شده است و ثروتمندی که فقیر شده است و عالمی‌که بین نادانان گم شده است، رحم کنید!»

وقتی که پیامبر او را آزاد کرد، نزد برادرش «عدی بن حاتم» بازگشت درحالی که او بعد از وفات پدرش رئیس قومش بود. پس به او گفت :«برادرم! من از این مرد ویژگی‌هایی دیدم که خوشم می‌آید. دیدم او را درحالی که فقیر را دوست دارد و اسیر را آزاد می‌کند و بر کوچک رحم می‌کند و ارزش بزرگ را می‌داند و بخشنده تر و بزرگوارتر از او ندیدم پس هنگامی‌که پیامبر باشد، بخشش‌اش پیشی دارد و هنگامی‌که پادشاه باشد، در عزت پادشاهی اش همیشگی است.»

پس عدی نزد رسول خدا آمد سپس اسلام آورد و سفانه اسلام آورد.

دفتر پنجم از مثنوی معنوی برای مولانا جلال الدین رومی :

گفت پیغمبر که رحم آرید بر هرکس ثروتمند بوده پس فقیر شده است و کسی که بزرگ بوده پس حقیر شده است یا عالمی‌برگزیده که میان قبیله مضر (نادانان) بوده است.

حل تمارین ناظر به متن

درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کنید :

۱ عدی گفت : خواهرم! من ویژگی‌هایی از این مردم دیدم که خوشم می‌آید.

(نادرست، سفانه این مطلب را بیان کرد)

۱ــ نبردهایی که شخص پیامبر در آنها حضور داشتند.

۲ وقتی که پیامبر سفانه را آزاد کرد، به سوی برادرش بازگشت. (درست)
۳ حاتم کسی را که در حاجتی نزد او می‌آمد، ناامید باز می‌گرداند. (نادرست)
۴ حاتم طائی معروف به بخشش است. (درست)
۵ سفانه در غزوه احد اسیر شد. (نادرست، در غزوه طیء اسیر شد)

کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه مناسب توضیحات زیر است؟

۱ احساس شادی هنگام دیدن اشیاء زیبا. (إعجاب : شگفتی)
۲ کسی که هیچ امیدی برای موفقیت در هدفش ندارد. (خائب : ناامید)
۳ مجموعه ای از خانواده و نزدیکان. (اهل)
۴ فقیر شد و هیچ ثروتی ندارد. (إفتَقَرَ : فقیر شد)
۵ کسی که اندوهش فراوان است. (مکروب : غمگین)

مترادف یا متضاد هر کلمه را جلویش بنویس سپس آن را ترجمه کن.

مصائب (سختی‌ها) = شدائد
حزین (اندوهگین) = مکروب
راقد (خوابیده)= نائم
فتح (گشود) = فکَّ
طریقة (راه و روش) = اسلوب
حیاة (زندگی) ≠ موت (مرگ)
ارتفاع (بالا آمدن) ≠ انخفاض (پایین رفتن)
حرب (جنگ) ≠ سلام (صلح)
دفعَ (پرداخت کرد) ≠ استلم (دریافت کرد)
ناجح (موفق) ≠ راسب (مردود)
عتیق (کهنه) ≠ حدیث (نو)
سهل (آسان) ≠ صعب (سخت)

موضوعات درس هفتم

۱ تعریف علم نحو
۲ تعریف معرب و مبنی
۳ اسم‌های مبنی
۴ اعراب‌های سه گانه اسم
۵ نگاهی به مسائل علم نحو

مقدمه

این درس مقدمه و پیش نیاز دروس بعدی است و یادگیری کامل و دقیق آن، بسیار حائز اهمیت است و از نگاه تألیفی، یکی از کلیدی‌ترین و در عین حال لغزش‌گاه‌دارترین بخش‌های عربی دهم است. تعداد مباحثی که در این درس آموزش داده می‌شود، زیاد است پس لازم است دبیر گرامی‌طوری این درس را بودجه بندی کند که بتواند در وقت کافی آن را تدریس نماید. این درس به منزله پلی است که ما را از مباحث صرفی خشک، وارد مباحث نحوی می‌کند.

مرور مفاهیم اصلی درس

تعریف علم نحو

در درس اول اجمالا عرض کردیم که علم نحو، علم شناخت ساختار جمله است یعنی به ما می‌گوید در زبان عربی، کلمات را به چه ترتیبی در کنار یکدیگر قرار دهیم که ساختار و معنای صحیحی حاصل شود. در واقع علم نحو درباره یک کلمه به سه سؤال مهم پاسخ می‌دهد :

۱ یک کلمه در جمله چه نقشی می‌گیرد؟

۲ به واسطه آن نقش، چه اعرابی می‌گیرد؟

۳ آن اعراب را چگونه نشان می‌دهد؟

بیان این سه سؤال به دانش‌آموزان یک نقشه کلی می‌دهد و ذهن آنها را منظم می‌کند تا برای آموختن مباحث نحوی آماده شوند.

در زبان عربی انتهای همه کلمات دارای یکی از حرکات ـًـٍـٌ یا سکون یعنی علامت «ـْـ» است. هیچ کدام از این علائم اتفاقی و بی‌دلیل نیستند. در واقع این علائم غالباً پاسخ سؤال سوم هستند یعنی در علم نحو می‌آموزیم که هر کلمه در چه جایگاهی صاحب کدامیک از این علائم می‌گردد. در زبان فارسی ترتیب چینش کلمات برای دریافت ساختار و معنای صحیح، در علم دستور زبان بررسی می‌شود اما معمولا آخر کلمات در جایگاه‌های مختلف، حرکت خاصی نمی‌گیرد مگر وقتی که یک کلمه، موصوف یا مضاف واقع شود؛ به طور مثال در عبارت «کتابِ خوب» یا «کتابِ من» کلمه «کتاب» موصوف و مضاف بوده و حرکت کسره دارد اما غالب نقش‌ها چنین نیست. مثلاً اگر کلمه‌ای فاعل یا مفعول شود، به‌واسطه این نقش، حرکت خاصی نمی‌گیرد.

در زبان عربی هر نقشی، علامت خاص خود را دارد و نیز برخی کلمات دارای حرکت ثابتی هستند که لازم است هریک از اینها شناخته شوند. به دانشی که کلمات را از این حیث بررسی می‌کند، علم اعراب و بناء می‌گویند.

در علم اعراب و بناء می‌آموزیم که کلمات بر دو دسته هستند :

ــ کلماتی که حرکت آخرشان با توجه به نقششان در جمله، تغییر نمی‌کند و همیشه به یک شکل ثابت دیده می‌شوند مثل : «هوَ» که همیشه به فتحه ختم می‌شود یا «بِـ» که همیشه کسره دارد. به چنین کلماتی، مبنی می‌گویند.

ــ کلماتی که با توجه به نقشی که در جمله دارند، علامت خاصی می‌گیرند؛ مثل کلمه «رجل» که با توجه به نقشی که در جمله می‌گیرد، هر یک از اعراب‌های «رجلُ، رجلَ، رجلِ، رجلٌ، رجلاً، رجلٍ» دیده می‌شود. به این کلمات، معرب می‌گویند.

کلمات مبنی

کلماتی که حرکت‌شان تغییر نمی‌کند؛ یعنی کلمات مبنی در هر سه دسته اسم، فعل و حرف وجود دارند.

اسامی‌مبنی

اسامی‌مبنی عبارتند از :

۱ــ ضمایر ۲ــ اسامی‌اشاره به‌جز مثنی‌ها ۳ــ موصولات به‌جز مثنی‌ها

۴ــ اسامی‌شرط ۵ــ اسامی‌استفهام به‌جز أیّ ۶ــ بعضی از ظروف

۷ــ اعداد مرکب به‌جز قسم اول عدد دوازده (با توجه به اینکه مبحث اعداد از اهداف آموزشی کتاب نیست، در این بخش معرفی نشده است.)

در درس معارف با ضمایر، اسامی‌اشاره و موصولات آشنا شدیم. در این درس سه مورد بعدی را اجمالا معرفی می‌کنیم.

اسامی‌شرط

برخی اسامی‌هستند که ساختار جمله را شرطی می‌کنند مثل : «من : هرکس»، «ما : هرچیز»، «متَی : هروقت»، «أینَما : هرکجا»، «أنَّی : هرکجا»، «کَیفَما : هرگونه»[۱]. این اسامی‌به جمله معنا و ساختار شرطی می‌دهند به‌طور مثال : «مَن یَجتهد یَنجَح : هرکس تلاش کند، موفق می‌شود.». دانش‌آموزان در پایه یازدهم به‌طور دقیق‌تر با این اسامی‌و تأثیرشان در جمله آشنا می‌شوند اما اکنون کافی است بدانند که این اسامی‌که در فارسی هم جملات شرطیه را شکل می‌دهند، مبنی هستند و حرکت آخرشان ثابت و بدون تغییر است.

اسامی‌استفهام

دانش‌آموزان از دوره اول متوسطه در موارد متعددی با اسامی‌استفهام رو به رو شده اند و کم و بیش با آنها آشنا هستند. جملاتی که معنای پرسشی دارند، ناگزیر دارای کلمه ای هستند که آن جمله را پرسشی می‌کند؛ به‌آن کلمات، ادوات استفهام می‌گویند مثل : «مَن : چه کسی»، «ما : چه چیزی»، «مَتی : چه زمانی»، «أینَ : کجا»، «کَمْ : چندتا»، «کیفَ : چگونه» و... که اسم استفهام هستند. تمامی‌اسامی‌استفهام، مبنی هستند به‌جز «أیّ : کدامیک» که معرب بوده و حرکت آخرش قابل تغییر است.

همان طور که دیدید برخی از این اسامی‌میان شرط و استفهام و موصول مشترک‌اند. با موصولات آشنا هستیم. اسامی‌استفهام هم از طریق پرسشی شدن جملات قابل شناسایی هستند. با ادوات شرط هم در سال آینده آشنا می‌شویم اما برای شناخت شرط، دانش‌آموزان را به شرطی شدن معنای جمله توجه دهید. با توجه به اینکه در زبان فارسی هم با موضوع جملات شرطی آشنا هستند، اکنون در حد شناخت کلی، می‌توانند شرط را بفهمند.

ظرف

ظروف اسامی‌هستند که زمان یا مکان وقوع فعل را نشان می‌دهند. این مبحث در پایه دوازدهم به تفصیل تدریس خواهد شد اما اکنون نکاتی اجمالی به دانش‌آموزان می‌گوییم زیرا ظرف بسیار پرکاربرد بوده، دانش‌آموزان در موارد متعددی با آن مواجه می‌شوند. هرگاه در یک جمله زمان یا مکان وقوع فعل با یک اسم بیان شده باشد که هیچ حرفی بر سر آن نیامده باشد، آن اسم، ظرف خواهد بود. ظرف در معنای خود، حرف «فی : در» را دارد اما این حرف، بر سرش ظاهر نیست. ظرف در

۱ــ اسامی‌شرط بیش از این موارد هستند که هدف آموزشی برای دانش‌آموزان رشته معارف نیستند.

جواب «چه وقت» یا «کجا» می‌آید؛ مثلاً در عبارت «رأیتُکَ یومَ الجمعةِ : تو را در روز جمعه دیدم»، کلمه «یوم : روز» در معنای خود حرف «فی : در» را دارد ولی در ظاهر نیامده است. از سویی زمان وقوع فعل را نشان می‌دهد و در جواب «چه وقت من را دیدی؟» می‌آید. پس کلمه «یوم» ظرف است.

ظرف‌ها بر دو دسته معرب و مبنی هستند. ظروفی که همواره آنها را با یک حرکت ثابت می‌بینیم، مبنی هستند نظیر : أمسِ : دیروز، إذا : هنگامی‌که، مَتی : چه وقت، أینَ : کجا، هنا : اینجا، هناکَ : آنجا و....»

افعال مبنی

این فعل‌ها مبنی هستند :

۱ همه فعل‌های ماضی (هر ۱۴ صیغه فعل ماضی)

۲ همه فعل‌های امری که از شش صیغه مخاطب ساخته می‌شوند (معروف به امر حاضرند).[۱]

۳ فعل‌های جمع مؤنث در مضارع‌ها یعنی صیغه‌های شش و دوازده (للغائبات و للمخاطبات)

حروف مبنی

تمامی حروف مبنی هستند.

کلمات معرب

اکثر اسم‌ها معرب‌اند به عبارتی هر اسمی که ذیل دسته بندی‌های اسامی‌مبنی نباشد، معرب به حساب می‌آید.

فعل‌های مضارع به‌جز صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات، همگی معرب‌اند.

هیچ یک از حروف، معرب نیستند.

چینش کلمات در جمله

پس از شناخت کلمات معرب و مبنی لازم است بدانیم که کلمات با چه ترتیب و چینشی در جمله قرار می‌گیرند تا معنا و ساختار درستی افاده کنند. بدین ترتیب نقشه علم نحو به‌دست می‌آید. این چینش در دروس بعدی آموزش داده می‌شود. علم صرف به ما می‌گوید کدام کلمات، معرب و کدام کلمات، مبنی هستند. علم نحو به ما آموزش می‌دهد که اولاً هر کلمه در کجای جمله باید قرار گیرد ثانیاً هر کلمه در هر جایگاهی که قرار می‌گیرد، چه اعرابی می‌گیرد و چطور آن را نشان می‌دهد.

۱ــ امر فعل‌های غایب و متکلم در پایه یازدهم آموزش داده می‌شود و ذیل مبنی‌ها نیستند.

دانستنی‌های دبیر

۱ اسامی‌مبنی بیش از این موارد هستند که کتاب برشمرده است. اعداد مرکب یعنی اعداد ۱۱ تا ۱۹ در هر دو قسم خود مبنی بر فتح هستند به‌جز قسمت اول عدد دوازده (اثناعشرَ/اثنَی‌عشرَ) اما آموزش اعداد جزء اهداف آموزشی کتاب نیست لذا در این بخش مطرح نشده است.

۲ اسامی‌شرط بیش از موارد معرفی شده در کتاب هستند. این ادوات نیز شرط هستند : «مَهما (:هرچیز)، أیّانَ (:هرگاه)، حیثُما (:هرجا)، أیّ (:هرکدام). از این میان همگی مبنی بوده به‌جز «أیّ»

۳ ظرف به دو قسم متصرف و غیرمتصرف تقسیم می‌شود. ظرف متصرف آن است که بتواند غیر از ظرف بودن، نقش دیگری هم بپذیرد؛ مثل یوم. ظرف غیرمتصرف همواره در نقش ظرف ظاهر می‌شود؛ مثل مَتی. تمامی‌ظروف مبنی، غیرمتصرف و ظروف معرب، متصرفند.[۱]

۴ همه اسامی‌شرط و استفهامی که بر زمان یا مکان دلالت دارند، ظرف مبنی هستند.

۵ تمامی‌اسامی‌اشاره به مکان که در درس معارف خواندیم، نیز ظرف مبنی هستند.

۶ همه جهات شش گانه ظرف معرب‌اند اما در اینجا استثنائاتی وجود دارد، مثلاً وقتی مضاف‌الیه آنها حذف شود، مبنی می‌شوند اما در کل، معرب‌اند به‌طور مثال «قبل» معرب است اما اگر در یک عبارت، مضاف‌الیه‌اش نیاید، مبنی بر ضم می‌شود مثل : «مِن قبلُ». اما اصلاً ضرورتی ندارد که دانش‌آموزان درگیر این استثنائات شوند.

۷ در کتاب مبادی العربیه این ظروف، مبنی معرفی شده‌اند : «حیثُ، لدن، لَدَی، أینَ، هُنا، ثَمَّ، إذ، أمسِ، مُذ، مُنذُ، قطُّ، لَمّا (بر سر فعل ماضی)، أیّانَ، متی، الآنَ»[۲]

۸ اسامی مبنی و حروف، مبنی بر همان حرکتی هستند که به آن ختم شده‌اند مثلاً «هوَ» مبنی بر فتح، «کِ» مبنی بر کسر، «ـهُ» مبنی بر ضم و «مَن» مبنی بر سکون است اما اگر هرکدام از اسامی‌و حروف به حروف کشیده ختم شوند، مبنی بر سکون به شمار می‌آیند مثل «إلی، فی، أنتما و...»

۹ افعال ماضی مبنی بر حرکت لام الفعل به شمار می‌آیند مثلاً ذهبُوا مبنی بر ضم، ذهبتُم مبنی بر سکون و ذهبَا مبنی بر فتح است.

۱۰ افعال امر حاضر در صیغه للمخاطب، مبنی بر سکون مثل «اِذهَب»، در صیغه‌های ۸ تا ۱۱ مبنی بر حذف نون مثل «اِذهَبوا» و در صیغه للمخاطبات مبنی بر سکون است مثل «اِذهَبنَ»

۱ــ آموزش نحو عبد الرسول کشفی، درس ۱۷

۲ــ مبادی العربیة، رشید الشّرتونی، قسم الصّرف، ج ۴، درس ۴۶، ص ۲۵۱

۱۱ صیغه‌های للغائبات و للمخاطبات مضارع نیز مبنی بر سکون هستند مثل : «یَذهَبنَ»

اشتباه رایج دانش‌آموزان در باب ظروف مبنی و راهکار

تشخیص معرب یا مبنی بودن ظروف برای دانش‌آموزان بسیار دشوار است اما یک راهکار ساده وجود دارد :

از دانش‌آموزان بخواهید به سماع و شنیدار خود توجه کنند! هرکدام از ظروف ممکن است با حرف جرّ «مِن» هم کاربرد داشته باشد. اگر آنها را با حرف مِن، با کسره دیده اند، معرب‌اند زیرا اعرابشان تغییر کرده است اما اگر با «مِن» هم ثابت بماند و تغییر نکند مبنی است. مثلاً دانش‌آموزان عباراتی نظیر «مِن عندِ اللهِ/ مِن قبلِه» را زیاد شنیده اند از سویی «عندَ اللهِ/ قبلَه» را هم شنیده اند؛ پس «عندَ/قبلَ» ظروف معرب‌اند اما «حیثُ/ أینَ و...» با حرف «مِن» نیز به همین شکل به‌کار می‌روند : «مِن حیثُ/ مِن أینَ» لذا مبنی هستند.

تمارین

تمرین اول : جدول زیر را کامل کن.

کلمه	اسم/فعل/حرف	معرب/مبنی	کلمه	اسم/فعل/حرف	معرب/مبنی
دَفَعَ	فعل ماضی	مبنی	یَترُکُ	فعل مضارع	معرب
اِصبِرْ	فعل امر حاضر	مبنی	لا تَلعَبْ	فعل مضارع	معرب
سوفَ	حرف	مبنی	الّذینَ	اسم موصول	مبنی
أینَ	اسم استفهام/ظرف	مبنی	تلکَ	اسم اشاره	مبنی
تَقاعُد	اسم	معرب	النّصوص	اسم	معرب
اِقبَلوا	فعل امر حاضر	مبنی	حسَین	اسم	معرب
تَنجَحْنَ	فعل مضارع للمخاطبات	مبنی	تَکتُمُ	فعل مضارع	معرب
قَدْ	حرف	مبنی	إذا	اسم ظرف	مبنی
إنْ	حرف	مبنی	عند	اسم ظرف	معرب

تمرین دوم : کلمات معرب و مبنی را مشخص کن.

کلمه	معرب/ مبنی	علت
اللّون	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
البنفسجیّ	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
لِـ	مبنی	حرف مبنی
غرفة	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
النّوم	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
مُهَدِّئ	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
الأعصاب	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
مُدیر	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
المدرسة	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
واقف	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
أمام	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
الطّلاّب	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
الفائزین	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
لا	مبنی	حرف مبنی
یُصَدِّق	معرب	فعل معرب (فعل مضارع)
العاقل	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
قَول	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
الّذی	مبنی	اسم مبنی ــ اسم موصول
یکذِبُ	معرب	فعل معرب (فعل مضارع)
کثیراً	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
الحلیب	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)

کلمه	معرب/ مبنی	علت
الطّازج	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
مملوء	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
بِـ	مبنی	حرف مبنی
الکالسیوم	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
أغلَقَ	مبنی	فعل مبنی ــ فعل ماضی
العُمّال	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
باب	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
المصنَع	معرب	اسم معرب (هیچ یک از اسامی مبنی نیست)
أمسِ	مبنی	اسم مبنی ــ ظرف مبنی

تمرین سوم : نوع کلمات مبنی را مشخص کن.

کلمه	نوع مبنی	کلمه	نوع مبنی	کلمه	نوع مبنی
کیفَ	اسم استفهام	إذا	ظرف	یُکرِمنَ	مضارع للغائبات
أینَ	اسم استفهام	أنتم	ضمیر	إفهَم	فعل امر حاضر
لِـ	حرف	إجلِس	فعل امر حاضر	الّتی	موصول
هذا	اسم اشاره	یَجلِسنَ	مضارع للغائبات	إیّاکم	ضمیر
أینما	اسم شرط/ظرف	لا	حرف	اُکتُب	فعل امر حاضر
مَن	موصول	استَخرَجَ	فعل ماضی	بِـ	حرف
هؤلاء	اسم اشاره	أکرَمَ	فعل ماضی	ضَرَبَ	فعل ماضی
کیفما	اسم شرط	مِن	حرف	أغلَقَ	فعل ماضی
هذه	اسم اشاره	الّذی	موصول	أمسِ	ظرف
هنا	اسم اشاره	هنَّ	ضمیر	تلکَ	اسم اشاره
عن	حرف	ذلک	اسم اشاره	إلَی	حرف

گفت‌وگو (همراه با مدیر خدمات داخلی هتل)

گردشگر : ببخشید! چه کسی مسئول تمیز کردن (نظافت) اتاق‌ها و محافظت از آنهاست؟
مسئول پذیرش : آقای دمشقی مدیر خدمات داخلی اتاق‌های هتل است. مشکل چیست؟
گردشگر : اتاق‌ها تمیز نیستند و کمبودهایی دارند.
مسئول پذیرش : از شما عذر می‌خواهم لطفاً استراحت کن، با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت.
«مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس می‌گیرد و مدیر داخلی همراه با مهندس تعمیرات می‌آید.»
مدیر داخلی خدمات هتل : دوست من! مشکل چیست؟
گردشگر : اتاق من و اتاق همسفرانم تمیز نیست و کمبودهایی دارد.
مدیر داخلی : کارگران نظافت خواهند آمد. مشکلات دیگر چیست؟
گردشگر : در اتاق اولی تختی شکسته وجود دارد، در اتاق دومی ملحفه کم است و در اتاق سومی کولر کار نمی‌کند.
مدیر داخلی : از شما عذر می‌خواهیم! به سرعت همه چیز را تعمیر می‌کنیم. به روی چشم!
گردشگر : چشمت سلامت!

اَلدَّرْسُ الثّامِنُ



أَنـتَ الَّـذي فِـي السَّـماءِ عَـظَـمَـتُـكَ، وَ فِـي الْأَرضِ قُـدْرَتُـكَ، وَ فِـي الْـبِـحـارِ عَـجـائِـبُـكَ. أَميرُ الْمُؤمِنينَ عَلـيٌّ عليه السلام

تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانـمندی‌ات در زمین و شگفتی‌هایت در دریاهاست.

درس هشتم

هدف کلی : دانش‌آموز جمله فعلیه و ارکان آن را بیاموزد.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز با فاعل و انواع آن آشنا شود.
۲ دانش‌آموز با نون وقایه آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ با تفاوت جمله فعلیه و اسمیه آشنا باشد.
۲ ضمایر فاعلی را در افعال به خوبی بیابند.
۳ فاعل اسم ظاهر و ضمیر را یاد گرفته باشند.
۴ نون وقایه را بشناسد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس هشتم

با توجه به اینکه دانش‌آموزان در گذشته با صرف فعل آشنا شده‌اند و ضمایر متصل فاعلی را آموخته‌اند، لازم است در این درس با تکیه بر شناخت فاعل‌ها، زمینه را برای آموزش قواعد این درس فراهم کنیم.

در بخش واژگان، دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

أنف جمعش أُنوف /بحر جمعش بِحار/ شاطئ جمعش شَواطئ /صغیر جمعش صِغار/ طائر جمعش طُیور است.

ای کسی که شگفتی‌هایش در دریاست! (از دعای جوشن کبیر)

اعضای خانواده فیلمی‌جالب می‌بینند درباره دلفینی که انسان را از غرق شدن نجات داد و او را به ساحل رساند.

حامد : باور نمی‌کنم! این، امری عجیب است. جدّاً مرا متحیّر می‌کند.

پدر : پسرم! عجیب نیست زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صادق : باور کردنش سخت است! پدرم! (ما را با این دوست آشنا کن) این دوست را به ما معرفی کن.

پدر : حافظه‌ای قوی دارد و شنوایی‌اش بیش از ده برابر شنوایی انسان است و وزنش تقریباً به دو برابر وزن انسان می‌رسد و او از جمله حیوانات پستانداری است که بچه‌هایش را شیر می‌دهد.

نورا : قطعا او حیوانی باهوش است که یاری رساندن به انسان را دوست دارد! آیا چنین نیست؟

پدر : بله، قطعاً! دلفین‌ها می‌توانند ما را به مکان سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن کشتی راهنمایی کنند.

مادر : دلفین‌ها نقشی مهم در جنگ و صلح ایفا می‌کنند و آنچه زیر آب از شگفتی‌ها و رموز هست را آشکار می‌کنند و انسان را بر پیدا کردن مکان‌های جمع شدن ماهی‌ها یاری می‌رسانند.

صادق : دلفین‌ها را دیدم در حالی‌که حرکاتی جمعی انجام می‌دادند، پس آیا باهم حرف می‌زدند؟

مادر : بله در دانشنامه‌ای علمی‌خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند با به‌کارگیری صداهایی معیّن سخن بگویند و اینکه همچون پرندگان آواز می‌خوانند و نظیر کودکان گریه می‌کنند و سوت می‌زنند و مثل انسان‌ها می‌خندند.

نورا : آیا دلفین‌ها دشمنانی دارند؟

پدر : حتماً! دلفین‌ها کوسه ماهی را دشمنی برای خود می‌پندارند پس هنگامی‌که نگاهشان به کوسه ماهی بیفتد، سریعاً دور آن جمع می‌شوند و با بینی‌های تیزشان او را می‌زنند و می‌کشند.

نورا : آیا دلفین واقعاً انسان را دوست دارد؟

پدر : بله، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم : ..... جریان آب مردی را به شدّت به اعماق کشاند. آن مرد بعد از نجاتش گفت : ناگهان چیزی با قوّت مرا به بالا برد سپس مرا به سوی ساحل برد و وقتی تصمیم گرفتم از نجات دهنده‌ام تشکر کنم، کسی را نیافتم اما دلفین بزرگی را دیدم که در نزدیکی من با شادی در آب می‌پرید.

مادر : همانا دریا و ماهی‌ها نعمتی بزرگ از جانب خداوند هستند.

رسول خدا (ص) فرمود : نگاه کردن به سه چیز عبادت است : نگاه به قرآن و نگاه در صورت پدر و مادر و نگاه به دریا.

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را براساس متن درس مشخص کن.

۱ دلفین از جمله حیوانات پستانداری است که کودکانش را شیر می‌دهد. (صحیح)

۲ کوسه ماهی نقشی مهم در جنگ و صلح ایفا می‌کند. (غلط؛ دلفین‌ها چنین هستند.)

۳ شنوایی انسان به ده برابر شنوایی دلفین برتری می‌یابد. (غلط؛ برعکس است.)

۴ کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست. (غلط؛ دلفین‌ها چنین هستند.)

۵ کوسه ماهی دشمن دلفین‌هاست. (صحیح)

۶ دلفین‌ها دماغ‌هایی نوک تیز دارند. (صحیح)

جمله درست و نادرست را براساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱ هنگامی که جریان برق در شب قطع می‌شود، هر مکانی در تاریکی فرو می‌رود. (درست)

۲ طاووس از جمله پرندگان آبی است که بالای کوه‌های یخی زندگی می‌کند. (نادرست)

۳ دانشنامه واقعاً فرهنگ‌نامه‌ای کوچک است که اندکی از علوم را جمع می‌کند. (نادرست)

۴ بینی عضو نفس کشیدن و بویایی است. (درست)

۵ خفّاش پرنده‌ای از جمله پستانداران است. (درست)

کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

بعث (برانگیخت) = أرسل

شاطئ = ساحل

أقلّ (کمتر) ≠ أکثر (بیشتر)

بعُد (دور شد) ≠ قرُب (نزدیک شد)

دفع (پرداخت) ≠ استلم (دریافت کرد)

صغار (کودکان) ≠ کبار (بزرگان)

بکی (گریست) ≠ ضحک (خندید)

ضوء (روشنایی) ≠ ظلام (تاریکی)

بغتةً (ناگهانی) = (فجأة)

کتم (پنهان کرد) = (ستر)

کلمات جدول متقاطع را ترجمه کن سپس رمزش را بنویس. (دو کلمه اضافی)

۱ــ کوچک‌ها : صغار ۲ــ این طور : کذلک ۳ــ تیز : حادّة

۴ــ پدیده : ظاهرة ۵ــ سوت زدند : صفروا ۶ــ روغن‌ها : زیوت

۷ــ نقش : دور ۸ــ شنوایی : سمع ۹ــ جالب : رائع
۱۰ــ نجات دهنده : منقذ ۱۱ــ نامیدیم : سمّینا ۱۲ــ دستبند : سوار
۱۳ــ گرم و صمیمی : حمیم ۱۴ــ برف‌ها : ثلوج ۱۵ــ حافظة : ذاکرة
۱۶ــ پستاندار : لبونة ۱۷ــ پرندگان : طیور ۱۸ــ رسانید : أوصل
۱۹ــ باران بارید : أمطر ۲۰ــ بخشید : عفا ۲۱ــ می‌رسند : یبلغن
۲۲ــ ترانه خواندید : غنّیتم ۲۳ــ گریه کرد : بکی

رمز : امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود : «روزگار دو روز است : یک روز برای تو و یک روز علیه تو»

موضوعات درس هشتم

اقسام جمله، جمله فعلیه، اقسام فاعل، نحوه صرف فعل با ضمایر

مقدمه

اکنون کار علم نحو شروع می‌شود. این درس اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که زیر ساخت اصلی علم نحو، جمله است. درواقع این درس برای نخستین‌بار به‌صورت جدی وارد ساخت جمله فعلیه می‌شود و ارکان آن را می‌آموزد. اگر این بخش درست تبیین شود، ترجمه و فهم متن برای دانش‌آموز «روان» می‌شود؛ اگر نه، به حفظ صیغه و اضطراب نحوی می‌انجامد.

مرور مفاهیم اصلی درس

مبحث جملات اسمیه و فعلیه

با هر جمله‌ای که مواجه شویم، یا اسمیه است یا فعلیه. برای شناخت اجزای جمله، لازم است ابتدا دریابیم که یک جمله، اسمیه است یا فعلیه زیرا هرکدام از آنها دارای ارکان و اجزای اصلی هستند و نیز متعلقاتی دارند که نقش‌های دیگر در جمله را شکل می‌دهند. از این درس تا پایان کتاب پایه دهم با ارکان اصلی جملات اسمیه و فعلیه آشنا می‌شویم. در این درس به جمله فعلیه

می‌پردازیم و درباره جمله اسمیه اجمالاً می‌گوییم که جمله ای است که از دو بخش مبتدا و خبر تشکیل شده است.

جمله فعلیه

جمله فعلیه جمله ای است که از دو بخش به نام فعل و فاعل یا نایب فاعل تشکیل شده است. در زبان عربی به هر فعلی یک جمله فعلیه گفته می‌شود. هر جمله فعلیه نیز نیازمند فاعل یا نایب فاعل است. نایب فاعل چیست؟ در درس دهم آن را به تفصیل می‌خوانیم. در اینجا اجمالاً می‌گوییم هرگاه فعل به صورت مجهول به‌کار رود[1] و فاعل و انجام دهنده کار مشخص نباشد، قطعاً به‌جای فاعل کلمه دیگری در جمله وجود دارد که نایب فاعل نام دارد. از سویی یک فعل یا لازم است یا متعدی. بحث لازم و متعدی در فعل نیز در درس نهم آموزش داده می‌شود. در اینجا اجمالاً این مطلب را مطرح می‌کنیم که فعل متعدی در عربی کم و بیش شبیه به فعل متعدی در فارسی است؛ یعنی فعل متعدی فعلی است که مفعول دارد. در فارسی مفعول با کلمه «را» پیدا می‌شود؛ مثل : «علی این کتاب را دوست دارد.» اما این‌که در زبان عربی مفعول دقیقاً چیست و چگونه پیدا می‌شود، مربوط به درس بعدی است و فعلاً به دانش‌آموزان می‌گوییم که آنچه در زبان فارسی به عنوان مفعول شناخته می‌شود، در عربی نیز مفعولٌ‌به، به حساب می‌آید. در نتیجه یک جمله می‌تواند دارای این اجزا باشد :

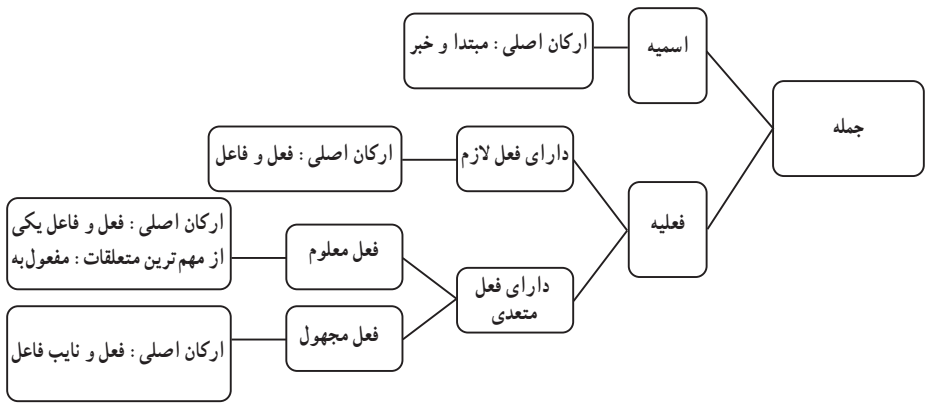

۱ــ با توجه به کاربرد فعل مجهول در ادبیات فارسی، دانش‌آموزان آشنایی ذهنی با بحث فعل مجهول دارند.

فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالتی است. در زبان عربی امکان ندارد که فاعل بر فعل مقدم شود. پس مهم ترین الگویی که علم نحو در چینش کلمات در جمله به ما می‌دهد، این است که فاعل یا نایب فاعل حتما بعد از فعل می‌آید. فاعل یا نایب فاعل به سه شکل در جمله هستند :

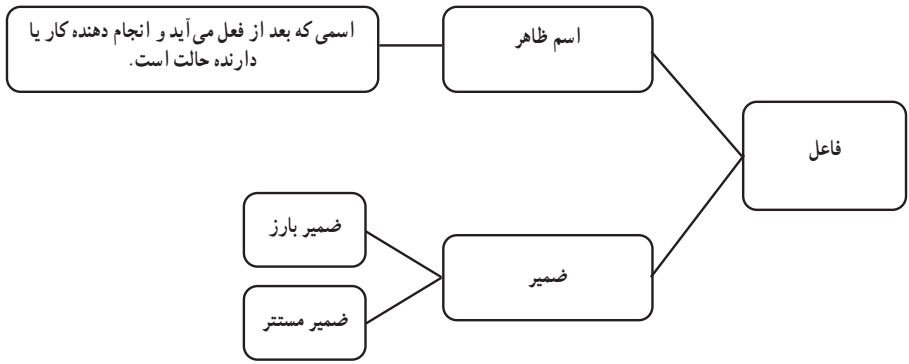

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با ضمایری که به فعل می‌چسبند و صیغه را مشخص می‌کنند، آشنا شده‌اند. در درس پنجم هم عناوینی را برای ضمایر مطرح کردیم. ضمایر متصل مرفوعی همان فاعل یا نایب فاعل در افعال هستند. فاعل و نایب فاعل نقش‌های مرفوعی هستند لذا به ضمایری که شناسه فعل هستند و فاعل آنها به شمار می‌روند، ضمایر متصل مرفوعی نام دارند. آن‌ها را مرور می‌کنیم :

ضمایر متصل مرفوعی	
فعل ماضی	فعل مضارع
ذهب (هو مستتر)	یذهبُ (هو مستتر)
ذهبا	یذهبانِ
ذهبوا	یذهبونَ
ذهبَت (هی مستتر)	تذهبُ (هی مستتر)
ذهبتا	تذهبانِ
ذهبنَ	یذهبنَ

ضمایر متصل مرفوعی	
ذهبتَ	تذهبُ (أنتَ مستتر)
ذهبتما	تذهبانِ
ذهبتم	تذهبونَ
ذهبتِ	تذهبينَ
ذهبتما	تذهبانِ
ذهبتنَّ	تذهبنَ
ذهبتُ	أذهبُ (أنا مستتر)
ذهبنا	نذهبُ (نحن مستتر)

تمامی‌ضمایری که به رنگ قرمز هستند، نقش فاعل در این افعال را دارند. ضمایری‌که در ظاهر فعل وجود دارند و نشان دهنده صیغه افعال هستند، ضمایر بارز نام دارند و ضمایری که در پرانتز جلوی افعال نوشته شده اند، ضمایر مستتر هستند. کلمه «مستتر» یعنی «پنهان شده» لذا این ضمایر که در ظاهر فعل نیستند اما در دل فعل پنهان شده اند، ضمیر مستتر نام دارند. پس فاعل در همه صیغه‌ها ضمیر است و تنها در صیغه للغائب و للغائبة می‌توانیم اسم ظاهر داشته باشیم. دقت داشته باشید در عبارت «جاء علیٌّ» کلمه «علیّ» فاعل اسم ظاهر برای فعل «جاء» است اما در عبارت «علیٌّ جاء» نمی‌توانیم «علیّ» را فاعل بگیریم زیرا گفتیم فاعل هرگز بر فعل مقدم نمی‌شود. پس چه چیز را فاعل بگیریم؟ ضمیر مستتر هو . گرچه در معنا همان «علیّ» انجام دهنده کار است اما یادمان باشد که قواعد زبان عربی با زبان فارسی تفاوت‌هایی دارد و این قاعده که فاعل بر فعل مقدم نمی‌شود، مختص زبان عربی است. اما نقش «علی» چیست؟ در درس بعدی تحت عنوان «مبتدا» با آن آشنا می‌شویم.

نون وقایة

هرگاه ضمیر «ی» به معنای «من» بخواهد به فعلی بچسبد، حتماً میان فعل و این ضمیر، یک حرف «ن» واقع می‌شود که نون وقایة نام دارد؛ نظیر «أکرَمَنی» که دارای چنین ساختاری است : «أکرَمَ + ن + ی»

دانستنی‌های دبیر در باب فاعل

۱ در زبان فارسی تعریف فاعل فقط انجام دهنده کار است و دارنده حالت، نهاد یا مسند الیه نام دارد؛ اما در زبان عربی دارنده حالت هم فاعل نام دارد.

۲ اگر فاعل، اسم ظاهر باشد، فعل حتماً به صورت مفرد به‌کار می‌رود. به این جمله نگاه کنید : «جاء المسلمون إلی المسجد» در این جمله، المسلمون فاعل جاء است؛ چنانچه می‌گفتیم «جاؤوا المسلمون...» ضمیر بارز «واو» فاعل می‌شد و کلمه «المسلمون» بی‌هویت می‌ماند پس فعل را مفرد به‌کار می‌بریم تا چنین اشکالی پیش نیاید. اما از نظر جنس باید متناسب با فاعل باشد.

۳ اگر فاعل، جمع غیرعاقل باشد، غالباً فعل به صورت مفرد مؤنث می‌آید.

۴ اگر فاعل، ضمیر باشد، مطابقت ضمیر با مرجع از نظر جنس و تعداد بسیارمهم است.

۵ در مطابقت فعل و فاعل از نظر جنس[1] :

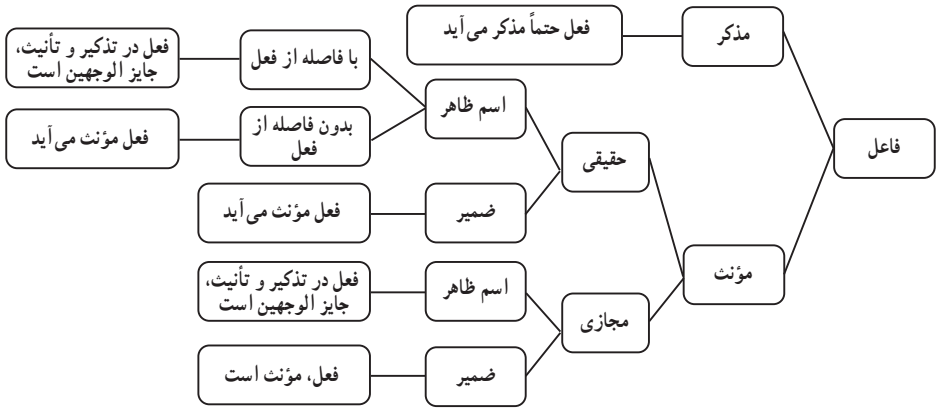

۶ نون وقایة در موارد دیگری نیز کاربرد دارد که هدف آموزشی این کتاب نیست ولی برای دبیران بیان می‌نماییم :

میان حروف و ضمیر «ی» متکلم وحده نیز چنین نونی می‌تواند قرار گیرد نظیر : «إنَّنی = إنّ + ن + ی» / «لیتَنی = لیتَ + ن + ی» / «عنّی = عن + ن + ی» / «مِنّی = مِن + ن + ی» و...

۱ــ ر.ک. آموزش نحو عبدالرسول کشفی

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ ضمایر : پیش تر هم گفتیم در رابطه با ضمایر لازم است این نکته را به‌طور جدی به دانش‌آموزان متذکر شویم :

حرف «ت» در «ذهَبَت» و «ذهَبَتا» اصلاً ضمیر نیست بلکه تنها نشان دهنده مؤنث بودن این صیغه هاست.

این خطا، در میان دانش‌آموزان بسیار شایع است که حرف «ت» را فاعل صیغه للغائبة ماضی «فَعَلَت» و فاعل للغائبَتَین «فَعَلَتا» را «تا» می‌گیرند پس لازم است تأکید جدی بر این موضوع داشته باشیم.

۲ نون وقایة :بسیاری از دانش‌آموزان وقتی ساختار فعل + نون وقایة + ضمیر «ی» را می‌بینند؛ نظیر : «عَلَّمَنی» به اشتباه، فعل را در صیغه متکلم وحده ترجمه می‌کنند. گویا از نون وقایة فقط یک ضمیر یاء متکلم وحده در حافظه دارند و سریعاً فعل را در این صیغه ترجمه می‌کنند؛ مثلاً فعل «عَلَّمَنی» را «یاد گرفتم» ترجمه می‌کنند. لطفاً برای این‌که این موضوع به درستی فهمیده شود، فعل را برای دانش‌آموزان، تفکیک کنید یعنی نشان دهید که «عَلَّمَنی» ترکیبی از «علَّمَ+ن+ی» است و فعل «علَّم» صیغه «للغائب» است. البته این فعل را برای نمونه مطرح کردیم. لازم است که فعل‌های مختلف را در صیغه‌های مختلف نشان دهید.

تمارین

تمرین اول : آیات را ترجمه کن سپس فعل و فاعل و مفعول را در کلمات رنگی مشخص کن.

۱ خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنین نازل کرد.

اللّٰه : فاعل اسم ظاهر و مرفوع برای فعل أنزل **سکینة** : مفعول‌به و منصوب جمله فعلیه

۲ برای خودم نه سودی دارم نه زیانی مگر آنچه خدا بخواهد.

نفعاً : مفعول‌به برای فعل أملک و منصوب جمله فعلیه (**أملک** : فعل و فاعلش ضمیر مستتر أنا / **شاء** : فعل و فاعلش اسم ظاهر اللّٰه)

۳ برای ما مثالی زد و آفرینش‌اش را فراموش کرد.

مثلاً : مفعول‌به برای فعل ضرب و منصوب **خلق** : مفعول‌به برای فعل نسی و

منصوب جمله فعلیه (فاعل فعل‌های ضرب و نسی، ضمیر هو مستتر است)

۴ پروردگارت بر احدی (هیچ کس) ستم نمی‌کند.

ربّ : فاعل اسم ظاهر برای فعل لایظلم و مرفوع جمله فعلیه (أحداً مفعول به و منصوب)

۵ خداوند آسانی را برای شما می‌خواهد.

اللّٰه : فاعل برای فعل یرید و مرفوع **الیُسر** : مفعول به و منصوب جمله فعلیه

تمرین دوم : افعال زیر را ترجمه کنید. (نون وقایة در افعال زیر قرمز شده است.)

اِسألونـی : از من بپرسید **یَعرفونـی** : مرا می‌شناسند **أعطانـی** : به من عطا کرد

ینصرنـی : مرا یاری می‌کند **اِرحمونـی** : به من رحم کنید **لا تحیّرنـی** : مرا متحیّر نکن

عرِّفنـی : به من معرّفی کن **أنزِلنـی** : مرا پایین بیاور

تمرین سوم : آیه و حدیث را ترجمه کن سپس فاعل و مفعول به را مشخص نموده، اعرابشان را ذکر کن.

۱ کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم. یقول : فعل الکافر : فاعل و مرفوع

۲ ای مردم پروردگارتان را که شما را خلق کرد بپرستید.

فاعل : ضمیر بارز واو در «اعبدوا»

ضمیر مستتر هو در «خلق»

مفعول‌به : ربّ و ضمیر «کم» در «خلقکم»

۳ قطعاً آسمان دنیایی را با چراغ‌هایی زینت دادیم.

فاعل : ضمیر بارز «نا» در «زیّنّا»

مفعول‌به : السّماء

۴ فقط کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان آورد، مساجد خدا را آباد می‌کند.

فاعل : «من» برای فعل «یعمر» هو مستتر برای فعل «آمن»

مفعول‌به : مساجد

گفت‌وگو (خریدن سیم‌کارت تلفن همراه)

زائر : لطفا یک سیم‌کارت به من بده!

کارمند مخابرات : بفرما! آیا کارت شارژ می‌خواهی؟

زائر : بله، لطفا کارتی به مبلغ بیست و پنج ریال به من بده!

کارمند مخابرات : می‌توانی موبایلت را از طریق اینترنت شارژ کنی.

زائر شارژ موبایل و کارت شارژ می‌خرد و شارژ را در موبایلش قرار می‌دهد و می‌خواهد تماس بگیرد ولی کارت شارژ کار نمی‌کند پس نزد کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید :

زائر : ببخشید مشکلی در کارت شارژ وجود دارد.

کارمند مخابرات : لطفاً کارت را به من بده! مرا ببخش! حق با توست! کارت را برایت عوض می‌کنم.

اَلدَّرْسُ التّاسِعُ



قالَ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم :

جَـمالُ الْمَـرْءِ فَصاحَةُ لِسانِهِ.

زیبایِ آدمی شیوایی گفتارش است.

درس نهم

هدف کلی : دانش‌آموز با جایگاه فعل و برخی متعلقاتش آشنا شود.

اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز با جایگاه فاعل و مفعول به در جمله آشنا شود.

۲ دانش‌آموز با جایگاه مفعول به در جمله آشنا شود.

۳ دانش‌آموز ماهیت فعل لازم و متعدی را بیاموزد.

۴ دانش‌آموز با ظرف و جار و مجرور آشنا شده، جایگاه آن‌ها را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ جایگاه فاعل و مفعول به در جمله را بداند.

۲ مفعول به را در جمله بیابد.

۳ رابطه فعل، فاعل و مفعول به را درک کند.

۴ بتواند فعل لازم و متعدی را شناسایی کند.

۵ ظرف و جار و مجرور را شناخته، جایگاه آن‌ها را بداند.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس نهم

در درس گذشته با جمله فعلیه آشنا شدیم. لازم است برای تثبیت یادگیری هنگام ترجمه این درس، جملات فعلیه را همراه با فاعلشان مورد هدف قرار داده، از دانش‌آموزان بخواهید آنها را شناسایی نمایند.

در بخش واژگان نیز دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

عادِی جمعش عُداة / فلاة جمعش فَلَوات / وُکنَة جمعش وُکَنات است.

صنعت تلمیح در ادبیات فارسی

زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست پس شعرای ایرانی از آن استفاده کرده‌اند و بعضی از آنها ابیاتی درآمیخته با زبان عربی و فارسی سروده اند و آنها را ملمّع نامیده‌اند. بسیاری از شعرای ایرانی ملمّع‌هایی دارند؛ از جمله آنها حافظ شیرازی، سعدی شیرازی، جلال الدین رومی‌معروف به مولوی است.

ملمّع حافظ شیرازی (ملقّب به) لسان الغیب

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه — من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم
دارم من از فِراقش در دیده صد علامت — آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟
هر چند کازمودم از وی نبود سودم — هرکس آزموده را بیازماید، پشیمانی بر او فرو می‌افتد
پرسیدم از طبیبی احوالِ دوست گفتا — در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامتی است
گفتم ملامت آید گر گِرد دوست گردم — به خدا قسم محبتی را بدون ملامت ندیدم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین — تا از آن، جامی از کرامت بچشد (تا از آن جام کرامت بچشد)

ملمّع سعدی شیرازی

از انبارهای آب درباره سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس
تو قدرِ آب چه دانی که در کنارِ فُراتی
شبم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
و اگر دور شوی شامگاه و صبحگاهم یکسان است
اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
زمان سپری شد در حالی که قلبم می‌گوید تو بی‌گمان در حال آمدن هستی
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
اگر گِلی به حقیقت عَجین آب حیاتی
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد
در حالی که گاهی چشمه زندگی در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود
چقدر زندگی ام تلخ می‌گذرد درحالی‌که تو حمل کننده عسل هستی!
جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی

نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را
اگر خاک قبرم را ببویی، شمیم عشق را می‌یابی

هر با نمکی را آن طور که تو دوست داری و خشنود می‌شوی توصیف کردم

ستایش‌های تو چه گویم که ماورای صفاتی

از تو می‌ترسم و امیدوارم و کمک می‌خواهم و نزدیک می‌شوم که

هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی

ز چشم دوست فتادم به کامه دل دشمن

دوستانم همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند، از من جدا شدند

فراق‌نامه سعدی عجب که در تو نگیرد

اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه‌ها شیون سر دهند

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را بر اساس متن مشخص کن.

۱ حافظ و سعدی ملمّعات زیبایی ندارند. (نادرست)

۲ حافظ، روزگار را در دوری عشقش همچون قیامت می‌بیند. (درست)

۳ حافظ در دوری عشقش آسایش می‌بیند و در نزدیکی‌اش رنج! (نادرست)

۴ سعدی بخاطر دوری از عشقش، شب و روز را یکسان می‌بیند. (درست)

۵ سعدی گفت : زمان می‌گذرد درحالی که قلبم می‌گوید تو قطعاً درحال آمدن هستی. (درست)

جمله درست و نادرست را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱ لیوان، شیشه‌ای است که آب یا چای یا قهوه در آن نوشیده می‌شود. (درست)

۲ خریدن سیم‌کارت از اداره مخابرات ممکن است. (درست)

۳ مردود همان کسی است که در امتحان‌ها موفق نشد. (درست)

۴ شاخه‌های درختان در زمستان نو و سرسبز هستند. (نادرست)

۵ نان از خمیر ساخته می‌شود. (درست)

در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر قرار بده (دو کلمه اضافه است) :

۱ صبحگاه شروع روز و شامگاه شروع شب (اللیل) است.

۲ برادرم قانع است؛ به قسمت اندکش راضی می‌شود (یرضی).
۳ ساحل را در کنار راه از دور (بُعد) دیدیم.
۴ لطفاً این پیراهن را عوض کن (بدِّل) زیرا کوتاه است.
۵ نگهبان، کیف‌های مسافران را بررسی کرد (فتَّشَ).
۶ در بیابان‌ها (الفلوات) گیاه زیادی زندگی نمی‌کند.
کلمات «ودّ : دوستی» و «مصانع : آب انبارهای بیابان» اضافی هستند.

موضوعات درس نهم

جایگاه فعل و متعلّقات آن، جایگاه ظرف و جار و مجرور، فعل لازم و متعدی

مقدمه

این درس به‌صورت متمرکز به مفعول‌به، نقش آن در جمله فعلیه و کامل‌شدن معنای فعل توسط آن می‌پردازد و در واقع حلقه‌ی سوم جمله فعلیه را (بعد از فعل و فاعل) کامل می‌کند. در واقع این درس می‌خواهد دانش‌آموز بفهمد «کار روی چه چیزی انجام شده است»، تا جمله‌ی عربی را ناقص معنا نکند و با شناخت مفعول‌به، بتواند معنای کامل فعل را درک کند و جمله را ناقص نفهمد.

مرور مفاهیم اصلی درس

جایگاه فعل و متعلّقات آن

گفتیم علم نحو نقشه چینش کلمات برای دستیابی به معنای صحیح در زبان عربی را ارائه می‌نماید. در درس قبلی دانش‌آموزان را با فعل و جایگاه فاعل آشنا کردیم و گفتیم که فاعل هرگز بر فعل مقدم نمی‌شود. از سویی این نکته را متذکر شدیم که فعل متعلقات متعددی دارد. یکی از مهم‌ترین متعلقات فعل، مفعول‌به است. چنانچه فعلی متعدی باشد، نیازمند مفعول‌به است. در ادامه با فعل لازم و متعدی بیشتر آشنا خواهیم شد اما اکنون می‌خواهیم بگوییم جایگاه مفعول‌به در جمله کجاست؟ بهتر است اکنون مفعول‌به را بیشتر تعریف کنیم.

همان‌طورکه در درس دو و سه هم ذیل معانی ابواب، مروری بر این موضوع داشتیم، در زبان فارسی مفعول اسمی‌است که معمولاً با «را» همراه است اما اگر اسمی‌در زبان فارسی متمم باشد ولی در عربی بر سر آن، حرف نیاید، آن نیز مفعول‌به خواهد بود؛ مثلاً در عبارت «أَلبَستُ الطِّفلَ ثوباً» به معنای «لباسی را بر کودک پوشاندم» دوتا مفعول‌به داریم. کلمه «لباس» با «را» همراه شده است و قطعاً مفعول‌به است. کلمه «کودک» در فارسی متمّم است زیرا با حرف «بر» همراه شده است اما از آن‌جا که در عربی حرف «عَلَی» بر سر آن نیامده است، مفعول‌به، به شمار می‌آید. اما جایگاه مفعول‌به کجاست؟ اصل بر این است که مفعول‌به بعد از فعل و فاعل واقع شود اما در زبان عربی، بنابر دلایل نحوی یا علم معانی، گاهی اجازه داریم از این اصول عدول کنیم؛ لذا ممکن است این اصل نیز برهم بخورد؛ یعنی مفعول‌به گاهی می‌تواند بر فاعل مقدم شود و گاهی نیز حتی بر خود فعل هم می‌تواند تقدم یابد برخلاف فاعل که هرگز بر فعل مقدم نمی‌شود. به‌طور مثال در عباراتی که کتاب به عنوان نمونه آورده است، در آیه «ابتلی ابراهیمَ ربُّه» کلمه «ابراهیم» مفعول‌به و کلمه «ربّ» فاعل است و می‌بینیم که مفعول‌به بر فاعل مقدم شده است. از آن‌جا که به فاعل ضمیری چسبیده است که به مفعول‌به برمی‌گردد، لازم شده است که مفعول‌به مقدم شود تا مرجع ضمیر، قبل از آن قرار گیرد.

دانستنی‌های دبیر در باب تقدم مفعول به

تقدم مفعول به بر فاعل یا فعل نیازمند دلیل است و در مواضع خاصی اتفاق می‌افتد. تقدم مفعول به بر فاعل در سه موضع وجوبی است :

۱ هرگاه فاعل محصور به إلاّ یا انّما باشد، مفعول به مقدم می‌شود مثل : ما هذّب النّاسَ إلاّ الدّینُ القویمُ

۲ هرگاه مفعول به ضمیر متصل منصوبی باشد ولی فاعل، اسم ظاهر باشد مثل : علَّمَنی الدّهرُ

۳ هرگاه فاعل دارای ضمیری باشد که به مفعول به برگردد مثل : أخذَ الجوّالَ صاحبُه

مفعول به در دو موضع نیز به‌طور وجوبی بر فعل و فاعل مقدم می‌شود :

۱ هرگاه مفعول به جزء اسامی‌صدارت طلب باشد همچون ادوات شرط یا استفهام مثل : مَن رأیتَ؟

۲ هرگاه مفعول به، ضمیر منفصل نصبی باشد مثل : «إیّاک نعبد». در آیه «إیّاک نعبد»

فاعل «ضمیر نحن مستتر» است و کلمه «إیّاک» مفعول‌به است. این‌که چرا آیه «نعبدک» نگفته و ضمیر منفصل آورده، به علم معانی برمی‌گردد. علم معانی موضوع بحث ما نیست اما با اشاره‌ای به برخی نکات آن، می‌توانیم جذابیت ایجاد کنیم؛ به‌طور مثال گاهی برای افاده انحصار در کلمه ای که مفعول‌به است، از این ساختار بهره می‌بریم که مفعول‌به را بر فعل و فاعل مقدم کنیم. در آیه «إیّاک نعبد» غرض این نیست که بگوییم «تو را می‌پرستیم» بلکه می‌خواهیم بگوییم «تنها تو را می‌پرستیم» یعنی برای این‌که انحصار را نشان دهد، از ضمیر منفصل نصبی استفاده کرده است.

جایگاه ظرف و جار و مجرور

چیستی ظرف را در درس هفتم توضیح دادیم اما جایگاه ظرف در کجای جمله است؟ ظرف توسُّع دارد یعنی می‌تواند در هرکجای جمله قرار گیرد و مانعی نیست.

اما غرض از جار و مجرور چیست؟ با توجه به این‌که دانش‌آموزان هنوز مبحث اعراب اسم را نخوانده‌اند، نباید پیرامون مجرور شدن بحث کرد بلکه باید این موضوع به نحوی مطرح شود که دانش‌آموز اصل مطلب را بفهمد و این، نیازمند هنر دبیر در بیان است. می‌توانیم بدین ترتیب شرح دهیم :

تعدادی از حروف هستند که بر سر یک اسم واقع می‌شوند و آن اسم را تقریباً معادل متمّم در زبان فارسی می‌کنند؛ به‌طور مثال در عبارت «استفادَ **مِنها** الشُّعراءُ الإیرانیّون» که در متن درس داریم، حرف «مِن» بر سر ضمیر «ها» آمده است. به ترجمه جمله دقت کنیم : «شاعران ایرانی **از آن**، استفاده کردند» در دستور زبان فارسی «از آن» ساختار متمّمی‌است. در عربی هرگاه این ساختار را از ترکیب یک حرف + یک اسم ببینیم؛ نظیر «منها»، از آن حرف، به عنوان حرف جرّ یاد می‌شود و به کلّ ساختارش «جارّ و مجرور» می‌گویند.

از میان این حروف لازم است دانش‌آموزان با این موارد آشنا باشند : «بِـ، کَ، لِـ، واو قسم، مِن، فی، عَن، عَلَی، إلَی»

توضیحات تکمیلی در این موضوع، باید بعد از بحث اعراب اسم در پایه یازدهم ارائه شود تا دانش‌آموزان مفهوم «مجرور» را دریابند.

اما جایگاه جارّ و مجرور در جمله کجاست؟ جارّ و مجرور نیز همچون ظرف، توسُّع دارند و در هرکجای جمله می‌توانند قرار گیرند.

جایگاه سایر متعلقات فعل نیز در آینده، ضمن تدریس همان موضوع مطرح خواهد شد.

دانستنی‌های دبیر در باب حروف جرّ

تعداد حروف جرّ بیش از موارد گفته شده در کتاب است. ابن مالک همه حروف جرّ را در یک بیت جمع کرده است :

«باء تاء کاف لام واو مُنذُ مُذ خلا رُبَّ حاشا مِن عَدا فی عَن عَلَی حَتّی إلَی»

حروف خلا، عدا و حاشا از جمله ادوات استثناء هستند ولی اسم بعد از خود را مجرور می‌کنند زیرا حرف جرّند البته می‌توانیم آنها را فعل به شمار آوریم و کلمه بعدی را بنابر مفعول‌به بودن، منصوب نماییم. حروف «تاء، واو» حتما باید در معنای قسم باشند تا جارّه به شمار آیند.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان در باب حروف جرّ و راهکار

بعضی از دانش‌آموزان یک سری کلمات را حرف جرّ می‌پندارند که نادرست است. به‌طور مثال اشتباه در کلمات«عند» و «معَ» بسیار فراوان است. لطفاً به دانش‌آموزان تأکید کنید که این دو ظرف هستند نه حرف جرّ.

فعل لازم و متعدی

گفتیم فعل به لحاظ صرفی تقسیم‌بندی لازم و متعدی دارد. غرض از لازم و متعدی چیست؟ کلمه «لازم» در لغت به معنای «همراه» است. غرض از نام‌گذاری برخی افعال به «لازم» این است که فعل لازم، فعلی است که معنای آن با همراهی فاعل کامل است. یعنی اثر فعل با فاعل تکمیل می‌شود. اما کلمه «متعدّی» در لغت به معنای «تجاوز کننده» است و به فعلی «متعدّی» می‌گویند که اثر فعل از فاعل فراتر رفته و به مفعول می‌رسد. در واقع اثر فعل با فاعل به پایان نمی‌رسد و نیاز به چیز دیگری دارد که فاعل بر آن اثر بگذارد و از سویی آن فعل برای این اثرگذاری نیاز به حرف جرّ ندارد. به دو تا از افعالی که کتاب به عنوان مثال آورده است، دقت کنیم : «قَعَدَ» به معنای «نشست» با همراهی فاعل معنای کاملی دارد و نیازمند کلمه دیگری برای اثرگذاری نیست پس جمله «قعد علیٌّ : علی نشست» معنای کاملی دارد و فعل «قَعَد» لازم است اما فعل «أکَلَ» به معنای «خورد» با همراهی فاعل کامل نمی‌شود و از فاعل فراتر رفته و بر مفعول‌به اثر می‌گذارد پس عبارت «أکَلَ علیٌّ : علی

خورد» کامل نیست و باید بگوییم چه چیزی را خورده است؟ «أَکَلَ علیٌّ التُّفّاحَ : علی سیب را خورد» پس فعل «أَکَلَ» متعدی است.

نکته طلایی

اکنون می‌توانید نکات ابواب ثلاثی مزید در بحث لازم و متعدی را به فراخور سطح کلاس، برای دانش‌آموزان مرور کنید :

باب‌های افعال و تفعیل غالباً متعدی هستند گرچه در مواردی هم لازم‌اند.

باب مفاعله در معنای مشارکت متعدی است.

باب تفاعل در معنای مشارکت غالباً لازم است.

باب افتعال و تفعّل در معنای مطاوعه بسیاری اوقات لازم هستند گرچه در مواردی هم متعدی می‌شوند.

باب انفعال صد درصد لازم است.

باب استفعال در معنای طلب و مفعول را دارای صفتی یافتن، متعدی است.

دانستنی‌های دبیر در باب فعل لازم و متعدی

برخی از علمای عرب فعلی که اثر فاعل را با واسطه حرف جرّ بر مفعول نشان می‌دهد، متعدی به حرف جرّ می‌دانند اما رویکرد کتاب‌های درسی این است که چنین افعالی لازم به شمار می‌آیند و تنها، فعلی متعدی است که اثر فعل فاعل را بدون واسطه حرف جرّ بر مفعول نشان می‌دهد.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

در فارسی همواره مفعول را با حرف «را» پیدا می‌کنیم، از این جهت دانش‌آموزان فعلی که در فارسی دارای متمم است و در عربی متعدی به شمار می‌آید را، لازم به حساب می‌آورند مثلاً فعل «اِحتَرَمَکَ : احترام گذاشت به تو» را لازم می‌شمارند درحالی‌که در زبان عربی بدون حرف جرّ آمده پس متعدی است. چند نمونه مثال در این باب بیاورید و تاکید کنید تا برای دانش‌آموزان به‌طور کامل مفهوم گردد.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن سپس فعل، فاعل، نوع فاعل، مفعول‌به و متعلقات فعل را مشخص کن.

۱ حق و باطل جمع نمی‌شوند.

لا یجتمع : فعل لازم/ الباطل : فاعل اسم ظاهر

۲ از ارزش هر انسانی، دانش و عقلش خبر می‌دهد.

ینبئ : فعل لازم/ عن قیمة : جارّ و مجرور / کلّ : مضاف‌الیه/ امرئ : مضاف‌الیه/ علم : فاعل اسم ظاهر

۳ دنیا کسی که به آن پناه برد را حفظ نمی‌کند.

لا تعصم : فعل متعدی/ الدنیا : فاعل اسم ظاهر/ مَن : مفعول‌به/ لجأ : فعل لازم و فاعلش ضمیر مستتر هو/ إلیها : جارّ و مجرور

۴ هنگامی که عقل کامل شود، سخن گفتن کم می‌گردد.

إذا : ظرف/ تَمَّ : فعل لازم/ العقل : فاعل اسم ظاهر/ نقص : فعل لازم/ الکلام : فاعل اسم ظاهر

۵ سخن گفتن را کم کن و آرزوها را کوتاه کن.

قلِّل : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر أنتَ/ المقال : مفعول‌به/ قصِّر : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر أنتَ/ الآمال : مفعول‌به

تمرین دوم : فعل لازم و متعدی و مفعول‌به را در عبارات زیر مشخص کن.

۱ اذکروا : فعل متعدی و فاعلش ضمیر بارز واو / نعمت : مفعول‌به

۲ یرزق : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر هو / کم : مفعول‌به

۳ یدعوا : فعل متعدی و فاعلش ضمیر بارز واو / حزب : مفعول‌به

۴ أرسل : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر هو / الرّیاح : مفعول‌به/ تثیر : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر هی / سحاباً : مفعول‌به

۵ سُقنا : فعل متعدی و فاعلش ضمیر بارز نا / ه : مفعول‌به/ أحیَینا : فعل متعدی و فاعلش ضمیر بارز نا / الأرض : مفعول‌به

۶ یرید : : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر هو/ العزّة : مفعول‌به

۷ یصعد : : فعل لازم و فاعلش اسم ظاهر الکلم / یرفع : فعل متعدی و فاعلش ضمیر مستتر هو / ه : مفعول‌به

۸ هانت : فعل لازم و فاعلش نفس/ أمّر : فعل متعدی و فاعلش هو مستتر/ لسان : مفعول‌به (به ترجمه این حکمت از نهج البلاغه توجه کنید تا نقش کلمات را به درستی دریابید : هرکس زبانش را بر خود فرمانروا ساخت، ذاتش برایش خوار گشت.)

تمرین سوم : در جملات تمرین اول و دوم معرب و مبنی را مشخص کنید.

معرب‌ها (به ترتیب) :

مربوط به تمرین اول : یجتمع (فعل مضارع)/ الباطل/ الحقّ * ینبئ (فعل مضارع)/ قیمة/ کلّ/ امرئ/ علم/ عقل * تعصم (فعل مضارع)/ الدنیا * العقل/ الکلام * المقال/ الآمال

مربوط به تمرین دوم : النّاس/ نعمت/ اللّٰه * خالق/ غیر/ الله/ السّماء/ الأرض * یدعو(فعل مضارع)/حزب/ یکونوا (فعل مضارع)/ أصحاب/ السّعیر* اللّٰه / الرّیاح/ تثیر (فعل مضارع)/ سحاباً * بلد/ میّت/ الأرض/ بعد/ موت * یرید(فعل مضارع)/ العزّة/ اللّٰه / العزّة/ جمیعاً * یصعد (فعل مضارع)/ الکلم/ الطّیّب/ العمل/ الصّالح/ یرفع (فعل مضارع) * نفس/ لسان

مبنی‌ها (به ترتیب) :

مربوط به تمرین اول : لا (حرف)/ و (حرف) * عن (حرف)/ ـه (ضمیر)/ و (حرف)/ ـه (ضمیر) * لا (حرف)/ مَن (موصول)/ لجأ (فعل ماضی)/ إلی (حرف)/ ها (ضمیر) * إذا (ظرف)/ تمّ(فعل ماضی)/ نقص(فعل ماضی) * قلّل (فعل امر)/ قصِّر (فعل امر)

مربوط به تمرین دوم : یا (حرف)/ أیّها (حرف)/ اذکروا (فعل امر)/ علی (حرف)/ کم (ضمیر) * هل (حرف استفهام)/ مِن (حرف)/ کم (ضمیر)/ مِن (حرف)/ و (حرف) * إنّما (حرف)/ ـه (حرف)/ لـ (حرف)/ مِن (حرف) * الّذی (موصول)/ أرسل (فعل ماضی)/ فَـ (حرف) * فَـ (حرف)/ سقنا (فعل ماضی)/ ه (ضمیر)/ إلی (حرف)/ فَـ (حرف)/ أحیینا (فعل ماضی)/ بِـ (حرف)/ ـه (حرف)/ها (ضمیر) * مَن (اسم شرط)/ کان (فعل ماضی)/ فَـ (حرف)/ لِـ (حرف) * إلی (حرف)/ ـه (ضمیر)/ و (حرف)/ ـه (ضمیر) * هانت (فعل ماضی)/ علی (حرف)/ها (ضمیر) / ـه (ضمیر)/ من (موصول)/ أمّر (فعل ماضی)/ علی (حرف)/ها (ضمیر) / ـه (ضمیر)

تمرین چهارم : معرفه و نکره را در جملات تمرین اول و دوم مشخص کن.
معرفه‌ها (به ترتیب)

مربوط به تمرین اول : الباطل (ذواللام)/ الحقّ (ذواللام) ❊ علم (معرفه به اضافه)/ ـه (معرفه به ضمیر)/ عقل (معرفه به اضافه)/ ـه (معرفه به ضمیر) ❊ الدنیا (ذواللام)/ من (معرفه به موصول)/ ها (معرفه به ضمیر) ❊ العقل (ذواللام)/ الکلام (ذواللام) ❊ المقال (ذواللام)/ الآمال (ذواللام)

مربوط به تمرین دوم : النّاس (ذواللام)/ واو در اذکروا (معرفه به ضمیر)/ نعمت (معرفه به اضافه)/ اللّٰه (معرفه به علم)/ کم (معرفه به ضمیر) ❊ غیر (معرفه به اضافه)/ اللّٰه (معرفه به علم)/ کم (معرفه به ضمیر)/ السّماء (ذواللام)/ الأرض (ذواللام)× حزب (معرفه به اضافه)/ ـه (معرفه به ضمیر)/ واو در لیکونوا (معرفه به ضمیر)/ أصحاب (معرفه به اضافه)/ السّعیر (ذواللام) ❊ اللّٰه (معرفه به علم)/ الّذی (معرفه به موصول)/ الرّیاح(ذواللام) ❊ نا در سقنا (معرفه به ضمیر)/ ه (معرفه به ضمیر)/ نا در أحیینا (معرفه به ضمیر)/ ه (معرفه به ضمیر)/ الأرض (ذواللام)/ بعد (معرفه به اضافه)/ موت (معرفه به اضافه)/ ها(معرفه به ضمیر) ❊ العزّة (ذواللام)/ اللّٰه (معرفه به علم)/ العزّة (ذواللام) ❊ ـه (معرفه به ضمیر)/ الکلم (ذواللام)/ الطّیّب (ذواللام)/ العمل (ذواللام)/ الصّالح (ذواللام)/ ـه (معرفه به ضمیر) ❊ ـه (معرفه به ضمیر)/ نفس (معرفه به اضافه)/ ـه (معرفه به ضمیر)/ من (معرفه به موصول)/ ها (معرفه به ضمیر)/ لسان (معرفه به اضافه)/ ـه (معرفه به ضمیر)

گفت‌وگو (همراه پزشک)

پزشک داخلی : تو را چه شده؟ (چی شده؟)

بیمار : احساس درد در سینه ام می‌کنم و سردرد دارم.

پزشک داخلی : آیا فشار خون یا بیماری قند داری؟

بیمار : نه فشار خون دارم نه بیماری قند.

پزشک بعد از معاینه می‌گوید : دچار سرماخوردگی شدید شدی و تب شدیدی داری. نسخه‌ای برایت می‌نویسم.

بیمار : جناب پزشک چه چیزی برایم می‌نویسی؟

پزشک داخلی : شربت و قرص‌های آرام‌بخش برایت می‌نویسم.

بیمار : داروها را از کجا دریافت کنم؟

پزشک داخلی : داروها را از انتهای راهروی درمانگاه دریافت کن.

بیمار : خیلی ممنون

پزشک داخلی : حالت خوب می‌شود

بیمار : ان شاء اللّٰه

پزشک داخلی : به سلامت

بیمار : در پناه خدا

اَلدَّرْسُ الْعاشِرُ



﴿وَ مِنَ النّاسِ مَن يَشْري نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ﴾ اَلْبَقَرَة: ۲۰۷

و از میان مردم کسی هست که جانش را برای طلبِ خشنودی خدا می‌فروشد.

درس دهم

هدف کلی : دانش‌آموز ساختار مجهول در عربی را بیاموزد.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز ساختار فعل مجهول را در ماضی و مضارع یاد بگیرد.
۲ دانش‌آموز بیاموزد که چگونه یک جمله معلوم تبدیل به جمله مجهول می‌شود.
۳ دانش‌آموز با نایب فاعل و انواع آن آشنا شود.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ بداند فعل مجهول، از فعل متعدی ساخته می‌شود.
۲ بتواند یک فعل ماضی یا مضارع معلوم را به مجهول تبدیل کند و با ساختار فعل مجهول آشنا باشد.
۳ بتواند یک جمله معلوم را تبدیل به یک جمله مجهول کند و تمام لوازم آن را به درستی رعایت کند.
۴ بتواند معنای دقیقی از افعال معلوم و مجهول ارائه دهد.
۵ دانش‌آموز نایب فاعل و انواع آن را یاد گرفته باشد و در جمله تشخیص دهد.
۶ بتواند اجزای اصلی جمله فعلیه را به درستی تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس دهم

در متن این درس نیز لازم است جملات فعلیه شناسایی شوند. با توجه به اینکه قواعد این درس ناظر به فعل مجهول است، پس از تدریس قواعد، مجدد به متن برگردید و از دانش‌آموزان بخواهید افعال مجهول در متن درس را استخراج کرده، بررسی نمایند.

در بخش واژگان این درس، مفرد و جمع مطرح نشده است اما این دقت را به دانش‌آموزان بدهید که کلمه «مرضاة» مفرد است؛ بسیاری از دانش‌آموزان تصور می‌کنند این کلمه، جمع است لذا لازم است بر روی آن، تأکید شود.

اصطلاحات نیز لازم است مورد تأکید و توجه قرار گیرد : أثبتَ= دربندکشید/ استغشی ببرده=جامه‌اش را بر سر کشید

لیلة المبیت (شب بیتوته)

کفّار قریش از انتشار دین اسلام ترسیدند پس رؤسایشان برای مشورت پیرامون این موضوع جمع شدند؛ پس بر کشتن پیامبر ﷺ هم‌پیمان گشتند و قرار گذاشتند از هر عشیره‌ای مردی را برگزینند برای اینکه شبانه به خانه پیامبر هجوم ببرند تا همگی درقتلش شریک شوند؛ زیرا هنگامی‌که پیامبر، به این روش کشته شود، راه بر بنی‌هاشم برای پیگرد قاتل بسته می‌شود پس مجبور به پذیرش دیه‌اش می‌شوند و انتقام گرفتن از همه قبیله‌ها (چندین قبیله) ممکن نمی‌باشد. اما خداوند پیامبر را از طریق وحی از توطئه آگاه کرد.

پس این آیه به او نازل شد : «و (به یاد بیاور) هنگامی‌که کسانی که کفر ورزیدند، نیرنگ می‌زدند تا تو را در بند کشند یا بکشند یا (از مکه) بیرون کنند و چاره می‌اندیشند و خدا نیز چاره می‌اندیشد و خداوند بهترین چاره اندیشان است.»

وقتی که رسول خدا و مسلمانان بدان آگاه شدند، تصمیم بر هجرت به مدینه گرفتند. پس پیامبر، پسر عموی جوانش علی‌بن‌ابیطالب ؑ را برگزید برای اینکه به دو کار مهمی‌اقدام کند که به حسن تدبیر و فداکاری احتیاج دارد.

اوّلاً (اقدام) به اینکه در مکه بماند برای ادای امانت‌هایی که نزد رسول‌اللّٰه بود، به صاحبانشان.

ثانیاً اینکه درباره راهی بیندیشد که کفار، خروج رسول‌اللّٰه از مکه را احساس نکنند.

پس علی ؑ در بستر رسول خدا ﷺ خوابید و جامه‌اش را بر سر کشید و رسول خدا توانست بدون اینکه کفار آن را احساس کنند، شبانه از مکه خارج شود درحالی‌که کلام خداوند بلند مرتبه را تکرار می‌کرد :

«و پیش‌رویشان (: من بین ایدیهم) سدی قرار دادیم و پشت سرشان سدی را، پس آنها را پوشاندیم پس آنها نمی‌بینند.»

و هنگام طلوع فجر، کفّار شمشیرهایشان را برکشیدند و به خانه پیامبر ﷺ حمله کردند و قصد کشتنش در بسترش را کردند، ناگهان علی ؑ جلویشان ایستاد درحالی‌که جامه سبز رسول‌اللّٰه

را از خودش برمی‌داشت و با شجاعت به آنها می‌گفت : «چه می‌خواهید؟!»

پس در این هنگام کفّار فهمیدند کسی که در بستر بود، همان علی علیه‌السلام است.

امّا رسول‌اللّٰه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! خداوند او را نجات داد تا به ادای رسالتش ادامه دهد تا اینکه حق پیروز شود.

«و از میان مردم، کسی است که جانش را برای طلب خشنودی خداوند می‌فروشد.»

حل تمارین ناظر به متن

جمله درست و نادرست را بر اساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱ پیگرد، یاری رساندن به فقراست. (نادرست)

۲ عمو، برادر مادر و عمّه، خواهر مادر است. (نادرست)

۳ هرکس بخواهد پیروز شود پس تلاش کردن بر او واجب است. (درست)

۴ فعل «شری» دو معنای مختلف دارد : فروختن و خریدن. (درست)

موضوعات درس دهم

فعل مجهول و نایب فاعل / روش مجهول کردن جمله/ روش مجهول کردن فعل/ روش مجهول کردن جملاتی که مفعول‌به آنها ضمیر است

مقدمه

این درس جمع‌بندیِ هوشمندانهٔ ساخت جمله فعلیه در عربی دهم است و اگر درست فهم شود، دانش‌آموز از «جمله‌خوانی کلمه به کلمه» به فهم واحدهای معنایی کامل می‌رسد. موضوع فعل مجهول در امتحانات رسمی‌اعم از نهایی یا کنکور همواره مورد سؤال طراحان بوده است پس لازم است به دقت تدریس شود. از سویی در این درس، هدف فقط کشف و شناسایی فعل مجهول نیست بلکه لازم است خود دانش‌آموز بیاموزد که چگونه یک فعل و سپس یک جمله را مجهول نماید لذا این درس یک گام بالاتر از دروس قبلی است و از کشف و شناسایی به مرحله «خودت بساز» رسیده است.

مرور مفاهیم اصلی درس

فعل مجهول و نایب فاعل

فعل معلوم فعلی است که فاعل و انجام‌دهنده کار در آن، مشخص است ولی در فعل مجهول، انجام‌دهنده و فاعلِ کار، مشخص نیست. در زبان عربی اگر بخواهیم جمله مجهول را بشناسیم باید اولاً به ساختار فعل جمله توجه کنیم. هنگام مجهول بودن، حرکات فعل، چه در ماضی و چه در مضارع متفاوت است که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت :

ساختار ماضی مجهول

در ماضی مجهول، عین‌الفعل دارای کسره است و ماقبل آن هر حرف متحرکی باشد، مضموم است مثل : خُلِقَ یا اُسْتُخْدِمَ

نکته : یادتان باشد هر فعل ماضی که با حرکت ضمه شروع شود، مجهول است.

مراحل مجهول کردن فعل ماضی را می‌توان بدین ترتیب نیز بیان کرد :

عین الفعل را مکسور می‌کنیم.

قبل از عین الفعل همه حروف متحرک را ضمه می‌دهیم.

نمونه : اِستَکرَمَ ۱ اِستَکرِمَ ۲ اُستُکرِمَ

ساختار مضارع مجهول

در مضارع مجهول، عین الفعل دارای فتحه است و فقط حروف مضارعه مضموم می‌باشد مثل : یُخلَقُ یا یُسْتَخْدَمُ

مراحل مجهول کردن فعل مضارع را می‌توان بدین ترتیب نیز بیان کرد :

۱ عین الفعل را مفتوح می‌کنیم.

۲ فقط به حروف مضارعه ضمه می‌دهیم.

نمونه : یَستَکرِمُ ۱ یَستَکرَمُ ۲ یُستَکرَمُ

پس با دقت در حرکات می‌توانیم یک فعل مجهول را شناسایی کنیم یا یک فعل معلوم را تبدیل به فعلی مجهول نماییم.

همان‌طور که در مثال‌ها می‌بینید ساختار فعل مجهول در ثلاثی مزید نیز به همین ترتیب است، فقط به یاد داشته باشیم که با توجه به اینکه فعل‌های لازم، مجهول نمی‌شوند، باب‌انفعال مجهول

ندارد؛ چراکه همگی فعل‌های باب انفعال، لازم هستند.

مراحل مجهول کردن جمله

اگر بخواهیم یک جمله معلوم را به مجهول تبدیل کنیم باید به ترتیب، گام‌های زیر را برداریم :

۱ حذف فاعل جمله

دقت داشته باشید اگر در جمله معلوم، ضمایری داشتیم که به فاعل برمی‌گشت، با حذف فاعل ــ که مرجع ضمیر است ــ آنها نیز حذف می‌شوند.

۲ جایگزین کردن مفعول به جای فاعل و نتیجتاً مرفوع کردنِ مفعولِ سابق یا همان نایب فاعل (البته با توجه به اینکه دانش‌آموزان هنوز با مبحث اعراب اسم آشنا نشده‌اند، بهتر است فعلاً در مورد مرفوع شدن سخن نگوییم اما در پایه یازدهم پس از آموزش اعراب اسم، این نکات باید تکمیل گردد.)

۳ تغییر ساختار فعل با توجه به ماضی یا مضارع بودنش

۴ فعل را به لحاظ جنس با نایب فاعل متناسب می‌نماییم.

در این زمینه به نمونه زیر توجه فرمایید :

جَرَّدَ الکفّارُ السُّیوفَ.

گام اول (حذف فاعل) : جَرَّدَ السُّیوفَ

گام دوم (جایگزینی مفعول‌به و مرفوع کردن نایب فاعل) : جَرَّدَ السُّیوفُ

گام سوم (تغییر ساختار فعل) : جُرِّدَ السُّیوفُ

گام چهارم (تناسب فعل و نایب فاعل از نظر جنس) : جُرِّدَت السُّیوفُ. (نکته : از آنجا که کلمه «السیوف» جمع مکسر است، با آن معامله مفرد مؤنث می‌شود لذا فعلش به صورت جُرِّدَت می‌آید.)

ساده‌ترین نوع مجهول کردن جمله، همین مورد فوق است که هم فاعل اسم ظاهر است هم مفعول. در صورتی‌که هریک از آنها ضمیر باشد یا هردو، کمی‌سخت‌تر است مانند نمونه‌های زیر :

یَختارون مِن کلِّ عشیرةٍ رجلاً : یُختارُ مِن کلِّ عشیرةٍ رجلٌ.

أنقَذَهم اللهُ : أُنقِذُوا یُخرِجوکَ : تُخرَجُ

اما برای اینکه این کار آسان شود، یک راهکار وجود دارد :

ابتدا به ضمیری که مفعول‌به واقع شده است، نگاه کنید و صیغه آن را بیابید. به‌طور مثال در نمونه‌های فوق، در فعل «أنقذهم» ضمیر «هم» مفعول‌به است و صیغه‌اش «للغائبینَ» می‌باشد.

فعل «أنقذ» را به صیغه «للغائبینَ» می‌بریم؛ یعنی «أنقَذوا». اکنون ساختار فعل «أنقَذوا» را مجهول می‌نماییم؛ یعنی : أُنقِذُوا

یا در فعل «یُخرِجوکَ» ضمیر «کَ» مربوط به صیغه «للمخاطب» است پس فعل را به این صیغه می‌بریم که می‌شود : «تُخرِجُ» سپس این فعل را مجهول می‌نماییم و نهایتاً فعل «تُخرَجُ» حاصل می‌شود یا در فعل «یُخرِجوکِ» ضمیر «کِ» صیغه «للمخاطبة» است پس فعل در این صیغه «تُخرِجینَ» می‌شود سپس آن را مجهول می‌کنیم و «تُخرَجینَ» به دست می‌آید.

انواع نایب فاعل

با دقت در نمونه‌های فوق‌الذکر در می‌یابیم که نایب فاعل دقیقاً نظیر فاعل است یعنی می‌تواند به سه شکل در جمله بیاید :

۱ اسم ظاهر ۲ ضمیر بارز ۳ ضمیر مستتر

اما آنچه از دانش‌آموز انتظار می‌رود :

شایسته است از دانش‌آموز بخواهید در گام اول خودش سعی کند و تغییر حرکت‌های فعل مجهول را کشف کند. مثال‌های کتاب، نمونه‌های خوبی برای این امر هستند. سپس باید یاد بگیرد که طبق مراحل، یک فعل را مجهول کند و در نهایت باید بتواند یک جمله را مجهول نماید.

دانستنی‌های دبیر

در کتب نحوی دلایلی برای حذف فاعل و مجهول آمدن جمله بیان شده است که عبارت‌اند از :

۱ نامعلوم بودن فاعل مثل : «سُرِقَ الخاتمُ : انگشتر دزدیده شد.»

۲ واضح بودن فاعل مثل : «خُلِقَ الإنسانُ مِن طین : انسان از خاک آفریده شد.»

۳ عدم اهمیّت بیان فاعل مثل : «أم خُلِقوا مِن غیر شیءٍ : یا از هیچ چیز آفریده شدند.»

نکته دیگر اینکه از افعال مجهول هم امر ساخته می‌شود و ساختارش بدین شکل است که اولاً از روی مضارع مجهول ساخته می‌شود ثانیاً در هر ۱۴ صیغه بر سر فعل، لام جازمه می‌آوریم.

سومین نکته اینکه مصدر فعل معلوم با مصدر فعل مجهول یکسان است یعنی مصدر فعل کَتَبَ کلمه «کتابَة» به معنای نوشتن است و مصدر فعل کُتِبَ نیز کلمه «کتابَة» به معنای نوشته شدن است.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

در فارسی معمولاً فعل مجهول را با مشتقات «شدن» نشان می‌دهند؛ به‌طور مثال فعل «خورد» معلوم و فعل «خورده شد» مجهول است. همین امر باعث می‌شود که اکثر دانش‌آموزان گمان کنند هرگاه در ترجمه یک فعل، کلمه «شدن» داشته باشیم، آن فعل، مجهول است. این گمان، نادرست است زیرا در زبان عربی گاهی افعال لازم نیز با مشتقات «شدن» به کار می‌روند. پس از کجا بفهمیم یک فعل، مجهول است؟ با توجه به ساختار! یعنی در زبان عربی برای فعل مجهول در ماضی، مضارع ساختار خاصی وجود دارد و دانش‌آموزان با ماضی مجهول و مضارع مجهول آشنا می‌شوند. اما یک شرط کلی داریم و آن این است که فعل مجهول، حتما از فعل متعدی ساخته می‌شود.

بسیاری از دانش‌آموزان در تشخیص مضارع مجهول به این مشکل می‌خورند که هر فعل مضارعی که با ضمه شروع شود را مجهول می‌پندارند درحالی‌که در باب‌های افعال، تفعیل، مفاعله فعل مضارع با ضمه شروع می‌شود! راهکار این است که تأکید کنید که حرکت فتحه‌ای که بر روی عین‌الفعل مضارع مجهول است، بسیار مهم است پس چنانچه فعل مضارعی با ضمه شروع شد ولی عین الفعلش کسره داشت، اصلاً مجهول نیست.

تمارین

تمرین اول :

الف) جملات زیر را ترجمه کن.

ب) فعل، فاعل، نوع فاعل و مفعول‌به را مشخص کن.

ج) جملات را برای مجهول بنا کن.

۱ پیمان‌های دوستی را بینمان محکم کردیم.

فعل : أبرمنا فاعل : ضمیر بارز «نا» مفعول‌به : عهود

صورت مجهول : أُبرِمَت عهودُ الصِّداقةِ فیما بیننا.

۲ کودک، حرفه ای را یاد گرفت.

فعل : تعلّم فاعل : الصّبی (اسم ظاهر) مفعول‌به : حِرفَة

صورت مجهول : تُعُلِّمَت حرفةٌ.

۳ شب را در روز داخل می‌کند.

فعل : یولج فاعل : ضمیر هو مستتر مفعول‌به : اللیل

صورت مجهول : یُولَجُ اللّیلُ فی النّهار

۴ بر بنده اش آیاتی روشن را نازل می‌کند.

فعل : یُنَزِّل فاعل : ضمیر هو مستتر مفعول‌به : آیات

صورت مجهول : تُنَزَّلُ آیاتٌ بیّناتٌ علی عبده

تمرین دوم : کلماتی که زیر آنها خط است، اعراب کن.

ذُکِرَ : فعل مجهول اللّه : نایب فاعل وجلت : فعل معلوم قلوب : فاعل

تلِیَت : فعل مجهول آیات : نایب فاعل یتوکّلون : فعل معلوم و فاعلش ضمیر بارز واو

ضُرِبَت : فعل مجهول الذِّلّة : نایب فاعل

قالوا : فعل معلوم و فاعلش ضمیر بارز واو أطاعونا : فعل و فاعلش ضمیر بارز واو و مفعول‌به ضمیر «نا» قُتِلوا : فعل مجهول و نایب فاعلش ضمیر بارز واو

تمرین سوم : در جملات تمرین اول و دوم، کلمات معرب و مبنی را مشخص کن.

کلمات معرب :

مربوط به تمرین اول : بینَ/ عهود/ صداقة * الصّبیّ/ حرفة* یولج/ اللیل/ النّهار* ینزّل/ عبد/ آیات/ بیّنات

مربوط به تمرین دوم : المؤمنون/ الله/ قلوب* آیات/ إیماناً/ ربّ/ یتوکّلون * الذّلّة/ المسکنة * إخوان

کلمات مبنی :

مربوط به تمرین اول : أبرمنا/ فی/ ما/ نا * تعلَّمَ * فی * عَلَی/ ه

مربوط به تمرین دوم : إنّما/ الّذینَ/ إذا/ ذُکِرَ/ وجلت/ هم× و/ إذا/ تُلِیَت/ علَی/ ـهم/ ـه/ زادت/ ـهم/ و/ عَلَی/ ـهم * ضُربَت/ علَی/ ـهم/ و * الّذینَ/ قالوا/ لِـ/ ـهِم/ و/ قعدوا/ لو/ أطاعونا/ ما/ قُتِلوا

تمرین چهارم : معرفه و نکره را در جملات تمرین اول و دوم مشخص کن.

کلمات معرفه :

مربوط به تمرین اول : ما (موصول)/ بین (معرفه به اضافه)/ نا (ضمیر)/ عهود (معرفه به اضافه)/الصِّداقة (معرفه به علم) * الصّبی (علم) * اللیل (ذواللام)/ النّهار (ذواللام) * عبد (معرفه به اضافه)/ ه (ضمیر)

مربوط به تمرین دوم : المؤمنون (ذواللام)/ الّذینَ (موصول)/ الله (علم)/ قلوب(معرفه به اضافه)/ ـهم (ضمیر) * ـهم (ضمیر)/ آیات(معرفه به اضافه)/ ـه (ضمیر)/ ـهم (ضمیر)/ ربّ (معرفه به اضافه)/ ـهم (ضمیر) * ـهم (ضمیر)/ الذّلّة (ذواللام)/ المسکنة (ذواللام) * الّذینَ (موصول)/ إخوان(معرفه به اضافه)/ ـهم (ضمیر)/ نا (ضمیر)

کلمات نکره :

مربوط به تمرین اول : حرفة * آیات/ بیِّنات

مربوط به تمرین دوم : إذا * إذا/ إیماناً

تمرین پنجم : فعل‌ها و معانی آنها را در جملات تمرین دوم مشخص کن.

افعال تمرین دوم :

۱ ذُکِرَ : یاد شد وَجِلَت : به هراس افتاد

این آیه با «إذا» ساختار شرطی پیدا کرده است. در شرط می‌توانیم فعل اولی را مضارع التزامی و دومی را مضارع اخباری ترجمه کنیم هرچند ماضی باشند. نکات جملات شرطی در پایه یازدهم آموزش داده می‌شود. اما می‌توانیم در همین حد به دانش‌آموزان یاد دهیم. پس افعال در آیه فوق می‌توانند به صورت زیر ترجمه شوند :

ذُکِرَ : یاد شود وجِلَت : به هراس می‌افتد

۲ تُلِیَت : تلاوت شد زادت : افزود یتوکّلون : توکّل می‌کنند

اینجا نیز شرط داریم پس می‌توانیم افعال را به شکل زیر ترجمه نماییم :

تُلِیَت : تلاوت شود زادت : می‌افزاید

۳ ضُرِبَت : زده شده است

۴ قالوا : گفتند قعدوا : نشستند أطاعونا : از ما فرمان بردند ما قُتِلوا : کشته نشدند

در این آیه نیز با «لو» ساختار شرطی داریم اما با توجه به اینکه قبل از «لو» فعل ماضی داریم و معنا به گذشته رفته است، بهتر است افعال را این گونه ترجمه کنیم :

أطوعانا : اطاعت می‌کردند ما را ما قُتِلوا : کشته نمی‌شدند

گفت‌وگو (در داروخانه)

حاجی : ببخشید، نسخه ندارم و این داروهای نوشته شده بر ورقه را می‌خواهم.

داروخانه دار : ورقه را به من بده : دماسنج، قرص‌های تسکین دهنده سردرد، قرص‌های آرام‌بخش، کپسول آمپیسیلین، پنبه پزشکی، پمادی برای حساسیت پوست . . . مشکلی نیست امّا آمپیسیلین را به تو نمی‌دهم.

حاجی : چرا نمی‌دهی؟

داروخانه دار : زیرا فروش آن بدون نسخه جایز نیست.

حاجی : خیلی ممنون جناب داروخانه دار!

داروخانه دار : این داروها را برای چه کسی می‌خری؟

حاجی : برای دوستانم (همسفرانم) در کاروان می‌خرم.

داروخانه دار : شفا از جانب خداوند است.

اَلدَّرْسُ الْحادِيَ عَشَر



﴿وَ هوَ الَّـذي أَنْـزَلَ مِـنَ الـسَّـمـاءِ مـاءً فَـأَخْـرَجْـنـا بِـهِ نَـبـاتَ كُـلِّ شَـيْءٍ﴾ الأنعام : ٩٩

و او کسی است که آبی را از آسمان فرو فرستاد و گیاه و هر چیزی را با آن بیرون ساختیم.

درس یازدهم

هدف کلی : دانش‌آموز جمله اسمیه و ارکان آن را بیاموزد.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز نقش کلمات را در جمله اسمیه یاد بگیرد.
۲ دانش‌آموز با انواع خبر آشنا شود.
۳ دانش‌آموز رابطه اسنادی را بیاموزد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ تفاوت جمله اسمیه و فعلیه را درک کند.
۲ بتواند نقش کلمات را در جمله اسمیه تشخیص دهد.
۳ مبتدا، خبر را در جمله شناسایی کرده، بیابد.
۴ اقسام خبر را بشناسد و تشخیص دهد.
۵ رابطه اسنادی را درک کند.
۶ مسند و مسندالیه را پیدا کند و در تشخیص خبر، از این مفهوم کمک بگیرد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه درس یازدهم

تا اینجا دانش‌آموزان با جملات فعلیه آشنا شده‌اند. مطلوب است که هنگام ترجمه، دانش‌آموزان را به جملات فعلیه توجه دهید و ارکانی که آموخته‌اند را از آنان بپرسید. پس از تدریس قواعد نیز لازم است به متن برگردید و جملات اسمیه ای که فاقد نواسخ هستند را بررسی نمایید و شناخت مبتدا و خبر را از دانش‌آموزان مطالبه کنید.

در بخش واژگان، دانش‌آموزان را به مفرد و جمع کلمات، توجه دهید :

أُسلوب جمعش أسالیب (این کلمه را مورد تأکید قرار دهید زیرا ظاهر کلمه «أُسلوب» به گونه ای است که بسیاری از دانش‌آموزان به خطا آن را جمع می‌پندارند.) / أَلَم جمعش آلام / إناء جمعش آناء / بلد جمعش بُلدان یا بلاد/ حریقة جمعش حَرائق/ سَدّ جمعش سُدود/ عاصفة جمعش عَواصِف است.

و از آب، هر چیز زنده‌ای را قرار دادیم

با اینکه آب، هفتاد درصد از سطح کره زمین را می‌پوشاند ولی بیشتر کشورهای جهان از بحران آب رنج می‌برند؛ از جمله آنها، ایران است. پس آن، در منطقه‌ای گرم و خشک از کره زمین قرار دارد. پس بیش از هشتاد درصد از مساحتش خشک است و اسبابی وجود دارد که منجر به ایجاد این بحران در جهان می‌شود؛ از جمله آنها استفاده نادرست از آب‌ها در زمینه زراعت و صنعت و خانه‌هاست و از جمله، زیاد شدن جمعیت در جهان.

امروزه کشور ما با بحرانی شدید در کمبود آب مواجه است درحالی که روز به روز افزایش می‌یابد. پس بیشتر باغ‌ها و مزارع متروکه شدند و بسیاری از چشمه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌ها خشک شده‌اند. پس این خشکسالی باعث طوفان‌های ریزگرد شده اند و متاسفانه ایران از کشورهایی است که از این بحران رنج می‌برد.

پس بر حکومت واجب است اقدامات لازم برای درمان این مشکل را اتّخاذ کند وگرنه به زودی کشورمان با مهاجرت ساکنین صدها روستا و ده‌ها شهر مواجه خواهد شد و کشورمان به زودی با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد.

آلودگی هوا در شهرهای بزرگ و زیاد شدن درجه گرمای هوا باعث کم شدن بارش باران‌ها و برف‌ها شده است و منجر به آسیب زدن به محیط‌زیست شده است. بعضی معتقدند که این خشکسالی عامل اصلی در بعضی آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های کشورها است.

سدها با پایین آمدن زیاد آب روبه‌رو هستند و آن، سبب پایین آمدن تولید برق در کشورها شده است. قطعاً ناآگاهی مردم از مشکلات خشکسالی و نادانی‌شان نسبت به شیوه‌های صحیح استفاده از آب، سبب بالا رفتن مصرف آب‌ها شده است. پس بر ما واجب است که از آب با روشی صحیح استفاده نماییم و از روش‌های جدید در زمینه کشاورزی کمک بگیریم زیرا هشتاد درصد از آب‌های کشورها در کشاورزی به‌کار گرفته می‌شود.

از جمله روش‌هایی که ما را در حلّ مشکل خشکسالی یاری می‌رساند :

شستن ماشین‌ها با یک سطل کوچک و پارچه کهنه و عدم هدر دادن آب هنگام حمام کردن و شستن لباس‌ها و ظرف‌ها و فرش‌ها و همچنین هنگام وضو و شستن دندان‌ها و صورت و دو دست. پس اگر هریک از ما یک لیوان آب در یک روز صرفه‌جویی کنیم، تقریباً بیست میلیون لیتر آب ذخیره خواهیم کرد.

«او کسی است که از آسمان، آبی را برای شما نازل کرد که بخشی ازآن، نوشیدنی است و بخشی از آن، درخت»

حل تمارین ناظر به متن

صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کنید :

۱ بالا رفتن آب‌ها پشت سدها باعث پایین آمدن تولید برق در کشورهاست. (نادرست)

۲ بعضی معتقدند که خشکسالی، عامل اصلی در بعضی آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌هاست. (درست)

۳ خشکسالی کمتر از پانزده درصد از مساحت ایران را می‌پوشاند. (نادرست)

۴ امروزه ایران با بحران آب مواجه است درحالی که روز به روز زیاد می‌شود. (درست)

۵ آب، سی و پنج درصد از سطح زمین را می‌پوشاند. (درست)

موضوعات درس یازدهم

۱ ساختار جمله اسمیه ۲ تعریف اسناد ۳ اقسام خبر

مقدمه

در دروس قبلی گفتیم که علم نحو، نقشه جمله‌سازی و جایابی کلمات در جمله برای دریافت ساختار و معنای صحیح است. در دروس هشت و نه و ده با جمله فعلیه و برخی متعلقاتش آشنا شدیم؛ اکنون می‌خواهیم در این دو درس با جمله اسمیه و ارکانش آشنا شویم. در واقع این درس، آخرین حلقه معرفی اجزای اصلی جمله است. بدین ترتیب دانش‌آموز بهتر می‌تواند معنای جمله را بفهمد و برای رویارویی با جملات طولانی‌تر و نیز یادگیری قواعد نحوی پیشرفته‌تر در پایه یازدهم آماده می‌شود.

مرور مفاهیم اصلی درس

جمله اسمیه

جمله اسمیه جمله‌ای است که دارای دو رکن مبتدا و خبر است. مبتدا و خبر در زبان عربی تقریباً معادل نهاد و گزاره در فارسی است. نهاد و گزاره را مرور کنیم :

در جمله «علی از مدرسه برگشت.» کلمه «علی» نهاد و «از مدرسه برگشت» گزاره است. معادل

عربی این جمله، «علیٌّ رَجَعَ مِن المدرسةِ» است. در این جمله «علیّ» مبتدا و «رجع من المدرسة» خبر است. در دروس قبلی گفتیم در زبان عربی هرگز فاعل، قبل از فعل واقع نمی‌شود لذا در این جمله نباید «علی» را فاعل بگیریم بلکه فاعل «هو» مستتر است و نقش «علی» مبتداست اما در جمله « رَجَعَ علیٌّ مِن المدرسةِ» نقش «علیّ» فاعل است. به جمله‌ای که دارای ارکان مبتدا و خبر است، جمله اسمیه و جمله‌ای که دارای ارکان فعل و فاعل یا نایب فاعل است، جمله فعلیه می‌گویند.

اقسام خبر

آنچه از مبتدا، خبر می‌دهد یا به عبارتی همان گزاره، به چند شکل می‌تواند بیاید :

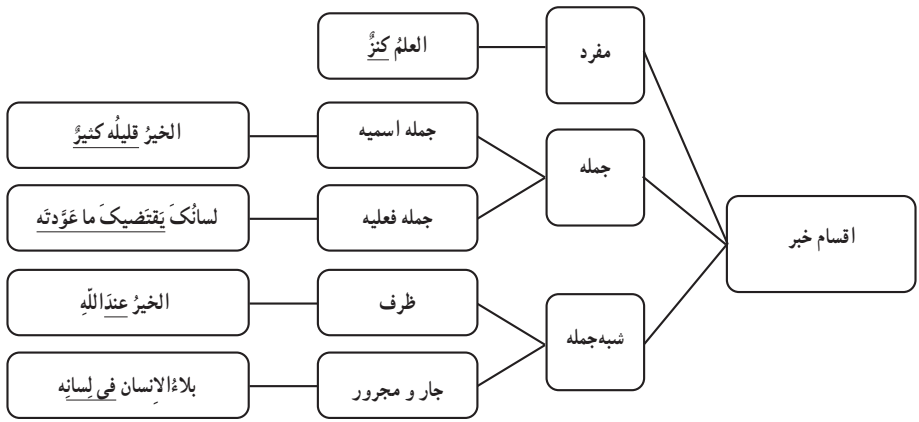

هرکدام از این اقسام، توضیحاتی دارند.

خبر مفرد

هرگاه یک اسم به تنهایی خبر بدهد، خبر مفرد به حساب می‌آید. دانش‌آموزان در زبان فارسی «مسند» را می‌شناسند؛ خبر مفرد تقریباً معادل «مسند» در زبان فارسی است. در زبان فارسی هرگاه در جمله، یکی از پنج فعل «است، بود، گشت، گردید، شد» داشته باشیم، «مسند» هم خواهیم داشت مثلاً در جمله «دانش گنج است.» کلمه «دانش» نهاد، «گنج است» گزاره و «گنج» مسند است. در عباراتی که مسند وجود دارد، نهاد، مسندالیه هم می‌شود. مسندالیه یعنی آنچه که چیزی به آن نسبت داده شده است. «گنج بودن» به «علم» نسبت داده شده است؛ به چنین رابطه‌ای، رابطه اسنادی گفته می‌شود که دارای دو رکن مسندالیه و مسند است. علم، مسندالیه و گنج، مسند است. در زبان عربی هرگاه نوع خبر، مفرد باشد، این رابطه اسنادی را خواهیم داشت و شناختن مسند و مسندالیه به ما

کمک می‌کند تا مبتدا و خبر را بشناسیم. مسندالیه یا نهاد همان مبتدا و مسند، همان خبر است. در جمله «العلمُ کنزٌ» کلمه «العلم» مبتدا و کلمه «کنز» خبر مفرد است. در جمله «اللّسانُ سَبُعٌ : زبان، حیوانی درنده است». کلمه «اللّسان» مبتدا و «سبُعٌ» خبر مفرد است.

خبر جمله فعلیه

هرگاه یک فعل، خبر بدهد، خبر جمله فعلیه داریم زیرا به هرحال هر فعلی خودش یک جمله فعلیه به شمار می‌رود. به جمله «لسانُکَ یَقتَضیکَ ما عَوَّدتَه : زبان تو از تو چیزی را می‌خواهد که بدان عادتش داده‌ای» نگاه کنید. در این جمله «لسان» اسم اول جمله و مبتداست و «یَقتَضیکَ ما عَوَّدتَه» از آن، خبر می‌دهد. «یقتضیک» فعل و فاعلش ضمیر هو مستتر است. از آنجا که «یَقتَضیکَ ما عَوَّدتَه» خود دارای ساختار فعل و فاعل است، جمله فعلیه به شمار می‌آید و نوع خبر، جمله فعلیه است. خوب است به این سؤال پاسخ دهیم که در جمله مذکور، چند جمله اسمیه و فعلیه وجود دارد؟ کل جمله «لسانُکَ یَقتَضیکَ ما عَوَّدتَه» یک جمله اسمیه، «یقتضیک» یک جمله فعلیه و «عوَّدته» یک جمله فعلیه دیگر است؛ پس دارای سه جمله هستیم که یکی اسمیه و دوتا فعلیه می‌باشند. از این موضوع در می‌یابیم که امکان دارد در دل یک جمله اسمیه، جملات دیگری هم وجود داشته باشد.

درصورتی‌که خبر جمله فعلیه شامل افعالی با معانی «است، بود، گشت، گردید، شد» باشد، در اینجا نیز شاهد رابطه اسنادی خواهیم بود به‌طور مثال در جمله «الجوُّ یَبرُدُ فی مدینتِنا : هوا در شهر ما سرد می‌شود». کلمه «الجوُّ» اسم ابتدای جمله و مبتداست، «یبرُدُ» خبر جمله فعلیه یا همان مسند است و «الجوّ» مسندالیه خواهد بود. به عبارتی «سرد شدن» به «هوا» اسناد داده شده است. اما در عبارت «لسانُکَ یَقتَضیکَ ما عَوَّدتَه» رابطه اسنادی وجود ندارد.

خبر جمله اسمیه

گفتیم جمله اسمیه جمله‌ای است که دارای ساختار مبتدا و خبری است؛ چنانچه خبر به نحوی باشد که خودش دارای مبتدا و خبرِ دیگری باشد، نوع خبر، جمله اسمیه است. به جمله «الخیرُ قلیلُه کثیرٌ : نیکی، اندکش زیاد است.» توجه نمایید. در این جمله کلمه «الخیرُ» مبتداست و کل جمله « قلیلُه کثیرٌ» از آن خبر می‌دهد. اما خود « قلیلُه کثیرٌ» یک جمله اسمیه است زیرا در آن، «قلیلُ» مبتدا و «کثیرٌ» خبر مفرد است؛ پس خودِ خبر شامل یک مبتدا و خبر دیگر است؛ زیرا جمله

اسمیه است. لذا در جمله «الخیرُ قلیلُه کثیرٌ» دو تا جمله اسمیه نهفته است که اعرابش به این شکل خواهد بود :

الخیرُ : مبتدا	قلیله کثیر : خبر از نوع جمله اسمیه
قلیلٌ : مبتدا	کثیرٌ : خبر از نوع مفرد

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید :

■ الظُّلمُ مَرتَعُه وخیمٌ : ستمگری خاستگاهش زیان‌بار است.

الظُّلمُ : مبتدا	مرتعُه وخیمٌ : خبر از نوع جمله اسمیه
مرتعُ : مبتدا	وخیمٌ : خبر از نوع مفرد

■ الکسلُ عاقبتُه وخیمة : تنبلی سرانجامش زیان‌بار است.

الکسلُ : مبتدا	عاقبتُه وخیمة : خبر از نوع جمله اسمیه
عاقبةُ : مبتدا	وخیمةٌ : خبر از نوع مفرد

خبر شبه‌جمله

خبر شبه جمله بر دو قسم است : ظرف یا جار و مجرور

در درس هفتم با ظرف و در درس نهم با جار و مجرور آشنا شدیم. یادآوری می‌نماییم که ظرف اسمی‌است که دلالت بر زمان یا مکان وقوع فعل می‌کند، جار و مجرور هم ترکیب برخی از حروف با یک اسم است. حال چنانچه کلمه‌ای که از مبتدا، خبر می‌دهد، ظرف یا جار و مجرور باشد، خبر از نوع شبه جمله خواهد بود؛ به‌طور مثال در عبارت «بلاءُ الإنسانِ فی لسانِه : گرفتاری انسان در زبان اوست» کلمه «بلاء» مبتدا و «فی لسان» که یک ساختار جار و مجروری است، خبر است. در عبارت «الخیرُ عندَ اللهِ : خیر در نزد خداوند است» نیز کلمه «الخیرُ» مبتدا و «عند» که ظرف است، خبر می‌باشد. در این دو حالت نوع خبر، شبه جمله است. خبر شبه جمله نیز یک رابطه اسنادی را نشان می‌دهد.

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

۱ بسیاری از دانش‌آموزان کلمه مفرد را در انواع خبر به درستی نمی‌فهمند و گمان می‌کنند

غرض از مفرد این است که مثنی و جمع نباشد. حتما باید تأکید کنیم که در اینجا «مفرد» در مقابل «مثنی و جمع» نیست بلکه در مقابل «جمله» است؛ به عبارتی خبر مفرد یعنی این‌که یک تک اسم ــ اعمّ از این‌که مفرد، مثنی یا جمع باشد ــ خبر بدهد.

۲ در تشخیص خبر جمله اسمیه بسیاری از دانش‌آموزان به مشکل می‌خورند و به‌طور مثال در عبارت «الخیرُ قلیلُه کثیرٌ» فکر می‌کنند کلمه «قلیل» خبر از نوع مفرد است. راهکار حل این مشکل بیان این نکته است : با توجه به نمونه‌هایی که برای جمله اسمیه مطرح کردیم، در می‌یابیم که وقتی خبر از نوع جمله اسمیه باشد، غالباً در درون خود، ضمیری دارد که به مبتدای اولی برمی‌گردد؛ در عبارت «الخیرُ قلیلُه کثیرٌ» ضمیر «ـه» در «قلیله» به «الخیر» برمی‌گردد، در «الظُّلمُ مَرتَعُه وخیمٌ» ضمیر «ـه» در «مرتعه» به «الظّلم» برمی‌گردد و در «الکسلُ عاقبتُه وخیمة» ضمیر «ـه» در «عاقبته» به «الکسل» برمی‌گردد. این راهکار در اکثر موارد برای دانش‌آموزان راهگشاست.

دانستنی‌های دبیر

۱ خبر مفرد اگر مشتق باشد باید در جنس و تعداد با مبتدا مطابقت داشته باشد و اگر جامد باشد، تبعیت لازم نیست.

۲ گاهی برای یک مبتدا چند خبر ذکر می‌شود یعنی امکان دارد که یک مبتدا، چند خبر داشته باشد مثل : «أنت عالمٌ ذکیٌّ مؤمنٌ». در این جمله «أنت» مبتدا و «عالم» خبر اول، «ذکیّ» خبر دوم و «مؤمن» خبر سوم است.

۳ اصل بر این است که مبتدا، معرفه و خبر نکره باشد اما گاهی این اصل، نقض هم می‌شود. در این مواضع می‌توان مبتدا را به صورت نکره بکار برد :

الف) زمانی که اسم نکره، موصوف یا مضاف واقع شود.

ب) زمانی که خبر شبه جمله داشته باشیم. در این صورت حتماً خبر مقدم بر مبتدا می‌شود.

ج) زمانی که مبتدا بعد از حرف نفی یا استفهام واقع شود.

د) بعد از «اذا» فجائیه

هـ) زمانی که مبتدای نکره برای دعا به‌کار رود.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه و سپس نوع خبر را مشخص کن.

۱ نهایت خوبی‌ها، دانش است.

غایةُ : مبتدا الفضائلِ : مضاف الیه العلمُ : خبر مفرد

۲ دانش، ریشه هر خیری است.

العلمُ : مبتدا أصلُ : خبر مفرد کلِّ : مضاف الیه خیرٍ : مضاف الیه

۳ طولانی شدن قنوت و سجده، از عذاب آتش نجات می‌دهد.

طول : مبتدا القنوت : مضاف الیه السّجود : معطوف (وقتی حرف واو میان دو اسم بیاید، غالباً حرف عطف است و کلمه بعدی معطوف به شمار می‌آید. اما با توجه به این‌که این مبحث هنوز تدریس نشده است، نباید مورد سؤال باشد فقط می‌توان با بیان گذرای این مطالب، ذهن دانش‌آموز را برای آینده، آماده نمود).

یُنجی من عذاب النّار : خبر از نوع جمله فعلیه (اکنون تک تک اجزای خبر را که خود، یک جمله است، اعراب می‌نماییم). یُنجی : فعل و فاعلش هو مستتر مِن عذاب : جار و مجرور

النّار : مضاف‌الیه

۴ شادی مومن در اطاعت از پروردگارش است.

سرورُ : مبتدا المؤمنِ : مضاف الیه بطاعةِ : خبر از نوع شبه جمله، جار و مجرور

ربِّ : مضاف الیه ـه :مضاف‌الیه

۵ زکات بدن، جهاد کردن و روزه داری است.

زکاةُ : مبتدا البدن : مضاف الیه الجهاد : خبر مفرد الصِّیام : معطوف

۶ روزه بدن، دست کشیدن از خوراکی‌هاست.

صومُ : مبتدا الجسد : مضاف الیه الإمساک : خبر مفرد عن الأغذیة : خبر مفرد

۷ فرمان‌برداری (بندگی) خشم پروردگار را خاموش می‌کند.

الطّاعة : مبتدا تُطفئُ غضب الرّبِّ : خبر از نوع جمله فعلیه تُطفئُ : فعل و فاعلش هی مستتر

غضبَ : مفعول به الرّبِّ : مضاف الیه

۸ عاقل کسی است که کارهاش، گفته‌هایش را تأیید کند.

العاقل : مبتدا مَن : خبر مفرد صدَّقَ أقوالَه أفعالُه : جمله صله صدَّقَ : فعل أقوالَ : مفعول‌به ـه : مضاف الیه أفعالُ : فاعل ـه : مضاف الیه

۹ بهترین گفتار، چیزی است که کردار نیک آن را تأیید کند.

أحسنُ : مبتدا المَقال : مضاف الیه ما : خبر مفرد صدَّقَه الفَعالُ : جمله صله صدَّقَ : فعل ـه : مفعول‌به الفَعالُ : فاعل

۱۰ بدترین گفتار، چیزی است که بعضی از آن، بعضی دیگر را نقض کند.

شرُّ : مبتدا القول : مضاف الیه ما : خبر مفرد نقَضَ بعضُه بعضاً : جمله صله نقضَ : فعل بعضُ : فاعل ـه : مضاف الیه بعضاً : مفعول‌به

تمرین دوم : جملات زیر را ترجمه کن سپس اعرب‌گذاری و نوع خبر را مشخص کن.

۱ مؤمن روشش میانه روی است.

المؤمن : مبتدا سیرتُه القصدُ : خبر از نوع جمله اسمیه (اکنون تک تک اجزای این جمله اسمیه را اعراب می‌نماییم). سیرةُ : مبتدا ـه : مضاف الیه القصدُ :خبرمفرد

۲ بزرگترین بلا قطع شدن امید است.

أعظمُ : مبتدا البلاءِ : مضاف الیه انقطاعُ : خبر مفرد الرَّجاء : مضاف الیه

۳ اندکیِ دین بهتر از بسیاریِ دنیاست.

یسیرُ : مبتدا الدّین : مضاف الیه خیرٌ : خبر مفرد مِن کثیرِ : جار و مجرور الدّنیا : مضاف الیه

۴ مؤمن، کم لغزش و پر کار است.

المؤمنُ : مبتدا قلیلُ : خبر مفرد الزَّلَلِ : مضاف الیه کثیرُ : خبر مفرد دوم (دقت داشته باشید امکان دارد یک مبتدا دارای دو یا چند خبر مفرد باشد. چنانچه حرف عطف میان آنها نیاید، همگی خبر هستند نظیر جمله مذکور) العملِ : مضاف‌الیه

۵ مؤمن، دنیا محل ریاضت اوست.

مؤمن : مبتدا الدُّنیا مِضمارُه : خبر از نوع جمله اسمیه الدُّنیا : مبتدا مضمارُ : خبر مفرد ـه : مضاف الیه

تمرین سوم : معرب و مبنی را در جملات تمرین اول مشخص کن.

معرب‌ها :

در تمرین اول : غایة / الفضائل/ العلم * العلم / أصل/ کلّ/ خیر* طول/ القنوت/ السّجود/ یُنجی/ عذاب/ النّار* سرور/ المؤمن/ طاعة/ ربّ * زکاة/ البدن/ الجهاد/ الصّیام * صوم/ الجسد/ الإمساک/ الأغذیة * الطّاعة/ تطفئ/ غضب/ الرّبّ * العاقل/ أقوال/ أفعال * أحسن/ المقال/ الفعال * شرّ/ القول/ بعض/ بعضاً

مبنی‌ها :

در تمرین اول : و/ مِن * بِـ/ ـه * و * عن * مَن/ صدّقَ/ ـه/ ـه * ما/ صدّق/ ـه × ما/ نقض/ ـه

تمرین چهارم : معرفه و نکره را در جملات تمرین دوم مشخص کن.

معرفه‌ها :

المؤمن : ذواللام/ سیرة : معرفه به اضافه/ ـه : ضمیر/ القصد : ذواللام * أعظم : معرفه به اضافه / البلاء : ذواللام/ انقطاع : معرفه به اضافه / الرّجاء : ذواللام * یسیر : معرفه به اضافه / الدین : ذواللام/ کثیر : معرفه به اضافه / الدنیا : ذواللام * المؤمن : ذواللام/ قلیل : معرفه به اضافه / الزّلل : ذواللام/ کثیر : معرفه به اضافه / العمل : ذواللام * المؤمن : ذواللام/ الدنیا : ذواللام/ مضمار : معرفه به اضافه / ـه : ضمیر

نکره‌ها :

خیرٌ

تمرین پنجم : افعال و مصادر مزید و معانی آنها را در جملات تمرین اول و دوم مشخص کن.

تمرین اول : یُنجی : فعل مضارع باب افعال (نجات می‌دهد = تعدیه) * الجِهاد : مصدر دوم باب مفاعلة (جهاد کردن = مشارکت) / الصّیام : مصدر دوم باب مفاعلة (روزه گرفتن = فاقد معنای غالبی) * الإمساک : مصدر باب افعال (دست کشیدن : فاقد معنای تعدیه[1]) * تُطفئُ : فعل مضارع باب افعال (خاموش می‌کند = تعدیه) * صدَّقَ : فعل ماضی باب تفعیل (تأیید کرد= تعدیه)

تمرین دوم : انقطاع : مصدر باب انفعال (بریده شدن = مطاوعه)

۱ــ یادمان باشد در باب‌ها معانی غالبی بررسی شد؛ یعنی معانی که پرکاربرد هستند اما ممکن است فعلی در ابواب ثلاثی مزید باشد ولی دارای آن معنای غالب نباشد مثل کلمه «امساک» که لازم است و همواره با حرف جر کاربرد دارد.

گفت‌وگو (در بازار)

زائر : قیمت این پیراهن چند است؟

فروشنده لباس‌ها : سی ریال.

زائر : ارزان‌تر از این می‌خواهم. این گران است.

فروشنده لباس‌ها : ده ریالی هم داریم. بفرما ببین!

زائر : چه رنگ‌هایی دارید؟

فروشنده لباس‌ها : سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش داریم.

زائر : این لباس‌های زنانه چند است؟

فروشنده لباس‌ها : قیمت‌ها از ۱۸ ریال شروع می‌شود تا ۳۵ ریال.

زائر : قیمت‌ها گران است!

فروشنده لباس‌ها : خانم! قیمت براساس نوع متفاوت است.

زائر : این شلوارها چند است؟

فروشنده لباس‌ها : شلوار مردانه ۵۰ ریال و شلوار زنانه ۴۰ ریال!

زائر : شلوارهای بهتری می‌خواهم.

فروشنده لباس‌ها : بهتر ندارم! آن، مغازه همکارم است شلوارهای بهتری دارد.

«زائر شلوارها و لباس‌های زنانه مناسب برای خانواده اش را جست‌وجو می‌کند.»

زائر : این لباس‌ها را می‌خواهم : دو پیراهن و سه بلوز زنانه و دو شلوار. تخفیف می‌خواهم.

فروشنده لباس‌ها : به روی چشم خانم! مبلغ صد و هفتاد ریال شد، صد و شصت ریال بپرداز.

زائر : ممنون برادرم! در پناه خدا!

فروشنده لباس‌ها :در پناه خدا به سلامت!

اَلدَّرْسُ الثّانی عَشَر



﴿یا أیُّها النّاسُ إنَّ وَعْدَ اللهِ حقٌّ فَلا تَغُرَّنَّکمُ[1] الحیاةُ الدُّنیا و لا یَغُرَّنَّکم باللهِ الغَرورُ﴾ فاطر : ٥

ای مردم وعدهٔ خداوند حق است پس مبادا که حیات دنیا شما را فریب دهد و مبادا که شیطان شما را نسبت به خداوند فریب دهد.

۱ــ حرف «نَّ» در دو فعل «تغرَّنَّکم» و «یَغُرَّنَّکم» برای تأکید به‌کار می‌رود و نون تأکید نام دارد. تشخیص صیغهٔ این نوع از افعال از اهداف آموزشی کتاب درسی نمی‌باشد.

درس دوازدهم

هدف کلی : دانش‌آموز با جایگاه مبتدا و خبر در جمله آشنا شود.
اهداف جزئی :

۱ دانش‌آموز مواضع تقدیم خبر را بیاموزد.
۲ دانش‌آموز مواضع حذف مبتدا یا خبر را یاد بگیرد.

انتظارات عملکردی

در پایان این درس انتظار می‌رود دانش‌آموز :

۱ بداند که تقدم خبر بر مبتدا امری غیرممکن نیست.
۲ با موضع تقدیم خبر آشنا باشد.
۳ بداند امکان حذف مبتدا یا خبر وجود داشد.
۴ قرینه‌های حذف مبتدا یا خبر را تشخیص دهد.

پیشنهادات آموزشی برای دبیر در ترجمه متن درس دوازدهم

تاکنون دانش‌آموزان با چندین مبحث صرفی و نحوی آشنا شده‌اند. شایسته است هنگام ترجمه درس پایانی به قواعدی که تاکنون خوانده اند، توجه شود تا دانش‌آموز بداند همه آنچه آموخته، باید در خدمت فهم بهتر متن قرار گیرد. به موضوع انواع جمله و انواع خبر که در دروس اخیر آموزش داده شد، توجه بیشتری شود.

مناجات و دعا

مناجات شعبانیه

خدایا!

گویا من با جانم در برابرت ایستاده‌ام درحالی‌که حسن اعتمادم به تو بر آن سایه افکنده است پس آنچه را تو شایسته آنی، فرمودی و با عفوت مرا پوشاندی (دربر گرفتی)!

جود تو آرزوی مرا گستراند و عفو تو از عمل من برتر است!

در روزهای حیاتم نیکی تو پیوسته بر من (جاری) است پس نیکی‌ات بر من را در مرگم قطع نکن!

گناهانی را در دنیا از من پوشانده‌ای درحالی‌که به پوشاندن آنها بر من در آخرت محتاج ترم!

عذرخواهی من به سوی تو عذرخواهی کسی است که از پذیرش عذرش بی‌نیاز نشده است، پس عذرم را بپذیر ای کریم‌ترین کسی که بدکاران به سوی او عذرخواهی می‌آورند!

من بنده تو و پسر بنده تو هستم، روبه‌روی تو ایستاده‌ام! با کرمت به تو متوسل شده‌ام!

پس ستایش، همیشه و دائماً و جاویدان برای توست...

من بنده ناتوان و گناهکار توام و بنده توبه کننده‌ام پس مرا از کسانی قرار نده که رویت را از وی برگردانده‌ای و خطایش او را از بخشش تو مانع شده است!

دعای ابوحمزه ثمالی

خدایا اگر مرا در آتش وارد کنی در آن (کار) شادی دشمن توست و اگر مرا وارد بهشت کنی، در آن، شادی پیامبر توست و من می‌دانم که به خدا قسمت شادی پیامبر تو برای من محبوب‌تر از شادی دشمنت است!

پروردگارا! بی‌گمان آرزویی طولانی و زیاد به تو داریم و امیدی بزرگ در تو داریم! پس ای مولای ما! امیدمان را محقّق گردان؛ پس بر ما منت بگذار با آنچه تو شایسته آنی...

ارزش اعمال ا در کنار نعمت‌های تو چیست؟ چگونه اعمالی را زیاد بشماریم که به‌وسیله آنها با کرمت روبه‌رو شویم؟»

موضوعات درس دوازدهم

۱ جایگاه مبتدا و خبر ۲ تقدیم خبر بر مبتدا ۳ حذف مبتدا و خبر

مقدمه

در دروس گذشته برخی از اجزای جملات اسمیه و فعلیه را معرفی کردیم و درباره هریک، جایگاهشان در جمله را بیان نمودیم؛ به‌طور مثال گفتیم جایگاه فاعل و نایب فاعل در جملات، بعد از فعل است یا جایگاه مفعول‌به می‌تواند بعد از فعل و فاعل یا میان فعل و فاعل یا مقدم بر فعل و فاعل باشد. اکنون که دانش‌آموز با اجزا و ارکان جملات اسمیه نیز آشنا شده، مطلوب است که بداند جایگاه مبتدا و خبر در این جملات، کجاست؟

مرور مفاهیم اصلی درس

جایگاه مبتدا و خبر

اصل بر این است که مبتدا مقدم و خبر بعد از آن و مؤخر بیاید اما این اصل، قابل نقض شدن است و ممکن است گاهی خبر بر مبتدا مقدم شود. به عبارات زیر که از متن درس برگرفته ایم، توجه کنید :

- «النّومُ علی دُبُرِ المزابلِ یسیرٌ مع سلامةِ الدّینِ»

در این جمله «النّوم» مبتدا و «یسیرٌ» خبر مفرد است. مبتدا بر خبر مقدم شده است.

- «ما الهاویَةُ؟»

در این جمله «الهاویة» مبتدا و «ما» خبر مفرد است. خبر بر مبتدا مقدم شده است.

پس گاهی خبر می‌تواند بر مبتدا مقدم شود.

حذف مبتدا و خبر

آیا این امکان وجود دارد که در یک جمله، مبتدا یا خبر حذف شوند؟ بله، به‌طور خاص در محاوره بسیار پرکاربرد است. چنانچه قرینه‌ای برای تشخیص مبتدا یا خبر، وجود داشته باشد که با حذف هریک از آنها، جمله مبهم و گنگ نشود، حذف هریک از آن دو جایز است؛ مثلاً اگر کسی از ما بپرسد «کیف حالُک؟» در پاسخ می‌گوییم : «بخیرٍ». همین «بخیرٍ» یک جمله اسمیه کامل است.

در اصل «حالی بخیرٍ» بوده است که «حال» مبتدا و «بخیرٍ» خبر شبه جمله است اما با توجه به سؤالی که پرسیده شده بود، می‌توانیم کلمه «حال» یا همان مبتدا را حذف کنیم. در واقع، سؤال یک قرینه به حساب می‌آید. قرینه می‌تواند موقعیت یا جایگاه خاصی باشد؛ مثلاً در ابتدای یک درس، شماره آن بیان می‌شود : «الدَّرسُ الأوّلُ» در این عبارت «الدّرسُ» خبر مفرد و «الأوّلُ» صفتش است اما مبتدا به دلیل موقعیت خاص حذف شده است؛ در واقع «هذا الدّرسُ الأوّلُ» بوده است و «هذا» که مبتداست به دلیل قرینه موقعیت، حذف شده است.

حذف خبر نیز به همین ترتیب است و با وجود قرینه، جایز است؛ مثل زمانی که کسی از ما می‌پرسد : «من عندکَ» و ما در پاسخ می‌گوییم : «علیٌّ» در این عبارت نیز خبر به دلیل قرینه سؤال، حذف شده است و در اصل «علیٌّ عندی» بوده است.

دانستنی‌های دبیر

کفایت می‌کند که دانش‌آموز در همین حد بداند که تقدم خبر بر مبتدا امری ممکن است اما دبیر گران‌قدر بهتر است با برخی از مواضع تقدم خبر که پرکاربرد هستند، آشنا باشد.

تقدم وجوبی خبر بر مبتدا

۱ هرگاه خبر، شبه جمله (ظرف یا جار و مجرور) باشد و در عین حال، مبتدا نکره محض[۱] باشد؛ نظیر : «عندی کتابٌ» در این جمله «عند» خبر مقدم از نوع شبه جمله و «کتابٌ» مبتدای مؤخری است که نکره می‌باشد؛ لذا تقدم خبر وجوبی است و «کتابٌ عندی» جمله نادرستی خواهد بود. اما چنانچه مبتدا معرفه باشد، تقدم خبر، جوازی خواهد بود؛ نظیر «للّٰهِ الحمدُ» که «للّٰه » خبر شبه جمله و «الحمد» مبتدای معرفه است لذا این جمله می‌تواند به صورت «الحمدُ للّٰهِ» نیز بیاید.

۲ هرگاه خبر، کلمه‌ای باشد که در ادبیات عرب، صدارت طلب است؛ نظیر ادوات استفهام. در عبارت «ما حالُکم؟» نوع «ما» استفهامیه است و صدارت طلب! «ما» خبر مقدم و «حال» مبتدای مؤخر است و تقدم خبر، وجوبی است زیرا اسم استفهام ــ که صدارت طلب است ــ خبر واقع شده است.[۲]

۱ــ یعنی موصوف یا مضاف نباشد.

۲ــ این مبحث بسیار گسترده است که برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتب نحوی نظیر مبادی العربیه یا آموزش نحو آقای عبدالرسول کشفی مراجعه نمایید.

۳ هرگاه مبتدا دارای ضمیری باشد که به خبر بازمی‌گردد، تقدم خبر وجوبی است.

۴ چنانچه مبتدا با «إلاّ» یا «إنّما» محصور شده باشد، تقدم خبر وجوبی است.

تقدم وجوبی مبتدا

اصل بر این است که مبتدا مقدم باشد اما گفتیم امکان جابه‌جایی مبتدا با خبر وجود دارد. در برخی مواضع، تقدم مبتدا وجوبی است و نباید خبر مقدم شود :

۱ چنانچه مبتدا یکی از اسامی‌صدارت طلب باشد، نباید خبر بر آن مقدم شود. صدارت طلب‌ها عبارتند از :

اسامی‌استفهام، اسامی‌شرط، کم خبریه، ما تعجبیه

۲ هرگاه مبتدا و خبر در معرفه یا نکره بودن مساوی باشند و هیچ قرینه‌ای برای تشخیص این‌که کدام مبتدا و کدام خبر است، وجود نداشته باشد، باید مبتدا مقدم باشد مثل : «أخوک رفیقی».

۳ چنانچه خبر با «إلاّ» یا «إنّما» محصور شده باشد، تقدم مبتدا وجوبی است.

حذف مبتدا و خبر هم هرکدام مواضع جوازی و وجوبی دارند که از حوصله بحث خارج است.[۱]

اشتباهات رایج دانش‌آموزان و راهکار

دانش‌آموزان هنگام حذف مبتدا یا خبر ممکن است هرکدام را با دیگری اشتباه بگیرند و آنها را به درستی تشخیص ندهند. در این زمینه لازم است تمارین بیشتری حل شود. متن حوارها پر از این قبیل حذف‌هاست لذا خوب است که دبیر گرامی، بسته به وقت و زمان کلاس، از متن حوار استفاده کند و حذف خبر یا مبتدا را در این متن‌ها به دانش‌آموزان نشان دهد.

تمارین

تمرین اول : جملات زیر را ترجمه کن سپس خبر و نوعش را مشخص کن.

۱ موفقیت کارها، در اخلاص در نیت‌هاست.

نجاح : مبتدا **فی اخلاص** : خبر مقدم از نوع شبه جمله (جار و مجرور) (النّیّات و الأمور مضاف الیه هستند.)

۱ــ ر.ک. مبادی العربیه، رشید الشّرتونی، ج۳، باب الإسم درس ۹

۲ درستی کار در گرو درستی نیت است.

صلاح(اولی) : مبتدا **بصلاحِ** : خبر از نوع شبه جمله (جار و مجرور) (العمل و النّیّة مضاف الیه هستند.)

۳ هر گمراهی علّتی دارد.

علّة : مبتدا **لکلِّ** : خبر مقدم از نوع شبه جمله (دقت داشته باشید که جار و مجرور و ظرف هرگز مبتدا واقع نمی‌شوند اما می‌توانند خبر باشند لذا در این جمله، «لکلِّ» صلاحیت مبتدا بودن را ندارد.)

ضلّةٍ : مضاف الیه

۴ مداومت بر گناهان، رزق را قطع می‌کند.

مداومة : مبتدا **تقطع** : خبر از نوع جمله فعلیه (المعاصی مضاف الیه و الرزق، مفعول به است، فاعل نیز هی مستتر است.

۵ هر چیزی از دنیا، پایان و نابودی (فنایی) دارد.

انقضاء : مبتدا **لکلّ** : خبر مقدم از نوع شبه جمله (شیءٍ مضاف الیه، من الدنیا جار و مجرور و فناء معطوف است.)

۶ هر چیزی از آخرت، دیدنش بزرگتر از شنیدنش است.

کلُّ : مبتدا **عیانُه أعظمُ** : خبر از نوع جمله اسمیه = عیان : مبتدا **أعظم** : خبر مفرد (شیءٍ مضاف الیه، من الآخرة جار و مجرور، ـه مضاف الیه، من سماع جار و مجرور و ـه نیز مضاف الیه است)

۷ هر چیزی از آخرت، جاودانگی و بقایی دارد.

خلودٌ : مبتدا **لکلّ** : خبر مقدم از نوع شبه جمله (شیءٍ مضاف الیه، من الآخرة جار و مجرور و بقاءٌ معطوف است.)

تمرین دوم : آیات را ترجمه کن سپس کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده را اعراب‌گذاری کن (نقش کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده را بگو)

۱ تو چه می‌دانی که حطمه (آتش خرد کننده) چیست! آتش برافروخته خداست!

الحطمة : مبتدای مؤخر **نارُ** : خبر مفرد برای مبتدای محذوف (در واقع «الحطمةُ

نارُ اللّٰهِ الموقدة» بوده که مبتدا به قرینه جمله قبلی، حذف شده است.) **اللّٰهِ** : مضاف الیه

۲ تو چه می‌دانی که چیست آن! آتشی سوزان است!

نارٌ : خبر مفرد برای مبتدای محذوف (در واقع «هی نارٌ حامیةٌ» بوده که مبتدا به قرینه جمله قبلی، حذف شده است.)

۳ و سعادتمندان! چیست (چه کسانی هستند) سعادتمندان؟! (آنها) در زیر درختان سدر بی‌خار هستند!

ما : خبر مقدم از نوع مفرد **أصحاب** : مبتدای مؤخر **الیمین** : مضاف الیه

فی سدر : خبر شبه جمله برای مبتدای محذوف (در واقع «هم نارٌ فی سدرٍ مخضود» بوده که مبتدا به قرینه جمله قبلی، حذف شده است.)

۴ میوه‌هایش و سایه‌اش همیشگی است.

أُکُل : مبتدا **ـها** : مضاف الیه **دائمٌ** : خبر مفرد

تمرین سوم : معرب و مبنی را در جملات تمرین اول و دوم مشخص کن.

معرب‌ها :

در تمرین اول : اخلاص/ النّیّات/ نجاح/ الأمور * صلاح/ العمل/ صلاح/ النّیّة * کلّ/ ضلّة/ علّة * مداومة/ المعاصی/ تقطع/ الرّزق × کلّ/ شیء/ الدّنیا / انقضاء/ فناء * کلّ/ شیء/ الآخرة / عیان/ أعظم/ سماع * کلّ/ شیء/ الآخرة/ خلود/ بقاء

در تمرین دوم : ذکر/ رحمت/ ربّ/ عبد/ زکریّا * الحطمة/ نار/ اللّٰه / الموقدة * نار/ حامیة * أصحاب/ الیمین/ سدر/ مخضود * أُکُل / دائم/ ضلّ

مبنی‌ها :

در تمرین اول : فی * بِـ * لِـ * لِـ / مِن * مِن / ـه/ مِن/ ـه * لِـ / مِن/ و

در تمرین دوم : و/ ما/ أدرا (فعل ماضی)/ کَ/ ما * و/ ما/ أدرا (فعل ماضی)/ کَ/ ماهیه (این کلمه را می‌توان حذف نمود زیرا نکاتی دارد که دانستن آنها برای دانش‌آموز ضرورتی ندارد.) «ماهیه» ساختار «ما + هی+ ـه» است که ما استفهامی‌خبر مقدم و هی مبتدای مؤخر است و ـه صرفاً برای سکت است و ضمیر نمی‌باشد) * و/ ما/فی *ـها/ و/ ـها

تمرین چهارم : معرفه و نکره را در جملات تمرین اول و دوم مشخص کن.

معرفه‌ها :

در تمرین اول : اخلاص (معرفه به اضافه)/ النّیّات (ذواللام)/ نجاح (معرفه به اضافه)/ الأمور (ذواللام) ❋ صلاح (معرفه به اضافه)/ العمل (ذواللام)/ صلاح (معرفه به اضافه)/ النّیّة (ذواللام) ❋ مداومة (معرفه به اضافه)/ المعاصی (ذواللام)/ الرّزق (ذواللام) ❋ الدّنیا (ذواللام) ❋ الآخرة (ذواللام)/ عیان (معرفه به اضافه)/ ـه (ضمیر)/ سماع (معرفه به اضافه)/ ـه (ضمیر) ❋ الآخرة (ذواللام)

در تمرین دوم : ک (ضمیر)/ الحطمة (ذواللام)/ نار (معرفه به اضافه)/ الله (علم)/ الموقدة (ذواللام) ❋ ک (ضمیر)/ هی در ماهیه (ضمیر) می‌توان حذف کرد ❋ أصحاب (معرفه به اضافه)/ الیمین (ذواللام) ❋ أُکُل(معرفه به اضافه)/ ـها (ضمیر)/ ظلّ (معرفه به اضافه)/ ـها (ضمیر)

نکره‌ها :

در تمرین اول : کلّ / ضلّة/ علّة ❋ کلّ/ شیء/ انقضاء/ فناء ❋ کلّ/ شیء/ أعظم ❋ کلّ/ شیء/ خلود/ بقاء

در تمرین دوم : ما (استفهامی و نکره است) ❋ نار/ حامیة ❋ ما/ سدر/ مخضود ❋ دائم

تمرین پنجم : معرفه و نکره را در جملات تمرین اول مشخص کن.

فی اخلاص ❋ بصلاح ❋ لکلّ ❋ لکلّ/ من الدّنیا ❋ من الآخرة/ من سماع ❋ لکلّ/ من الآخرة

گفت‌وگو (در ورزشگاه)

خبرنگار : به تو تبریک می‌گویم به‌خاطر پیروزی تیم ملّی!

بازیکن : بسیار سپاسگزارم!

خبرنگار : احساس بازیکنان از این موفقیت چیست؟

بازیکن : ما احساس شادی می‌کنیم و آرزوی جام مسابقات را داریم.

خبرنگار : راز موفقیت تیم در این مسابقه چیست؟

بازیکن : ما با تمام غیرت بازی می‌کنیم و در طول مسابقه همکاری می‌کنیم.

خبرنگار : صحبت دیگری داری؟

بازیکن : از مربّی و داور تشکر می‌کنیم و به ملّت تبریک می‌گوییم و از آنها دعا کردن برای موفقیت در مسابقه آینده را می‌خواهیم.

منابع و مآخذ دانش افزایی

۱ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج ۳، موسسه انتشارات دارالعلم، قم

۲ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج ۴، بخش صرف، موسسه انتشارات دارالعلم، قم

۳ الشرتونی، رشید، مبادی العربیّة، ج۴، بخش نحو، موسسه انتشارات دارالعلم، قم

۴ کشفی، عبدالرسول، آموزش صرف، کتاب طه، قم

۵ کشفی، عبدالرسول، آموزش نحو، کتاب طه، قم

۶ محمدی، حمید، زبان قرآن (علم نحو)، موسسه انتشارات دارالعلم، قم